

تاریخ ۲۵ ساله

ارتش شاهنشاهی ایران

تألیف

فریخ آند قوی





MC

فوت کتب در صفحہ ہستم آ

DS  
318  
Q19t

۲۰۲۰

۲۰۲۰

UNIVERSITY OF CALIFORNIA LIBRARY

Los Angeles

This book is DUE on the last date stamped below.

REC'D LD-URL

DEC 20 1977

DATE SENT

OCT 23 1995

ILL-CUY

DUE 3 MONTHS FROM  
DATE RECEIVED

DISCHARGE-URL  
AUG 23 1982

DISCHARGE-URL

AUG 23 1982

AUG 23 1982

REC'D LD-URL

FEB 8 1996

JUL 5 1983

JUL 5 1983



Digitized by the Internet Archive  
in 2014

<https://archive.org/details/tarikhi25salahia00qadi>





تایخ ۲۵ ساله

# ارتش شاهنشاهی ایران

تالیف

فریح الله قدیمی

مؤلف و نویسنده سالنامه آریان

چاپ اول

بهامی چاپ اول  
ریال

حق چاپ و تعلید و ترجمه و اقباس بدون

اجازه مؤلف نگذی محفوظ و ممنوع است

نشانی - تهران - اداره سالنامه آریان تلفن ۸۵۴۷ تلگرافی آریان

بانتظام یک جلد تایخ کامل ایران

درچاپخانه های مجلس شورای ملی و بانک ملی ایران و برادران فردین و دانشگاه مجموعاً  
باتاریخ ایران بتعداد ۳۰ هزار جلد چاپ شده است

این کتاب نفیس که ارتش را با ملت ممزوج نموده و یک تاریخ ابتکاری بی سابقه و بدیع و حدیث است سرمشق مبارزه راه آزادی و تفوق برای نسل آینده قرار خواهد گرفت در هر صفحه این کتاب برابر چهار صفحه کتب دیگر مطلب گنجانیده شده است این کتاب با تاریخ ضمیمه آن قبلاً بمبلغ جلدی ۵۰ ریال بفروش رسیده ولی هر جلدی ۷۲ ریال برای مؤلف تمام شده است دارای بهترین تصاویر و چاپ و کاغذ می باشد - برای درک اهمیت تألیف و مشقت نگارش این کتاب همین قدر کافی است گفته شود برای تعیین مرز ایران و بلوچستان که در صفحه ۲۰ سطر آخر درج گردیده است ۲۸ روز تفحص شده و برای یکی از ارقام ۱۰ روز و برای تهیه یک عکس ۱۵ روز وقت آمد و شد تلف شده است همینطور برای هر یک از اعداد و شیفرها و آمار و اطلاعات ذیقیمت و دانستن مرجع موثق آن هفته ها و ماهها و بلکه سالها برای جستجو و تتبع سپری شده است و چندین بار فرم چاپ آن عوض شده و هزینه های هنگفتی وارد ساخته است - ضمناً مطابق صورتی که تنظیم شده تعداد ۵ هزار جلد از این تاریخ نفیس را اختصاص به کتابخانه های دبیرستانها و دبستانها و وزارتها و ادارات و مؤسسات فرهنگی و جراید و نویسندگان و کشورهای خارجه داده ایم که بطور مجانی و بلاعوض بایست سفارشی ارسال خواهد گردید . ما اینهمه خسارات مادی و زحمات فکری و روحی چندین ساله را در قبال اثر نهائی انتشار این تاریخ گرانها ناچیز میشماریم .

تذکر مهم - ریز و درشتی حروف ابدأ مربوط با اهمیت مطالب این تاریخ یاغیر آن نیست فقط فن بدیعی است در چاپ برای راحت چشم هنگام مطالعه چه بسا مطالب بسیار مهم بدون تظاهر با همان حروف ریز چاپ شده است .

**کتاب را ورق نزنید و عکسهای آنرا تماشا نکنید بلکه بدقت مطالعه کنید**  
از روی همین نظر است که عکسها را در متن کتاب چاپ ننمودیم تا مطالب لازم آن از نظر دور نشود .

### مهم ترین ماخذ و مستندات تاریخ ۴۵ ساله ارتش شاهنشاهی

- |  |  |
|--|--|
| تاریخ نظامی ایران (فوزانلو) ۲ جلد          | یادداشتها و مطالعات و مشاهدات ۲۵ ساله مؤلف |
| سالنامه آریان (یکدوره) ذبیح الله قدیمی     | ایران باستان بیرنیا ۴ جلد                  |
| التدوین (اعتماد السلطنه)                   | جغرافیای کیهان ۳ جلد                       |
| کنفرانس تهران                              | شاهنشاهی ساسانیان (گریستنسن)               |
| تاریخ بیست ساله ایران (مکی) ۳ جلد          | تاریخ قاجاریه (مستوفی) ۳ جلد               |
| زندگانی شاه عباس کبیر (سجّاب)              | تاریخ ایران (عباس اقبال)                   |
| انقرض قاجاریه (بهار)                       | داستانهای شاهنامه فردوسی (ذبیح الله قدیمی) |
| شاهنشاه یهلوی (نوبخت)                      | تاریخ رویان                                |
| وقایع و حقایق شهر یور (خلیلی عراقی) یکدوره | سیک شناسی (بهار) ۲ جلد                     |
| پسران من (پولدومر)                         | اسامی دهات کشور                            |
| نگارشهای پسیان در روزنامه اطلاعات          | خلیج فارس (دریادار بایندر)                 |
| مجله هفتگی                                 | جغرافیای کلاسیک ۵ جلد                      |
| خلیج فارس (نوریزاده بوشهری) ۲ جلد          | دریای خزر (بریمانی)                        |
| مقالات دوره مجله ارتش                      | جغرافیای تاریخی غرب ایران (کریمی)          |
| مجله یادگار (عباس اقبال)                   | مرزهای ایران (مهندس مخیر)                  |
| ارزش مساعی ایران (خان ملک)                 | چرا فرانسه شکست خورد (اندره موروا)         |
| غوغای تخلیه ایران (خان ملک)                | تاریخ معجم                                 |
| تاریخ جاوید                                | خلیج فارس (ویلسون)                         |
| کتب و جراید و مجلات مختلف                  | تاریخ نظامی ارتش ایران ۳ جلد               |

D5  
318  
Q197



تاریخ ۲۵ ساله

# ارتش شاهنشاهی ایران

تألیف

ذبیح الله قدیمی «شید»

مؤلف و نویسنده سالنامه آریان

ارتش نجات دهنده و آزادی بخش ایران برای پشتیبانی عموم افراد طبقات ملت باستانی و باشهامت میهن عزیز ما ایران است که در پناه سر نیزه آن استقلال سیاسی و اقتصادی و امنیت داخلی داشته راحت کار کنند و با سودگی زندگانی نمایند و خود و فرزندانشان بسوی رفاهیت و تمدن و ترقی و فرهنگ عمومی پیش بروند. در سایه عدل و امنیت و رأفتی که ارتش شاهنشاهی ایران در سراسر فلات ایران ما گسترده است هیچ متعدی را یارای تعدی بر طبقات و افراد ملت یگانه و یکدل ایران باینده و جاویدان باد ارتش شاهنشاهی ایران نیست.

حق چاپ و تقلید و ترجمه و اقتباس بدون

اجازه مؤلف کلی محفوظ و ممنوع است

نشانی - تهران - اداره سالنامه آریان - بخش ۱۵۴۷ - تلگرافی آریان

با انضمام یک جلد تاریخ کامل ایران

قهرست این کتاب در صفحه هشتم میباید

1437/268

در چاپخانه های مجلس شورای ملی و بانک ملی ایران بعد از بی نظیر طبع رسیده است - تهران ۴ آبان ۱۳۲۶





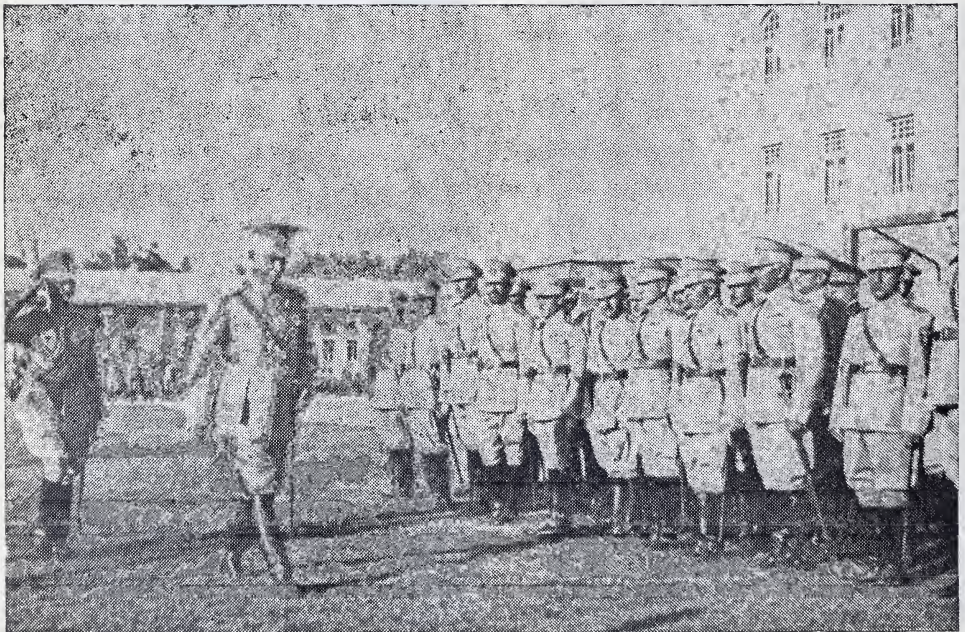
### بزرگ ارتشتاران فرمانده

اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه محبوب ایران





اعلیحضرت همایون شاهنشاه  
فقیه سعید رضا شاه پهلوی  
مؤسس ارتش شاهنشاهی  
و موجد مجد و عظمت  
و استقلال ایران



اعلیحضرت شاهنشاه فقیه سعید در دوران سلطنت بر اقتدارش هنگام  
عبور از برابر امراء و افسران ارشد ارتش شاهنشاهی ایران



امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده‌اند



تیمسار سپهبد مرتضی یزدان پناه



تیمسار سپهبد احمد امیر احمدی



تیمسار سر لشکر حاجیعلی رزم آراء



تیمسار سپهبد محمدشاه بختی



تاریخ ۲۰ ساله ارتش شاهنشاهی ایران  
۵  
امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده اند



تیمسار سر لشکر امان‌الله جهانبانی



تیمسار سر لشکر محمد نجوان



تیمسار سر لشکر فضل‌الله زاهدی



تیمسار سر لشکر عزیزالله ضرغامی



امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده اند



تیمسار سر لشگر اسمعیل شفائی



تیمسار سر لشگر عبدالله هدایت



تیمسار سر لشگر محمد صادق کوپال



تیمسار سر لشگر محمد حسین فیروز



تاریخ ۲۰ ساله ارتش شاهنشاهی ایران  
امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده اند



تیمسار سر لشگر احمد خسر وانی

تیمسار سر لشگر محمود بهارمست



تیمسار سر لشگر ابراهیم ضرابی

تیمسار سر لشگر سید محمود میر جلالی



# فهرست مطالب تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۰۳	تلگرافات در باره خلع قاجاریه	۹	ارتش ما از لحاظ سیاسی (گفتار مهم)
۱۰۴	نقطه‌های پرحرارت در مجلس مؤسسان	۱۴	آمار نیروهای اشغالگر دول جهان
۱۰۷	توسعه ارتش در جمیع شئون از ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰	۱۵	کشورهای کوچک هم مسلح شده‌اند
۱۱۲	۱۸ لشکر در سال ۱۳۲۰	۱۶	علت تقویت ارتش در کشورها
۱۱۳	آمار جالب توجه از ارتش	۱۹	وظایف طرفداران ارتش (فصل مهم)
۱۱۵	نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی ایران	۲۰	مرزهای ایران
۱۱۸	بحریه ایران از قول هرودوت	۲۱	اهمیت سیاسی-نظامی-اقتصادی دریای خزر
۱۲۰	ناوگان ایران در شهریور ۱۳۲۰	۲۲	ثروت استانهای شمالی
۱۲۲	افول خورشید جوان نیروی دریائی ما	۲۴	البرز ربانی
۱۲۳	آتش نیروی مهاجم و غرق ناویلنگک	۲۵	منبع خدادادی خلیج فارس - دریاهای آزاد
۱۲۵	غرق ناوهای کرکس و شهباز و ببر	۲۹	جزایر خالی از سکنه
۱۲۸	تجدید تأسیس نیروی دریائی	۳۰	بحرین و تاریخ و جغرافیای آن
۱۲۹	جلد دوم - شب تار سوم شهریور	۳۲	جمعیت ایران - شرط زندگی
۱۳۲	ارتش در شهریور ۱۳۲۰ - ۱۰۷۳ افسر	۳۳	معادن ایران
۱۳۷	شاهنشاه محمد رضاشاه پهلوی	۳۵	آمار بسیار مهم نیروهای زمینی دول
۱۳۹	شرح زندگانی شاهنشاه جوان	۳۷	آمار هواپیماها و بودجه دول
۱۴۷	گفتار خسروانه	۳۹	پرچم و فرمان وطن
۱۴۸	صفات و سجایای شاهنشاه جوان	۴۱	نیروهای ایران قبل از تأسیس ارتش
۱۵۰	رژه چهارم آبان یا آغاز سعادت ایران	۴۷	حسب ونسب سلسله‌های پهلوی ایران
۱۵۵	آذربایجان - تاریخ و جغرافیای آذربایجان	۵۱	نیاکان شاهنشاه پهلوی
۱۵۶	چگونه آذربایجانی ترک‌زبان شد	۵۳	بیوگرافی شاهنشاه فقید سعید
۱۵۷	جریان تأسیس مسلحانه فرقه دموکرات	۶۱	کودتا - قیام - تصرف تهران
۱۵۹	مقاومت یادگان رضائیه - قهرمان رضائیه	۷۰	تأسیس ارتش شاهنشاهی ایران
۱۶۲	اعزام نیروهای ارتش به آذربایجان	۷۲	ارتش از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴
۱۶۳	جنگ مهیب و شگرف قافلانکوه	۷۶	تشکیل لشگرها - در مرکز و شهرستانها
۱۶۵	انگکاس مدهش‌غرش توپخانه در کوهستان	۸۰	آغاز استفاده از ارتش
۱۶۸	پیروزی ارتش-نجات آذربایجان-سقوط تبریز	۸۰	متجاسرین گیلان - جنگهای شمالی
۱۶۹	پیروزی لشگرها در مهاباد- آستارا- اردبیل	۸۴	تخلیه رشت از قوای روس
۱۷۰	آتش زدن شهر آستارا	۸۶	پیروزی ارتش در فرونشاندن غائله سمیتگو
۱۷۱	فرار پیشه‌وری از مرز - پرچم ایران بر فراز ارس	۸۸	نخستین جنگ مهم نظامی آذربایجان
۱۷۲	سازمان کنونی ارتش شاهنشاهی	۹۵	شورشهای چمنی - جنوب - خزرل
۱۷۴	تاریخچه سازمان شهربانی ایران	۹۹	جنگهای شدید ارتش در لرستان
۱۹۳	تاریخچه ۲۵ ساله ژاندارمری ایران	۱۰۰	تأثیر عظیم فتوحات ارتش در خارجه
۱۷۷	گراورها و اضافات کتاب واحساسات مؤلف	۱۰۰	طغیان سردار رشید - افتتاح ادارات
۲۰۱	سرودها و مدارک راجع بایران وملحقات	۱۰۲	پیدایش سلطنت پهلوی و ایجاد ارتش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فصل اول

گفتار شایان توجه

ارتش از لحاظ سیاسی تا چه حد برای ایران لازم است

فرزند ایران - میهن عزیز ما ایران که ذکر نامش برای جانبازی ما کافی است سرزمینی است دارای منابع بی‌شمار خدادادی و مایگانه ملتی هستیم که دارای تمام موجبات سعادت میباشیم و میتوانیم با استفاده از دریاها و اراضی وسیع و راههای ارتباط هوایی و آسمان شفاف و هوای صاف خود درهای خصب نعمت و فراخی و رفاه که اکنون از هر طرف بسوی ما بسته است باز کنیم.

فرزند ایران - افسوس که ایرانیان، میهن عزیز خود را خوب نمی شناسند در حالی که ثروت و غنا در زیر پا دارند ره فنا می سپارند.

از کناره های رود خروشان ارس تا کرانه های خشک و سوزان جاسک و گواتر در هر جیبی از این خاک گرامی تر از زر و سیم، طلا نهفته است.

میهن ما از راه خلیج فارس و دریای عمان بتمام آبهای اقیانوسها راه دارد و از طرف شمال با داشتن دریاچه شگرفی چون خزر تا قلب کشور شوروی مربوط است میهن عزیز ما ایران، اگرچه بواسطه وجود کوههای مرتفع از رطوبتهای بحری محروم است ولی با انهار و شطوط گرانبهای زیادی مشروب میشود و بدهقانان ما مایه حیات می بخشد. هوای میهن ما معتدل و طبیعت خیلی بیشتر از سایر کشورها در این سرزمین بما بخشش های فراوان مبذول داشته و مهر مادری دارد تمام آنچه که مال ما است و تمام آنچه که ما را احاطه کرده و تمام آنچه که ما دوست داریم میهن

ما را تشکیل میدهد موجب زندگانی انفرادی و زندگانی خانوادگی و حیات اجتماعی ما است ایران یعنی هوا و زمین و آبهای ملک ما و ملک پدران ما یعنی آسمان صافی که بالای سر ما و زمین حاصلخیزی که زیر پای ما است.

ما افراد هم نژاد و هم زبان و هم کیش در اینجا با نهایت غرور و استقلال و سرافرازی بدون اینکه تحکمی از بیگانه بشنویم زندگانی میکنیم برگزیدهترین افراد کشور ما که نور ایزدی در سیما و خون آریائی در رگها دارد و مجهز به عالیترین سجایا و مدارج انسانیت و اخلاق و کمال بشری است بر ما سلطنت میکند، از خود ما است، و محبوب ما است.

همه ما تابع قانونی هستیم که خود برای سعادت مان وضع کرده ایم قانون یا حکمی از هیچ شخص دیگری دریافت نمیکنیم.

این سرزمین مقدس مسکن ملت شجاعی است که ما در پهنای آن عضو زنده میباشیم. در ادوار مختلف تاریخ، بزرگان و دانشمندان بعالم بشریت داده و مشعلدار تمدن بوده ایم در دوران باستان یگانه ملتی بوده ایم که برای خیر بشریت کار کرده ایم و آثار فنا ناپذیر در بسیط زمین از خود باقی گذاشته ایم.

میهن شامل مجموع افتخارات گذشته ما - استقلال فعلی ما - امید و ایمان ما به آینده پر افتخاری است که با آرزوی سرافرازی ما را زنده نگاه داشته است.

**میهن ایران است،** ایران عزیز و پر بخشایش.

وطن مادرا است بلکه مادرا و مادر مادرا است چه والدین ما نیز حیات خود را از این خاک پاک دریافت داشته اند در تمام قلبهای پاک ایران عزیز است.

در هر قدم و وطن همواره با آهنگ لطیف و مطبوع پر مهر خود ما را صدا میزند و در اکثر اوقات که ما با آواز لطیف او پاسخ میدهیم اشک تائر در چشمان ما حلقه میزند چنانکه در آذربایجان عزیز همه جا اشک از چشمان ملت و شاهنشاه محبوب ملت ما جاری شد افسوس که آن اشکها خشکید ولی اثر او بصورت این نوشته های گهر بار بر روی این کاغذ برای ابد باقی ماند.

مجموعه آن اشکها حالت عمومی فرزندان این سرزمین است روح میهن در همین چیزها است که ما را متنبه بفرائض و وظایف و تکالیف بشمار می کند.



ای فرزندان ایران - امروز مشتی لخت و عور و گرسنه و بی فرهنگ و بی ثروت اکثریت مردم ما را تشکیل میدهند اکنون که این سطور را مینویسم روز ۳ مرداد ۱۳۲۶ است در یکی از دههای نزدیک تهران بسر میبرم چند طفل از جلو چشمم عبور میکنند پاهای برهنه آنها کپک بسته و سنگ سخت این کوهسار گوشت آنرا سوراخ سوراخ و لخت لخت نموده است، ریشه‌هایی از کهنه‌های مندرس فقط قسمتی از بدن آنرا ستر عورت داده است خوراک این اطفال کمی نان و آب است دیگر هیچ چیز ندارند بخورند شش بچه دنبال يك الاغ روانند و چنین برمیآید که همین يك الاغ سرمایه و هستی این اطفال و تمام افراد خانواده آنهاست او را بیش از چند تن از خود دوست میدارند.

همچنین است وضع ملت ایران در تمام نقاط بلکه در شهرستانها و بیابانهای دور دست بمراتب از این بدتر، و فجع تر - اگر بر اثر نزدیکی تهران دردهای اطراف آن کمی نان برای سد جوع پیدا میشود در نقاط جنوبی نان هم پیدا نمیشود لاشک در روزنامه ها خوانده‌اید که در نقاط جنوبی منجمله در جهرم مردم بکشتار گاه هجوم میآورند تا خون حیوانات را بخورند اغلب از گرسنگی و مرض میمیرند و یا خوراکی دارند که انسان از نوشتن و شرح وضع و حالت آن شرم دارد و اشک میریزد اکنون باید به بینیم این فقر کریه و بد منظر عمومی ملت ما را چه علل و موجباتی بوجود آورده و برای تبدیل آن بسعدت چه چاره‌ای باید اندیشید.

موقعیت جغرافیائی ایران از لحاظ طبیعی و سیاسی و اقتصادی در قرون و ادوار مختلف وضعی داشته که مورد تهاجم و عبور ملل و اقوام بوده است و اکنون نیز معرض چشم داشت‌های سیاسی و منافع مادی کشورهای بزرگ میباشد و از طرفی در داخل بمناسبت وجود زمامداران نالایق و غیر صالح افراد ناراضی زیاد بوجود آمده‌اند که از بین این عده آنها که از بقایای بساط خان‌خانی و ملوک‌الطوایفی بوده اند یاغی و طاغی گردیده باقیام ها و طغیان های مسلحانه خود هر لحظه موجب هراس و دهشت مرکز را فراهم کرده پیشرفت بسوی تمدن را برای تمام هیمن متوقف ساخته اند.

اخیراً نیز بساط حزب بازی و اختلافات مرآمی بدبختی جدیدی تولید نموده بتحریكات بیگانگان نغمه تجزیه بوجود آورده قضایائی مانند موضوع آذربایجان و نظایر آن در جنوب و سایر نقاط کشور منجمله کردستان بوجود آورده است .

زامداران ایران در دوره قاجار و در دوره شش سال اخیر متوجه این نکته مهم نبوده‌اند که علت اینکته برای ایران موقعیت و شخصیت برجسته بین‌المللی پدید نیامده چه بوده است درک این نکته را فقط اعلیحضرت فقید سعید کرده بودند که افسوس زمانه بی‌مهر چندان وفا نکرد که اجرای تمام آن افکار پاک بمرحله انجام درآید .

دول کوچک در جهان بسیارند ولی هیچیک از آنها تا این حد دچار بدبختیهای داخلی و خارجی نیستند .

**دولت ترکیه** خصوصاً در سالهای اخیر دچار مشکلاتترین لحظات تاریخی سیاسی و فشارهای خارجی بود چه چیز باعث این شد که ترکیه در جنگ گذشته سالم ماند و پس از آن نیز از مهلکه‌ها جان بدر برد آن وجود شصصد و هفتاد و پنج هزار سرباز مسلح حاضر بچنگ بود که فعلاً برابر عده افراد مسلح اتانزونی و بیش از سایر کشورهای اروپا باستانی دولت اتحاد جماهیر شوروی است امروزه دولت ترکیه سی تا چهل لشکر زیر پرچم دارد .

با اینکه کشور ما از بسیاری لحاظ بر کشور ترکیه برتری دارد ترکیه توانست بر اثر وسعت دادن نیروهای نظامی و سپاهی خود شخصیت برجسته بین‌المللی بدست آورد بطوری که بحرف نماینده او گوش داده ترتیب اثر میدهند .

**پادشاهان قاجار** چون سپاه و لشکر نداشتند چاره‌ای جز این ندیدند که عمری را بیعاشی بگذرانند و فقط از همان عنوان شاهی استفاده کنند چه میدانستند در اطراف آنها نیروهای گوناگون عظیمی خفته است که با اندک انحرافی بساط سلطنتشان از هم پاشیده و شیرازه حکومتشان گسسته میشود .

اعلیحضرت فقید سعید با ایجاد ارتش شاهنشاهی میرفت که موقعیت بین‌المللی شایسته‌ای برای ایران تهیه کند بطوری که اگر خلاف شئون میهن از کشورهای دوست حرکتی مغایر موازین سیاسی میدید با آنها قطع رابطه مینمود چنانکه با فرانسه قطع رابطه نمود و با وساطت شخصی و مستقیم **البرت لبرون رئیس جمهوری** آن کشور اختلاف مرتفع گردید و همچنین با **آمریکا** نیز چنین وضعی پیش آمد که از آن پس کشورهای جهان دانستند قوه و قدرتی در ایران وجود دارد که بسختیانش استحکام می‌بخشد .

البته قبل از هر چیز همانطور که بارها تذکر داده و نگاشته‌ام برای ایران فرهنگ لازم است و پس از آن ارتش و بعداً توسعه کشاورزی و بهداشت و صنعت .

ولسی در ایران امروز ارتش مانند نیرو و روان است که قبل از فرهنگ فعلاً باید آنرا توسعه داد تا دیگر تزلزلی برای پیشرفت‌های ما بسوی تمدن و تعالی و ترقی پدید نیاید .

ممکن است هر لحظه میهن عزیز ما بر اثر تجاوز و تعدی یا بهانه‌تراشی یکی از دول بوسیله نیروهای قوی و خطرناکی ویران گردیده با خاک یکسان شود . ادب و فرهنگ اگر چه مقدس و گرانبها است اما اگر قوه پشتیبان

**آن نباشد ثبات و بقائی ندارد** امروز تمام میهن پرستان و تمام کسانی که آرزو دارند که هم میهنانشان از ستمها و شقاوت‌های داخلی و جریانات سوء سیاستهای خارجی آسوده و برکنار و مرفه شوند باید دامن همت بکمرزده مردانه با بنل پراج‌ترین هستی زندگانی خود ارتش ملی ما را توسعه داده تقویت بخشند .

بیگانه پرستان با تبلیغات زهر آگین خود چنین پراکنده بودند که درسوم شهریور افتضاح بی نظیری از ارتش ایران باقی ماند .

**در صورتیکه ماهیت این تبلیغات از نظر نظامی هیچگونه ارزشی در کشورهای خارج از ایران ندارد** چه خارجیان میدانند که ارتش ایران درسوم شهریور بهیچوجه حاضر و آماده برای هیچگونه نبردی نبود و ضرورت آنرا هم احساس نمینمود! کشوری بود بیطرف نه اختلافی با کشورهای دیگر داشت و نه تظاهری در جنگ جهانسوز اخیر کرده بود با وضعی که برای او از دو طرف قوی پیش آمد هیچ کشوری جز آنچه که ما کردیم نمیتوانست بکند بلکه شهامت اخلاقی بزرگی از ما بازماند که تاریخ ما را درخشان تر نمود و جنگ جهانسوز نیز با همت بی نظیر ما و افراد ملت ما و امنیتی که ارتش ما بوجود آورده بود و همچنین با بنل مال و تثار جان ما و راههای زمینی و آهنی و هوایی و سایر موارد و مواضع ارتباطی ما به پیروزی متفقین ما پایان یافت و اهریمن ددی و وحشیگری از جهان رخت بر بست .

پیروزی و شجاعت ارتش ایران در قضایای آذربایجان و خاتمه دادن بغائله آن سامان بمنصه ظهور رسید ما فقط با غلام یحیی و ارتش مجهز و مکمل دموکرات‌های آذربایجان جنگ نکردیم بلکه بادستگاه وسیعی که غلام یحیی و خود مختاری ایالت آذربایجان را بوجود آورده بود جنگیدیم و بافتح تنگه شگرف قافلانکوه که تفصیل جنگ عظیم آن در همین کتاب برای ضبط در تاریخ مندرج است به پیروزی بزرگ نائل شدیم و میهن ما ایران و استانی را که آتشکده آذرگشسب شیش در آن واقع است از اهریمن بد کنش نجات دادیم .

**پیروزی از آن ما گردید** و ما را بجهانیان شناساند و مقام ارتش و میانی قدرت و یگانگی آنرا فهماند **سفسطه گران** بقدری منکر حقایق هستند که نفوذ آنها در جمیع شئون اداری و ملی و بین زمامداران مابعدی وسیع و پر رسوخ است که گاهی برخودما القاء شبهه مینمایند **سفسطه گران یمن الملل** میخوانند بین ما تلقین کنند که مادارای هیچگونه افتخاراتی نیستیم زیرا آنها بخوبی درک کرده اند وقتیکه این شهامت‌ها از ما منتزع گردید ما مجبور خواهیم شد خود را در دامن آنها بیفکنیم، قطعی است وقتیکه افتخارات از يك ملت گرفته شد اجساد و تنهائی بیروح و بی احساسات باقی میماند که خیل خیل بهر طرف جریان آنها را سوق دهد رانده میشوند .

پس برای ما موجباتی که افتخارات ما را حفظ میکند و تبلیغاتی که ما را بهمین عزیز خود علاقه مند میسازد و محبت بآب و خاک و توسعه دادن اقتصاد کشور را بوجود میآورد از هر چیز واجب‌تر و لازم‌تر است . دیگران چرا برای ما دایه‌های مهربان‌تر از مادر جلوه میکنند؟

غرض از اشاعه تبلیغات مرامی مرفه بودن و آسوده زیست کردن است پس در صورتیکه ما ملیت خود را استوار کرده در پناه وحدت ملی اختلافات خود را دور بریزیم منابع سرشار کشور ما بجدی فراوان است که تمام افراد ملت ما را یکایک سعادت مند و ثروتمند میسازد مامیتوانیم در اراضی وسیع خود براحت زیست کنیم در حالی که سایرین نیز بما احتیاج خواهند داشت .



پس قبل از همه و برای پیشرفت در راه جمیع این مقاصد و بدست آوردن شخصیت شایسته بین‌المللی و سرکوب کردن یاغیان و طاعیان داخلی و بجای نشانیدن اشخاص جاه طلب و خود خواه و طمعکار و مادی و درعین حال غرض ران و نالایق که هر لحظه برای ابقاء مقام خود مشکلات سیاسی جدیدی غیر مستقیم برای ما فراهم می‌آورند چاره‌ای جز این نیست که یک ارتش قوی با تجهیزات جدید و کافی و برق‌صدها هزار سرنیزه بوجود بیاوریم.

### باید این چنین ارتشی بوجود بیاوریم برای ما حتمی است.

پس از اینکه پشت ملت بانگه آن مستحکم گردید با خیال راحت بسوی اصلاحات می‌شتابید و از قضایای سیاسی نمی‌هراسد.

### امروز روز نبرد بقای ملل است

جای تعارف نیست باید حقایق گفته شود. تا کی میتوان تقيه کرد.

**اشتباه نشود! همیشه برای کشورها خطر از لحاظ پیش آمدهای عمومی بین‌المللی نیست امروزه در نقاط بسیاری از جهان اختلافات سرحدی و یا داخلی و مرامی و یابین دو دولت وجود دارد که رابطه زیادی باوضاع بین‌المللی ندارد هر یک از طرفین که نیروهای کافی داشته باشد پیشرفت میکنند بدون اینکه سایر کشورها بتوانند مداخله کنند.**

و از آن جمله است نبردهای موضعی و سرحدی که ارتشهای فرانسه و هلند در کشورهای که آنها را مستعمره خود میدانند بعمل می‌آورند مخصوصاً در اندونزی و هند و چین و از آن جمله است وضعیت یونان فعلی و جنگهای داخلی چین که هم اکنون فقط در همین کشور اخیر بیش از ۵ میلیون نفر مشغول کارزارند.

**ما در دنیائی زندگی میکنیم که در حال حاضر بیش از دو میلیون سر باز در خارج از میهنها و کشورها و مراکز اصلی خویش خدمت میکنند.**

اکنون با اینکه بعد از جنگ جهانسوز و وحشیانه گذشته دنیا در حالت صلح بسر میبرد و جهان را آفتابی پس از یک طوفان مدهش نورانی ساخته است معهذرا در هر گوشه و کناری تجاوز و مهاجمه و بالاخره آتش جنگ زبانه کشیده است.

**نیروهای ویتنام** مرکب از صدهزار نفر که در جنگ و گریز و جنگهای ایلاتی و بدولائی دارند و با اسلحه‌های خود کاریکه ژاپونها بجای گذاشته اند مساح میباشند و توپخانه نیرومندی هم صفوف مقدم آنها را پشتیبانی میکند و یک میلیون نفر سر باز دیمی و جنگجویان غیر نظامی نیز که لاینقطع خرابکاری میکنند و تخم بیم و هراس می‌باشند با آنها همدست میباشند.

این نیروها با فرانسه در جنگ هستند فرانسه با صدهزار نفر سر باز و دو تپ چتر بازوسه گروه از سر بازان داوطلب خارجی با آنها نبرد میکند در ماداگاسکار نیز اغتشاشاتی بین اهالی و نیروهای فرانسه وجود دارد که عده نیرو برای تقویت پادگان آنجا گسیل گردیده است.

**در هند هلند** نیز آتش جنگ زبانه کشیده و بین یکصد هزار سر باز هلندی و مستعمراتی اش با نیروئی مرکب از صدهزار نفر از سر بازان جمهوری اندونزی در شدیدترین جنگ مستعمراتی میباشند نیروهای هوائی هلند هواپیماهای طرف را سرنگون ساخته و طرفین تا حال تلفات شدید

داده اند و حتی وساطت کشورهای بزرگی چون انگلیس و آمریکا سودی نبخشیده تا بجدی که سازمان **ملل متفق** مستقیماً بمیانجی گری برخاسته حالت آنها را مورد رسیدگی قرار داده است .  
 سربازان جمهوری اندونزی از طرف ۲۵۰ هزار تن جنگجویان غیرنظامی تقویت میشوند .  
**در فلسطین** نیز اغتشاشات داخلی بجدی توسعه یافته که ۶۵ هزار تن سرباز انگلیسی مرکب از ۲ لشکر پیاده ، ۲ تیپ هوایی و ۵ هزار سرباز نیروی هوایی سلطنتی که از طرف ۱۰۰۰ تن سربازان امیر عبدالله فرمانفرمای ماوراء اردن تقویت میشوند در آنجا آماده کارند .  
**در فیلیپین** نیز ۲۵ هزار تن سرباز که هسته ارتش جدید دولتی آنجا را تشکیل میدهند با چندین هزار نفر شورشی آماده بیکارند .

اشغال اراضی دول محور سابق نیز مشکلات نظامی جدیدی است که بعد از جنگ جهانی اخیر برای دول بزرگ بوجود آمده است بطوریکه هم اکنون روسیه شوروی ۷۵۰ هزار سرباز در کشورهای بیگانه نگاهداشته است .

در آلمان ۲۲۰ تا ۳۵۰۰۰۰ سرباز در اطیش ۳۰ تا ۵۰۰۰۰۰ سرباز در لهستان ۴۰ تا ۱۶۰۰۰۰ سرباز در مجارستان ۱۰ تا ۳۰۰۰۰۰ سرباز در بلغارستان ۸۵۰۰۰۰ سرباز در رمانی ۱۲۵ تا ۲۲۵۰۰۰۰ سرباز در فنلاند ۵۰۰۰۰ سرباز در منچورستان و کره ۲۵۰۰۰۰۰ سرباز که ۱۱ لشکر از آنها در کره شمالی است هم چنین دولت اتحاد جماهیر شوروی در بعضی از کشورهای دست نشاندۀ خود عدۀ سرباز و درجه دار و آموزگار نظامی نگاه داشته است مثلاً در آلبانی ۳۰۰۰ نفر در چکوسلواکی ۵۰۰۰ نفر در یوگوسلاوی ۸۰۰۰ نفر .

**کشورهای متحده آمریکای شمالی** نیز برای اشغال نقاط زیر در جهان نیروهای نظامی نگاه داشته است در آلمان ۱۴۵ تا ۱۵۵۰۰۰۰ سرباز در اطیش ۹ تا ۱۲۰۰۰۰ سرباز در ایتالیا ۲۸۰۰۰۰ سرباز در ژاپن ۱۳۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ سرباز همچنین در چین ۶۲۰۰ سرباز آمریکائی و در کره ۵۰۰۰۰۰ نفر و در فیلیپین ۳۶ هزار که با ۳۲ هزار سرباز بومی تقویت میشوند از طرف کشورهای متحده آمریکای شمالی نگاه داشته شده است در کانال پاناما و آمریکای مرکزی عدۀ افراد پادگان آمریکا تا ۱۰ هزار نفر میرسد هم چنین در گروئنلند که موضوع مورد اختلاف بین اتازونی و دانمارک است آمریکائیان پادگان مختصر و کوچکی دارا میباشند .

**نیروهای نظامی انگلستان** نیز بطوری که همه میدانیم در سراسر نقاط جهان پراکنده میباشند از آنجمله در آلمان ۱۷۵ تا ۲۵۰۰۰۰۰ سرباز مرکب از سربازان دانمارکی بلژیکی - نروژی - لهستانی که با پادگان انگلیسی متفقاً نمایندگی ارتش بریتانیای کبیر را در آلمان عهده دار میباشند در اطیش از ۱۵ تا ۲۵ هزار سرباز انگلیسی و در ایتالیا و ترکیست از ۲۰ تا ۳۰ هزار سرباز در ژاپن ۱۵ تا ۲۰ هزار سرباز که ده هزار نفر آنان استرالیائی میباشند در یونان ۶ هزار در هندوستان ۸۷ هزار در فلسطین ۶۵ هزار در عراق ده هزار نفر سرباز انگلیسی اقامت دارند ( عدۀ سربازان مقیم عراق در پائیز آینده باید خاک عراق را ترک نمایند و فقط دسته کوچکی از آنها باقی بمانند )

در مستعمرات سابق ایتالیا در آفریقا نیز از ۵ تا ده هزار سرباز انگلیسی اقامت گزیده اند .  
**کشورهای کوچک هم مسلح شده اند!**

علاوه بر ترکیه که شرح آنرا دادیم یوگوسلاوی نیز نظیر آن میباشد تیموتو دارای سی تا



سی و پنج لشکر پیاده میباشد اما افراد این لشکرها قلیل است و بدو لشکر زره پوش تکیه دارد ولی اسلحه و تجهیزات و مهماتش کهنه و قدیمی بوده با اوضاع جنگی امروز وفق نمیدهد.

**اسپانیا** نیز مسلح گردیده و ارتشی برابر ارتش فرانسه دارا میباشد فرانکو شانزده لشکر در اختیار دارد که چهار لشکر آن کوهستانی و یک لشکر آن زره پوش است ولی یک چهارم این لشکرها اشغال مراکش اسپانیا را بعهده دارند.

پس از اینها در میان قوای نظامی درجه دوم اروپا **فیروی لهستان** است این کشور اگر چه ۱۶ لشکر دارا میباشد ولی این لشکرها مانند اسکلت میباشد سه لشکر زره پوش نیز دارند که هنوز وجودشان محرز و مسلم نیست.

از بین کشورهای امریکای جنوبی **آرژانتین** ارتش خود را بمیزان زمان پیش از جنگ نگاهداشته است.

**کشور برزیل** نیز که یکی از سپاههایش در جنگهای ایتالیا شرکت نمود کوشش میکند بکمک اتاژونی ارتش خود را سر و صورتی دهد چنانکه حکومت «ریو» بموجب طرحی که تنظیم کرده است، پنج لشکر پیاده اش دو برابر و چند واحد زره پوش نیز تشکیل می شود همچنین است فرانسه و سایر کشورهای کوچک که شرح آنها موجب اطاله کلام میگردد.

## چرا کشورهای ارتش خود را تقویت نمیکنند؟

### وظیفه ما چیست

بطوریکه می بینیم با اینکه بسیاری از کشورهای فوق الذکر جزء کشورهای بزرگ محسوب میشوند و نمیتوانند در سر نوشت گیتی مؤثر باشند و در جنگها و مسائل سیاسی نقش فرعی را بازی میکنند معهذ اینهمه سر باز نگاه میدارند.

اگر چه علل حقیقی را در بالا متذکر گردیدیم ولی مهمترین دلیل آنستکه رقابت دول معظم و کشمکش های سیاسی که از آن نتیجه گرفته شده میشود کشورهای دیگر را ناگزیر ساخته است که هشیار و حاضر و آماده برای کارزار باشند حتی بعضی از آنها مانند ترکیه حس میکنند که مستقیماً مورد حمله و هجوم واقع شده اند.

همچنین کشورهای دیگر برای حفظ رژیم حکومتی خود و بعضی برای جلوگیری از طغیانهای داخلی و حفظ امنیت و بسیاری مسائل دیگر ناگزیر از تقویت ارتش و نگهداری تعداد بسیاری سر باز میباشند پس یکی از دلایل لزوم یک ارتش قوی تأسی باینهمه کشورها است که ایجاد آنرا لازم شمرده اند.

کشورهای بزرگ از لحاظ اینکه یای بنده مقررات بین المللی هستند در حالت صلح کمتر دیده شده مستقیماً بکشورهای دیگر تجاوز و تعدی مسلحانه بنمایند و قطعی است اگر بنمایند ستیزه و جنگ در برابر ارتش مکمل آنها فایدهتی جز فنا و سوختن ندارد.

ولی همین کشورها برای اینکه در میدانهای پر کشمکش سیاسی از رقیب عقب نمانند و مسائل و نیروهای گوناگون و مختلفی در اختیار دارند که بطور غیر مستقیم باسانی میتوانند مقاصد خود را انجام داده و کشورها را دست نشانده خود سازند.

علاوه بر وسائل تبلیغاتی و مداخلات سیاسی فرض کنید کشور ما بتحریر یکی از دول بزرگ مثلاً بوسیله یکی از همسایگان یا نوعی از اردوهای ایلغار یا مهاجر و ایلاتی مورد مهاجمه قرار گرفت در اینصورت یگانه وسیله مورد اتکائی که ما را نجات خواهد داد یک ارتش پولادین و قوی ملی است حتی بعقیده اینجانب چون کشور ما را یک مساحت بزرگی بیابان و کوهسار پوشانیده است اگر یک ارتش مجهز و موتمکانیزه با تانک و مخصوصاً توپخانه کوهستانی و هواپیما و توپهای ساحلی داشته باشیم در برابر ارتش یکی از دول معظمه نیز میتوانیم تا مدتی که توجه دنیا را بکمک خود معطوف داریم مقاومت کنیم (البته بمنزله معالجات مقدماتی پیش از رسیدن پزشک) اتفاقاً در اکثر شاهراههای کشور ما تنگه‌ها و قلاع کوهستانی بسیار مستحکمی بمثابه بهترین مواضع طبیعی جنگی وجود دارد که با مختصر استحکامات جنگی و دفاعی و ایجاد سنگرهای نظامی میتوانیم برای مدتها جلو غدارترین ارتش‌ها را بگیریم و حتی عملیات هواپیماهای دشمن را نیز در برابر کوهسارهای پوشیده از تخته‌های بزرگ صخره‌های سرسخت بی‌اثر و بی‌نتیجه بگذاریم.

**ولی تمام این موفقیت‌ها محتاج بدانشمن یک ارتش قوی با سازمان بسیار منظم و مجهز میباشد.**

اخیراً در بین هم‌میهنان بوسیله تبلیغات مرتب و مدامی تلقین میشود که چون کشور ایران در بین دو قوه بزرگ و تا حدی متضاد واقع شده است لذا تشکیلات وسیع نظامی برای ما چندان ضروری بنظر نمیرسد و یا اینکه منتشر میکنند ما برای وجود رقابت بین همین دو قوه همیشه از خطرها سلامت خواهیم جست زیرا نظر هر یک از طرفین را طرف دیگر خشنی میکند. اینها را باید یک سلسله (رؤیاهای خوش زیبا) دانست در دنیائی که ما وضع آنرا هر لحظه بچشم‌بینیم و اهمیت داشتن ارتش را چه در نزد دول معظم و چه از حیث اثرات بین‌المللی می‌سنجیم و کشورهای هم‌وزن خود را ملاحظه میکنیم که با داشتن ارتش قوی سالم و مترقی مانده‌اند نباید باین تبلیغات خائنانانه ترتیب اثر دهیم.

ما باید قائم با لذات باشیم برای ما ارتش قوی لازم است و بس ما با داشتن ارتش ملی و قوی میتوانیم قراردادهای و معاهدات سیاسی و نظامی مانند پیمان سه‌آباد با کشورهای دوست و یا همسایه منعقد نماییم که در جهان سیاسی کنونی بسیار برای ما پراج است چنانکه امروزه دولت‌های اروپای جنوبی و مرکزی و دول بالکان بهمین ترتیب موجبات استحکام موقعیت و استقلال خود را فراهم کرده‌اند.

**ما با داشتن ارتش ملی و توانا میتوانیم آثار با عظمت نیاکان خود و اسناد و مدارک بزرگی و عظمت خود و خدمتی که بتمدن جهان نموده‌ایم و مقامی که در عالم ادب و فرهنگ داریم حفظ نماییم و این افتخارات و مدارک جلال و برتری و فرمانفرمائی جهانی خود را که ملیت ما متکی و سرفراز بدانهاست از دست ندهیم.**

ما با داشتن ارتش ملی و پولادین میتوانیم مستظهر بوده قانون خود را حفظ نماییم. آزادانه فکر کنیم. آزادانه بگوئیم. آزادانه بنویسیم. و بطرف تمدن و فرهنگ و صنعت شگرف امروز جهانی یعنی بسوی اکتشافات الکتریک و اتم و واحداث کارخانه‌ها و لابرآتورها بشناییم، متکی بارتش و مبانی مستحکم



سیاسی خود بوده در اقصی نقاط کشور فعالیت ابراز نمائیم و خاک کشور را برای اصلاحات و آباشی زیر و رو کنیم بعالیترین مدارج علم و کمال و اختراعات و اکتشافات نائل گردیم .

خیال نکنید اختراعات و اکتشافات تابع عواملی است که فقط در بین ملل معدود و یامخصوصی بوجود میاید ملت ما چون در رأس نژاد آریانی قرار گرفته است صاحب عالیترین هوش و سرشارترین دهاء و استعداد فطری و جبلتی و وسعت مغز بی نظیری است بمحض اینکه از نبوغ او شروع به بهره برداری شود و موجبات ترفیه خیال او فراهم آید باشد که جهانی را خیره و مبهوت هوش باطنی خود نموده خدمات گرانبھائی بدست جوانان او بعالم مدنیت و پیمشرف اختراعات جهانی انجام پذیرد که تا حال نظیری بر آن دیده نشده باشد یقین است در وراء آن هیجان و پیمشرف عظیمی نیز در مستحدثات کشاورزی - فرهنگی - بهداشتی - صنعتی با پشتیبانی از نیروها و محصولات خدا دادی و طبیعی مخصوصاً نمت و زغال ما بوجود خواهیم آورد که از هر حیث ملتی شایسته بزرگی باشیم .

**همت ورزیم؟ همت ورزیم!** این خاک از آن ماست آنرا رشک بهشت برین کنیم باز خداوند نعمت صلح و رفاه و آرامش کشور بما عطا فرموده است تا دنیا مشغول است ما بخود آئیم و در همین گیر و دار مقداری به پیش برویم .

**هم میهنان از خواب گران بر خیزید** سعادت شما در عبور از این راه دشوار است پس از رسیدن بمقصد غرق در نعمت و سعادت و خوشبختی و طیبات خواهید شد و از فقر و برهنگی نجات خواهید یافت . فرصتی پیش آمده است ، این فرصت گرانبھارا از دست ندهید .

آنگاه میتوانید رخسار گلگون کودکان خود را که اکنون پژمرده هستند خندان و مسرور و مستغنی دیده بوسه های آبدار پرمهر بر گیرید و با عشق که عالیترین مظهر تجلیات صفات خداوندگار است بسر برید .

دسته دسته گروه گروه داوطلبانه بسوی ارتش بشتابید اگر مقامات ارتشی نتوانند شما را بپذیرند در مقابل اقبال و کثرت هجوم و پایداری شما مجبور خواهند شد تشکیلات خود را وسیع تر کنند و سازمان و اسلوب خود را مترقی تر سازند .



# فصل دوم

## و وظیفه

ارتش ایران و کسانیکه در سر شور عظمت و ترقی  
ایران رامیپروورانند و میل بدخول در ارتش را دارند  
مسئول حراست و دفاع از چه منافع مقدسی هستید؟

فصلی که آغاز میشود مهمترین قسمت این کتاب و مطالعه آن واجب  
بر هر ایرانی است که آرزو مند است فرزندان آینده این سرزمین با سعادت و  
سلامت در این فلات زنگانی کنند و از لذایذ طبیعی آن حصه و سود گیرند.  
کشور ما ایران اگر چه چون وادی برهوت دارای بیابانهای لوت بسیاری میباشد  
مساحت کنونی آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع یا برای سهولت (۱/۶۵۰/۰۰۰  
کیلومتر مربع است) این مساحت  $\frac{۱}{۶۰}$  یا تقریباً  $\frac{۱}{۳}$  فلات ایران و  $\frac{۱}{۳۴}$  وسعت زمین و  
 $\frac{۱}{۲۵}$  تمام خاک آسیاست  $\frac{۱}{۴}$  یا نصف ایران کوهستانی  $\frac{۱}{۴}$  خاک ایران حاصلخیز و  $\frac{۱}{۴}$  دیگرش  
دریاچه های خشک و شور و بیابانهای لم یزرع و بی آب و علف است.

این فصل در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۰-۲۶-۱۰۵۲۶ دور از جنجال تهران در حالی که  
مشغول خوشه چینی از حاصل قسمت اعظم مطالعات و تحقیقات سیاسی و نظامی و ادبی و اجتماعی بوده ام  
بصورت این اندرزهای گرانبها آغاز گردید برنامه عصر **رادیوی با شکوه ایران** با صدای  
آواز دلنشین دختران مدارس که دسته جمعی سرود ایران را بنام استقلال و عظمت آن صلا میدادند  
در هنگام شروع این فصل از درون دره های تنگ سر بند شمیران بگوش میرسید موجباتی که این  
فصل را بوجود آورد بیشتر آنرا بصورت الهام شباهت داده است امید است بمصداق: هر سخن کز  
دل بر آید لاجرم بردل نشیند در لوح ضمیر هم میهنان عزیزم نیز اثر عمیق و شایسته داشته باشد و با  
عزم راسخ بدور مشعل فرزندان اتحاد و یگانگی برای بدست آوردن استقلال و مجد غابر باستانی دست  
بدست هم داده یک ملت بزرگ باملیونها دل ولی یک ضربان باسکوتی مدهش یکجا و آرام بسوی  
عظمت و ترقی رهسپار شویم زیرا ما استعداد و استحقاق آنرا داریم. بیغمبر اکرم (ص) فرموده است:  
ان الله حیرتین من خلقه من العرب قریش و من العجم فارس. و در حدیث است:  
لو كان العلم معلقاً بالثریا لثاله رجال من فارس.



بنابر این بطوریکه می بینیم سطح حاصلخیز ایران بیشتر از تمام خاک فرانسه است و اگر سطح کوهستانی و لم بزراع فرانسه را مجزی کرده و فقط قسمت حاصلخیز کشور مزبور را مقایسه کنیم سطح حاصلخیز خاک ایران فزونی زیادی نسبت به سطح حاصلخیز خاک فرانسه خواهد داشت (وسعت خاک فرانسه ۵۵۵ میلیون هکتار است که از آن ۳۶ میلیون هکتار زیر کشت و ۱۱ میلیون هکتار آنرا جنگل تشکیل میدهد و بقیه که ۸ میلیون هکتار است زمین های بایر میباشد).

اگر توسعه در کشاورزی ایران داده شود و قسمتهای با استعدادی از سطح لم بزراع و کوهستانی این کشور تبدیل بسطح حاصلخیز و آبادان شود بهشتی بوجود خواهد آمد که استعداد سکونت ملیونهای کثیری از نژاد هم میهنان عزیز ما را در نهایت رفاهیت و عالیتترین پرورش جسمانی خواهد داشت.

در صورتیکه همین مختصر سطح حاصلخیز فرانسه باید ۴۲ میلیون سکنه فعلی آن کشور را اداره نماید قطعی است بهمین تناسب در ایران میهن عزیز ما بیشتر میتواند جمعیتی را بر احتی بزندگان مشغول ساخت.

تمام مرزهای بری و دریائی ایران ۸۱۰۰ کیلومتر است ۵۰۵۰ کیلومتر مرز خاکی ۳۰۵۰ کیلومتر مرز دریائی و آبی است.

ارتش شاهنشاهی ایران و همچنین سلحشوران دلیر و با شهامتی که هنگام احساس خطر احتیاطاً تشکیل دسته های چریک مسلح رامیدهند باید عهده دار حفظ این مرزها باشند.

میهن گرامی و مادر وطن ما در محیطی واقع شده که از حیث طول مرزها بدین قرار با همسایگان عزیز خود مشترك میباشد ۷۰۰ کیلو متر با قفقازیه - ۹۵۰ کیلومتر ( از خلیج حسینقلی تا سرخس ) با ترکستان روس - و از سرخس تا ذوالفقار نیز مرز خاور ایران با روسیه است - ۳۶۵ کیلومتر با جمهوری کشور دوست و هم دین ما ترکیه - ۱۰۰۰ کیلومتر با کشور هم مذهب و دوست ما عراق - ۸۱۵ کیلومتر با کشور هم دین و هم زبان ما افغانستان هم مرز است - ۱۸۳۰ کیلومتر نیز از گواتر تا شطالعرب مرز دریائی جنوب ایران بحر ایران و خلیج فارس را تشکیل میدهد - ۹۹۴ کیلومتر از کناره ها و آبهای دریاچه بزرگ معروف خزر که سود های فراوان برای ما در بر دارد متعلق بایران میباشد - کیلومتر نیز هم مرز بابلوچستان هستیم.

کشورما همعرضی با دریای مدیترانه و الجزایر است درازای ایران از کوه آرارات تا گواتر ۲۲۱۰ کیلومتر و پهنای آن از سرخس تادهانه و دلتای شط العرب ۱۴۰۰ کیلومتر است .

اختلاف ساعت مرزهای شرقی و غربی ایران قریب یکساعت و ۱۸ دقیقه است رودهای فرات و دجله و کارون و کرخه آب برفهای جبال زاگرس و ارمنستان را اخذ کرده هر ساله مقدار زیادی ماندرودهای جراحی و هندیان آبرفت بخلیج فارس وارد مینماید بطوریکه هر سال مقداری از دریا را خاک پوشانیده و تقریباً ۵۳ متر خشکی در طول ساحلها در دریا پیش میزود .

مرزهای دریائی ایران در قسمت بحر خزر بیشتر متغایر بوده چون این دریاچه مانند تمام دریاچه ها آبش زیاد تبخیر میشود و رسوبات بسیاری بوسیله رود های ولگا - کوروش - اورال - سفید رود و غیره بآن داخل میشود کرانه های آن مدام در تغییر میباشد بطوریکه فقط سفید رود سالی یک کیلومتر و نیم در طول ساحل در دریا پیش میزود و اراضی پر استعدادی بسبب کباران ساحلها مجاناً هدیه میدهد .

طبق یک رشته تحقیقات و محاسبه های مهندسین و زمین شناسان شاید تا ۳۲ سال دیگر که وقت بسیار نزدیکی است قسمت اعظم دریای خزر از بین برود زیرا عمده واردات آب این دریاچه بوسیله شط بزرگ و ولگا است که بتنهائی نصف کلیه واردات آب دریای خزر را ( اعم از نزولات جوی و تمام رودخانه هائی که در آن وارد میشود ) میدهد ولی اکنون بمناسبت سدی که بر روی آن ساخته میشود آب این رود عظیم برای آبادی بیابانهای شمال دریای خزر بکار برده خواهد شد و بدین سبب در سال مقداری از سطح دریا پائین میزود و تا ۳۲ سال دیگر قسمت عمده این دریا خشک خواهد شد .

و چون در قسمت خزر شمالی که ژرفای آن بسیار کم و حد متوسط ۶/۲ متر میباشد آب زیادی تبخیر میشود اگر بمنظور تعدیل بین صادرات آب دریای خزر و واردات آن مدخل خلیج قره باغ که آب در آنجا نیز بشدت تبخیر میگردد بسته نشود و رود جیحون از ارال بطرف دریای خزر بر گردانیده نشود قطعی است که محاسبات مزبور صورت وقوع پیدا خواهد کرد .



خزر این دریاچه بزرگ روی زمین بدر ازای ۱۲۰۵ کیلومتر و پهنای بین ۵۰۴ الی حداقل ۲۰۲ کیلومتر و سطح آن ۴۳۸۰۰۰ کیلو متر مربع بایک حجم ۷۹۳۱۹ کیلو متر مکعب آب میباشد طول کلیه خطوط کرانه های آن ۶۳۷۹ کیلو متر است که ۹۹۲ کیلومتر آن متعلق بایران میباشد و سعت حوضه آن ۳۷۳۳۰۰۰ کیلومتر مربع و فعلاً ۲۶ متر از سطح اقیانوس پست تر است .

### دریای خزر در قسمت جنوب و جنوب غربی که در دامنه های باصفای

کوه های طالش و قفقاز واقع شده دارای ژرفائی از ۵۰۰ تا ۸۰۰ متر و در بعضی نقاط حداکثر ۹۴۵ متر میباشد عمق متوسط خزر میانه ۱۷۵/۶ متر و عمق متوسط خزر جنوبی ۳۲۵ متر است حجم آب خزر جنوبی  $\frac{۲}{۳}$  حجم تمام دریا و حجم خزر میانه  $\frac{۱}{۳}$  و خزر شمالی  $\frac{۱}{۱۰}$  تقریبی تمام دریاست .

### در شمال ایران ( یعنی در سواحل خزر جنوبی ) از برکت و جود این دریا جنگلهای

سبز و خرم - ضیاء انواع ماهیها و موجودات دریائی و خاویار و هم چنین اهمیتی را که این دریا از لحاظ حمل و نقل بحری و غیره دارد یک وضع طبیعی بسیار پر استفاده بوجود آورده که از بزرگترین منابع خدادادی ایران برای ما ایرانیان محسوب میگردد .

### از لحاظ نظامی و سیاسی چه در ادوار سابق و چه در جنگ جهانسوز بزرگ دوم

بین الملل اهمیت این دریا برای ایران مسلم گردید در ازمته تاریخی چون این دریا منظور نظر اقوام و مهاجرین کشورهای مجاور بوده است در حقیقت موجب جلوگیری از هجوم اقوام بادیه نشین خاوری شده و همچنین اقوام مختلف برای رفتن از آسیا باروپا و بالعکس مجبور شده اند که از جنوب و یا از شمال راه خود را منحرف نمایند بهمین جهت ایران و خطوط شمالی آن اهمیت نظامی فوق العاده حاصل نموده است بطوریکه ایران یگانه شاهراه معتدل میان آسیا و اروپا قرار گرفته است .

### در قرون اخیره نیز وسیله ارتباط بازرگانی بین ایران و روسیه گردیده و در کرانه های آن

شهرها و بنادر و مراکز مهم بازرگانی دایر گردیده است - پادشاهان صفویه اهمیت زیادی باین دریا داده و راههایی از نقاط داخلی تا کرانه های آن ساخته و بنادری مانند بهشهر ( اشرف ) و فرح آباد ( در شمال ساری ) ایجاد نمودند بیوسته تا با امروز این کرانه ها در حال ترقی بوده اند نادرشاه افشار نیز اقدامات صفویه را تعقیب مینمود .

### در سالهای اخیر ساختن راه رشت به تهران اهمیت زیادی بکرانه جنوب غربی دریای خزر

داده باب بازرگانی و ارتباط جدیدی گشوده و راه بازرگانی دریای خزر که از گیلان شروع شده بیاد کوبه ختم میگردد و برهه آنها را اروپا متصل میشود وسیله بزرگ ارتباط بازرگانی و مبادله محصولات روسیه با ایران میباشد قسمی که اغلب کالاهای دول دیگر اروپائی که اجازه حمل از روسیه بآنها داده شده از این راه بایران وارد میگردد و همچنین محصولات ایران از همین خط باروپا برده میشود .

### نظر با اهمیت سیاسی و نظامی و اقتصادی دریای خزر و استانهای شمالی

ایران دولت ایران باید همیشه در صدد تهیه و تسهیل وسایل بازرگانی و حمل و نقل دریائی در

کرانه‌های دریای خزر باشد و به پیشنهادهایی که در این باره میرسد بیش از حد ترتیب اثر دهد و مخصوصاً وسایل انعقاد قرارداد کشتیرانی ایرانی را در دریای مزبور با کشور اتحاد جماهیر شوروی فراهم سازد چنانکه اعلیحضرت فقید سعید باین نکته بیش از تمام علاقمندان بترقی کشور پی برده و با ایجاد خط آهن سراسری ایران ( بین بندر شاه و بندر شاهپور ) برای پیشرفت کلی این منظور حداکثر خدمت بکشور ما را نمود هم چنین چند ناو کوچک جنگی نیز در دریای خزر تاسیس نمود که ما در قسمت نیروی دریایی شمال از آن بحث خواهیم نمود .

در جنگ بین الملل دوم ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ اهمیت نظامی و سیاسی این راه بخوبی ثابت گردید و از علل عمده پیروزی متفقین وجود همین خطوط بود .

**علت بستگی که ما در این باره دادیم برای آن است که مدافعین استقلال ایران از همین پایه با اهمیت وظایفی که ما در فصول آینده در باره سایر موضوعات مربوط به همین عزیز خود خواهیم داد پی ببرند و بدانند که در انعقاد قراردادها و بخشیدن هر گونه امتیازی بسایر کشورها نسل آینده خود را که برخلاف وضع فعلی باید هم سطح با جهان بسیار متهدنی باشند دچار چه محظوراتی خواهند نمود .**

هر ایرانی میهن پرستی برای حفظ این مایملکی را که داراست باید خود را یکنفر سرباز فداکار حامی میهن بداند و وجب بوجب خاک میهنش را با مزایا و اختلافاتی که با سایر نقاط طبیعت دارد بشناسد .

**تنها کرانه‌های شمالی و ثروت بی پایان دریای خزر برای سعادت مند کردن تمام ملت ایران کافی است .**

**اینهمه آبها و منابع ثروت چه میشود ؟**

از لحاظ صید ماهی و شیلات که یکی از منابع مهم صادرات و ثروت طبیعی ایران محسوب میشود فعالیت هزاران ماهیگیر در رودهای ارس - استارا - گرگانرود - سفارود - و اهمیتی که مرداب پهلوی از لحاظ صید ماهی سفید و مخصوصاً از نظر جایگاه تخم ریزی ماهیان دارد باید همیشه مورد نظر باشد ماهیان شیلاتی در طبقه نازک بالائی دریای خزر ب ضخامت ۵۰ متر زندگی میکنند و در اعماق زیاد بمناسبت فقدان اکسیژن و حرارت ذی حیاتی وجود ندارد .

دلتای وسیع و حوضه بزرگ سفید رود ( آماردی قدیم ) که دارای ۷۸۰ کیلومتر درازی است از لحاظ مشروب کردن اراضی برنج کاری و صید انواع ماهی خاوباری یا تاس ماهی بقدری اهمیت دارد که فقط از یک شعبه اصلی این رود که ( موسی چای ) نام دارد بالغ بر ۶۰۰۰۰ کیلوگرم سالیانه خاوبار بدست میآید که از نظر خوبی جنس و لذت مخصوصی که داراست در تمام دنیا نظیر ندارد در عین حال از سفید رود به تنهایی سالیانه ۱۰۰،۰۰۰ تن برنج بدست میآید در هر گوشه کشور ما نظیر همین ثروتها نهفته است .

فقط از رود کوچک چالوس در گذشته سالیانه بیش از ۱۰۰۰۰ ماهی آزاد صید میشد و اگر دولت مانع صید ماهی بوسیله کلهام بشود وجود این ماهی بوفور پیوسته و یکی از منابع



بزرگ تغذیه لذیذ ما را فراهم میکند (۱) و اگر توجهی باین موضوع نشود نسل این ماهی بسیار گرانها بکلی از بین خواهد رفت .

همچنین رود هراز از لحاظ اهمیت دره حاصلخیز و صید ماهی قزل آلا و غیره و رود فریدونکنار از لحاظ صید ماهی اسبله و بابل از لحاظ صید ماهیهای خاویاری- آزاد- ماهی سفید همچنین الی آخر تمام رودخانه های تالار- تجن- نیکایانکا- سیاه آب (فقط در همین رودخانه کوچک سالیانه بیش از ۵ میلیون دانه ماهی کلمه صید میگردد) گرگان- اترک و غیره هر یک رودهای گهرباری برای ما ایرانیان محسوب میشود و از همین نظر اسامی شعب این رودخانهها را در اغلب نواحی گهر رود- گوهر باران و از این قبیل مینامند .

**البرز ربانی**، از همه مهمتر کوهسار البرز است که سرچشمه اکثر رودخانه های شمالی ایران میباشد و منبع بزرگ ذخیره آب کشور ما و دریای خزر ما است .

همین کوهسار است که حافظ طبیعی عظمت و استقلال ایران ما بشمار میآید و قسمتی از نمای دامنه دراز و پربزرگ آن که بسوی بحر خزر است سر سبزتر جنگلها و خرم ترین و با صفاترین کرانهها را بوجود آورده است- درختهای همیشه سبز- پرتقال- نارنج- لیمو- نارنگی و اقسام دیگر مرکبات و گلها و ریاحین- و گیاهها- طبیعت سبز و خرم و هوای معتدل این کرانههای شمالی که از حیث مزایا و منابع بیشمار آنجا را نمونه کامل هندوستان کرده است از لحاظ محصولات کشاورزی حاصلخیزترین نقاط ایران میباشد فردوسی علیه الرحمه بزرگترین سخن سرای ایرانی درباره کرانه های شمالی فرموده است :

بکوه اندرون لاله و سنبل است	که در بوستانش همیشه گل است
نه سرد و نه گرم و همیشه بهار	هوا خوش گوار و زمین پرنگار
گرازانده آهو براغ اندران	نوازانده بلبل بیاغ اندران
همی شاد گردد زبویش روان	گلابست گوئی بجویش روان
همیشه پر از لاله بینی زمین	دی و بهمن و آذر و فرودین

**البرز** - با وضع دلپسند طبیعی که کوهستانهای آن داراست برید گیها و شکستهای که در قسمتهای مختلف آن پدید آمده یکی از زیباترین نقاط است - و فور رطوبت کوههای آن وجود جنگلهای انبوه و با شکوه سرسبزی و طراوت و حاصلخیزی درهها و کپنارههای ساحل پر از درخت و سبزه و گلهای رنگارنگ آن که تمام این دامنهها را مستور ساخته است و وجود و وفور میوهها- ریزش

(۱) کلهام یا شیل لغتی است که در گیلان و مازندران مصطلح است و آن عبارت از سدی است که از نی و چوب در پهنای رودخانه بنا میکنند و ماهیانیکه از دریا برای تخم ریزی و تولید نسل وارد آب شیرین رودخانه میگردند باین مانع برخورد صیادان فوراً آنها را صید میکنند- این طرز صید که از زمانهای بسیار قدیم معمول بوده است موجبات انهدام و نابودی نسل ماهی را فراهم میآورد چه ماهیها را قبل از تخم ریزی صید میکنند این عمل در کشورهای متمدن اکیداً منع شده است (دریای خزر)

آبشارهای بلند - جریان وزمزمه جویبارها - غرشرودخانه‌ها و از همه باشکوه‌تر و عالی‌تر سطح نیلگون وسیع بحر خزر که در زیر این کوهسار گسترده شده و منظره زنجیر سفید آب عظیمی که بنام سفید رود دل این کوهسار عظیم را شکافته و بدریا میریزد ناحیه بی نظیر و بس زیبا و باشکوهی بوجود آورده است که در دنیا مانند آن کمتر یافت میشود.

دماوند عظیم که منظره مستور از برف دائمی قله آن در مقام ادبیات و شعر ایرانی رسوخ داشته با يك ارتفاع ۵۶۷۱ متری وضع بسیار زیبا و خیره کننده‌ای در فلات ایران دارد که از نقاط و شهرستانهای دور میتوان قله مخروطی شکل آنرا مشاهده نمود در دامنه این کوه آب گرمهای کانی فراوان وجود دارد که از لحاظ طبیی يك روز میتوانند سیاحت بسیار را برای معالجه بداخله ایران جلب کنند از همه مهمتر کان های آب گرم دماوند و رامسر و آب علی و لاریجان است که حرارت آن ۷۲ درجه میباشد در سایر کوههای ایران نیز آب گرم های کانی پزشکی یافت میشود که مهمترین آنها در حوالی سهند و سبلان و اردبیل و بسیاری از کوهسارهای غربی ایران است. مخصوصاً آب معدنی سادات محله تنکابن که گرم و گوگردی و مفید برای رماتیسم میباشد و همچنین آبهای صفادره که سرد و آهن دار و چشمه نیدشت رامسر که بمناسبت رادیو آکتیو برای کمخونی و بیماریهای گوارش فوق العاده سودمند میباشد

**آری - ای هم میهنان گرمی - وطن ما آنچه که تصور کنید . عظیم شگرف - و پر استعداد است و از همین جهات برای ما از جان عزیزتر است .**

نویسنده متعجب میماند که کدام يك از کوهستانهای ایران و کانهائی که در آنها بانواع و اقسام و بجد بسیار و فور همه مواد دست نخورده وجود دارد برای خواننده عزیز شرح دهد به هر يك از این کوهسارهایی که در اطراف فلات ایران مانند دیوارهای عظیم و صخره‌های هراس انگیز دل آسمان را شکافته و به ستارگان نزدیک گشته وارد شویم مزایا و کانهای آب گرمها و خصائص بسیار و منابع بشمارای در آن خواهیم یافت که حساب و آمار ندارد.

فقط اگر درباره نقاط سردسیری و ییلاقات ایران که در تابستان مانند بهترین روزهای بهار و زمستان سرد و خرم میباشد تبلیغات مؤثری بعمل آید از تمام نقاط جهان برای اصطیاف و گذراندن فصل گرما مانند موروملخ ملیونها بدانجاها هجوم خواهند آورد و ثروت بی نظیر و پولهای گزافی بکشور ما ریخته خواهد شد. همین يك راه کافی است درآمد عظیمی را برای ملت ما تشکیل دهد و کشور ما را آباد ساخته دولت را مجبور به تسطیح راه ها و ایجاد وسایل ارتباط و تسهیل مسافرت و تأسیس مهمانسراها و مخصوصاً ایجاد موجبات **تفریح و تفرج** و استراحت کامل این قبیل مسافرین را بنماید.

**خلیج فارس يك منبع بزرگ خدادادی دیگر کشور ما -**

کشور لهستان مانند کشور سوئیس و هم چنین تا حدی مانند روسیه شوروی از دریای آزاد محروم است اگر بخاطر داشته باشیم ابتدای حمله دولت آلمان بلهستان در جنگ اخیر بنا به بهانه بندر آزادانتر يك بود - در سال ۱۹۲۴ موقعیکه بندر دانتر يك دیگر برای بازرگانی خارجی لهستان مفید واقع نمیشد دولت لهستان تصمیم گرفت در خلیج گدینیا که در آن زمان ییلاق ماهی گیری بیش نبود بندر بزرگی بسازد - در عرض مدتی کمتر از ده سال بندر گدینیا را ساختند و آنرا بصورت یکی از بزرگترین بنادر اروپا پرداختند بطوریکه در سال ۱۹۳۵ ظرفیت این بندر به



۷۱۱۸۰۰۰ تن رسید و از آن خطوط کشتی‌رانی به بنادر دریای بالتیک و دریای شمال وانگلستان فرانسه - مدیترانه - خاور نزدیک - آمریکای شمالی - آمریکای جنوبی - آفریقا - بنادر دریای اژه کشیدند.

در سال ۱۹۳۵ در بندر گدینیا ۹۵۵۰ کشتی بظرفیت ۷۴۷۴۴۴ تن محمولات وجود داشت - جمعیت این شهر در سال ۱۹۲۲ - ۳۰۰ نفر ماهیگیر بود و امروز بندر تازه‌ساز بسیار مهمی با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت می‌باشد - به بین تفاوت ره از کجاست تا کجا - پس در مدت ده سال میتوان در صورت دارا بودن دریای آزاد بندر بزرگی مانند گدینیا ایجاد نمود.

خوشبختانه کشور کهنسال ما ایران دارای مرزهای دریائی بسیار درازی می‌باشد که آنرا با تمام دنیا متصل ساخته است - از اینروست که موقعیت خلیج فارس از نظر جغرافیائی برای کشور ما بسیار مهم است **تنها راهی است که ایران را بدریاهای آزاد مربوط مینماید** کشور لهستان با داشتن ۳۲ میلیون نفوس فقط ۱۴۰ کیلو متر مرز دریائی دارد و حال آنکه **ایران با ۱۶ میلیون نفوس ۱۸۳۰ کیلو متر مرز دریای آزاد در جنوب دارد.**

شاد روان دریا دار غلامعلی بابندر در کتاب خلیج فارس خود که در سال ۱۳۱۷ منتشر کرده و خود درسوم شهریور ۱۳۲۰ شربت شهادت نوشیده است مینویسد. بادر نظر گرفتن اهمیت مواد نفتی در زندگانی دنیا و زیادی آن در ناحیه خلیج فارس از طرفی و کم شدن مواد نفتی آمریکا آتیه سیاسی و اقتصادی خلیج فارس از هر حیث در درجه یکم سرلوحه سیاست کشورهای می‌باشد که بمواد نفتی احتیاج داشته و در خلیج فارس از هر نظر ذینفع می‌باشند گذشته از موقعیتی که خلیج فارس از نظر سیاست بین‌المللی برای ایرانی دارد تنها از نقطه نظر ارتباط سریع بین نواحی جنوبی و بخصوص وجود فعلی پالشگاههای نفتی در این کرانه‌ها که تقریباً تمام مواد مصرفی داخله کشور را تهیه می نمایند و از راه بنادر سهولت و ارزانتر میتوان مواد نفتی را از ناحیه خوزستان تا کرانه‌های مکران و از آنجا به استانهای جنوبی و خاوری کشور رسانید اهمیت زیادی را آبهای خلیج فارس و بنادر جنوبی دارا می‌باشد.



فی الحقیقه اهمیت تامین ارتباط دائمی بین ناحیه کرانه‌های جنوب باختری ایران با داخله کشور و با سایر بنادر جهت رفع احتیاجات کشور از حیث مواد نفتی است که در سال فقط از ناحیه آبادان از راه صالح آباد و بنادر خلیج ۴۲۷۵۷۰۰۰ لیتر بداخله ایران می‌رود.

خلیج فارس حکم در کشور ایران را دارد که از آن بدون هیچگونه قیدی میسر است با تمام دنیا راه داشت و یگانه دریای آزادی است که ایران دارد اهمیت آن باید بیش از سایر مرزهای کشور در نظر ایرانیان نمودار شده و قدر این دریای آزاد را که نخستین شرط زندگانی کشورهای معظم و درجه اول می‌باشد بدانند و در نظر بگیرند کشورهای که بچنین دریائی دست ندارند چگونه رسیدن باین هدف را سرلوحه سیاست نظامی خود قرار داده و زمامداران آنها یگانه آرزویشان دیدن روزی است که مستقیم یا غیر مستقیم مرز کشورشان بچنین آبهایی کشیده شود بهترین شاهد این نکته وضعیت روسیه است که با تمام پهناوری و عظمت کشور خود چنین دریای آزادی را ندارد از زمانیکه دارای پیشوای مقتدری شد و تشکیلات اداری پیدا کرد رسیدن بدریای آزاد را سرلوحه سیاست خارجی خویش قرار داده است - بطر کبیر چون نتوانست در زمان خود

باین مقصود برسد در وصیتنامه خویش آن را گذاشته و اکنون هم که دولت شوروی جانشین دولت تزاری شده و تمام اصول سابق را از میان برده این اندیشه را در مغز خود بیشتر توسعه داده از هر گونه تلاشی در این راه خودداری نمیکنند بطوریکه برای پیدا کردن راهی از وسط اقیانوس منجمد شمالی بطرف اقیانوس کبیر هزینه بسیاری مصرف نموده و تاحدی هم موفقیت یافته است .

در ظرف یکسال در بنادر چابهار - جاسک - میناب - هرمز - قشم - خمیر - عباسی - لنگه - بوشهر - بندر شاهپور - قصبه - آبادان - خرمشهر قبل از جنگ بین الملل دوم ۳۱۷۱۳۲۱۹ تن کالا رسیده و ۴۵۶۴۵۱۷۸۱ تن کالا فرستاده شده و مجموعاً ۶۸۵۷ کشتی با بارگیری ۶۶۰۸۸۰۱ تن خالص آمد و شد کرده اند بنا بر این برای زندگانی ایران که بتواند بازرگانی خویش را آزادانه از پیش برد اهمیت مرز جنوبی کشور و آبهای خلیج فارس و عمان گرامی ترین سرمایه است که طبیعت بما سپرده است .

هر گاه این ارتباط مستقیم را ایران با دنیا نمی داشت همه این داد و ستدها بایستی بطور ترازیت از سایر کشورها بگذرد و واضح است چه بدبختی بزرگی متوجه آزادی اقتصادی ما که فی الحقیقه آزادی سیاسی است میشد - در نتیجه ارتباط های دریائی در کرانه های خلیج فارس و بنادر ایران پرچم هیجده کشور خارجی در ظرف یکسال دیده میشود - آمار گمرک ما نشان میدهد پنج دولت که تعداد کشتی هایشان در یکی از سنوات قبل از جنگ از حیث مقدار بارگیری بیش از سایرین بوده است عبارتند از : انگلیسی ۳۶۹۹۲۵۰ تن آلمانی ۵۰۰۰۷۶ تن نروژی ۴۰۲۸۶۸ تن - ژاپنی ۲۱۳۶۱۰ تن هلندی ۱۱۶۹۸۴ تن ( **تنها در جنگ بین الملل دوم ایران متجاوز از ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ تن نفت بجهت های جنگ رسانیده است و در حال حاضر میزان تولید نفت ایران متجاوز از ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ تن در سال است خلیج فارس بزرگترین مخزن نفت دنیا است - آبادان بزرگترین تصفیه خانه نفت جهان و دارای ۸ لوله است که نفت را مانند رود بکام نهنگ های عظیم الجثه دریائی یعنی کشتی های اقیانوس پیما میریزد و حتی بکوچکترین نقاط جهان و دورترین آنها میرسد ایران از برکت وجود همین خلیج پل پیروزی در جنگ گردید و جهان را آزادی بخشید در حدود ۷ میلیون تن مهمات عظیم جنگی از کشورهای آمریکا و انگلستان از راه ایران برای جبهه های جنگ شوروی فرستاده شد بطوریکه تهران تاروژی ۷۵ قطار یعنی ۱۳۶۸ واگون خارج نموده و بارگیری راه آهن ایران برقم شگرف روزانه ۱۰/۰۰۰ تن رسید تنها در بندر آبادان روزانه ده کشتی و در خرمشهر ۲ کشتی و در قصبه ۳ کشتی و در بوشهر ۱ کشتی و در قشم ۲ کشتی - در چابهار و جاسک و عباسی هر یک روزانه یک کشتی آمد و شد دارند ) .**

هر چند که در کرانه های خلیج هنوز وسایل کامل جهت تسهیل امور کشتی رانی فراهم نگردیده است مع هذا میزان کشتی هایی که بانجا می آیند اهمیت موقعیت خلیج فارس را ظاهر میسازد سزاوار آن است توجه بسیار زیادتری بآن بشود و ملت از عظمت کشور خود آگاهی حاصل نماید .

اهمیت این خلیج در زمانهای وقوع جنگ بمراتب بیش از دوران صلح است زیرا هنگامیکه احتیاجات از هر حیث چندین برابر میشود در دست داشتن این دروازه کشور و باز بودن آن بروی دنیا واضح است تاچه حد در سرنوشت ایران دخالت مؤثر و تام دارد .



توای ایرانی<sup>۱</sup> که در سرزمین خوش آب و هوای داخله کشور و نواحی شمالی در سایه درختان زیبا و باغ های مصفا تماشای طبیعت قشنگ و روان آسای ایران را مینمائی و از همه لذتهای زندگانی در این کشور سر تاسر زرخیز میتوانی کام خویش را شیرین سازی و باین جهت باندازه دل بستگی به دهکده یا شهرستان خویش پیدا کرده که باسختی بدهکده یا شهرستان همسایه بهنگام ضرورت مسافرت میکنی .

باید بدانی که هرگاه روزی مرز دریائی را ایران از دست بدهد و یا با نیروی لازمه نتواند در آبهای آن حکمفرمائی کند در دهکده خود مانند مرغی در قفس گرفتار شده همه شیرینی هائیکه امروزه در زندگانی داری بکامت تلخ میگردد و دسترنج سالیانه ات خواه دهقان باشی یا بازرگان از دست تو گرفته میشود و آن میوه شیرین و باگندم سفیدی که همه سال جهت بدست آوردن آن تلاش میکنی و عرق می ریزی جز به تلخی و سیاهی بکامت در نخواهد آمد ناچار هستی آنچه داری بارزش کم از دست بدهی و آنچه بآن احتیاج داری به بهای جان بدست آوری ! . .

پس هر وقت از این مرزیکه بچشم آذر خیز است و آبش همه شور و تلخ میباشد میگذری و یا از آن سخنی میشنوی بدان که این آذر مایه زندگانی ایران ماست و آن تلخی و شوری برای فرو بردن بکام دشمنان - آنکس که خواهان ایران است نخست باید این مایه زندگانی ایران را نگاهدارد تا بتواند ایران را بزرگ داشته و هر چه ایرانی در جلو مردم کشورهای دیگر بخود بیابد و سزاوار نام بلند ایرانی باشد .



برای حفاظت مرزهای دریائی ایران لاشک به نیروی عظیم دریائی و توپهای ساحلی احتیاج داریم و باید این دونیروی عظیم را بوجود آورده توسعه دهیم .



**شاه عباس کبیر** که با اهمیت خلیج فارس بسیار پی برده بود با پرتغالیها جنگیده و آنها و دیگران را بکلی از خلیج راند و بندر کمرون را اهمیت فوق العاده داده بنام بندر عباس نامید و مرکز بازرگانی قرار داد - **همچنین نادرشاه افشار** دستور داده بود از جنگلهای مازندران مقدار کثیری تخته و الوار به بندر بوشهر حمل کرده در آنجا کشتی بسازند و قوای بحریه منظمی در خلیج فارس ترتیب دهند و بندر بوشهر فعلی را در شمال بندر قدیمی ریشهر مرکز نیروی دریائی قرار دهند ولی افسوس که افکار بلند و نظریات عالی آن سردار بزرگ ایرانی بعلمت مرگ ناگهانش عملی نشد و جانشینان وی نیز لیاقت و همت دنبال کردن کارهای او را نداشتند ژرفای خلیج فارس زیاد نیست . بخصوص کرانه های آن بسیار مسطح و در شمال آبرفت رودها کاهش ژرفای آنرا سریعتر میکند ژرف ترین نقاط آن در حدود ۱۰۰ متر درحوالی تنگه هرمز است - درازای خلیج از دهانه کارون تا کرانه عمان قریب ۸۰۰ کیلومتر و پهنای آن از ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر تغییر میکند باریکترین نقاط آن در تنگه هرمز فقط ۵۳ کیلومتر است وسعت خلیج فارس ۲۵۰ هزار کیلو متر مربع است مدخل خلیج فارس بین جزیره هرمز و دماغه مسندم که در عمان است بواسطه جریانهای دریائی بی اندازه خطرناک میباشد - بندر کیش و بندر هرمز از حیث بازرگانی کلید خلیج فارس و جزیره هنگام و بندر باسعیدو از حیث موقعیت نظامی و سیاسی مهمترین نقطه

حساس دریائی جنوب میباشد و کشتی ها از نزدیک آن میگذرند — یکی از منابع مهم عایدی ما از خلیج فارس ماهیهای آن است که بیش از دویست گونه انواع آنها را تعیین نموده اند و تقریباً شغل بیشتر اهالی جزایر ماهیگیری و صید مروارید میباشد کارخانه کنسرو ماهی بندر عباس و متخصصینی که دولت برای شیلات جنوب استخدام کرده بزودی صادرات مهمی که خود راه عایدی جدیدی است برای ما از این حیث بوجود خواهد آورد .

**چگونه ممکن است جزایری خالی از سکنه داشته باشیم** - جزایر خلیج فارس از شمال بجنوب عبارتند از : خارک دارای صد خانوار جمعیت ماهیگیر و صیاد مروارید بطول ۸ و عرض متوسط ۴ کیلو متر - خارکو با جمعیت ۲ نفر طول ۵/۴ کیلو متر عرض متوسط ۷۰۰ متر - جزیره شیخ شعیب جمعیت ۶۰۰ نفر ماهیگیر و صیاد مروارید طول ۲۴ عرض ۵ کیلو متر - جزیره شتور خالی از سکنه طول ۲ کیلو متر عرض ۹۰۰ متر - جزیره هندورابی جمعیت ۲۰۰ نفر ماهیگیر و صیاد مروارید و زارع طول ۹ کیلو متر عرض متوسط ۴ کیلو متر - جزیره کیش جمعیت ۱۵۰۰ نفر صیاد مروارید ماهیگیر و زارع بطول ۱۵ و عرض ۷ کیلو متر - جزیره فارور جمعیت ۵۰ نفر طول ۷ عرض ۵/۴ کیلو متر - بنی فارو خالی از سکنه - جزیره سیری جمعیت ۱۵۰ نفر بشغل ماهیگیری و صید مروارید طول ۷ کیلو متر عرض ۵/۴ کیلو متر - جزیره بوموسی ( معدن خاک سرخ ) جمعیت ۱۰۰ نفر ماهیگیر و صیاد مروارید طول و عرض ۵/۴ کیلو متر - جزیره تونب جمعیت ۱۰۰ نفر ماهیگیر و صیاد مروارید و کمی زارع - جزیره بنی تونب خالی از سکنه - جزیره قشم ( بزرگترین جزایر خلیج فارس ) دارای آبادیهای متعدد طول ۱۰۸ کیلو متر عرض متوسط آن ۱۸ کیلو متر میباشد فاصله نوك جنوب باختری آن بمسافت ۳۷ کیلو متر در خاور بندر لنگه و نوك شمال خاوری آن بمسافت ۲۲ کیلو متر از بندر عباس میباشد جمعیت آن ۱۲۰۰۰ نفر است که شغل آنها علاوه بر مختصر زراعت ماهیگیری و کشتی رانی و صید مروارید میباشد ارتباط آنها بیشتر با بندر عباس است دارای معادن نمک و نفت میباشد - جزیره هنگام جمعیت ۷۵۰ نفر ماهی گیر و صیاد مروارید طول ۹ و عرض ۶ کیلو متر میباشد - جزیره لارک جمعیت ۲۰۰ نفر ماهیگیر و صیاد مروارید طول ۱۱ عرض ۶/۵ کیلو متر - جزیره هرمز ( دارای معادن خاک سرخ و نمک ) جمعیت ۷۵۰ نفر بکارهای عملگی در معدن خاک سرخ و صید مروارید مشغول میباشد طول ۹ عرض ۸/۵ کیلو متر - مجمع الجزایر بحرین که مهمترین آنها محرق و بحرین میباشد جزیره محرق دارای چند آبادی جمعیت ۲۵۰۰۰ نفر بشغل صید مروارید و کمی زراعت طول ۷ و عرض ۶ کیلو متر میباشد - فرودگاه خط هوایی امپراطوری انگلیس در این جزیره میباشد - **جزیره بحرین** - جمعیت ۱۲۵۰۰۰ نفر دارای آبادیهای متعدد میباشد دهستانهای آن تمام آباد و دارای بازارها و کاروانسراهای بسیار میباشد منابع نفتی آن فوق العاده مهم و استخراج آن بشرکت های امریکائی داده شد و یکی از پر ثروت ترین کنایه های نفتی دنیا است طول ۵۰ و پهنای آن ۱۷ کیلو متر است مرکز و بندر آن فعلاً منامه یا میان آب میباشد ( بحرین ترجمه عربی آنست ) مجموع جمعیت جزایر بحرین به ۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ است که اکثر در کار صید مروارید و تجارت آن مشغول میباشد کمی نیز بزراعت مشغولند .



## چگونه آبادترین و پرجمعیت ترین نقطه خلیج فارس که جزء لاینفک ایران است در اشغال بیگانگان میباشد

تمام شرح فوق برای این گفته شد که خوانندگان ارجمند این سطور متوجه عظمت بحرین و جمعیت کثیر و تجارت صید مروارید آن باشند = بحرین از زمانهای تاریخی باستان از عهد هخامنشیان مانند سایر جزایر و سواحل جنوبی خلیج فارس و بحر عمان متعلق بایران بوده و بیشتر در اثر اهمال سلسله قاجاریه و ضعف حکومت مرکزی بعضی از رؤسای محلی بنا به دوئیتی که بیگانگان در بین آنها بوجود آوردند بر اثر نفاق با آنها ارتباط یافته و اجانب در این جزایر زرخیز بطور غیرمشروع دست پیدا کردند دولت پهلوی هیچوقت آنانرا برسمیت نشناخته به پیشگاه جامعه ملل چندین بار از این رویه اعتراض داده است .

**شرحی که هر ایرانی باید آنرا بداند** - چون بسیاری از جوانان وطن پرست ایرانی را دیده ام که مایل بدانستن تاریخچه مختصر دخالت بیگانگان در این جزایر میباشد خلاصه آن را بدین قرار برای ضبط در این تاریخ می نگارم در سراسر کرانه های جنوبی و باختری خلیج فارس نقطه ای مهمتر از بحرین دارای موقعیت نظامی و تجارتی نیست .

تا سال ۱۸۴۷ انگلیسها هرچه سعی میکردند نتوانستند پایگاه محکم و وسیله استقرار در جزایر بحرین بدست آورند مردم آنجا تحت ریاست یکی از شیوخ محلی زیر حکومت ایرانی بسر میبردند و پرچم پرافتخار ایرانی را با مباحات تمام در برابر آبهای خلیج برمی افراشتند از آن سال بعد بیگانگان با تولید اختلاف بین اهالی سعی کردند وحدت ملی آنان را از بین ببرند بدین ترتیب بین شیوخ محمد که با احساسات میهن پرستانه ایرانی خود همیشه دفاع بحرین را عهده دار بود با برادرش شیخ علی که مدت ۲۱ سال با یکدیگر با نهایت موافقت کار میکردند اختلاف تولید نموده از شیخ علی تقویت نمودند تا بالاخره در غیاب شیخ محمد حکومت را بدست گرفت و چون این عمل شیخ علی مورد تنفر عموم مردم واقع شده بود و علی همه چیز خود را ازدست داده بود در جنگی که بین دو برادر رخ داد زخمی گردیده شکست خورد و شیخ محمد دوباره برخلاف میل انگلیسها در بحرین مستقر گردید ولی دسیسه هائی بر علیه او شد که بالاخره با دخالت رسمی نماینده سیاسی انگلیس که با چند ناو با آنجا آمده بود محمد و پسرعموهای او را از بحرین اخراج و شیخ عیسی پسر شیخ علی را جهت حکومت انتخاب کرد . (۱۸۷۰)

دولت انگلیس باینهم قائم نشده در سال ۱۸۸۰ بشیخ عیسی با اینکه تقریباً دست نشانده خود او بود قدغن نمود که حق ندارد باهیچ دولتی داخل ارتباط شده معاهده برقرار نماید مگر با اجازه دولت انگلیس در سال ۱۸۸۱ بشیخ عیسی تحمیل نمود که هیچ دولت نباید نماینده سیاسی یا کنسولی در بحرین داشته یا مرکز ذغالی برقرار نماید در سال ۱۸۹۲ نیز قدغن نمود نباید بهیچ دولت دیگری در جزیره بحرین زمینی فروخته و یا اجاره داده شود مگر با اجازه نماینده انگلیس در سال ۱۸۹۵ بواسطه تحریک و نفوذ ترکها چون قبیلۀ آل بوعلی از ناحیه قطر در صدد حمله به بحرین برآمدند شیخ عیسی بعلت قراردادیکه با انگلیسها داشت نماینده سیاسی آنها در بوشهر

خبرداد و او ضمن اینکه چند ناو مأمور مراقبت شورشیان نمود شیخ عیسی را مجبور ساخت که قبول نماید از این بیعت یک نفر نماینده سیاسی انگلیس در بحرین اقامت نماید که هم رسیدگی بکارهای اتباع انگلیس در آنجا بنماید و هم طرف مشورت شیخ بحرین در کلیه مسائل مربوطه باتباع خارجه باشد و شیخ عیسی ناچار هر دو شرط را قبول نمود از سال ۱۸۷۸ بر خلاف احساسات عامه کارگرم بحرین نیز تحت نظر نماینده سیاسی انگلیس در آمد باین قسم بتدریج جزیره بحرین تحت اداره غیر مشروع حکومت هند انگلیسی وارد شد.

**ما ایرانیان امیدواریم با در نظر گرفتن روابط فوق العاده صمیمانه ای که با کشور بریتانیای کبیر داریم اکنون که دولت انگلستان به هندوستان استقلال عطا کرده است دخالت خود را از مجمع الجزایر بحرین مرتفع ساخته و آنرا بحکومت ایران واگذار سازد در این باره بمناسبت موقعیت فوق العاده شایان توجهی که پیش آمده است نظر وزارت امور خارجه را جلب میکنیم.**

اکثر سکنه بحرین ایرانی و عدهای نیز از اعراب نجد و مسقط و کویت و هندوها در آن سکونت دارند بطوریکه تا سال ۱۹۲۳ تمام کارهای داخلی بمناسبت احساساتی که مردم آنجا نسبت بوطن خود ایران دارند با مشورت شیخ و یکنفر از محترمین ایرانی قطع و فصل میشد خود شیخ عیسی نیز با وجود آنکه دست نشانده انگلیس بود رعایت جانب ایرانیان را زیاد مینمود.

خارجیان دیگری که در بحرین بنگاه دارند شرکت های امریکائی برای استخراج نفت و یک هیئت مندهمی (کلیسای هلندی) است که در سال ۱۹۰۲ نخستین بیمارستان را در بحرین گشودند از فروردین سال ۱۹۳۵ نیروی دریائی انگلیس مأمور خلیج فارس که تا این زمان از جزیره هنگام برای تکیه گاه خود استفاده میکرد هنگام را تخلیه کرده و بجزیره بحرین رفتند و مؤسسات لازم خود را از حیث وسایل آسایش و زندگانی از قبیل باشگاه افسران و افراد و وسایل ورزش و شنا و همچنین انبارهای ادوات و سوخت در آنجا فراهم ساختند و باین قسم علاوه بر تسلط سیاسی اشغال نظامی بحرین را نیز انجام دادند.

با اینکه جزیره هنگام و بندر باسعیدو نیز موقتاً بدست بیگانگان افتاده بود ولی بر اثر پیدایش سلطنت پهلوی از سال ۱۳۱۴ پس از دو قرن پرچم شاهنشاهی ایران در جزیره هنگام و بندر باسعید و افراشته شد و راجع به بحرین نیز مکرراً بوسیله جامعه ملل که یگانه مرجع ملل متمدن بود اعتراض داده شد و هنوز هم وزارت خارجه اقدامات لازم را مرعی میدارد.



# فصل سوم

ای پرچم: همیشه در آسمانهای بلندقرین افتخار و در اهتزاز باش

در عرصه پهناور اینجهان ملت‌های زنده و پاینده هستند که  
قوی و توانا باشند و با پشتیبانی ارتشهای خود در شاهراه  
تمدن پیش بروند

هم میهنان عزیز گرچه رشته سخن بدرازا کشید. اگر ما بخواهیم ثروت‌های بی پایان خدادادی کشور عزیز خود را شرح دهیم در خور هر یک کتابی لازم است که هفتاد من کاغذ وزن هر یک از آنها خواهد بود البته نقطه‌های یأس فراوان نیز در برابر داریم که مجبور خواهیم بود شرح هر یک از آنها را هم بدهیم این نقطه‌های یأس وضع چون ممکن است باعث برافروختن آتش غیرت جوانان گردد در چنین کتابی که در دور ترین نقاط ایران آنرا خریده و صدها هزار نفر خواهند خواند شاید از بعضی لحاظ سیاست داخلی و خارجی فعلاً مناسب نباشد.

ما این تیرگی‌ها را (اگرچه در مقابل سعادت‌هایی که داریم و میتوانیم بهره‌مندی کامل ببریم قابل جبران میدانیم) در کتاب مفصلتر دیگری بزودی منتشر خواهیم کرد و هم میهنان را از آنچه باید برای سرنوشت ایران از همه حیث تفکر کنند آگاه ساخته و فهرستی بدستشان خواهیم داد.

۵۰ میلیون نفر - باری اگر زمین‌های حاصلخیز ایران را ۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع بدانیم واحد متوسط ۷۰ نفر برای زندگی در هر کیلومتر مربع حساب نمایم ایران میتواند به آسانی دارای ۳۵ میلیون نفوس بشود که با سودگی در آن زندگی نمایند اکثر محققین ایران را حد اقل دارای استعداد ۵۰ میلیون نفر نفوس دانسته‌اند که میتوانند بسیار راحت و سالم و نیرومند در آن زندگی کنند و وسایل آسایش فرزندان و سعادت و ترقی ایران را فراهم آورند علت عمده نقصان جمعیت ایران مرگ اطفال است که بقول دکتر ژنرال کولونیه رئیس سابق بهداری ایران که یک شخص فرانسوی بود ۹۵ درصد اطفال ایران میمیرند و این بدبختی بیشتر در اثر عدم وسایل بهداشت کودکان میباشد.

جمعیت کنونی ایران ۳۴۸۳۰۹۸۳ نفر مرد و ۴۸۹۴۰۲۴۰ نفر زن مجموعاً ۸۳۷۸۴۹۸۶۱ نفر (شانزده میلیون و نیم) میباشد.

کشور ایران دارای ده استان و ده استاندار - ۶۲ شهرستان و ۶۲ فرماندار و ۲۲۹ بخش و ۲۲۹ بخشدار و ۴۱۰۲۱ ده و ۴۱۰۲۱ دهبان یا دهمدار است.

نگارنده خواستم بوسیله این کتاب علاقه مندی بخاک خود را در دل

هر ایرانی بوجود آورم بدانند که وارث چه میراث بی حساب و بی کرانه‌ای هستند - بدانند که باید از وجب بوجب این خاک مشك نیز بهتر از زر و سیم باخون خود دفاع کنند - اینهمه نعمت‌ها و سرچشمه‌های بزرگ حیات بخش مال ما است باید برای سعادت میهن ما و افرادی که در آینده در آن زندگانی خواهند کرد یعنی برای فرزندان ما به نیکوتر وجهی از آنچه که خداوند باری تعالی جل و عز بما بخشش فرموده است بهره‌مند شویم. تنها  $\frac{1}{8}$  مساحت کشور ما را خداوند جنگل بما عطا فرموده که بزرگترین عطیه خدادادی است و معادل ۲۰ میلیون هکتار تقریبی میباشد که از تمام خاک کشور بلژیک فزونی دارد و اگر طبق اصول جنگلبانی از آن بهره برداری شود در عین حالیکه موجبات ازدیاد آن فراهم خواهد شد میتواند سالیانه در حدود  $0.00/0.00/0.00$  ریال بکشور ما عایدات خالص برساند این جنگلها شامل پسته - بادام - بادام وحشی - انجیر - انگور - گز و غیره و همچنین چوب‌های صنعتی و تخته والوار است مقدار چوبی که محصول این جنگلها است به ۳۱۵ میلیون متر مکعب میرسد - اگر فقط موجبات ترقی محصول پسته و بادام این جنگلها را فراهم نمائیم باسانی سالیانه  $0.00/0.00/1/680$  ریال عایدات این دو قلم را بدست خواهیم آورد.

همانطور که مکرر گفته شد ما آنچه را که داریم از آن اطلاع نداریم - ما اگر بخواهیم گوشه هر یک از معادن خود را تکان دهیم حالت جنگلهای ما را خواهد داشت - کشور ما از این حیث نیز یکی از پر ثروت ترین کشورهای روی زمین و بی نیازترین آنها است زیرا انواع و اقسام کانهای مختلف در آن وجود دارد معادن عظیم ذغال سنگ ( در مشك - زراب - گلندرد - ایکا چشمه گل مشهد - و بسیاری از نقاط آذربایجان ) - معادن آهن در ( سمنان - زنجان ) - مس ( در انارک - سبزوار - عباس آباد - پایچه باغ - زنجان - حوالی قزوین بهر آسمان ) همکاز - ( در رباط کریم - شهریار ) - کانهای کرم ( در حوالی میناب ) انتمیون ( در پتیار انارک ترکمنی انارک ) - نیکل و کبالت ( حوالی انارک ) گوگرد ( در بستانه لنگه - مشکین - افشار - سمنان ) خاک سرخ - ( در جزیره هرمز ) .

و بالاخره کانهای وافر - نمک - سرب - زرنیخ - سنگ آهک - سنگ آسیاب - زاج سیاه فیروزه - کالشور - زاج - گچ - واز همه مهمتر نفت در شمال و غرب و جنوب و همچنین معادن طلا و نقره و معادنی که اکتشاف نشده و در دل خاک نهفته است همه در اختیار ملت ایران است از معادنی که در بالا نام بردیم اکنون از قسمت اولی آنها دولت و از قسمت دومی ملت و اجاره داران مختلف در نقاط متعدد استفاده میکنند شك نیست با توسعه آن بهبودی شگرف در زندگانی مردم سامان ما پدید خواهد آمد .

**اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضاشاه پهلوی** پس از اینکه خاطرات ذیقیمتی از مسافرت آذربایجان تحصیل فرمودند در مراجعت میفرمودند مردم ایران فقیر و ما محتاج اصلاحات بسیاری هستیم ما همه چیز داریم ولی باید برای استفاده از آنها قوای خود را بکار انداخته با برنامه‌های منظمی بسوی ترقی و اصلاحات اساسی قدم برداریم والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که یکی از بزرگترین بانوان خیراندیش و ملت دوست جهان امروز میباشد صیت نیک نفسی و شهرت نیکو کاریهای خیره ایشان در تمام دنیا انتشار یافته و بویژه در آمریکا طرفداران



بسیار برای ذات مبارکش تهیه دیده است پیوسته در بازدیدهایی که از مساکین و فقرا و آسیب دیدگان میفرمایند این نکته را تذکر میدهند که ملت ما بسیار فقیر و مسکنت شگرفی سراسر ایران را فرا گرفته است .

پس با اینکه ما اینهمه نعمت‌ها و طبیبات خدادادی داریم چرا کار و کوشش نمیکنیم باید یکدل و یک زبان بسوی اصلاحات سریع و با اساسی بشتاییم و بدبختی‌های گذشته را مرمت کنیم .

برای اصلاح این زندگانی سراسر نامالیم باید کار کنیم اشخاص لاابالی و بیحال و مهمل و مردان راحت طلب نباشیم باید بیکار ننشینیم میگویند روسها مردان پرکاری هستند در هنگام مسافرتشان بایران در جنگ اخیر دیده شد افسران ارشدشان وقتی بیکار میشدند کارهای نجاری میکردند . افراد يك ملت بزرگ و زنده باید زندگانی خود را پر آشوب و متلاطم سازند آنگاه برای انجام يك آرمان شریف و خدمت مقدسی تلاش کنند **هنگامیکه در زندگانی ما نقطه اصلاح شدنی و کار انجام نشده یافت نشود زندگانی ما پیاپان رسیده است و دیگر وظیفه نداریم زندگی و زیست کردن برای داشتن يك هدف عالی و آمال و آرزوی بزرگی است که هر فرد باید داشته باشد . زندگی برای نبرد کردن و کار کردن و بطرف ترقی و هدف پیشرفتن است تاپس از آن از صفا و آرامش و آشتی و صلح بعد از جنگ و رفاهیت حاصل شده برخوردار و متنعم گردیم و در آغوش شاهد عشق کامرانی کنیم .**

**تاریخ زندگانی اعلیحضرت شاهنشاه فقید** باید نمونه سعی و عمل و سرمشق و همت و اقدام هر ایرانی باشد این پادشاه بزرگ بطفیل همت بلند و عزم متین از سر بازی به تخت سلطنت کیان ارتقاء جست .

ما باید شب و روز مانند آنکه در جنگ گرفتار هستیم کار کنیم و فعالیت ابراز داریم اندر مورو در کتاب چرا فرانسه شکست خورد (۱) مینویسد سرعت جاسوسان آلمان در فرستادن اخبار و اطلاعات از حدود عقل و توانائی انسان گذشته بود بمحض اینکه یکی از فرماندهان مادر دهکده‌ای اقامت میگرفت هوانوردان آلمانی فوراً بر آن دهکده حمله می‌بردند تا او را فراری دهند احياء کامل کشور ما ایران فقط و فقط با قدرت اراده کار کردن میسر است و ما برای این اقدام قدرت و شهامت کافی داریم .

**فژاد ایرانی** قدرت و قوتی دارد که بوسیله آن می‌تواند از عمیق‌ترین ورطه‌ها خود را بیرون بکشد و از بلندترین قلعه‌ها بالا رود باید بلافاصله مشغول کار شویم تا قدرت و ثروت ایران را زیاد کنیم و مقام و مرتبه را که داشت باو بدهیم .

و آن میسر نیست جز اینکه قبل از همه برای ایجاد يك کشور آرام و امن و آسوده که افراد آن در حمایت قانون و امنیت و آزادی و عدالت علاقه بآب‌وخاک و آثار و مدنیت و خانواده خود پیدا کرده موجبات زیست کردن را فراهم به بینند يك ارتش شایسته ملتی بزرگ مانند ایران داشته باشیم .

(۱) این کتاب را هم آقای ابوالقاسم یابنده و هم آقای احمد فرامزی هر يك جدا گانه ترجمه نموده اند .

آیا برای حفظ و حراست اینهمه ثروت های طبیعی که جان ما و فرزندان ما بدان وابستگی دارد و همچنین برای زحمتهایی که ملت ما در قرون و اعصار متمادی در راه صنعت و کشاورزی این کشور کشیده‌اند و برای برپا نگهداشتن و مرمت و تجدید کردن آثار با عظمت تاریخی که نیاکان پیراج و بلند آوازه ما بنام کانون ملت ایران ساخته‌اند و برجا گذاشته‌اند يك ارتش قوی و يك تشکیلات نظامی بسیار وسیع لازم نیست.

و اگر نباشد آیا قانونی و عادلانه است که دیگران ارتش داشته باشند و تمام این افتخارات و ثروت‌های ما بدون پشتیبان باشد و در نتیجه تدریجاً ما برده و مستعمره بیگانگان گردیده آنگاه آنها مره‌بی ما باشند و ماتحت قیومیت زندگانی کنیم و حتی اشخاصی مانند پیشه‌ورها و غلام‌یجی‌ها و دیگر وطن‌فروشان و یاغیان و طاغیان و غاصبین غارتگر بیکر مادر میهن ما را قطعه قطعه نموده برادران و خواهران و فرزندان ما را طوق رقیت نهند .

نه - هیچ عدالتی و هیچ مرام و قانونی چنین امری را نمی‌بسنند جز اینکه ما هر چه می‌خواهیم باشیم برای خود باشیم در جریانهای مختلف سیاسی وارد نشده گرفتار فریب جاسوسان نشویم .

امروز ملت‌ها و قوم‌های مختلف جهان برای سعادت و بقای ملیت خود نبرد جانبازانانه و فداکارانه میکنند ملت‌های بسیار کوچک در راه آزادی و استقلال و تمامیت ارضی خود همه چیز عزیز خود را از دست داده‌اند ولی ملیت و استقلال خود را حفظ کرده‌اند چه یقین دارند در پرتو آن دوباره بهمه از دست رفته‌های خود خواهند رسید .

زنده و پاینده ملتی است که با نیکنامی و شجاعت و شهامت سعادت خود را بدست آورد نه اینکه مانند خس و خاشاک گاهی دریا دستخوش تلاطم امواج سهمگین دنیای امروزی گردیده از مظاهر مغوف تمدن ترسناک باشد چه در این دنیا عاقبت عدالت و انتظامی وجود دارد که تعدیل آن تابع شهامت و بزرگی روح ملت‌ها است .

ما اگر چه در فصل گذشته این کتاب شرحی در باره نیروهای زمینی دول دادیم معذرا برای بیداری دولت و ملت خود مجدداً یاد آور میشویم دول مختلف دنیا برای احراز شخصیت بین‌المللی و ابراز شهامت و اهمیت ملی خود و بالاخره برای دلپهایی که در بالا متذکر گردیدیم آنچه که قوه دارند برای تقویت ارتش خود بکار می‌برند - ارتش زمینی و نیروهای هوایی و دریایی نه فقط سه فصلی هستند که در رأس بودجه سنگین دول قرار گرفته‌اند بلکه يك عنوان دیگری که بنام اعتبارات کلی دول جنگجوی سابق برای دول دیگری که احتمال دارد مورد استثمار آنها قرار گیرد معین کرده‌اند باید باین بودجه‌ها افزود .

**اکنون جدول کاملی از نیروهای زمینی فعلی کشورهای دنیا طبق صورت‌هایی که مطبوعات موق در تاریخ اول ماه ژوئیه سال ۱۹۴۷ منتشر کرده‌اند با يك ارقام تخمینی از نظر خوانندگان میگردد :**

»	۱۸۰۰۰	کانادا	۱۰۰۰۰۰	نفر	افغانستان
»	۲۳۵۰۰	شیلی	»	۶۰۰۰۰	آلبانی
»	۴۰۰۰۰۰۰	چین‌قوای ملی	»	۴۰۰۰۰	عربستان سعودی
»	۱۷۵۰۰۰۰	چین قوای کمونیست	»	۱۰۰۰۰۰	آرژانتین
»	۱۱۰۰۰	کلمبیا	»	۳۵۰۰۰	استرالیا



» ۱۵۰۰۰	گوبا	» ۸۵۰۰۰	بلژیک
» ۱۰۰۰۰	دانمارک	» ۳۰۰۰۰	بلیوی
» ۱۰۰۰۰	اکواتر	» ۱۳۰۰۰۰	برزیل
» ۱۶۰۰۰۰	مصر	» ۵۶۰۰۰	بلغارستان
» ۱۵۰۰۰	نروژ	» ۴۲۲۰۰۰	اسپانیا
» ۱۷۵۰۰۰	هلند	» ۶۷۰۰۰۰	اتازونی
» ۲۷۵۰۰	پرو	» ۳۴۰۰۰	فنلاند
» ۱۶۵۰۰۰	لهستان	» ۴۳۰۰۰۰	فرانسه
» ۸۵۰۰۰	پرتقال	» ۱۲۱۰۰۰۰	بریتانیای کبیر
» ۱۲۵۰۰۰	رومانی	» ۱۴۶۰۰۰	یونان
» ۵۷۵۰۰	سوئد	» ۶۵۰۰۰	مجارستان
» ۱۰۰۰۰۰	چکواسلواکی	» ۱۱۴۰۰	ایرلند
» ۶۷۵۰۰۰	ترکیه	» ۱۰۰۰۰۰۰	هندوستان
» ۳۸۰۰۰۰۰	اتحاد جماهیر شوروی	» ۲۵۰۰۰۰	ایتالیا
» ۱۰۰۰۰	ونزوئلا	» ۵۷۰۰۰	مکزیک
» ۳۵۶۰۰۰	یوگوسلاوی	» ۱۱۰۰۰	زلاند جدید

آنچه از ارقام بالا مسلم میگردد این است که باوجود توسعه و ازدیاد شگفت‌انگیز وسایل فنی و انقلاب عظیمی که در طی جنگ اخیر در فن جنگ و لشکر کشی پدید آمده است و با تحول فوق‌العاده‌ایکه مخصوصاً در وضع نیروی هوایی و ساختمان کشتیهای هوانورد و ظهور گلوله‌ها و فشش‌ها و هواپیمائی که بوسیله قوه برق پرواز مینمایند بوجود آمده‌است هواپیمائیهائی که سرعتشان تا حدود هزار و صد کیلومتر در ساعت و یا مافوق سرعت صوت است اختراع گردیده است معینا اکثر دول اعم از بزرگ یا کوچک قسمت اعظم نیروهای نظامیشان سازمان ارتشها و نیروهای زمینی آنان است - بطوریکه اکنون ۱۹ میلیون سرباز مسلح مراقب صلح عجیب فعلی هستند.

هر ساله سه‌هزار و دوست و چهل میلیارد فرانک یا ۲۷ میلیارد دلار بمصرف بودجه نظامی چهل کشور دنیا میرسد.

دو دولت بزرگ اتازونی و اتحاد جماهیر شوروی تمام سعی و اهتمام خود را در راه حصول تفوق در تمام شعب تسلیحات بکار میبرند و این ادعا از مشاهده جدول مقایسه ذیل تأیید میگردد.

### روسیه شوروی

۳۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ نفر  
 ۷ تا ۱۲ میلیون نفر  
 ۸۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰  
 ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰

### اتازونی

عده افراد ارتش حاضر بجننگ ۶۷۰۰۰۰ نفر  
 عده افراد ذخیره تعلیم یافته ۶ تا ۸ میلیون نفر  
 هواپیمای ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰  
 مجموع هواپیمایها ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰

## نیروی دریائی

۳۰۰٫۰۰۰ تا ۴۰۰٫۰۰۰ نفر

عده کارکنان ۵۹۸٫۰۰۰ نفر

۲۱۱ تا ۲۹۱

کشتی جنگی ۷۲۹

۳۹۶٫۰۰۰ تا ۴۸۷٫۰۰۰

ظرفیت ۳٫۸۲۰٫۰۰۰

نیروی دریائی دو دولت بزرگ با تعداد کشتی‌ها و عده کارکنانشان در دو جدول بالا ذکر گردید - دو جدول زیر نیز یکی قدرت نیروی هوائی کشورها را در اول ماه ژوئیه سال ۱۹۴۷ با اطلاع خوانندگان گرامی میرساند و دیگری تعیین میکند بودجه مخارج نظامی کشورها چنددر صد از بودجه کل مخارج آنها است :

نام کشورها	عده هواپیما	فنلاند	۶۰
اتازونی	۲۷۰۰۰	فرانسه	؟
بریتانیای کبیر	۱۵۰۰۰	یونان	؟
اتحاد جماهیر شوروی	۲۵۰۰۰	مجارستان	۹۰
ارژانتین	۱۵۰	ایرلند	۶۲
استرالیا	؟	ایتالیا	۳۵۰
بلژیک	۱۱۰	مکزیک	۲۵۰
برزیل	۱۱۰	هلند	۲۷۵
بلغارستان	۹۰	نروژ	۱۷۵
کانادا	۱۵۰	لهستان	۴۰۰
شیلی	۱۵۰	پرتغال	۵۷۵
چین	۵۴۰	رومانی	۱۵۰
کامبوج	۷۰	اسپانیا	۹۵۰
کوبا	۵۰	سوئد	۵۰۰
چکواسلواکی	؟	سوئیس	۴۰۰
دانمارک	۱۰۰	ترکیه	۱۰۰۰
اکواتر	۴۰	افریقای جنوبی	۳۰۰
مصر	۱۵۰	یوگوسلاوی	۱۰۰۰

## نام کشورها

میزان چند در صد از بودجه کل  
صرف ارتش میشود

اتازونی	۲۳	اکواتر	۲۰
اتحاد جماهیر شوروی	۱۸	فرانسه	۳۲
بریتانیای کبیر	۲۷	یونان	۳۳



۶	ایرلند	۳۸	آرژانتین
۲۲	مکزیک	۳۰	استرالیا
۲۵	هلند	۱۰	بلژیک
۸	نروژ	۳۰	بلیوی
۲۰	پرو	۴۲	برزیل
۲۴	لهستان	۱۲	کانادا
۵۳	اسپانیا	۱۹	شیلی
۲۲	سوئیس	۸۰	چین
۱۹	ترکیه	۱۰	کلمبی
۱۰	افریقای جنوبی	۱۸	کوبا
۹	ونزوئلا	۲۰	چکواسلواکی
۲۲	یوگوسلاوی	۱۳	دانمارک

ارقامی که جلو نام آتازونی واتحاد جماهیر شوروی و بریطانیای کبیر ذکر گردیده اشتباه نشود این ارقام تعداد تمام هواپیماهای مبارز - حمل و نقل و تعلیماتی یا حاضر بخدمت یا ذخیره یادر انبار میباشد ولی ارقامی که جلو اسامی سایر کشورها نوشته ایم فقط نماینده هواپیماهای نظامی است که ممکن است در هر لحظه مورد استفاده قرار گیرد .

در قسمت بودجه مخارج نظامی کشورها نسبت ببودجه کل آنان مسلماً دولت اتحاد جماهیر شوروی بیش از ۱۸ درصد بودجه خود را بمصارف نظامی میرساند منتها بودجه او طوری تنظیم گردیده است که میزان مصارف نظامیش را بیش از ۱۸ درصد نشان نمیدهد و قسمت عمده مخارج نظامی بعنوان مختلف از مواد دیگر بودجه اش تامین میگردد در صورتیکه در حقیقت به ۴۰ تا ۵۰ درصد میرسد هم چنین است آرژانتین و یوگوسلاوی .

پس کشور ما نیز با توجه به مجد عالی گذشته اش نباید از سایر کشورها که بسیاری از آنها از حیث تمدن و شخصیت بین المللی بسی از ما کمترند از لحاظ نظامی عقب بماند - آنچه با توجه به ترقیات سریع نیروهای هوایی و اختراعات اتمی دولتها استنباط میشود اکثر کشورهای معظم تمام پیشرفتهای خود را در راه تمدن با توسل به مقامات نظامی کرده اند یعنی امر وزعالتیرین برنامه های اصلاحاتی و ترقیاتی اکتشافاتی و اختراعاتی دول از راه وزارت جنگ و بدست ارتش انجام می پذیرد وظیفه وزارت جنگ و اوساط نظامی کشورها فقط امور نیروهای سه گانه نیست بلکه عمده اهتمام آنها در مسائل بسیار محرمانه ایست که در راه پیدایش اختراعات جدید بکار برده میشود چه دول بزرگ درک کرده اند که از راه ارتش منظم تر و کامل تر و سریع تر در نهایت اختفاء میتوان مدارج نیروهای نهفته در کائنات را پیمود .

### یکی از فواید مهم دیگر ارتش مخصوصاً برای ملت ایران آنست :

ولو اینکه اگر روزی قرار باشد نیروهای نظامی دول منحل شود تازه ما باید ارتش ایجاد نماییم برای ما لازم است ! زیرا ارتش علاوه بر اینکه بخودی خود کاری است و جزء حرکت ملت یک

کشور محسوب میشود بلکه شرافتمندترین کارها و سودمندترین حرکتهای فعاله است برای ملت ما که دچار تردیدها و بیش آمد های بیمورد سیاسی بسیاری شده است جز توسل به نیروی نظامی هیچ راهی برای بیداری و جنبش سریع نیست در ارتش بهترین سرمشق فعالیت و فنون مختلف زندگانی و تحصیل علوم و کسب آخرین ترقیات و توجه و انتباه در راه اختراعات و تعلیمات مفید با افراد داده میشود افراد علاوه برورزیدگی و چالاکی در فنون هوانوردی - دریانوردی و زمین پیمائی بقدری منظم پیش میروند که بهیچوجه در غیر سازمانی مانند ارتش پیش نخواهند رفت ما جز با انضباط مقدس نظامی نمیتوانیم جبران ایشمه تعویق های تاریخی خود را بکنیم .

علاوه برهمه اینها چون ارتش روح نشاط و شادمانی تولید میکند برای ملت ما که قرنها دمساز با گریه و زاری بوده است عالیترین وسیله تحریک احساسات روحی بشمار میرود ،

نگارنده بهترین فصل کتاب خود را با تمام این گفتارها بنا بعقیده و علاقه محکمی که بآب و خاک و مخصوصاً ملت با استعداد و ارجمند خود دارم با این جملات پایان میدهم .

**موتسکیو** میگوید در دموکراسی ما یک اشتیاق داریم و آن این است که انسان بهتر از سایر هموطنان خود بمهمن خدمت نماید - هر کس درموقع تولد خود نسبت بوطن دین بزرگی پیدا میکند که هرگز از عهده ادای آن برنتواند آمد .



هر وقت وطن فرمان میدهد هر چیز دیگر خاموش میشود و قتیکه وطن در خطر است برای فرزندان این مادر هیچ چیز وجود خارجی ندارد باید همه منافع شخصی - خانوادگی و عزیزان خود را ترك کنیم در این هنگام است که این وظیفه تمام وظایف را محو میسازد. سر بازان ساسانی این آوازا میخواندند « جانبازی در راه ایران با شادمانی بهترین سر نوشتهاست »

**ما ایرانیها** . ما . بقدری ملت بزرگو و سرفراز و ملت دلاور و واجد کامترین ملکات انسانی و عطایای الهی و هوش و دهاء سرمدی هستیم که استعداد نیل بعالیترین مقامات بشری و فرمانروائی را دارا میباشیم .

مادارای همان مزایای برتری و اولویت هستیم که روزگاری روزگار زمین را اداره میکردیم و جهان باعدالت ما باقوانین ما باسپاه متمدن ما با ملت بزرگ منش و متفکر ما در آسایش و لذت حقیقی حیات مستغرق بودیم موده داریوش شاه - شاهنشاه بزرگ آسمانی ما بنا بانچه که در کتیبه بیستون نقر شده است ۴۲ کشور بزرگ از نعمت رفاهیت سازمان عظیم حکومت ما برخوردار بودند نام ایران کافی بود که درو در آن زیبائیهای بیشمار احساس شود - ما در آینده نیز باید چنان باشیم و شک نیست که خواهیم بود . ایران. این ۵ حرف ۲ آهنگی چه شکوه و جلالی دارا میباشد چه غرور و وجد و سروری بوجود می آورد .

پاینده و جاویدان مانی ای پرچم سهرنگ شیر و خورشید ایران همیشه در آسمانهای بلند قرین افتخار و در اهتزاز باشی



واقعاً پرچم سه رنگ شیر و خورشید و شمشیر ما که در بالای آن نقش تاج مقدس شاهنشاهی کیانی مرئوس است بشاش ترین و مغرورترین بیرقها است در آسمان منظره بس عالی و فشنگ دارد رنگهایی روشن و مشعشع فرحناک و پرافتخار می گستراند بر آنها نام مقدس ایران نوشته شده است - هر وقت امواج باد آنرا در اهتزاز می آورد بصدا درآمده نام ایران را فریاد میزند .

آنکس که مدتی دور از ایران مانده باشد میدانند انسان با چه هیجانی صمیمانه و در عین حال قوی و مسرور به پرچم ایران بر فراز سفارتخانه های خود سلام میدهد پرچم از وطن آواز عزیزانی که در وطن گذاشته از علائق او از یاد گارها و عشق او از کانون خانواده و نژاد او و آنچه که مورد توجه مغز و قلب اوست صحبت میدارد گاه گاه اشک بچشمانش می آید پاهایش بلرزه می افتد میخواهد در برابر این قطعه پارچه که برای او دنیائی است بزانو درآید .

ای پرچم = ای پرچم مقدس سه رنگ ایران همواره با کمال عظمت در آسمانها در اهتزاز باش پیوسته مظهر بخشندگی شرافت و افتخار باش هیچ لکه و هیچ ضعفی رنگهای مشعشع ترا تیره نکند وقتی که خطر نزدیک شود به سر بازان ما بگوی که « روز افتخار فرا رسیده است » باید حساب تمام خون خود را بوظن پس بدهید .



# فصل چهارم

## نیروهای نظامی ایران

### قبل از تأسیس ارتش شاهنشاهی

دوره قاجاریه را میتوان دوره انحطاط ارتش و قوای تأمینیه ایران دانست. پادشاهان ضعیف النفس و عیاش و بیحال قاجار هیچگاه در صدد برنیامدند با توسعه تشکیلات ارتش و نظام جدیدی که حتی با چشم خویش در کشور های راقیه و ملل متمدن اروپا دیده بودند میهن عزیز ما ایران را به اوج ترقی و تعالی برسانند و در پناه امنیت داخلی اصلاحات اساسی و پیشرفت در راه تمدن را آغاز نمایند محیط فکر و عمل ایشان هیچگاه از حدود حرمسرای پریوشان و ماه پیکران زندانی تجاوز نمی نمود. با اینکه در دوران سلطنت قاجاریه رجال بزرگی که دارای حسب و نسب ایرانی و پاکی خون و اصالت نژادی بودند ظهور کردند و خدمات بزرگی هم بکشور نمودند متأسفانه چون محکوم بزندگانی در دوره سلطنت سلاطین قاجار بودند نابود و معدوم گردیدند.

امیر کبیر و میرزا حسین خان سپهسالار دو نابغه بزرگ سیاسی ایران بودند که با دسائس اطرافیان و نیرنگهای سیاست بازان عسرافکار بلندشان در اعماق زمین مدفون گردید.

اگرچه ارتش همیشه در ایران مطابق اوضاع زمان و مکان وجود داشته است و بحالت چریک تحت نظر رؤسا و فرماندهان که در رکاب پادشاهان می جنگیده اند موفق بفتوحات بزرگی نیز شده اند و ما در مقدمه توانستیم مختصری از روح سلحشوری را در ایران باستان شرح دهیم ولی از لحاظ اینکه نخستین فکر توسعه تشکیلات ارتشی در مغز بزرگ مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر پرورش یافته بشکل بنیچه مقررانی برای اخذ سرباز و وضع نموده بود باید بروح پاک آن رادمرد بزرگ ایران دوست درود بفرستیم

طرز بنیچه بندی شهرستانهای ایران و اخذ افراد نظامی تحت اصول منظمی بوده است که ممکن بود با اجرای دقیق آن قشونی در حدود یکصد هزار نفر بوجود آورد سازمان و تومان بندی واحدهای کوچک و بزرگ نظامی مزبور بقرار زیر بوده است.

هر ده نفر توسط یک وکیل باشی و هر ۱۰۰ نفر توسط یک نایب یا سلطان هر ۵۰۰ نفر بوسیله یک سرهنگ - هر هزار نفر توسط یک سرتیپ هر ۵ هزار نفر تحت فرماندهی یک امیر پنجه - هر ۱۰ هزار نفر زیر فرمان یک امیر تومان - هر ۵۰ هزار نفر تحت امر یک سردار یا امیر نوین اداره میشده اند.

در آن هنگام قوای مزبور بده تومان تقسیم میگردد و واحدهای نظامی عبارت بودند از جوخه - دسته - گروهان - هنگ - تیپ و لشکر و سپاه و من حیث المجموع قشون مرکب بود از ۶۸۸۷۸ نفر پیاده - ۱۷۶۲۵ نفر سوار - ۱۰۷۲۶ نفر توپخانه (به مجموع ۹۷۲۲۹ نفر).

برای جلوگیری از فرار سربازان و تولید علاقه بخدمت سربازی و نظامی و عشق بفداکاری در راه میهن طبق مقررات مخصوصی اهالی محل بخانواده سرباز و برای تأمین زندگانی او پس از انقضاء خدمت کمک میکردند.

با اینکه اسلحه و مهمات و توپ و تفنگ بحد معتنابه در اختیار ارتش آن دوره بوده هیچگاه بر اثر عدم کفایت زمامداران وقت و اختلاف نظر همسایگان اصلاحات اساسی ارتشی در ایران صورت عمل بخود نگرفت از عده فوق ممکن نبود سالیانه بیش از نصف (یعنی در حدود ۴۵۰۰۰ نفر) را احضار و بخدمت جلب نمود.

دو کستی کوچک جنگی یکی بنام جهاز پرسپولیس و دیگری بنام شوش مأمور مراقبت بنادر خلیج فارس بودند.

نخستین تشکیلات ارتشی قاجاریه تقریباً در دوره فتحعلیشاه بوجود آمد و در تهران و تبریز برای اولین بار تحت اداره افسران فرانسوی و بعداً انگلیسی سازمانی داده شد.

در دوره مظفرالدین شاه این سازمان راه انحطاط بی نظیری رایمود بطوریکه پس از کشته شدن ناصرالدینشاه (در سال ۱۳۱۳) مظفرالدین شاه پس از ۴۲ سال ولایت عهدی بسلطنت رسید و بمناسبت ضعف و کسالتی که داشت زمام امور از کفش

خارج در اوایل بدست اتابك و سپس بدست امین الدوله افتاد بمناسبت عدم وجود قوای نظامی عایدات دولت وصول نمیشد و آنچه که وصول میشد نصف مخارج بل کمتر را کفایت نمیکرد حتی برای پرداخت ربع قرض و هزینه مختصر ارتش و قره سورانهای محلی و حقوق وزیران کافی نبود بعداً نیز مخارج مسافرت های فرنك و خرید اشیاء لوکس بجای اسلحه های جنگی مزید بر علت گردید.

در سال ۱۳۱۵ هجری هفت فوج توپخانه که عمده قوای نظامی کشور را تشکیل میدادند دیناری برای حقوق خود دریافت نمیکردند خزینه کشور بکلی خالی بود افراد و افسران مدتها برای اخذ حقوق انتظار میکشیدند.

در سال ۱۳۱۶ هجری با افراد و افسران مدت هشت ماه چیزی پرداخت نشد فقط فوج مختلط قزاق که مخارج آنها از درآمد گمرکات شمال بوسیله بانك روس پرداخت میشد حقوق خود را گاهی مرتب دریافت میداشتند - حتی مستخدمین شاهی و سواران خاصه که ۱۲۶ سوار تبریزی بودند گاهی سه ماهه ماه حقوقشان بتعویق میافتاد. اصول مالیات و تشکیلات کشوری و گمرکی مانند بدترین ادوار قموالدیته بود در خلال این مدت دودولت همسایه که به وضع داخلی و خرابی کشور و نبودن قوای ازتشی کامل ایران پی برده بودند.

میهن عزیز ما را بدو منطقه نفوذ تقسیم کردند.



در سال ۱۲۹۷ بریگاد قزاق بوسیله يك گروهان پیاده و يك آتشبار صحرائی تأسیس یافت این بریگاد بعداً به يك دیویزیون دارای ۵۶ افسر روسی و ۲۰۲ افسر ایرانی و ۶۶ درجه دار روسی و ۷۸۶۶ افراد ایرانی و ۳۱۴۱ اسب توسعه یافت. فرمانده این دیویزیون يك افسر روسی بود که او خود را حافظ قدرت امپراطور روس میدانست نه ایران.

سازمان این دیویزیون تشکیل یافته بود از يك ستاد مرکزی و نه آتر یاد بنام (آتر یادهای تهران - اصفهان - مشهد - همدان - گیلان - اردبیل - مازندران - ارومیه) که ملبس بلباسهای قزاقان روسی بودند بودجه تمام قوای انتظامی دیویزیون قزاق به ۲۰ میلیون قران بالغ میگردد.



در برابر دیویزیون قزاق پلیس جنوب نیز وجود داشت که انگلیس‌ها در خلال جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ آنرا تشکیل داده بودند و آمار آن بدین‌قرار بود - افسر انگلیسی ۴۷ درجه داران انگلیسی و هندی ۲۵۶ افسر ایرانی ۱۹۰ افراد و درجه داران ایرانی ۵۴۰۰ اسب ۱۱۸۷ قاطر ۸۸۶ الاغ ۱۰۰۰.

اعضای ستاد این قوا را ۸ نفر انگلیسی و سه نفر ایرانی در تحت فرمان یک ژنرال انگلیسی بنام (اینسپکتر) تشکیل میداده است و به دو بریگاد (تیپ) تقسیم میگردید. بریگاد فارس که مرکز فرماندهی آن شیراز و بریگاد کرمان که مرکز فرماندهی آن کرمان بود پیاده نظام پلیس جنوب دارای تفنگ‌های بلند و سوار نظام دارای کارابین بوده اند این قوا دارای یک بودجه سالانه بمبلغ ۳۵ میلیون قران بودند که تماماً از طرف دولت انگلستان پرداخت میشد و برای اجرای منظورهای آنان بود. علاوه بر قوای مزبور قوای ژاندار مری نیز که از سال ۱۳۳۰ توسط افسران سوئدی تأسیس یافته بوده در کشور وجود داشت.

این قوا در ابتدا توسعه بسیاری یافت ولی بعداً بمناسبت پیدایش انقلابات جنگ بین‌المللی دچار ضعف فوق‌العاده گردید بطوریکه آخرین آمار بدین‌قرار بوده است - سه نفر افسر سوئدی - ۲۴۲ نفر افسر ایرانی و ۸۱۵۸ ژندارام و ۲۳۴۰ اسب با هزینه سالانه‌ای در حدود ۳۰ میلیون قران.

علاوه بر قوای مختلف مزبور که عموماً بر روی مقاصد و نظریات سیاسی تشکیل یافته بود قوای چریک متعددی نیز وجود داشت که عمده آنها قوای چریک خراسان و قوای چریک سیستان بود و دولت انگلستان در جنگ بین‌الملل در مشرق ایران تشکیل داده و در این قوا شامل ۸۸ افسر انگلیسی و ایرانی و ۲۲۸۰ درجه دار و نفر و ۸۴۰ اسب و ۱۰۵۰ شتر بوده است سازمان‌ها و پرداخت حقوق افراد توسط قونسلاگریهای محلی انگلستان در ایران صورت میگرفت فرمانده نظامی آنان نیز یک نفر ژنرال انگلیسی بود هزینه سالانه این سازمان بالغ بر ۵ میلیون قران میگرددیده است.

ارتش یا قوای بنیچه ولایات ایران بالغ بر ده هزار نفر سرباز و افسر و ۳۰۰۰ اسب بوده است که بهیچوجه دارای سازمان منظمی نبودند.

اسلحه این افراد از تفنگ‌های بسیستم های مختلف تشکیل یافته بود که اغلب سیستم‌های ۳۰۳ انگلیسی بود لباس‌های این افراد با هم متفاوت و متباین و پیاده و سوار و توپخانه‌های علاماتی برای امتیاز بکار می‌بردند.

این افراد وقوا بهیچوجه دارای ارزش ارتشی نبودند و بیشتر بامور استحفاظی اشتغال داشتند بودجه در حدود ۹ میلیون قران در سال مصرف می‌کردند.

بطور کلی وضع هر ج و مرج غریبی برپا بود و اکثر اوقات اختلافات بین شقوق مختلف این چند قوا در کشور بقدری اوج می‌گرفت که بیم وقوع جنگ‌های شدید داخلی محسوس می‌گردید.

همه ناجور و مختلف کشور را دچار بد بختی و بلا تکلیف عجیبی کرده بودند.



میهن عزیز باستانی ما ایران در ورطه خوف و هائلی یکباره به یرتگاهی سوق داده میشد که نام و نشانی از وی باقی نماند استقلال ایران وطن عزیز ما در معرض خطر و نابودی قرار گرفته بود چنگال‌های ژخیمان اجنبی در رگ و ریشه این سرزمین چون خلد برین بطوری فرو رفته بود که هیچ روزنه امیدی را نوید نمیداد.

میهن پرستان دانشمند و رجال کهن سال ایران دوست که کشورهای اروپا را دیده و سر نوشت و شور میهن پرستی آنان را شنیده و مشاهده کرده بودند این احوال را میدیدند و دست بر روی دست سائیده آه اسف و حرمان از نهاد بر می آوردند هیچ چاره برای نجات ما در وطن نمیدیدند خون دل میخوردند از اینکه میهن عزیزشان دیری نخواهد پایید از هم متلاشی و تجزیه گردیده هر قسمتی از آن بکام نهنگی خونخوار فرو خواهد رفت.

کار از کار بکلی گذشته بود.

در چنین احوالی خون پاك ساسانی در عروق يك فرد ایرانی پاك نژاد و اصیل که در ماوراء البرز با گونه های گلگون سلامت زیسته در گردش بوده و داستانهای شاهنامه فردوسی و میهن پرستی آنتی‌ها و دوره عظمت روم و کشور (گول) در دوره سلطنت ورسن ژتوریکس را خوانده در آفتاب زرین و کوهسار و دامنه‌های دریائی

جبال بلند البرز پرورش یافته بود بر این اوضاع اسف بار و بیحالی هم میهنان مینگریست . دشت و دمن کوه و دریا و سبزه و چمن هر بهار بهار عزم راسخ او را در نجات میهن تأیید میکرد تا بالاخره دست از آستین ساسانی بر آورده خشمگین و دمان مشکلات را بقدری ناچیز شمرد که یکباره برای نجات میهن عزیز خود ایران قیام کرد - روح بزرگ او از کنج قزاقخانه برای تسلط بر بیگانگان و محو و نابودی میهن فروشان و نجات بیچارگان باحتجاج برخاست .

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد  
دل رمیده ما را انیس و مونس شد

کز و یافت ایران جهان نوی  
همه روزها چون شب تیره تار  
نه کس نام نیکی از ایران بخواند  
پی سر کشتی و چپاوی گری  
شب و روز دزدان کمر بسته سخت  
و با گسر زره آید آواره  
بریزند خونس بروی زمین  
نه در مملکت لشکرو نی سپاه  
نه کس سر بفرمان کشور بدی  
یکی خود سری بود فرمان مدار  
که نام نکورا از ایران زدود  
همی شد زمانها بدینسان سپر !!

بدوران پیش از شه پهلوی  
چنان بود برگشته يك روزگار  
که دیگر نه نامی ز ایران بماند  
بهر سوی بودی یکی خود سری  
به بیرون دروازه پایتخت  
که تا گسر ببینند بیچاره  
بتازند بر وی به بیداد و کین  
نبودی بکشور کسی را پناه  
نه دولت غم ملوک و ملت شدی  
بهر گوشه ز بن کشور نامدار  
چنان روزگاری نکوهیده بود  
همه روز از روز پیشی بتر

\*\*\*

بلرزه در آمد دل مهر و ماه  
کز آن روی خاموشی آورد مهر  
به نیروی فرخنده پهلوی  
کز و شد چنین کشور جم نکوی  
بر این تیره ویران خوار و نژند  
همی باز پرس و همی بازجوی  
چنین دارد از او نشان خاک ری  
همان جایگاه شهان زمین  
پس آنجا که گویند ایران کجاست  
همه جای را رشک مینا کنید  
بهر بسی نوائی یاشید یار

چو شد سومین روز اسفند ماه  
چنان اندر آمد بفرش سپهر  
سپاهی در آمد بفر نوی  
جهاندار با دانش و جنگجوی  
درخشید چون آفتاب بلند  
بطهران پر از شور آورد روی  
که آیا همین است ایران کی  
همان سر زمین چو خلد برین  
که ویرانه است این نه ایران ماست  
بکوبید و از سر بناها کنید  
بر آرید بنیاد بیداد کار



# فصل پنجم

حسب و نسب سر دودمان خاندان پهلوی

کاوس پدشخوار شاه برادر خسرو کواذان

شاهزاده ساسانی (با و) فرزند شاپور فرزند کاوس

(برادر خسرو انوشیروان دادگر) فرزند قباد

نیاکان باارج و شوکت اعلیحضرت فقید سعید رضاشاه پهلوی

مؤسس ارتش پیروزمند و پولادین و دلاور ما و موجد مجد و عظمت

و استقلال ایران پهلوی

بعد از حمله ناگهانی عرب بسوی میهن ما ایران، ایرانیان پیوسته بیادشاهان و سلسله‌هائی بیشتر افتخار میکردند که از نژاد پاك ساسانیان داستانی باشند.

در زمان سلاطین بزرگ ساسانی هر وقت شورش اتفاق میافتاد یکی از بزرگان ایران بجای یکی از پادشاهان می نشست سران سپاه و اریشتاران سالار و بزرگان و مؤبدان مؤبد با او مخالفت میکردند چنانکه خسرو یکی از خویشان یزدگرد اول و بهرام ششم و بیستام و شهر براز نتوانستند بجای ساسانیان با ورنک شاهی بنشینند زیرا صنادید ایرانیان ساسانی عقیده داشتند که فقط ساسانیان میتوانند بجای هخامنشیان بتخت سلطنت ایران جلوس کنند.

مورخین دوره ساسانی نسب آنان را بهخامنشی ها (بکیانیان داستانی) میرسانند

---

که نتوان از او خوی بد راز دور	ز بالا بر آرید خائن فرود
ندارد در او سود اندرز و بند	همه بند گمانند از او در گزند
همه جای غم شادمانی کنید	از این بس نوین زندگانی کنید
بدان گونه بینند بوران خود	که نتوان به بینیم نیاکان خود

\*\*\*

کزین بس بکام تو شد روزگار	تو هم باش ای میهن امیدوار
همیشه بهار و همیشه جوان	زبخت تو باد ای شهشه جهان

قدیمی

موافق روایات پارسی نسب ساسان (جد پادشاهان ساسانی) باردشیر دراز دست میرسد، اشکانیان نیز نسب خود را به اردشیر دوم هخامنشی میرسانیدند.

این نکته برای ایرانیان باستان و داستان بسیار اهمیت دارد که نژاد کسی که برایشان سلطنت میکند بدانند که آیا از نژاد پاك ایرانی مخصوصاً از ایرانیان ساسانی است یا غیر آن! چه پادشاه ایران و کسی که تاج پرافتخار و باشوکت کیان را بر سر میگذارد بقدری بلند مرتبت و با جبروت است که تا از نژاد صحیح و پاك ایرانی نباشد نباید و نمیتواند بچنین مقام و رتبه منیع و پایه رفیع نایل گردد.

بعد از نهضت عرب بسوی ایران تا سال ۲۰۶ ایران در تحت قدرت و خلافت خلفا بسر میبرد ساکنان بومی ایران با وجود قبول اسلام هیچوقت از تکلم زبان فارسی و احیاء آداب و سنن ایرانی و تکرار سرگذشت سلاطین باستانی دست برنمی داشتند. مخصوصاً در پشت جبال البرز (طبرستان مازندران و گیلان) و نقاط دوردست سیستان و خراسان و ماوراء النهر که یا از دست برد عرب محفوظ مانده و یا از دار الخلافه دور بود این روح شاداب قومیت ایرانی زنده تر و قوی تر مانده بود و بسیاری اوقات از این قوم مردم غیر تمندی که از استیلای عرب و حکام جور پیمشه ایشان باطناً دلی خوش نداشتند به محض یافتن فرصت برایشان شوریده تاخته و دمار از روزگار شان بر میآوردند و زنده بودن ایرانی را بجهان مینمایاندند کار ایرانیان پیوسته همین جدال و نبرد ملیت با اجانب بود تا بالاخره با تأسیس سلسله طاهری در سال ۲۰۶ سلسله های ایرانی از نژاد ساسانی یکی بعد از دیگری بوجود آمد و از عهد مأمون بتحصیل استقلال حقیقی توفیق حاصل شد و بالاخره سیادت و سلطه خلفای عباسی بغداد بتدریج از بین برده شد ولی يك تیره اصلی از ساسانیان و نژاد پاکیزه ایرانی که تمام مورخین بر آن همداستانند در پشت جبال البرز بنام باوندیان و پهلویان و اسپهبدان و نامهای دیگر که خواهیم دید سلسله بلا انقطاعی داشتند که از همان ایام انقراض ساسانیان در مازندران و سایر ولایات شمالی امارت میکردند و هیچوقت فرمان خلفا را گردن نمی نهادند و حتی خلفا و دیگر کشورگشایان از عهده دفع این سلسله نتوانستند بر آیند. سلسله طاهریان که بدست طاهر بن حسین تأسیس یافت (۲۰۶ - ۲۰۷)

نخستین سلسله ایرانی بعد از اسلام است طاهریان خود را از نسل رستم پهلوان معروف ایرانی میدانستند ولی بعضی از مورخین آنان را از اعقاب یکی از شاهزادگان ساسانی میدانند.

**دیالمه آل زیار** - بمناسبت کوهستانی بودن مساکن دیالمه و صعوبت دسترسی بانجا این قوم همیشه مستقل میزیستند مردانی بودند دلاور و جنگجو، با وجود تمام لشگر کشیهای سرداران اسلام مساکن دیالمه بر روی ایشان گشوده نشد و این طایفه سر تسلیم فرود نیاوردند بهمان کیش قدیم و آداب باستانی باقی ماندند.

**دیالمه آل بویه** سه تن برادر از فرزندان ماهی گیری گیلانی بنام بویه بودند که بقول برخی از مورخین بهرام چوبینه و بقولی دیگر به یزدگرد سوم ساسانی نسب میرسانیده اند.

**سلسله صفاریان** که با قیام امیر دلاور رو یگر سیستانی یعقوب بن لیث صفاری آغاز میشود نسب از خسرو پرویز ساسانی برده اند، این همه فتوحات که نصیب این سردار عادل جنگجو گردید از آنجهت بود که ایرانیان از لحاظ اصل و نسب و تبار این شمشیر زن فداکارانه در التزام رکاب او میجنگیده اند.

**نسب سامانیان** از تمام این سلسله ها پاك تر و صحیح تر است سامانیان که از ایرانیان پاك نژاد زردشتی بودند در قریه سامان (از آبادیهای نزدیک سمرقند) بارث امارت میکرده اند از فرزندان بهرام چوبینه سردار معروف هرمز چهارم و خسرو پرویز پادشاهان ساسانی بوده اند.

از این سلسله به بعد دوره انحطاط نژادی سلسله های سلطنتی ایران شروع میشود. **سلاطین غزنوی** که جدشان ابواسحاق البتکین بود غلامی بود ترك و بتوسط امیر شهید احمد بن اسمعیل سامانی خریده شده بود. **سلاطین غیور** از فرزندان شتیب و بقول خودشان نسب از ضحاک میبرده اند.

**سلاجقه** طایفه از ترکمانان غزو خزر بوده اند - **اتابکان** از غلامان قبچاقی و اولاد سنقر بودند **خوارزمشاهیان** فرزندان انوشترکین غرجه و از غلامان بلکاتکین (از امراء سلطان ملکشاه سلجوقی) بوده اند.



بعد کشور آسمانی و عزیزما ایران گرفتار بزرگترین و بدترین حوادث تاریخی که وصف آنرا بقلم نمیتوان آورد گردید یعنی گرفتار حمله و استیلای مغول و اقوام ترک و گورکانیان و ترکمانان و تترها گردید.

سلسله صفویه در بین این تیرگیها و تاریکیها بعد از ۲۹۰ الی ۳۰۰ سال طوفان (اگر چه در خلال این مدت امراء و اتابکانی از بزرگان و سرکشان و طوایف و عشایر ایرانی حکومت میکرده اند) بوجود آمد صفویه از ایرانیان حقیقی و صحیح النسب بودند که مورخین آن عهد بغلط آنان را از طرف پدر بامام موسی کاظم (ع) منتسب نموده و نسب نامه نیز ساخته بودند. و این موضوع گرچه بهیچ وجه صحیح نیست بیشتر از این جهت انتشار داده شد چون ایرانیان از لحاظ علاقه ای که بمذهب حقه و مقدس اثنا عشری شیعی داشتند خواستند محبوبیت سلاطین صفویه را در دل مردمان ایرانی بحدی نفوذ و رسوخ دهند که با جان و دل سلطنت ایشان را منت گذارند همین امر نیز موجب اعتلاء کار صفویه شد زنده نیز از طوایف لر ایرانی بودند.

**قاجاریه** نیز متأسفانه طایفه بودند اصلاً از نژاد مغول و از قبایلی که همراه کشور گشایان تانادر عهد چنگیز غاصب و غارتگر و اخلاف بدوی او از مغولستان بیلاذ اسلامی آمدند و در قسمت بین شام و ایران مخصوصاً در حدود ارمنستان مقیم شده بودند شاه عباس کبیر قسمتی از آنان را برای جلوگیری از ترکمانان باسترآباد و گرگان هجرت داد و همین طایفه بودند که در اواخر عهد صفویه قدرت و اهمیت بهم رسانیده و بالاخره بدست آغا محمدخان سلسله ای را تشکیل دادند که از سال ۱۱۹۳ که خان بلند نظر زند بمرض سل در شیراز مرد تا سال ۱۳۴۳ که آخرین سال سلطنت احمدشاه بود درست ۱۵۰ سال بر این آب و خاک باستانی بانهایت بی همتی و عدم کیفیت و لیاقت سلطنت کردند. بطوریکه آقا محمدخان قاجار تنها پس از تسخیر کرمان و قتل عام مردم آنجا امر کرد که ۲۰/۰۰۰ جفت چشم از اهالی کمنده و باو تحویل دادند این شخص بدست خود دو چشم جوان زیبای رشید زند لطفعلیخان را از حلقه بیرون آورد و بعداً نیز او را با آنهمه مهر و رأفتی که کریمخان نسبت باو کرده بود بقتل رسانید. آری ۱۵۰ سال این سلسله بر ایران عزیز کیانی سلطنت کردند و عمر گرانبھائی

از ملت ما را که دیگران در خلال آن باوج ترقی و اقتدار و عظمت و افتخار رسیدند با باطل و گمراهی تلف کردند در دوره سلطنت همین سلسله قسمت عمده از میهن عزیز ما از دست ما رفت و ایران کوچک شد.

چه نیکو سعادتنی داشتیم ما که در این دوره و عصر بسر بردیم و انقراض قاجاریه را بچشم خود دیدیم و دیدیم که بالاخره پس از قرون متمادی مذلت‌های تاریخی دوباره آفتاب درخشانی از وراء جبال بلند البرز بر این فلات تاییدن گرفت و دستی از دودمان حقیقی ساسانی از آستین بدرآمد. تاج کیانی از سرهائی که بنا روا بسر میگذاشتند برداشته شد و بسری سپرده شد که شایستگی جلوس بر تخت شاهنشاهان هخامنشی را داشت.



### حسب و نسب شاهنشاهان پهلوی - کواز (قباد) که تحقیقاً یکی از بزرگترین

پادشاهان ساسانی و پدرانوشه روان بود چون در سال ۵۳۱ میلادی رخت از جهان گذران بر بست و بیدار دیگر شتافت از وی سه پسر بازماند بنام کیوث (کاوس) - جام (زم) - خسرو. در سرتخت بین این سه برادر منازعه در گرفت اما چون ماهمند (مهبود) که وزیر بود وصیتنامه قباد را که بمهر او بود در انجمن بزرگان، که علی‌الرسم بایستی نسبت بجانشینی پادشاه رأی بدهند ارائه نمود دعاوی کاوس را باطل کرد بعداً گویا کاوس بر برادرشورید و متوسل به تیغ و تیر شد ولی توفیق نیافت و بعد از اندکی از جلوس خسرو کاوس بهلاکت رسید. زام نیز که در بین ناراضیان سلطنت خسرو طرفدار داشت با دیگر برادران و پسرانشان و عم خسرو هلاک شدند.

کاوس فرزند ارشد کواز بود بعد از اضمحلال خاندان گشنسپ داد (جسنفشاه مورخین اسلامی) که از آخر عهد اشکانیان بر ولایت پدشخوار که طبرستان ناحیه کوهستانی (از جبال البرز بین ساری و دامغان) تسلط داشتند. کواز حکمرانی این ولایت را بکاوس داد و او ملقب به پدشخوار شاه شد. پروفیسور ارتور کریستنسن دانمارکی مستشرق ایران شناس بزرگ و نویسنده تاریخ ایران در زمان ساسانیان، کاوس را بنا بگفته ثوفانس از دخترش سمبوك میداند ولی مرکوارت او را از زن نخستین که وی را در فرار از زندان فراموشگاه یاری کرده بود میدانند.

در هر صورت کیوس مردی بسیار شجاع و با مهابت بود پسر کیوس شاپور نام داشت که در اوان سلطنت هر مز وفات یافت و از وی پسری باز ماند بنام (باو) که مؤسس سلسله باوندیان مازندران و باوندیان کیوسی و باوندیان پهلوی است و ما در زیر شرح این سلسله ساسانی را که قرن‌ها بدون اینکه دست تطاول روزگار بتواند آسیبی بر خاندان سلطنتی آنها وارد سازد مشغول امارت و حکمرانی در مازندران بودند تفصیلاً خواهیم نگاشت.

نگارش تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران يك امر ساده و آسانی نیست و با این قبیل کتابها نمیتوان این مقصود را بر آورد آنچه که نگارنده حدس میزنم اگر قرار باشد تاریخی برای ارتش فعلی ایران نوشته شود باید کمیسیون مرکب از رؤسای ادارات بزرگ وزارت جنگ و رؤسای ارکان ستاد ارتش بکمک چند نفر از افسران ارشدیکه سابقه در ادبیات و تبلیغات داشته باشند تشکیل شود تا این کمیسیون بتواند در ظرف مدت ۲ سال (لااقل) کتابی در باره تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران تدوین و منتشر نماید.

کاری است فوق العاده مشکل. راه دور و رنج بسیاری دارد این کتاب نیز خودشاهکاری بوده و با نشر آن خدمت بزرگی بایران شده است دوره تألیف آن با جدیت فوق العاده ۸ ماه بطول انجامید و متجاوز از ۵۶۰ جلد کتاب و رساله مورد استفاده در آن قرار گرفت معیناً آنچه که در این کتاب نگارش یافته مجموعه ایست از دورنمای این کار که هنوز آن مقصود بزرگ (یعنی تاریخ مفصل ارتش ایران) در آن بر آورده نشده است چه مجهولات بسیاری دارد و هر يك از نبردهائی که شده است در خور کتابی جداگانه میباشد بعقیده اینجانب فقط وزارت جنگ و یا ستاد ارتش تقریباً یگانه مرجع صلاحیتداری میباشد که میتوانند این عمل را انجام دهند و جز این دو مقام از احدی شایستگی این کار بزرگ ساخته نیست.

امیدواریم انتشار این کتاب نیز که از حیث عظمت و تعداد چاپ و ابتکار مطالب تا حال در ایران سابقه نداشته و بکلی بی نظیر است و زحمت تألیف و رنج بسیار در آن تحمل شده و هزینه گزافی برداشته است و وسیله تحریکی شمرده شود که روزی ستاد محترم ارتش شاهنشاهی این منظور مقدس را در برنامه خود قرار داده و در صدد انتشار تاریخ ارتش ایران برآیند. قدیمی -



# فصل ششم

## سرزمینی که سپاه چنگیز هم در آن راه نیافت

ولادت شاهنشاه پهلوی کبیر - اعلیحضرت رضا شاه فقید در روز ۱۶ مارس ۱۸۷۸ میلادی مطابق ۲۴ اسفند ۱۲۵۵ شمسی و ربیع الاول ۱۲۹۵ قمری در یکی از بلوک‌های مازندران (الشت سوادکوه) تولد یافتند.

جد اعلیحضرت فقید سعید مرحوم مرادعلیخان معروف بیاوندی پهلوی بود که سرگرد فوج سوادکوه بود و در جنگ هرات شرکت کرده از اشخاص شجاع و مدبر و دارای شهامت فوق‌العاده بوده است فوج سوادکوه نیز فوجی تاریخی در ارتش قدیم ایران است که در اکثر تواریخ و سرگذشت‌های معاصر مربوط بمازندران ذکر این فوج رفته است و از هنگ‌های مخصوصی بود که عهده‌دار حفظ پایتخت ایران و دربار تهران بود. لفظ پهلوی پس از استیلای عرب و قبل از آن تغییرات بسیاری در لغت حاصل نمود؛ بدین ترتیب.

اصل کلمه پهلوی پرتو بوده که اسم دودمان‌های ایرانیان قدیم مخصوصاً اشکانیان است؛ مرحوم پیرنیا مشیرالدوله بزرگترین مورخ ایران در تاریخ ایران باستان نگاشته است زبان‌شناسان را چنین عقیده است (که پرتو) نام اشکانیان موافق موازین علمی به (پرهو) و بعد به (پلهو) و (پهلوی) مبدل شده (بافتح پ و ل و سکون ه و و) نجبای پارتی از این جهت خود را پهلوی و پهلوان نامیده اند که منسوب بقوم پارت بودند بنابراین پهلوی و پهلوانی یعنی منسوب به پارتیها (ازنجیب‌ترین و اصیل‌ترین ایرانیان). دکتر رضا زاده شفق در کتاب تاریخ ادبیات ایران چنین مینویسد رمبدل به ل شده بشکل پلثو و ث مبدل به ه شده و پلهو گشته بعد قلب بعمل آمده پهلوی شده که بالحق یای نسبت پهلوی گردیده است.

باری خط پهلوی از آرامی که از خطوط سامی بود گرفته شده و از راست

بچپ نوشته میشود و بحکم آنچه که از سنگنبشته‌های ساسانی و کتب زردشتی دانسته میشود خط مذکور بر دو نوع بوده است خط کلد و خط ساسانی یا پهلوی.

زبان پهلوی از زبان پارسی باستان مشتق است یعنی در کلمات و ترکیب کلام پارسی باستانی بمرور زمان تغییراتی رویداده و بصورت زبان پهلوی در آمد چنانکه پهلوی نیز بتدریج بفارسی کنونی تبدیل یافته است از اینرو این زبان را بجای پهلوی پارسی میانه نیز مینامند.

ادبیات پهلوی نیز عمده آن عبارت از کتابهای دینی زردشتی است که قسمتی از آن متن اوستا و قسمتی در شرح اوستا یا دیگر مسائل مذهبی است و غیر از اوستا دینکرت و کتاب بندهش و غیره را میتوان نام برد.

از معروفترین کتابهای غیر دینی یکی کار نامک اردشیر بابکان و دیگر داستان خسرو کواذان و یادگار زبیران و داستان خسرو و ریدگی و غیره است.

اشعار پهلوی نیز مقام مهمی را داشته و دارای وزن هجائی بوده است بالاخره بطوریکه دانشمند محترم آقای نوبخت نگاشته ( کلمه پهلوی در لغت پارسی بمعنی متمدن و شهری مقابل ( دری ) میباشد . )

ساسانیان نیز بزرگترین سلسله پهلوی ایران بوده اند.

زبان پهلوی یکی از زبانهای مهم پارسی و آنرا شاری نیز نامیده‌اند زبان مذکور مرکب از دری پارسی باستانی ( فرس قدیم ) بوده است .

خط پهلوی که مخصوصاً در زمان اردشیر بابکان رونق و رواجی بسزا داشته است هنوز هم در بین يك قسمت از پارسیان مرسوم است و حروف آن دارای ۲۰ شکل بوده است .

اما درباره مرحوم مرادعلیخان باوندی پهلوی جد اعلی حضرت فقید = بموجب نگارش میر ظهیرالدین و مولانا اولیاءاله مؤلف کتاب تاریخ رویان و بموجب تاریخ جبل شروتین نگارش مرحوم اعتمادالسلطنه که کاملاً اجداد اعلی حضرت فقیدسعید را معرفی مینماید سالها قبل یعنی در دوره قاجاریه نگارش و چاپ یافته و همچنین سایر تواریخ مهم قدیمی و موثق سر سلسله این طوایف بزرگ را به بهترین سندی ضبط و معرفی نموده اند .

**باو** که بمنزله ابوالبشر و اول شخص این سلسله بوده فرزند شاپور پسر کیوس شاهزاده ساسانیان است و لفظ وند در لغت بومی ایران علامت نسبت است: مانند الوند و نهاوند و دماوند و سگوند و بیرانه‌وند و دیر کوند و خواجه‌وند و حتی خداوند هم اصلاً با این ترکیب مطابق است.

باو مؤسس سلسله باوندیان مازندران است که از سنه ۴۵۰ تا سنه ۷۵۰ هجری در قسمت سواد کوه مازندران و گیلان و دیلم وری و آمل شهریاری کرده‌اند و ایشان معروف به (ملك الجبال) بوده‌اند این اقوالی است که جمله‌گی تواریخ برآیند. پسر باد سرخاب نام داشت که پادشاهی رشید و شاهزاده‌ای بی‌نظیر بود. ششمین پادشاه باوندی کیوسی شروین است که مورخین سواد کوه را بنام او شروین یا شلفین خوانده‌اند (محمّل است ساتراپ بمعنی شروین باشد).

باوندیان کیوسی از سنه ۴۵۰ الی ۳۹۷ هجری و باوندیان سپهبدی از سنه ۴۶۶ تا ۶۰۶ هجری و باوندیان گینه‌خواری از سنه ۶۳۵ تا ۷۵۰ هجری شهریاران پرادستان این شهرستان بوده‌اند.

بطوری که مورخین قدیم از قبیل محمد اسفندیاری و سید ظهیر الدین بن سید نصیر الدین و مولانا اولیاء الله آملی و علی بن جمال الدین روایانی نوشته‌اند طبرستان داخل فرشوادگر بوده است و فرشوادگر شامل آذربایجان و گیلان و طبرستان وری و قومس می‌باشد و گفته‌اند که معنی فرشوادگر «عش سالمأ» (باش خور) می‌باشد یعنی عیش کنی بسلامت و نیز می‌گویند بلغت طبری فرش هامون و صحرا و واد کوهستان و گر دریا پس فرشوادگر صحرا و کوهستان و دریا معنی دارد متقدمان نیز گفته‌اند که جر بلغت قدیم کوهستانی موضعی را گویند که ممکن است در آن کشت نموده و نیز دارای بیشه و درخت باشد و از این سبب سوخرایان را که ملك الجبال بودند جر شاه می‌گفتند و در مازندران سلطنت می‌کردند. مرحوم اعتماد السلطنه در تاریخ جبال شروین مینویسد هر کسی که از خلفای عباسی روگردان میشد پناه بیادشاهان پهلوی نژاد مازندران می‌آورد و آنها او را بخوبی می‌پذیرفتند وضع این ناحیه کوهستانی چنان بود که حتی شکر قیامت اثر چنگیز خان هم در مازندران و گیلان چندان پیشرفتی نکرد.



بالاخره در اوان سلطنت کسری شاپور پسر کیوس وفات نمود. باو پسرشاپور است که در خدمت پرویز بود.

کیوس پسر قباد است و انوشیروان پسر کهر قباد.

باو بروم هم رفته و در جنگ بهرام چوبینه مصدر کار بود.

نسب اعلیحضرت شاهنشاه فقید باین ترتیب بایک استحکام بی نظیر و اسناد موثق و کتابهای تاریخی بطور و وضوح بساسانیان میرسد و در تواریخی مانند رویان و التودین و غیره ذکر تفصیل آن رفته است موجب افتخار تمام ملت ایران و مردان میهن پرست و شاه دوست این سرزمین است که وارث حقیقی تاج و تخت نیاکان ماهمان سرپر افتخاری است که از دوده ساسان برآمده و حق بحق دار رسیده است.

طوایف باوندی منشعب بخانواده‌ها و تیره‌ها و سلسله‌های مختلفی گردیدند که منجمله آنها باوندیان پهلوی بودند و بطوری که قبلاً گفتیم کلمه پهلوی در لغت تغییرات بسیاری یافته است این طایفه را از آن جهت باوندیان پهلوی یا باوندیان پهلوانی گفته‌اند که صحیح‌ترین نژاد باوندیان است که نسب آن‌ها مستقیماً بساسانیان میرسد و حتی بسهولت ممکن است نسب نامه برای تمام اجداد آنها بدون فاصله یا افتادگی یا بی اطلاعی ترتیب داد. کلمه پهلوی نیز در هزاران تاریخ مورد بحث قرار گرفته است.

در ضمن شهداء میدان محاصره هرات در الوغی نام جد اعلیحضرت شاه فقید سعید یعنی مرحوم مراد علیخان باوندی پهلوی که ذکرش در بالا رفت ضبط است که در سنه ۱۸۵۴ مقارن ۱۲۷۳ هجری در راه میهن شهید میگردد لاشک سندی از این معتبر تر مورد لزوم نخواهد بود. بطوریکه ذکر شد ملك الجبال یا سلاطین باوندیه مازندران از ۶۶۵ میلادی مطابق ۴۵ هجری شروع بسلطنت کردند باوندیان کیوسی در سال ۱۰۰۶ میلادی بواسطه آل زیار منقرض شدند و سلاله دیگری از باوندیان سپهبدیه از ۱۰۷۳ تا ۱۲۰۹ و سپس باوندیان کینخواری از ۱۲۳۷ تا ۱۳۴۹ مطابق ۷۵۰ هجری سلطنت کرده و بدست کیا افراسیاب چلابی منقرض شدند و رویهم سی سلطان نسل بعد نسل بافواصل سلاله در مازندران سلطنت نمودند. بعد از انقراض نیز سران باوندی در بعضی از آبادیهای کوهستانی زیسته و گاه

بگناه متعرض جلگه های مازندران میشدند و طبق مدارک تاریخی مخصوصاً کتاب التدوین که در ۵۳ سال قبل چاپ شده تا ۱۰۰۶ هجری که شاه عباس کبیر بر این نواحی استیلا یافت و حاکم مأمور هر ناحیه کرد (صفحه ۱۴۰) بساط ملوک الطوائفی در مازندران برپا بود.

طوائف باوندی در مازندران بسیار و سلاله آنها نسل بعد نسل بشعب مختلف و خانواده های مختلف منقسم بودند منجمله آنها باوندیان پهلوی یا باوندیه فهلویه است. پدر اعلیحضرت فقید سعید عباسعلیخان فرزند مراد علیخان باوندی پهلوی است که بادرجه سرگردی فرمانده اول سوادکوه «فوج هفتم» بود بنا بترجمه و نگارش تواریخ مختلفه خارجی و داخلی چنانچه در آثار موجود ادبی ضبط است در ۲۶ نوامبر ۱۸۷۸ «اول ذی الحجه ۱۲۹۵» وفات یافته است. عباسعلیخان از افراد دلیر و رشید مازندران بود و فوج اختصاصی سوادکوه (که عده ای آنرا هنگ نوشته اند) برای حفظ تهران و مازندران و سرحدات شمالی میهن از افراد همان حدود تشکیل یافته بود. آنچه که مسلم است این خانواده همه سپاهی و رشید و همه دارای اصالتی بوده اند که از منشأ پاکی خون و نژاد حقیقی اجدادشان سرچشمه میگرفته است حتی مردان بزرگی که شخص پهلوی را قبل از کودتا دیده اند بسالت و بلندی فکر و نبوغ را از همان وقت در او سراغ دارند.

در بیوگرافی و شرح حال تیمسار سرلشگر امان الله جهانبانی نوشته شده (قبل از عزیمت به پطروگراد برای تحصیل در آکادمی نظام در ۱۹۱۷ اولین ملاقات با سرهنگ رضاخان پهلوی رئیس بیاده نظام آتریاد در همدان با ایشان دست داد و تذکر داده اند که از همان موقع این شخص را بزرگتر و نجیب تر از آنچه که بعد ها بدان مقامات نائل شد در یافتند).

باری پس از وفات پدر تربیت شاه بهمهده عمویش نصرالله خان که او نیز بنوبه خود فرماندهی هنگ سوادکوه را داشته محول گردید. بالأخره خود شاه در ۱۳۰۷ قمری وارد فوج سوادکوه گردید و طرز کار و شجاعت او مورد نظر واقع شده در قزاقخانه تهران نیز در فن شصت تیر امتحان های بسیار خوب داد تا بحدی که در عهد سرلشگر «بارن مایدل» روسی عبدالله خان

ماژور سرهنگ فرمانده گروهان شصت تیر مرد و رضا خان پهلوی فرمانده گروهان شد کار شصت تیر وی بقدری خوب بود که معروف به «رضاخان شصت تیر» گردید و همینطور باشصت تیر خود در بسیاری از محاربات داخلی شرکت جست و بطوری که شرکت کنندگان این جنگها گفته اند شجاعت و رشادت فوق العاده از وی ابراز میگردد است که در نظر همگنان اعجاب و شگفت بسیار مینمود.

در جنگ مهمی که با رحیم خان چلبیانلو در اردبیل رخ داد شرکت جست با اینکه جعفر قلیخان سردار بهادر پسر بزرگ سردار اسعد بختیاری و یفرم خان ارمنی رئیس شهربانی و عده بسیاری چریک و قزاق شرکت داشتند اعلیحضرت فقید سعید گوی رشادت و دلاوری را از همه آنها ربوده بود.

در دو جنگ بزرگ و مشهور دولت بر علیه سالار الدوله و چهل هزار سوار از طوایف کلهر که بحمايت سالار الدوله تا ساوه پیش آمده بودند اعلیحضرت فقید باشصت تیر خود بقدری شجاعت و شهامت و تهور ابراز داشت که یگانه عامل عمده شکست تمام آنها اشرا و عشایر گردید در اوقات جنگ بین الملل رضا خان پهلوی در همدان جزء دسته تیر اندازان و با ماژور محمد تقی خان صاحب منصب ژاندارم در ۱۴ محرم ۱۳۳۴ در جنگ بود و بالاخره بادرجه سرهنگی فرمانده گردان پیاده آتریاد همدان گردید و سپس در ۱۳۳۷ رئیس فوج تیر اندازان همدان شد و بعداً باز برتبه سرتیپ سومی و ریاست فوج گارد تیر انداز ارتقاء یافت.

در ۱۳۳۸ درجه و نشان و حمایل سرتیپ دومی گرفت در محاربات گیلان برتبه امیر پنجه رسید.

عمده مطالب نسبی و تاریخ اعلیحضرت شاه سابق قبل از کودتا بدینوسیله برای خوانندگان گرام این تاریخ گرانبها روشن تر میشود پس از آن در سوم حوت ۱۲۹۹ کودتای تاریخی تهران را بعمل میآورند.

تاریخ خدمات درخشان و بزرگ شاهنشاه فقید بایران پس از کودتا محتاج درج کتابهای مفصل و بزرگی است.

اعلیحضرت فقید سعید بنا بدست خطی که درباره املاك و اموال و دارائی منقول



و غیر منقول و کارخانه های خود بعنوان اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی مرقوم داشت تصریح نمود که بمصارف خیریه و فرهنگی باید برسد و دستخط دیگری هم که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعهد نخست وزیر وقت صادر فرمودند چنین تأکید فرموده اند (املاک و مستغلات و کارخانجات بمنظور ترقی کشاورزی و اوضاع شهرها و ترقی صنایع کشور و بهبود حال کارگران و ترقی فرهنگ و بهداری بدولت و مات اعطا گردیده است).

عین این متن ها در روز سی ام شهریور ۱۳۲۰ از طرف وزیر دادگستری وقت بجای مرحوم فروغی باطلاع مجلس رسید و در صحنه ۶۰ سالنامه تاریخی آریان ۱۳۲۱ نیز مندرج است.

مرحوم اعلیحضرت فقید بر سراسر کشور ایران امنیت بی نظیری بخشید - سیاست ایران را در جهان با سر بلندی حفظ نمود - خائنین و یاغیان و طاعیان را مجازات کرد - کشور را آباد نمود.

تاریخ بدروود زندگانی اعلیحضرت فقید در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۲۳ اتفاق افتاده است - شرح احوال این رادمرد بزرگ مشرق زمین و سردار تاریخی ایران در تاریخ مفصلی از طرف مؤلف این کتاب نگاشته شده است و بزودی بزور طبع و انتشار آراسته و متحلی خواهد شد.

**از خدمات او ایجاد ارتش توانا و نیرومند کنونی ایران است و بدهای خون خود استقلال ما را خرید.** و اکنون در صفحات آینده این کتاب مورد بحث و داستان ما است.

این قطعه در ضمن نامه های وارده هنگامیکه کتاب در تحت طبع بود از طرف آقای حامد برای درج در این تاریخ حدیث و گراپها فرستاده شد اینک عیناً باطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم

۱۳۲۳

### شد پهلوی روان سوی فردوس از این دیار

هر دیده ای که مینگرم هست اشگبار  
هر دل نموده ز آتش اندوه داغدار  
هر جا گلی است میکند از باد فتنه خوار  
هر جا که یونسی است نهنگش کند دوچار  
از فرقتش بجان خلاق زند شرار  
کس خود ندیده ثانی او چشم روزگار

از گردش زمانه و این چرخ کجمدار  
هر قامتی نموده ز بار الم کمان  
هر جا که گوهریست نهان میکند بخاک  
هر جا که یوسفی است بزندان افکند  
هر جا که هست نابغه ای دهر بی وفا  
مهر سپهر عدل رضا شاه پهلوی

نظام وظیفه - ساختمان راه آهن سراسری ایران - استقلال گمرکی - اعزام محصل باروپی - متحد الشكل نمودن البسه - ایجاد بانک ملی و الغای امتیاز طبع اسکناس بانک شاهی - ایجاد دستگاههای بی سیم - ایجاد دستگاه پخش صدا و رادیو اعزام ولایتعهد باروپی - ایجاد کارخانههای عظیم صنعتی و بافندگی و ریسندگی و قند سازی و غیره - ایجاد بحریه - ایجاد بانک کشاورزی - ایجاد راههای شوسه با ۱۸ هزار پل - تأسیس دانشگاه - برپا ساختن جشن هزاره فردوسی - توسعه بازرگانی و افتتاح نمایشگاه - ایجاد فرهنگستان - تحدید حدود مرزهای ایران - رفع حجاب و بیدار کردن بانوان و عضویت بخشودن آنان که نصف جمعیت فعال کشورند در اجتماع ایجاد نیروی هوایی ایران - عمران و آبادان شهرها و آغاز بنیان ساختمانهای بسیار بزرگ در سراسر ایران مانند دادگستری و دارائی و کشاورزی و وزارت خارجه - شهربانی - بانک ملی - بیمارستانها - دانشگاه و مدارس و میدانهای ورزش و رژه و غیره و بسیاری کارها که اکنون در نظر نیست و تأثیر شایسته در جمیع شئون ملی و اجتماعی و سیاسی ما داشته است همه بدست او انجام گرفته است چنانکه بعد از شهریور با اینکه مجلس و دولت بموجب امتیاز و برخورداری که از نعمت دموکراسی حقیقی بانان داده شده بود کوچکترین شهادتی از خود برای اصلاح یکی از امور ضروری و مفید مهم با مرمت یکی از خرابیها نشان ندادند و اگر هم میتوانستند بکنند نکردند .

ما ایرانیان از صمیم دل شاه خود را دوست داریم . اصلاح و ترقی جمیع شئون اجتماعی و ملی و سیاسی خود را نیز در این میدانیم .

مخصوصاً فدائیکاری در راه شاهنشاهی که نسب از دودمان ساسانی میبرند افتخار

زندگانی میدانیم .

آباد کرد مملکت از رای و اقتدار  
مظلوم پایدار و ستمگر به پای دار  
پرواز کرد از قفس تن فرشته وار  
از این جهان بسوی جنان گشت رهسپار  
شد پهلوی روان سوی فردوس ازین دیار  
بر نو نهال او که بود رشک افتخار  
این شاه نو جوان ز شهنشاه تاجدار  
در سایه عطوفت این شاه کامگار  
رئیس فرهنگ هر سینه تو گل حاد

گلزار کرد کشور ایران بدست خویش  
از زافت و عدالت آزاد مرد شد  
روحش با شیمانۀ قرب جوار حق  
صبح چهار شنبه چهارم ز ماه پنج  
تاریخ سال خامۀ حامد چنین نکاشت  
مارا پس از دریغ و تأسف دلی خوش است  
حمد خدای را که همی یادگار ماند  
هستیم امید وار که ایرانیان شوند

# فصل هفتم

## قیام

### کودتا

موضوع مهم کودتا در دسترس اقدام هر کسی نبوده اشخاصی میتوانند مبادرت باین اقدام نمایند که ظلم خارجی و بی‌لیاقتی زمامداران داخلی را از روی قلب و عقیده تشخیص داده باشند . کسانی مسبب این اقدام میشوند بشوند که تمام عمر خود را در جزو صف وقشون صرف کرده اغراض حقیقی مستشاران خارجی را از هر طبقه و صنفی بودند در خرابی بنیان این مملکت عملاً استنباط کرده باشند :

اشخاصی میتوانند در مقام اجرای این مقصود برآیند که مدت العمر در کوه و بیابانها جان خود را در راه این مملکت برکف دست گرفته و تشخیص داده باشند که زمامداران نالایق بست فطرت تمام آن فدا کاریها را بهیچ شمرده و تمام زحمات صاحبمئصبان و افراد قشونی رافدای صد دینار منفعت خود نموده اند :

آری هر کس نمیتوانست برده این شئامت کاریها را دریده دست های خارجی را از گریبان این مملکت بیچاره قطع و بخود سری و بی‌لیاقتی و منفعت طلبی مزدوران داخلی خاتمه دهد این یک فکری نبود که از اثر گردش در باغ و گلستان و اطاقهای گرم انشاد شده باشد کسی را در این مورد یارای اقدام و عمل بود که بدبختی و بیچارگی نفرات زحمت کش قشون را در جلوی چشم بطور عبرت دیده و تمام آن بیچارگیها را با تعیشات لاابالیانه و هیولاهای غریب و عجیب کرسی نشینان تهران موازنه کرده باشد با کمال افتخار و شرف بشما میگویم که مسبب حقیقی کودتای منم و با رعایت تمام معنی این راهی است که من پیموده ام اگر علی‌الظاهر یکی دو نفر را دیدید که چند صباحی عرض اندام کردند و سطحاً راهی پیمودند نه این بود که اعماق قلب آنها در نظر من مخفی و مستور باشد همه را می‌دانستم و استنباط کرده بودم فقط احتیاجات موقع مرا ملزم میکرد که موقتاً دست خود را برسینه آنها آشنا نسازم تا زمانیکه ایران را آئینه فداکاریهای خود قرار داده و نامجرمان را از محفل انس خارج سازم چنانکه دیدید و شنیدید :

چنانکه گفتم اثرات دوره انحطاط متأسفانه الفاظ و لغات را قائم مقام معانی و حقایق قرار داده و کمتر کسی است که بخواهد وارد در مرحله حقیقت گشته سپس در مقام تثبیت عقیده خود برآید ولی باید دانست که بیک سلسله الفاظ مجوف چسبیدن و از محیط فکری و حقیقت دوری جستن کار خردمندان نیست .

اگر اندکی قوه مخیله خود را حکم قضیه قرار دهید میدانید که **اضمحلال وطن داریوش بر اثر حرکات ناخلفان داخلی و اعمال نفوذ خارجی در شرف تثبیت و فقط مشیت خداوند متعال بود که هویت ناخلفان و زمامداران بی عرضه**



دون همت را در پیشگاه عموم ملت آشکار و باز با مشیت خدای ایران است که در تحت تأثیر همین اقدام میرویم حیات از دست رفته خود را بجهانیان اثبات نماییم .

ابن یك فكرى نبود که فقط در سوم حوت سال گذشته در دماغ من تأثیر کرده باشد این يك عقیده ای نبود که در تحت تأثیر افکار دیگران بمن تحمیل شده باشد بدبختی نوع ایرانی مخصوصاً **نقرات قشونی** را من از چندین سال قبل احساس کرده بودم و اشخاصی که لیاقت شنیدن آنرا از من داشتند همه میدانستند که تحمل شقاوت کاری خارجیان و مملکت فروشی پست فطرتان داخلی برای من امری بس صعب و دشوار بود در تمام میدانهای جنگ دفاع مرا در مقابل این شدائد میدیدند .

من نمیتوانستم تحمل نمایم که نفوس بیچاره ایرانی و هموطنان بدبخت من بمعرض بیع و فروش اجانب درآمده و پست فطرتان تهران هم استاد این مباحه را امضاء مینمایند . من نمیتوانستم مشاهده کنم که يك ایالت مهمی مثل گیلان در آتش بیداد جمعی بیغماگر مشغول سوختن است و زمامداران مرکز تمام این خانه خرابیها را اسباب تفریح خود در هیئت و سایر مجالس قرار داده و بجای قلع و قمع و سرکوبی آنها در مشارکت باعمال بیغماگران نیز بر وجاهت ملی خود افزایشند .

برای من طاقت فرسا بود که این ملت بیچاره سالی ده کرور تومان مخارج قشون را از بیوه زنهای فقیر کرمان و بلوچستان دریافت و تأدیه نموده و آنوقت بکنفر دزد ده سال در اطراف قم و کاشان و تا دروازه تهران مشغول شرارت و راهزنی و سپس بعضی از مرکزبان را هم در تمام دزدیها شریک و انباز بینم .

هیچ ذیحسی تصدیق آنرا نمیکرد که لشگریان بیچاره از صاحبمنصب و تاین در تمام جنگها لگد کوب خارجی و داخلی گشته فوج فوج قربانی بدهند و در مرکز دولت بلع حقوق آنها را اولین وظیفه خود قرار داده برای مناصب و درجات باشرف نظامی چوب جراح در دست گرفته و هرروز یکمده سردار و صاحبمنصبان خود را بیرون بیندازند آبروی دولت و ملت را در نزد اجانب ریخته و خون هر نظامی فداکاری را در عروق آنها منجمد نمایند قشون برای هر مملکتی لازم و همه این حرف را من باب هوس و برای کسب وجاهت ملی میسرودند ولی در همان حین با تمام قوا بافناء و اضحلال قشون کوشیده جیب خود را پروقالب هر نظامی و ظنپرستی را میشکافد و دنباله را با کمال بی آزر می و بی شرمی بجائی ممتد کردند که کلمه قشون همان کلمه که در تمام عالم با قیام شرف و افتخار تلقی میشود و به باستانی حقیقی ملت و مملکت معرفی میکرد جز تخفیف صاحبان آن رسم دیگری را متضمن نبوده و در مقابل تمام صنوف و طبقات مسلوب الاعتبار شده بودند .

آری تحمل این شدائد و مظالم برای من و هر کس که خود را پرورده این آب و خاک میدانند کمر شکن و طاقت فرسا بود و بالاخره با حقوق بشریت من مخالف بود که به بینم و مشاهده کنم يك جمعی پست فطرت دون همت نالایق رشته ارکان مملکت را گسسته و در صدد آن هستند که بحیات استقلالی مملکت و ملت خاتمه داده و در تمام موارد مختصر نفع شخصی را بر ارکان يك مملکت سه هزار ساله ترجیح و مرجع سازند .

مسبب حقیقی کودتا همین عواملی هستند که هزار يك آنرا در ضمن این ابلاغیه ملاحظه میکنید و در تحت تأثیر همین عوامل بود که من بلطف خداوندی پناه برده وبا عقیده راسخ و عزم جازم در صدد بر آمدنم که بآن دوران سیاه خاتمه داده آبروی از دست رفته نظام را عودت وبا شهامت همان ها حیات مملکتی را تجدید نمایم .

من به پیشرفت منظور و مقصود مقدس خود مطمئنم و در تمام موارد از خدای ایران و روح ملیت خود استمداد میجویم زیرا غیر از این دو نقطه اتکاء بهیچ نقطه ای متسکی نبوده و نخواهم بود .

باز هم اشتباه نکنید بعضی از اشخاص کوچکتر از آن بوده و هستند که يك اراده منتظم نظامی را با اراده و عقاید خویش مربوط ساخته و بعلاوه مقام نظامیان فداکار نیز والا تر از آن بود که با اراده های خفیه متحرك باشند .

قطعاً بدانید که اشخاص آلوده بغرض و عناصری که بدست دیگران متحرك باشند دردنیای تاریخ هرگز دوام و بقائی را همراه نبوده و حقایق معنوی را حتماً به القای شبهات نمیتوان برای همیشه مستور و مکتوم داشت .

از نوشته های اعلیحضرت شاهنشاه فقید  
در دوران وزارت جنک دویم برج حوت  
۱۳۰۰ (برابر ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۰ ق)

کابینه مرحوم حسن پیرنیا چون نتوانست جلو سیلاب بدبختی ملت را بگیرد و قدمهای اساسی برای سعادت کشور بردارد بر اثر فشاری که در موضوع افسران روسی قزاق از ناحیه بیگانگان داشت مستعفی گردید (سوم آبان ۱۲۹۹) و مرحوم فتح الله اکبر (سپهدار اعظم رشتی) کابینه را تشکیل داد . یکی از مقاصد بروی کار آوردن سپهدار برای این بود بلکه بوسیله او بتوانند متجاسرین گیلانی را از لحاظ هم ولایتی بودن سپهدار بر سر جا نشانده و بر حسب تمایلات مختلفی که در بین بود جنگ داخلی قزاقان را با آنان ادامه ندهند .

در این موقع اعلیحضرت فقید سعید بدرجه سرتیپی بر اثر ابراز لیاقت هائی که در جنگها از خود بروز داده بود فرماندهی آتریاد تهران را عهده داشت و هم چنین بنا بشهامت و تهور فوق العاده ای که در جنگهای شمال ابراز کرد بدرجه امیر پنجه رسید .

متجاسرین حتی به آقا بابا نزدیک قزوین نیز رسیدند - لشکر قزاق در آنجا جنگی نمود که در نتیجه آن شکست سختی متوجه متجاسرین گردیده عقب نشینی کردند هنگ سوار بتعاقب آنها تا رشت رفت و پس از گرفتن رشت تا حسن رود نیز تاخته موفقیت شایان توجهی حاصل نمود .

معروف است اعلیحضرت فقید سعید در اوایل بهمن ماه ۱۲۹۹ در حالی که با درجه امیربنجه فرماندار آتریاد تهران بود برای افسران نطق مفصلی ایراد کرد که این نطق را چندین تاریخ که در موضوع اوضاع اخیر ایران و تحولات آن نگاشته شده اشاره کرده اند. بر خلاف عده ای که عمداً انتشار میدهند اعلیحضرت فقید در آن هنگام قدرت انشاد مطالب و معلومات بحد کافی نداشته اند مدارك متقن در دست است که دارای معلومات بسیار وسیعی بوده تمام بیانیها و ابلاغیهها را خود انشاء میفرموده و نطقهای بسیار بر حرارت و آتیشینی که ایراد میفرموده اند و از سرچشمه علاقه فوق العاده او نسبت بهمین و ایرانی مایه میگرفته است مؤید این دلیل است هم شمشیر و هم قلم و هم بیان سحر آسا داشته که هر يك در ترقیات و پیشرفتهای او اثرات شایسته داشته است.

هنگامیکه تهران جنایتکار قلعه زمامداران بلیاقتش قرار گرفته بود و مرکزی برای بروز فتنه و بدبختی ملت ایران بشمار میرفت يك مغز متفکر و بزرگ نقشه سعادت - ایران را ترسیم مینمود او ظلم خارجی و عدم کفایت دولتهای داخلی را بطور حقیقی تشخیص داد او که تمام عمر خود را جزء قشون و در صف صرف نموده بود اغراض حقیقی خائنین را درویرانی این کشور ستمدیده و بخوبی نظاره میکرد کوهها و بیابانهای وطن او با تماشای دائمی که با او داشته او را وطن پرست و علاقه مند بهمین بار آورده بود. قوای ژاندارم ساخلوی تهران که تعداد بسیار قابل ملاحظه بودند - هم چنین سر بازان بریگاد مرکزی و پاسبانهای شهربانی و سایر قوایی که در تهران بودند همه مسلح شدند و کلانتریها را آماده مقاومت نمودند.

باتمام این احوال در این عزم میهن پرستانه و قیام بزرگی که بعدها بسعادت ملت ایران و استقلال واقعی کشور تمام شد هیچگونه خللی وارد نیامد و موجبات نجات این سرزمین از گرداب مدلتی که بدست بیگانگان برای او فراهم آمده بود و روز بروز ره فنا و دیار نیستی را می سپرد و بکلی حیثیت و شرافت خود را از دست داده و قراردادهای ننگینی باو تحمیل میشد فراهم آمد کشور ما میرفت که یکبارہ تقسیم شده سر نوشت چندین هزار ساله خود را با آنهمه افتخارات و اعتلا و موقعیتی که داشت از دست بدهد ولی يك اراده آهنین او را نجات داد.



از قزوین با پیشوائی و فرماندهی عدهٔ ازدیویزیون قزاق: فوج پیاده تهران، با طالبان اراک، فوج سوار کار، باطری سوار، باطری کوهستانی که اورا می‌پرستیدند و دمام سردست بلند کرده سردار خود مینامیدند بسوی تهران حرکت کرد.

تهران: تهران - شب فرا رسید.

در نیمه شب سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد شهر شدند قوای حاضر در مرکز با اینکه عده کافی بودند تسلیم گردیدند زدو خورد در بسیاری از نقاط تا صبح ادامه داشت از میدان مشق شلیک توپ بگوش میرسید در توپخانه (میدان سپه) جنگ سختی در گرفت بالاخره بهر قیمتی بود تا صبح تمام مقاومت‌ها درهم شکسته شد و نظمی نیز تسلیم گردید رئیس حکومت قبل بمقامات خارجی پناهنده شد.

بنا بحکمی که از قصر فرح آباد احمد شاه قاجار صادر شد اعلیحضرت فقید سعید از آنروز ببعده بریاست و فرماندهی دیویزیون قزاق منصوب گردیدند و آقای سیدضیاءالدین مدیر روزنامه رعده نیز بریاست وزراء انتخاب شدند.

### مقدمات کار و مشکلات بسیار

از این روز ببعده اعلیحضرت فقید سعید شب و روز اهتمام خود را مصروف بر آن میداشت که قوای نظامی ایران را سر و سامانی داده و قشون متحد الشکلی برای ایران تحت قیادت و سرداری خود تشکیل دهد شب و روز در میان سر بازان سرمیبرد و دقیقه‌ای از ابراز مساعی در اینکار غفلت نمی‌ورزید در آن روزگار متجاسرین تا نقله ور (بین قزوین و رشت) پیش آمده بودند. اوضاع گیلان دچار آشوب آذربایجان - کردستان - خراسان - فارس در آتش ناامنی و ملوک الطوائفی دستبرد یاغیان و عشایر و گردنکشان میسوخت و خوزستان بکلی در حال تجزیه بود و اسپیار (پلیس جنوب) نیز فرمانروائی میکرد.

اعلیحضرت فقید سعید با فعالیت و عجله فوق‌العاده عده‌های پراکنده و افراد متفرق را که پیش از این نهضت در زیر فشار بیگانگان بودند و بدبختی و فلاکت دست از گریبان آنان برنمیداشت و در سیاست هر آن مورد مصالحه این و آن بودند جمع - آوری نموده و با محبت و تولید احساسات اعتماد آنان را نسبت بخدمت بوطن جلب

نموده در راه تشکیل يك سپاه نیرومند و قوای متحد الشکل تنها بنا بر آراء مستقیم خودش و با ابداع و ابتکار وجدیت فوق العاده ای که در کار داشت موفقیت شایان یافته و چنین نیروئی را رفته رفته بوجود آورد.

اولین عده ای که از لحاظ نظامی تجهیز شده بودند برای نخستین بار رژه رفتند و عبارت بودند از هنگ باغشاه. سه گروهان ژاندارم به ارشدیت سلطان تورج که پیش رو و جلودار يك اردوئی بود که به تبریز میرفت روز شانزدهم فروردین ۱۳۰۰ خورشیدی در قسمت شرقی و خارجی باغشاه صف بسته بودند در پیشگاه سردار سپه رژه رفتند در این نخستین سان ماژور مسعود خان کیهان (استاد فعلی دانشگاه تهران) ماژور حبیب الله خان شیبانی (سر لشکر شیبانی که از خدمت ارتش خارج و فعلاً در اروپا می باشد) - سلطان کاظم خان سیاح (این عناوینی بود که در آن موقع با فسران ژاندارم اطلاق میشد) و هم چنین آقای سید ضیاء الدین طباطبائی حضور داشتند و اولین مرتبه بفاصله یکماه و ۱۴ روز بود که چنین فعالیت بی نظیری در شخص پهلوی دیده شد -

آری او برای تأسیس ارتش ایران باین سرعت پیش میرفت.

این عده دو روز بعد یعنی صبح ۱۸ فروردین ۱۳۰۰ خورشیدی بطرف تبریز حرکت کردند<sup>۱</sup>.

پس از ورود بقزوین برای سهولت در امر حرکت هر واحد علیحده بزنجان رهسپار شد و بعداً در زنجان يك اسواران سوار و يك آتشبار توپخانه صحرائی و يك دسته توپخانه کوهستانی و يك گروهان مسلسل تحت فرماندهی ماژور محمود خان فولادی باین عده که از تهران اعزام شده بودند ملحق گردید. تمام این عده تحت فرماندهی کلنل لنبرک سویدی بمعاونت ماژور لاسن دانمارکی بطرف تبریز حرکت کردند - (در این بین کابینه سید ضیاء الدین سقوط کرد و در صبح چهارم خرداد ۱۳۰۰ نیز بطرف سرحد ایران و اروپا از راه خرمشهر روانه شد)

اعلیحضرت فقید با مراقبت فوق العاده هدایت نظامی قوای فوق را از مرکز

بعهده داشتند

۱ - این قضایا را يك نفر از افسران ارشد ژاندارم که ذیبدخل در قضایای مخالفت با کودتا در تبریز بود نگاشته است آقایان بهار و مکی نیز آنرا نقل کرده اند.

اهالی تبریز از ورود عده ژاندارم که در آن روزها دارای وجهه ملی فوق العاده از لحاظ اینکه بنا بر دستور سردار سپه برای تعالت ایران در سراسر کشور می جنگیده اند بودند مطلع گردیده و تجلیل فوق العاده بعمل آوردند حاج مخبر السلطنه هدایت که در آن موقع والی آذربایجان بود خوش آمد گفته از آنان میهمانی نمود.

در این هنگام خطه آذربایجان را شهرت و عصیان اسمعیل آقای سمیتقو فرا گرفته بود و چنان مردم آنسامان از ترس او وحشت داشتند که هیچکس مالک جان و مال خود نبود قوای اعزامی پس از چندین روز استراحت و تکمیل نواقص ساز و برگ با قطار راه آهن بطرف شرفخانه حرکت کردند و پس از الحاق قوای چریک مرحوم ساخان سردار عشایر قره داغی که خدمتگزار دولت بود بخوی رهسپار شدند و با اشتراك مساعی قوای قره داغی چند ضربه سخت بسمیتقو زدند که مورد قدردانی دولت واقع شد و در آذربایجان تأثیر بسیار شایسته نمود.

در این احوال یاور ابوالقاسم لاهوتی که جزء افسران سابق ژاندارم بود و بگناهی قبل از جنگ بین الملل مورد تعقیب دولت و بقول خودش مورد حسد دشمنان واقع شده بود از ترس و قبل از بازداشت ضمن تعقیب باسلامبول فراری و بعدها با جنگ بین الملل مصادف و جزو میسیون آلمانی بکرمانشاهان آمد، پس از شکست مؤتلفین مجدداً روزگاری را در ترکیه میگذرانید.

بالاخره از راه تبریز وارد و مورد توجه و وساطت حاج مخبر السلطنه قرار گرفت و با همان درجه یابوری وارد ژاندارمری شده بسمت معاونت عده سرهنک نایب سرهنک پولادین منصوب شد.

در این بین جنگ بسمیتقو با شدت در گیر بود و زد و خورد هر روز ادامه داشت تا اینکه بر حسب خیانت اطرافیان سردار عشایر (یا سردار ارشد فرمانده قوای چریک) بدست نوکرهای خودش کشته و اردوی او مأمور حفظ جناح چپ اردوی ژاندارم بود در یک روز متواری و حتی جسد سردار عشایر بطور ناشناس یک روز در دست تصرف اتباع سمیتقو بود!

کرد هاهمینکه وقتی قوای سردار عشایر را درهم شکستند ناگهان باتمام قوای



خود بر سرعده ژاندارم تاخته‌کار آنها را ساختند (اوائل دلو ۱۳۰۰) قوای ژاندارم با شکست سخت مجدداً بخوی مراجعت نمودند.

ضمناً تحریکاتی در بین عده مزبور (فوج نمره ۱۴ - ژاندارمری) بعمل می‌آمد که منجر بحرکت آنها از خوی بشرفخانه گردید.

اعلیحضرت فقید که با آرامی ناظر جریان آذربایجان بود و با مئانت بفکر سعادت آنسامان دائماً اوقات خود را متوجه ومصروف میساخت دانست که باوضع فوق ممکن نیست موفقیتی نصیب نیروی آنجاشود لذا ماژورحبیبالله خان را بدرجه سرتیپی ترفیع داده و او را باسمت فرماندهی کل قوای آذربایجان مأمور قلع و قمع اکراد آذربایجان مینماید وقوای زیادی نیز همراه مشارالیه اعزام میگردد (بقیه این مطلب در فصل مربوط بختامه غائله سمیتقو و لاهوتی درج خواهدگردید).

\*\*\*

با اینکه اغلب نقاط کشور مانند آذربایجان که مقدمه آن گذشت دچار عصیان و تاخت و تاز گردنکشان بود معیناً اعلیحضرت فقید بدون توجه بمظاهر سیاسی که هر لحظه در مرکز ثقل کشور یعنی تهران موجبات سقوط کابینه‌ها را فراهم میساخت و بدون توجه بمشکلات بسیاری که در کارهای او عمدتاً فراهم می‌آوردند با پشتکار خستگی ناپذیری که هم‌را از میدان بیرون ساخته بود برای ایجاد یک ارتش قوی شب و روز فعالیت میکرد و ضمناً شورش‌های ولایات را فرو می‌نشاند اکثر افراد نظامی که در جنگهای متجاسرین گیلان شرکت کرده بودند بطوریکه خواهیم دید موجبات پیروزی و امنیت را در آنسامان فراهم ساخته بودند از نبرد های سواحل شمالی مراجعت کرده با پیشانی فاتحانه و باز بسوی میدان های غائله شمال غرب و آذربایجان سر وقت سمیتقو و لاهوتی رفتند در مرکز نیز قدم بقدم پیشرفت های سریعی نصیب اجرای این برنامه عالی یعنی تأسیس ارتش شاهنشاهی میگردد چند رژه از قوایی که بسرعت خود را برای حفظ استقلال ایران آماده میساختند داده شد لباس نظام جدیدی برای افراد ارتش بنا بفکر و ابداع شخص سردار سپه در نظر گرفته شد که تمام افراد نظامی اتحاد شکل حاصل نموده آنرا در بر کردند این لباس بقدری با ابهت و جاذب بود که خود احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد نیز آن را پوشیده. و درجه سرهنگی برای

خود قرارداد و سردوشی آن را زده بودند رژه روز ۲۷ دیماه ۱۳۰۱ در میدان مشق و همچنین رژه روز ۲۴ فروردین ۱۳۰۲ بقدری دل‌های دوستداران عظمت ایران را به تپش آورده بود که کسی سراز پا نمی شناخت سان نظامی بعد از ظهر ۲۷ جدی اثرات بهت آور بخشیده بود قبلاً قوای نظامی حاضر در مرکز در میدان مشق (باغ ملی) احضار و سوار - پیاده - توپخانه و غیره عموماً در اطراف میدان در محلهای خود قرار گرفته تمام بزرگان کشور برای مشاهده پیشرفته‌ها و ترقیاتی که در این مدت کم بدست سردار سپه انجام پذیرفته بود حاضر گردیده بودند در خارج چادرها جمعیت بسیار کثیری از طبقات مختلف تهران قرار گرفته بودند در خارج میدان نیز پشت نرده‌ها بالای بامها - و روی دکا کین و عمارات ازدحام بقدری زیاد بود که مقیاس و معیار نداشت از طرف اعلیحضرت فقید که در آن هنگام وزارت جنگ و فرماندهی کل را بعهده داشتند فرمان اجرای مراسم سلام صادر گردید صدای «هورا» از تمام قوای نظامی بر آسمان برخاست بدواً نمایشهای نظامی و سوار کاران بعمل آمد و سپس رژه با شکوهی آغاز گردید و انجام یافت انضباط و ترتیب بی سابقه این دفیله و نمایشهای سوار کاران بطوری شایان توجه بود که در دیده بینندگان اثرات خاصی بخشید مردم از دیدن این منظره امیدواری و ایمن غیرقابل وصف و تزلزل ناپذیری بخدمات منجی خود پیدا نموده و از او با تظاهرات دمام قدردانی مینمودند چه حقیقتاً در نظر دوست و دشمن عیان گردید که خدمات برجسته و قابل قدردانی انجام داده است.

رژه روز ۲۴ حمل ۱۳۰۲ نیز از حیث شکوه میدان و انتظام نظامیان چشم همه را خیره و قلب هر ایرانی وطن پرست را شاد نمود قدرت و عظمت قشون را بر همه نمودار ساخت و لیاقت موجد و بانی این سپاه را آفتابی کرد.

روز بعد یعنی در ۲۵ حمل نیز در خارج دروازه دوشان تپه مراسم اسب دوانی باشکوهی که تا نزدیک غروب ادامه داشت صورت گرفت و اثرات خاصی در بینندگان بوجود آورده بود و خود را می دیدند که ایرانی صاحب هزاران سرنیزه شده و با استقلال و پشتیبانی قوای ملی زندگانی میکنند از اینرو مراجعت کنندگان از میدان بر خود می بالیدند و از جان و دل بموجد و بانی این قوای عظیم یعنی اعلیحضرت فقید تحسین و آفرین میگفتند.

# فصل هشتم

## تأسیس ارتش شاهنشاهی ایران

اعلیحضرت فقید سعید پس از اینکه در سال ۱۳۰۰ تا حدی موفق با اجرای نیات بلند خود گردید و يك امنیت و تسکین موقتی برای میهن بوجود آورد برای آغاز اصلاحات و دفع غائله‌های داخلی و تهاجم خارجی قبل از هر چیز فیکرایجاد يك ارتش منظم با تجهیزات و ساز و برگ و اسلحه‌های جدید درخیزه او خطور یافت.

میتوان گفت پس از اتخاذ این تصمیم پایه‌های عظیم سازمان يك ارتش بزرگ و کامل در خور کشور باستانی و تاریخی وسیع ایران از سال ۱۳۰۱ بنا نهاده شد. شاهنشاه فقید بی‌درنگ سازمان لشکرهای - تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - همدان را پیش بینی و شروع بتأسیس نمود.

فقدان افسران تحصیل کرده مانع بزرگی برای توسعه ارتش و ترقیات آن بنظر میرسید و چون هنوز موفق بتأسیس دانشکده افسری و آموزشگاههای نظامی نشده بود از نظر تسریع در پیشرفت مصمم گردید عده ای از بهترین جوانان تحصیل کرده و علاقه مند بنظام را برای طی دانشکده‌های افسری کشور های اروپا خصوصاً فرانسه انتخاب و بفرنگستان اعزام نماید.

نخستین کاروان نظامی که عده آنها متجاوز از ۵۰ نفر افسران و درجه داران مختلف بود تحت سرپرستی سرتیپ حبیب‌الله خان شیبانی برای عزیمت تعیین گردیدند در این مسافرت شاهزاده سرتیپ امان‌الله جهانبانی که ریاست ارکان حرب کل راعهده‌دار بودند نیز بسمت ریاست هیئت اعزامی ایران در فرانسه برای بازدید مانورها و خرید اسلحه‌های جدید جنگی معین گردیده رهسپار شدند.

قبل از عزیمت این هیئت جوان نظامی که دلپایشان آکنده از مهر و علائق خدمتگذاری بود روز ۶ خرداد ۱۳۰۲ که روزرژه و بازدید این افسران و دانشجویان



بود اعلیحضرت فقید سعید نطقی در کلوپ صاحبمنصبان ایراد فرمودند که خلاصه آن چنین بوده است:

**فرزندان رشیدم** امروز که شما برای رفتن بمملکت فرانسه انتخاب شده اید یکی از فیروزترین ایام تاریخی دوره آینده حیات قشون بشمار میرود شما را برای تحصیل بسر زمینی میفرستم که علاوه بردارا بودن منظم و معظم ترین قشونهای عالم از نقطه نظر عرق ملیت - حس فداکاری پرستش و پاسبانی وطن عملیات خود را سرمشق سایر ممالک قرار داده اند و در راه استقلال و تمامیت ارضی خویش در همین جنگ بین المللی اخیر با دادن هزاران قربانی حق حیات و موجودیت خود را یکمرتبه دیگر بمالمان اثبات نمودند شما در آن محیط که موظف بتکمیل معلومات علمی و فنی خود هستید باید قوای دماغی و روحی خویش را نیز تنویر داده و از همان احساسات عالی و فنا نا پذیر بارمغان آورید :

شما نباید تصور کنید که اعزام بنجاه نفر صاحبمنصب محصل بارو با برای دولت برایگان تمام میشود بلکه باید بخاطر بیاورید که تا چندی پیش دولت حتی بجمع آوری بنجاه نفر سرباز برای جلوگیری از کوچکترین سرقتهای پشت دروازه قادر و توانا نبود فقط در نتیجه عملیات دلیرانه و فداکاری شما بود که در اندک مدتی قشون جوان بخت ایران نخستین وظیفه خود را که عبارت از قطع ریشه کهن سال شرارت - استقرار امنیت - انقیاد ایلات انجام و اینک در صدد تکمیل تشکیلات برآمده و شمارا بانجام این مأموریت معین و نامزد نموده است :

**فرزندان عزیزم** البته میدانید که مملکت ما فاقد وسائل مولد ثروت از قبیل راه آهن و کارخانه و غیره بوده و یگانه محل عایدات آن منحصر بمنابع زراعتی است این وجوهیکه دولت برای مخارج مسافرت و دوره تحصیل شما میپردازد از قرضه های کمر شکن که سابقاً بهمین عناوین از خارجه بعمل میآید و صرف لپو و لمب و هوسرانی عده معدودی میگردید فراهم نشده بلکه از قیمت گندم و جو حاصل دسترنج زارعین آن طبقه زحمت کش و زنجیر ایرانی تهیه گردیده است پس نباید همیشه بخاطر آوردید که برای فراهم نمودن هر يك قران آن زارعین غیرتمند ایرانی روزهای متمادی - دقایق عمر عزیز خود را در مقابل اشعه سوزان آفتاب صرف زیر و زبر کردن زمین و کشت و زرع نموده اند اینک بزرگان ایرانی ثمره سعی و عمل خود را بشما میدهند که در مقابل بدون فوت دقیقه از وقت با کمال جدیت بتحصیل و تکمیل معلومات نظامی پرداخته و با يك توشه و سرمایه بزرگ علمی بوطن خود مراجعت و با تمام قوا و معلومات خود به نگهبانی و حراست جان و مال و ناموس آنها اشتغال ورزید :

بعد از تمام شدن نطق اعلیحضرت فقید سعید رئیس ارکانحرب ( تیمسار سرلشکر جهانیانی فعلی ) نطقی ایراد نمودند که خلاصه آن از این قرار است :

( در این چند روزه که فدوی با صاحبمنصبان محصلین برای ترتیب امتحانات آنان مستقیماً طرف مذاکره بوده است از نیات و افکار آنها راجع بتحصیلات ایشان کاملاً مستحضر و از طرف آنان افتخاراً بحضور بندگان حضرت اشرف را بورت و اطمینان میدهد که فرد فرد صاحبمنصبان محصلین با نهایت صمیمیت و جدیت حاضر شده اند در این مدت بدون فوت دقیقه از اوقات خود لیبلاً و نهراً بتحصیل علوم و تکمیل فنون نظامی پرداخته و در ادای این وظیفه مهم از هیچگونه مجاهدت

وفداکاری دریغ ننمایند که در مراجعت بتوانند در تحت او امر عالیه یگانه فرمانده معظم کل قشون بافتخار انجام خدمات مفید و عمده در راه حفظ عظمت و شوکت وطن مقدس و دولت متبوع خود موفق گردند).

در روز ۱۳ خرداد ماه ۱۳۰۲ این هیئت نظامی از طهران حرکت کردند شاهنشاه فقید آنها را شخصاً تا مهرآباد بدرقه نمودند.

بعد از اعزام نخستین هیئت مزبور هیئت های نظامی مختلف دیگری نیز برای صنوف مختلف پیاده - سوار - توپخانه - بحریه - هواپیمائی و همچنین خرید کارخانه های ارتشی مرتباً اعزام گردید.

و ضمناً برای جلوگیری از این نیازمندی دائمی بدانشکده های اروپا اعلیحضرت فقید مصمم بایجاد عالیترین دانشکده های نظامی و دبستان ها و دبیرستانهای نظام در داخل کشور گردید.

که شرح آنها در فصول آینده داده خواهد شد.



از سال ۱۳۰۱ بنیان تأسیس ارتش پولادین و دلاور شاهنشاهی ایران که تا امروز مرتباً راه موفقیت آنرا بچشم دیده ایم گذاشته شد.

قبل از کودتا در سراسر ایران تجهیز ۳ تا ۵ هزار سرباز منظم غیر ممکن بنظر میرسید يك مشت گرسنه و لخت و عور بنام های مختلف و شکل های مختلف بنام قوای دولتی در کشور بخش بودند.

از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ که دوره های مختلف فرماندهی و وزارت جنگ و زمامداری اعلیحضرت فقید سعید بود و هنوز تیخت سلطنت جلوس نکرده بودند سازمان وسیع و آبرومند زیرین بجای دوران پیر ادبار توپ مروارید برای ارتش شاهنشاهی جدید ایران داده شد.

مآزمان ابتدائی ارتش ایران از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴

## وزارت جنگ

- ۱ - کابینه ۲ - شورای عالی قشون ۳ - قسمت فرماندهی ۴ - مدارس نظام
- ۵ - تشکیل لشکرها ۶ - اداره امنیه

۲۰۱

## کابینه و شورای قشون

کابینه وزارتی مخصوص وزیر و شورای عالی قشون در تحت ریاست عالیّه وزیر جنگ (سردار سپه) و معاونت یکنفر از اعضاء که بقرعه انتخاب میشوند .

۳

## تقسیمت فرماندهی

بطور کلی اداره ارتش با این قسمت بوده است زیرا همین قسمت بود که برای ترتیب و تنظیم و نگاهداری پنج لشکر و یک تیپ مستقل ارتش مزبور معین و برقرار گردید و سازمان آن مرکب از چهار قسمت گردید .

الف - اداره ارکان حرب کل ب - اداره مالیه کل ج - اداره قورخانه د - اداره تلگراف بی سیم

(الف)

ارکان حرب کل که ریاست آن بعهده سرتیپ امان الله میرزا برقرار گردید دارای یک کابینه و هشت دائره بود .

- (۱) دائره تنظیمات کل مرکب از سه شعبه
  - ۱ - شعبه سجل احوال
  - ۲ - شعبه محاکمات
  - ۳ - شعبه سر باز گیری .
- (۲) دائره عملیات کل مرکب از سه شعبه .
  - ۱ - شعبه تنسیقات
  - ۲ - شعبه نقشه برداری
  - ۳ - شعبه هواپیمائی .
- (۳) دائره مباشرت کل مرکب از ۸ شعبه .
  - ۱ - شعبه تدارکات
  - ۲ - محاسبات
  - ۳ - تقطیس
  - ۴ - تلفونخانه
  - ۵ - مطبعه
  - ۶ - صبافی
  - ۷ - چرم سازی
  - ۸ - مخازن اسلحه و مهمات قشون .
- (۴) دائره صحیه کل .
- (۵) دائره انطباعات مرکب از سه شعبه .
  - ۱ - شعبه مجله
  - ۲ - شعبه دارالترجمه
  - ۳ - شعبه کتابخانه
- (۶) دایره بیطاری .
- (۷) دائره موزیک .
- (۸) دائره نقلیه کل قشون مرکب از ۷ شعبه .

۱ - شعبه فنی ۲ - مصادر کار ۳ - ساختمان ۴ - نعلبند خانه ۵ - ایلخی ۶ - چراغ برق ۷ - اسکورت عشایر .

(ب)

دومین قسمت اداره فرماندهی اداره مالیه کل بود که بر ریاست سرهنگ علائی اداره شده و منقسم بدو قسمت میگردد .



(۱) اداره مرکزی مالیه دارای ۶ شعبه

- ۱ - دار الانشاء
- ۲ - تفیش محاسبات
- ۳ - دفتر داری کل
- ۴ - صدور حوالهجات
- ۵ - کمیسیون تفیش محاسبات معوقه
- ۶ - اداره محاسبات کل که آن نیز دارای چهار شعبه بود.

### قسمت خزانه داری کل مرکب از سه شعبه بود

- ۱ - دفتر داری
- ۲ - ضبط اسناد
- ۳ - تجویخانه

(ج)

۳ - سومین قسمت از اداره فرماندهی قورخانه بود که بریاست نایب سرهنگ اسماعیل خان شفائی اداره میشد و چون این اداره مهمی بود از همان بدو سردار پهلوی بواسطه بازدیدهای بیانی و اهمتامی که بدان معطوف میداشت تحت نظر مخصوص خود قرار داده و بالاخره قورخانه جدیدی تشکیل و ساختمان آنرا بوسیله متخصص آلمانی انجام داد بعد از آن یکنفر سرمهندس آلمانی که متخصص اسلحه و ماشین آلات بود از آلمان خواسته امر مزبور را بمشارایه محول نمود سرمهندس مزبور شروع بترتیب و سازمان جدیدی نمود و بناه یک قورخانه تازه را باتمام مؤسسات جنگی از قرار ذیل طرح ریزی کرد.

- ۱ - کارخانه بزرگ ماشین مختلف برای کلیه تعمیرات توپ و غیره.
- ۲ - کارخانه تفنگسازی برای تهیه تفنگ و مسلسل طرز جدید و عموم تعمیرات راجع بانها
- ۳ - کارخانه فشنگسازی برای تهیه تمام فشنگهای لازمه قشون و نوار مسلسل.
- ۴ - کارخانه باروت کوبی جهت ترکیب باروتهای جدید کم دود و اجزای شیمیائی.
- ۵ - کارخانه ریخته گری و آهن ذوب کنی و فولادسازی برای تهیه گلوله توپ مثل گرناد شربنل و نارنجک های دستی.

۶ - کارخانه ارايه سازی دارای شعبات تعمیراتومبیل - اره کشی - نجاری باماشین و سراجی بطرز جدید : ۷ - کارخانه ایجاد قوه الکتریک.

- ۸ - مدرسه فنی برای تربیت اسلحه سازان قابل و کارگر جهت آتیه قورخانه.
- ۹ - محل تیراندازی مطابق معمول اروپا برای امتحان تیراندازی تفنگ - مسلسل و توپ طرز ریزی فوق کاملاً پسند خاطر اعلیحضرت فقید واقع گردید و باوجود مشکلات گوناگون در حدود وسائل موجود بتکمیل قورخانه امداد جهت انجام این مقصود ماشین آلات و مصالح لازمه از آلمان ایتباع و پنج نفر متخصص آلمانی هم برای ریخته گری سه ماشین - ترمیم توپ تعمیرتفنگ و مسلسل و تهیه فشنگ استخدام شدند.

سرمهندس آلمانی با کمک آنان تأسیسات اداره قورخانه را بسبک جدید تبدیل و تحت انتظامات و قواعد طرز کارخانه های اروپا در آورد بطوریکه اداره مزبور میتواند کلیه احتیاجات قشون را از بهترین طریق باسرع اوقات مرتفع نماید.

روبه هم رفته اداره قورخانه تا سال ۱۳۰۴ دارای این کارخانه ها گردید :

- ۱ - کارخانه اسلحه سازی و قنداق سازی
- ۲ - چرخکاری
- ۳ - سوهانکاری
- ۴ - ریخته گری

۵ - حدادی ۶ - نجاری ۷ - شمشیر و سر نیزه سازی ۸ - سراجی ۹ - آتش بازی ۱۰ - باروت کوبی ۱۱ - فشنگ سازی ۱۲ - نقاشی ۱۳ - تعمیرات مسلسل ۱۴ - رنک کاری آلات اسلحه : حاصل کار اداره قورخانه که یکی از بزرگترین کارخانجات ایران بود مرتباً رو بترقی مینهاد؛ اشیائی که سابقاً ساختن آنها در ایران غیر ممکن و از اروپا خریداری میشد در خود قورخانه تهیه و از انتقال مالیه مملکت بخارج تا بیک اندازه جلوگیری بعمل آمد :

اداره مزبور از حیث اوضاع اقتصادی و رنج دست کارگران ایرانی فوق العاده مورد توجه و ملاحظه بود و برای ایجاد اسلحه سازان قابل و ترقیات آتیه مدرسه فنی نیز تأسیس گردید که محصلین در شبانه روز مشغول فنون اسلحه سازی بوده و تربیت نظامی میشدند :

پروگرام مدرسه مزبور بامدارس متوسطه فنی آلمان مطابق گردید و تعداد شاگردان مدرسه مذکور بر یکصد و پنجاه نفر بالغ می گردید جهت تربیت علمی کارگران قورخانه مدرسه با اسم مدرسه اکابر شبها در خود قورخانه تشکیل گردید که پس از ختم کار عموماً کارگران بتحصیل فارسی و حساب و غیره مشغول میشدند این مدرسه نیز از نظر اقتصاد واحداث کارخانجات در آتیه برای مملکت فوق العاده نافع و قشون را از هر حیث بهره مند و مستغنی ساخت .

(د)

۴ - چهارم قسمت اداره فرماندهی - تلگراف بی سیم بود .  
۸ - دستگاه تلگراف بی سیم خریداری شد دو دستگاه آن در مرکز برقرار و شش دستگاه دیگر در مراکز لشکرها نصب گردید مراکز مزبور عبارت بودند از :

مشهد - بوشهر - کرمانشاهان - تبریز - کرمان - شیراز

(۴)

## مدارس نظام

سازمان مدارس نظام نیز بدین قرار تأسیس یافت :

۱ - مدرسه ابتدائی ۲ - مدرسه متوسطه ۳ - صاحبمنصبان ۴ - مدرسه و کلاء بیطاری  
۵ - مدرسه نیابت ۶ - مدرسه صاحبمنصبان بیطار - موزه قشون نیز بمدرسه ملحق گردید .



# فصل نهم

## تشکیل لشکرها

### در مرکز و شهرستانها

توسعه تأسیسات ارتش به نیروی فکر و ایمان و دست توانای اعلیحضرت شاهنشاه فقید سرعت ادامه مییافت عناصر غیر صالح از ارتش نو برکنار میشدند تأسیس يك ارتش با انضباط و قوی که آرزوی هر فرد ایرانی بود بطرف کمال میرفت و يك نیروی متحدالشکل و منظم در ابتدا باتوام شدن تشکیلات ژاندارمری و بریکاد مرکزی و قزاقخانه بوجود آمد.

در چهاردهم قوس سال ۱۳۰۰ واژه های ژاندارمری و بریکاد و قزاق بکلی از بین رفت و نیروهای ارتش ایران بنام نظام و افراد آن بنام نظامی خوانده شدند گلروب رئیس ژاندارم نیز از کار برکنار گردید و تمام نیروهای مزبور مستقیماً در تحت اداره اعلیحضرت فقید درآمد.

سازمان وزارت جنگ با وسعت تأسیسات کامل نظامی بقراری که شرح داده شد جایگزین تشکیلاتی که آشیانه متزلزل عده بنام قزاق و صاحب منصب و ژاندارم بود گردید روح سپاهی گری در بین علاقه مندان بنظام و سلحشوری پدیدار گردید مردم پایتخت گاهی اوقات که صف هائی از جوانان جنگجوی خود را که از گونه های سرخ رشیدشان آثار شجاعت و وطنخواهی درخشان بود در حال تردد در خیابانها میدیدند مدتی ایستاده و باتحسین و اعجاب مینگریستند.

### کم کم محبت بارتش و نظام در دلها بوجود آمد

ملت حق شناس ایران احساس کرد ارتشی که در حال تأسیس و بوجود آمدن است ربط و شباهتی بقزاق و قزاقخانه ندارد و آن اوضاع پوشالی و نیرنگ بازی که



جز خرج تراشی برای ملت و انجام و اجرای اعمال و اغراض سیاسی چیز دیگری بیدش نبود دیگر در این دستگاه ملی نو رخنه و رسوخی ندارد بهمین نظر مردم گروه گروه و انبوه انبوه بطرف سردار بزرگک ملی اعنی اعلیحضرت فقید سعید روی آوردند و او را در آغوش گرم خود تقویت نموده و در راه پیشرفت نظریات و منویات پاك و میهن پرستانه او فداکاری نمودند.

شاهنشاه پهلوی وقتی که در باطن جانب دلها را معطوف بسوی خود دید بسرعت فکر ایجاد يك سازمان وسیع ارتش ملی را در مخیله خویش طراحی کرده و توسعه داد و لباس عمل پوشانید.

بلافاصله سازمان وسیع لشگرهای تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - همدان و تدریجاً سایر نقاط حساس کشور و هم چنین تیپ مستقل شمال ایجاد و ره کمال را پیمود و مانند بهترین تأسیسات نظامی کشورهای جهان وسعت یافت.

افراد زبده ایکه از بقایای قسمتهای مختلفه منحل شده سابق عاقل و بیکارمانده بودند بسرعت روی بنظام جدید آوردند و جوانان علاقه مند بخدمت میهن نیز رغبت نشان داده سازمان لشگرها را تکمیل نمودند.

اداره جدیدی نیز در هر يك از لشگرها تأسیس گردید که بنام (دائره جدید گیری) موسوم بود این دائره شروع باخذ نفرات مورد لزوم طبق مقررات جدید و مقررات بنیچه ازین داوطلبان نمود.

در این هنگام نکته ایکه جلب توجه سردار بزرگک تاریخ را نمود وجود پلیس جنوب (اسپیار) بود که بقوت خود باقی و تحویل ارتش ایران نگردیده بود در این باره نیز حکم الغای پلیس جنوب صادر و آن سازمان غیر منطقی کم کم از بین رفت و بدست مؤسسين آن منحل گردید.

تأسیسات سازمانی و فرماندهان لشگرهای تأسیس یافته بقراری است که در زیر ضبط تاریخ مشعشع ارتش شاهنشاهی ایران میگردد.

**لشگر ۱** - بفرماندهی مستقیم سردار سپه (اعلیحضرت فقید سعید) در تهران تشکیل گردید و ریاست ستاد آن بعهد سرهنگ ۲ اسماعیل شفائی تفویض گردید سازمان این لشگر عبارت بود از ۱ - تیپ تیرانداز گارد ۲ - تیپ تیرانداز عراق

۳ - تیپ سوار گارد ۴ - تیپ توپخانه ۵ - قسمت مستقل گیلان و تنکابن و قسمت مازندران .

**لشکر ۲** - شمالغرب بفرماندهی سرلشگر اسماعیل فضلی در تبریز تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهدہ محمدحسین میرزا فیروز تفویض گردید .

سازمان آن شامل ۱ - بریکاد مختلط قزاق ۲ - تیپ مختلط (آتریاد) اردبیل ۳ - هنگ ۱۴ ژاندارم تبریز ۴ - باطالیون مستقل ۱۳ ژاندارمری زنجان بود .

**لشکر ۳ خراسان** - بفرماندهی سرلشگر حسین خزاعی در مشهد تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهدہ سرهنگ ۲ محمد حسین میرزا جهانبانی تفویض گردید .

سازمان این لشکر عبارت بود از : ۱ - قسمت مختلط (آتریاد) قزاق خراسان ۲ - هنگ ۱۰ ژاندارم استرآباد ۳ - هنگ سرباز سده و هنگ سرباز قاین و قسمت توپخانه سیستان .

**لشکر ۴** - بفرماندهی سرلشگر محمود آیرم در اصفهان تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهدہ سرهنگ حیدرقلی پسیان تفویض گردید .

سازمان این لشکر عبارت بود از : ۱ - قسمت مختلط (آتریاد) قزاق اصفهان ۲ - هنگ شماره ۶ ژاندارم اصفهان ۳ - باطالیان مستقل کاشان .

**لشکر ۵** - بفرماندهی سرلشگر احمد امیر احمدی در همدان تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهدہ سرهنگ عبدالرزاق افخمی تفویض گردید .

سازمان این لشکر عبارت بود از : ۱ - آتریاد همدان و آتریاد قزاق بروجرد ۲ - هنگ شماره ۱۱ ژاندارم کردستان ۳ - هنگ شماره ۱۲ کرمانشاهان ۴ - هنگ شماره ۷ عراق ۵ - هنگ شماره ۸ ژاندارم بروجرد .

بنابراین بنیان ارتش شاهنشاهی ایران بترتیب فوق از ۱۵ جدی ۱۳۰۰ تا اواخر ۱۳۰۴ بنا باراده و زحمات شبانه روزی اعلیحضرت فقید سعید با استحکام بی نظیری که از سرچشمه ایمان افراد فدائی نسبت باو و ایران منشعب میگردد بوجود آمد و آرزویی که ایرانیان میهن پرست در طول يك مدت درازی از تاریخ

متوالیاً با خود بدیاری عدم می‌بردند بتحقق پیوست .

ارتشی که ما امروز بدان فخر و مباهات میکنیم و ما را در سیر شاهراه تمدن و ترقی پشتیبانی مینماید و از نابودی قطعی نجات بخشیده است بر روی پایه‌های مستحکم و مشروح فوق بنیان گذاری شده است .

جمیع شئون وزارت جنگ در کف با کفایت اعلی حضرت فقید سعید قرار گرفته بود و دائماً اهتمام او در توسعه ارتش مصروف میگردد شورای عالی جنگ نیز بعهده سردار مقتدر محول گردید .

ولی این شوری که وظائف آن بررسی مسائل مربوط بتوسعه ارتش و تنظیم لوایح قانونی و تدوین آئین نامه‌ها و رسیدگی به پیشنهادهای مفید بود چون جلسات آن بطور نامرتب و وقت لزوم تشکیل میگردد و کارمندان آن نیز هر یک بمشاغل خارجی که داشتند بیشتر اهمیت میدادند پس از چهار سال در خرداد ۱۳۰۵ بدون اینکه پیشرفتی در انجام مقصود نهائی خود بنماید منحل گردید .





# فصل دهم

## آغاز استفاده از نظام جدید

سیاست‌های استعماری و تحریکات مادی داخلی و حالت مغشوش و اسف‌آور سالهای نکبت بار اخیر عده‌ای متجاوز و خودسر در گوشه و کنار کشور بوجود آورده بود که هر لحظه باقوائی که در اختیار داشتند حکومت مرکزی را متزلزل و پیشرفت کشور را متوقف کرده بودند.

این مشکلات از سال ۱۳۰۰ در شاهراهی که اعلیحضرت فقید سعید بسوی ترقی دادن میهن خود می‌پیمود پیش پای او یکی بعد از دیگری مانند کوههای سنگی بزرگ پیدا میشد.

مهمترین این وقایع در ابتدای کار واقعه امیر مؤید سوادکوهی و حملات متجاسرین در گیلان و غارتگری سمیتقو در آذربایجان و طغیان لاهوتی و بروز هرج و مرج در جنوب و اغتشاش‌های کهکیلیویه و قضایای خوزستان و جنگ‌های لرستان و وقایع خراسان و همچنین طغیانها و شرارت‌ها و سرکشیدها در تمام شهرستانهای ایران میباشد مابطور اختصار برای اینکه از اهمیت محاربات داخلی خوانندگان این تاریخ را مستحضر نمائیم و ضمناً فداکاریهای ارتش نو ایران را که پیروزی همین محاربات آنان را مستعد برای پیروزیهای بزرگتری نمود و افرادی شجاع و مسلح‌شور و ورزیده‌نخیره گذاشت شرح هر یک از وقایع فوق را بطور اختصار می‌نگاریم.

## اهتمام ارتش در فرونشاندن طغیان‌های مازندران

### و شکست متجاسرین گیلان

در همان اوان که گیلان در زیر یوغ غارتگری متجاسرین شانه زخمین میکرد امیر مؤید و پسرانش در سوادکوه مازندران در صدد برآمدند بهمدستی خوانین و متجاسرین گیلان برعلیه تهران قیام نمایند در بدو امر محرکین امیر مؤید که از خانواده راست‌پی مازندران بود مرحوم

**حاج آقا شیرازی** و مرحوم **مستعان الملک** لیدرهای اعتدالی و اتفاق و ترقی بودند که بمازندران رفته و امیر مؤید و پسران رشید او را بقیام برانگیختند .

هنگامیکه احسان‌الله‌خان و ساعدالدوله رؤسای متجاسرین گیلان بطرف تنکابن در ۱۰ تیر ۱۳۰۰ حمله کرده بودند از طرف اعلیحضرت فقید نیروئی تحت فرماندهی امیر پنجه احمد آقاخان و عده از فوج گارد پهلوی بفرماندهی یاور صادق خان بسواد کوه و فیروز کوه اعزام گردیدند و چون نصیحت بدوی دریغیان مؤثر واقع نگردید در طی محاربات شدیدی که از ۵ مرداد تا ۲۶ شهریور ماه ۱۳۰۰ بطول انجامید تمام سنگ‌های طبیعی و مواضع استحکاماتی متمرذین را درهم شکسته و قلعه ( خرچ ) یا ( خرش ) بدست نیروی دولتی افتاد و با گرفتن اسلحه و مهمات آنان بمرکز حرکت نمودند .

امیر مؤید که به‌علی‌آباد عقب‌نشسته و در جنگلهامتواری بود بسمنان آمده تلگرافی بندامت آمیز به اعلیحضرت فقید مخابره مینماید که در نتیجه آن تامین یافته بسواد کوه باز گشت میکند .

**احسان‌الله‌خان . ساعدالدوله . معز‌السلطنه . ساعدالسلطنه . حاج محمد جعفر کردستانی** رؤسای متجاسرین برای گرفتن ( تنکابن ) و کجور و کلارستان و سپس حمله بتهران از راه شهرستانک قیام نموده و در نظر داشتند با امیر مؤید که در همین اوقات درمازندران طغیان نموده بود هم‌دست گردند .

در اوائل اردیبهشت ۱۳۰۰ بفرموده اعلیحضرت فقید - پنج گروهان از فوج پولادین بریاست سرهنگ محمدخان شاه‌بختی بقزوین اعزام گردیدند در آن هنگام قسمتی از متجاسرین از دیلمان به سلمبار وارد گردیدند و شهر قزوین را تهدید مینمودند .

از سوی دیگر سرهنگ فضل‌الله‌خان که در آنوقت حاکم نظامی تنکابن بود با قوای خود شروع به نبرد با اشرار نمود این نبردها و محاربات گاهی بقدری شدید بود که منجر به عقب‌نشینی قوای نظامی میگردد و در نتیجه نقاط مهمی بتصرف اشرار درمی‌آید .

بالاخره قوای دولتی کم کم بیکدیگر نزدیک و اشرار محاصره میشوند با اینکه متجاسرین عده زیادی از افراد در اختیار داشتند و در هر نقطه اهالی را نیز بسرعت مسلح مینمودند معهداً بکلاردشت که محل توقف احسان‌الله‌خان بود حمله‌ور گردیدند و آنجا را اشغال نمودند و دشمن در طویر ( تویر چهار فرسنگی کلار دشت است ) محاصره گردید .

قوای سرهنگ محمدخان و سرهنگ فضل‌الله‌خان متحداً بخرم آباد ورود سر حمله نموده دشمن را مغلوب و تویر را متصرف گردیدند .

چون قوای نظامی دولتی مرتباً به پیروزی‌های جدیدی نائل میگردد و متجاسرین مرتباً شکست خورده و منهزم میگرددند ( سردار کبیر ) برای تأمین ساعدالدوله که با احسان‌الله‌خان و سایرین طغیان کرده بودند با دولت مشغول مذاکره شد . ساعدالدوله نیز در فرونت موافقت خود را بادولت نشان داد و در موقع عقب‌نشینی به ( شهسوار ) عده از روسها را خلع سلاح نموده دو-عزاده مترالیوز و یک عزاده توپ کوهستانی آنها را گرفته و باقسمت خود بطرف ( دوهزار ) رهسپار شد متجاوزین نیز پس از اینکه خلع سلاح شدند بسوی ( درازدالان ) و ( دوهزار ) حرکت نمودند

شش روز بعد موضوع تأمین ساعدالدوله بفرماندهان قوای (تنکابن) و (سلمبار) و اردوی قزوین از طرف اعلیحضرت فقید مخابزه و اعلام گردید و در روز ۱۷ مرداد قوای تنکابن (شهمسوار) مرکز متجاسرین را متصرف شد. سه روز بعد اسمعیل افندی باینجا نفر عده مسلح خود که از جمله اشرار و متجاسرین بود به قوای تنکابن تسلیم شد قوای سلمبار و تنکابن مأمور به پیشرفت بجانب (لاهیجان) گردیدند.

پس از این موضوع در ۲۴ مرداد قوای سلمبار بریاست سرهنگ حبیب‌الله خان شیبانی بسوی الموت و دیلمان به پیشرفت شروع نموده ۶ روز بعد وارد (دیلمان) گردیدند در همان وقت قوای سرهنگ محمدخان و سرهنگ فضل‌الله خان نیز بطرف (رودسر) رهسپار و در ۲۸ وارد آنجا شدند و از آنجا به (لنگرود) رسیدند در این وقت قوای دشمن درخانه‌ها بالباس زنانه مستور شده همینکه شب فرا رسید باهمان لباس زنانه خارج و حمله به اردوی دولت نموده جنگ سختی وقوع یافت و دوباره لنگرود بدست دشمن افتاد و قوای دولتی در (کلاچای) تمرکز یافت اما سه روز بعد (۳ شهریور) قوای تنکابن به (سلمان) وارد و در روز بعد از آن (۵ شهریور) از نولنگرود را از دشمن باز پس گرفته و بفاصله ۹ روز (۱۲ شهریور) (هلس) و راه (بلوردکان) را متصرف شده مرکز قوا را در (سلمان) قرار دادند.

در این موقع بنا بامر اعلیحضرت فقید سعید بدوای سر تیب مرتضی خان یزدان‌پناه رئیس بریکاد گارد تیر انداز و چند نفر دیگر از صاحب منصبان برای سرکشی و بدست آوردن حالات و روحیه افراد مأمور تنکابن گردیده در ۶ مهر ۱۳۰۰ حرکت نمودند و تارودسر رفته یک گردان نیز در آنجا مستحفظ قرار دادند و بمرکز مراجعت نمودند در آن اوقات بواسطه امر مرکز جنگ متار که شد زیرا کوچک‌خان بادولت در مذاکره تسلیم شدن بود ولی گویا کوچک‌خان مقصودش اغفال بود زیرا بعداً بواسطه الحاق ۴۰۰ نفر روس و ارمنی بقوای او در صدد حمله بزنجان برآمد لذا عده کافی بریاست کلنل لندبرگ سوئدی برای جلو گیری او اعزام شد - در همان موقع متجاسرین سیاه رود و امامزاده قاسم و لاهیجان را تخلیه نمودند و بطرف رشت عقب نشستند و قوای دولتی نقاط مزبور را تصرف نموده در روز ۱۲ و ۱۳ مهر زدو خورد های چندی وقوع یافت در اواخر مهر اعلیحضرت فقید شخصاً برای سرکشی قوای اعزامی و خاتمه غوغا و اغتشاش و شورش جنگل بسمت گیلان حرکت نمود و در همان اوان ورود ایشان به جشید آباد خالو قربان با عده اکراد تسلیم گردید و از اعلیحضرت فقید تأمین خواسته برای جنگ با کوچک‌خان خود را معرفی نمود و قرار بر این شد رشت را که در تصرف او بود بقوای دولت تسلیم نماید اما از رشت خارج و به بندر پهلوی رفته مجدداً فریب کوچک‌خان او را از تسلیم باز داشت در آنوقت قوای دولتی برای تصرف شهر رشت تحت امر سردار بزرگ ایران حرکت و در ۲۱ مهر وارد (دوشنبه بازار) گردیده در ۲۳ مهر بشهر رشت وارد گردیدند ولی این ورود مصادف وقتی بود که متجاسرین از سه طرف رشت را محاصره کرده بودند از اینرو جنگهای سختی در اطراف و در خود شهر رشت ادامه یافت ولی بالاخره به شکست متجاسرین و پیروزی ارتش نیرومند ایران که در بدو تاسیس بود منجر گردید در ۲۳ مهر قوای دولت به (ماسوله) هجوم برده قسمتی بریاست سرهنگ شیخ لیسکی از راه (هزار کوه) وارد (ماسوله) شده قسمت مهمی از متجاسرین آنجا تسلیم



و بقیه فرار کرده و دوروز بعد نیز جنگ سختی در (پسی خان) وقوع یافت که در نتیجه پسی خان و جمعه بازار بتصرف نیروی ارتش در آمد دوروز بعد از آن (۲۷ مهر) قوای ساخلو در (پیره بازار) - (کفترو) و (نوخانه) را از متجاسرین پس گرفته و دشمن بکلی شکست خورده عده زیادی فراری و عده تسلیم شدند و در نتیجه میرزا کوچک خان دونفر نماینده بحضور اعلیحضرت فقید فرستاد و اظهار تسلیم و درخواست تامین کرد. اعلیحضرت فقید از لحاظ احساسات وطن پرستی و رشادتی که از میرزا کوچک خان شنیده بود مجدداً او را تامین داده و قرار شد حاکم رشت و عده‌ای از افسران در موقع ورود میرزا کوچک خان باستقبال او بروند ولی بازمعلوم نیست چه پیش آمدی بوقوع می پیوندد که مجدداً میرزا کوچک خان پس از دو روز به ماسوله با قوای خود حمله برده تلفات سنگینی بسمت اردبیل پادگان ماسوله وارد می آورد در نتیجه در ۸ آذر عده‌ای از قوای دولتی از جمعه بازار به (زیدق) حمله برده بعد از دو روز جنگ زیدق را متصرف و متجاوز از صد نفر اسیر و چندین متر الیوز بدست قوای دولت میافتد میرزا کوچک در صدد برمی آید بکوههای خلخال رفته بامیر عشایر معروف ملحق شود ولی قبل از رسیدن بمقصد در قلعه رودخان محصور میشود و با اینکه قوای نظامی نتوانستند آنجا را تصرف نمایند میرزا کوچک خان آنجا را تخلیه و بعقب نشینی ادامه میدهد در نتیجه این شکست قوای میرزا متلاشی و عده زیادی از رؤساء و سرکردگان آنها از قبیل خالوقربان (که بعداً داخل ارتش میشود) و غیره تسلیم گردیدند و سید جلال چمنی نیز دستگیر میشود و چون غائله جنگل خاتمه یافت اعلیحضرت فقید سعید (وزیر جنگ) بطهران مراجعت نمود و قوای دولتی تحت ریاست امیر موثق به تعقیب دسته‌های پراکنده دشمن و برای دستگیری میرزا کوچک خان معین گردیدند قوای دولت در شهرهای گیلان تمرکز پیدا نموده عده زیادی از متجاسرین را دستگیر و عده از سرکردگان آنها شخصاً تسلیم و اسلحه خویش را تحویل ارتش دادند.

در ۱۵ آبان ۱۳۰۰ احسان الله خان و چند نفر با معز السلطنه بطرف بادکوبه فرار کردند حیدرخان و قره خان که با عده خود از سفید رود عبور کرده و بطرف سیاه کیل فراری و در ۲۶ آبان بقوای دولتی تسلیم شده بشهر رشت وارد و جزء ارتش پذیرفته میشوند او بدرجه سرتیپی و چند نفر دیگر از سرکردگان بدرجه افسری داخل ارتش گردیدند.

اما کوچک خان از محلی بمحلی دیگر متواری بود در آخر بکوههای (ماسال) پناهنده شد عده‌ای از قوای دولتی او را تعاقب میکرد اطرافیان او نیز از هم پاشیده شده بودند بالاخره بمعیت (کائوک) آلمانی در گردنه (گیلوان) از سرما یخ زده و در ۱۴ آذر تلف میشوند و قبل از رسیدن قزاقها سوارهای طالش سر او را بریده و برشت میفرستند - بعداً تهران فرستاده شده در محل اطفائیه فعلی مدتی مدفون بود اخیراً بوسیله احرار رشت بسلیمانداراب گیلان منتقل و در آنجامدفون میگردد و مورد احترام اهالی گیلان قرار میگردد - پس از پایان کار جنگل قسمتهای مهم قوای گیلان بمرکز احضار و از طرف اعلیحضرت فقید بطرف آذربایجان فرستاده میشوند و بجنبه‌های ساوجبلاغ - اردبیل - و غیره برای فرو نشاندن طغیان اسمعیل آقا سمیتقو اعزام میگردد در نتیجه رشادتی که نفرت و افسران فوج پولادین در جنگهای تنکابن از خود بروز داده بودند بنام فوج پهلوی نامیده گردیدند (۱)

(۱) تاریخ فوت میرزا کوچک خان روز دوم ربیع الثانی ۱۳۴۰ برابر یازدهم دلو ۱۳۰۰ خورشیدی میباشد.

مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی از افراد وطن پرست و صالح و با تهور گیلان بود در بین گیلانیان نام نیک و بزرگی از خود بیادگار گذاشته است که هیچگاه فراموش نمیشود قیام او نیز برائرتش عشق و علاقه مفرط با استقلال ایران و برای جلوگیری از نفوذ روسها و سایر طاغیان و یاغیان نقاط شمالی بود و فی الحقیقه اثرات نیکوئی نیز بخشید ولی چون ایران میرفت که بدست اعلیحضرت فقید سعید استقلال حقیقی و واقعی خود را بدست آورده و از ملوک الطوائفی برای ابد دور بماند جز اینکه بایستی میرزا کوچک خان تسلیم شده و یا از بین برود چاره و راه دیگری در میان نبود و چون اطرافیان میرزا اغلب اوقات از کثرت جهالت باو در مشاوره خیانت میکردند پایان کار او بنا بودی کشید.

مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی نسبت به پدر اینجانب (مؤلف این تاریخ) مرحوم (ترجمان الملک قدیمی) میرزادادخان رضوانی پاس احترام فوق العاده داشت و در اوایل کار در جمیع امور باوی مشاوره های طولانی میدنمود ولی در اواخر بر اثر مسافرتها دوری واقع شد و دیگر یکدیگر را نمیدیدند.

اخیراً عده ای از گیلانیان آزادیخواه در صدد برآمده اند تاریخ نهضت جنگل را مفصلاً برشته تحریر در آورند امید داریم در این کار توفیق یابند.

### تخلیه رشت از قوای روس

در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۰۰ دو فوج از قشون روسیه در شهر رشت اقامت داشتند فوج اول موسوم به ۲۴۴ بالغ بر هشتصد نفر بودند و فوج دوم موسوم (بیادگار ۲۶) بود که بیادگار ۲۶ نفر مقتولین در تاریخ مظفریت سردار دنیکنین نامیده میشد برائرتش اقدامات دولت در چهار ساعت بعد از ظهر چهارم ژوئیه ۱۹۲۱ بکلی شهر رشت از قوای روسیه تخلیه و پس از نطق کیکانو کماندان عمومی درسبزه میدان رشت که عذرخواهی کرده و میگفت ممکن است بار دوم نیز بکممک شما بیائیم در حضور خالو قربان و عده ای از سواران وی بسوی بندر پهلوی حرکت کردند.



در حکومت مرحوم میرزا کوچک خان وضعیت اداری بسیار خوب بود و

مأمورین او با مردم حسن سلوک فوق العاده داشتند حکومت وی از پیل کسماء شروع میشد و بر تمام جنگل تا نزدیکی رود بار امتداد مییافت و در حدود ۵ هزار سوار داشت با قوای ژنرال دنسترویل انگلیسی و ژنرال چی چراخوف و باراتوف روسی مکرر جنگیده و مانع از دستبرد و چپاول و انارشی آنها بود.

**خالو قربان** حدود حکمرانی او عبارت بود از شهر رشت - امامزاده هاشم تا پیل کسماء و از آنطرف تا زنجیر (بندر پهلوی) که آنموقع بندر انزلی نامیده میشد امتداد مییافت عده قوای خالو قربان در حدود هشتصد نفر بود و دو ارا به توپ صحرائیکه روسها باو داده بودند با شش مسلسل دستی نیز دارا بود.

**احسان الله خان** - عده قوایش بالغ بر ۳ هزار بود ولی تویخانه نداشت حدود حکومت وی شامل لاهیجان و لنگرود - رودسر - بود و خودش لامکان بود بعضی عقیده داشتند در بادکوبه یا مسکو میباشد سپس در اطراف این حکومتهای خودسر از یکطرف حکومت خودسر مازندران که شرح آنرا دادیم و از سوی دیگر حکومتهای خودسر آذربایجان و گردنکشان و یاغیان و نیروهای سمیتقو قرار داشت که شرح آنرا خواهیم داد همینطور در تمام نقاط ایران وضع بدین منوال بود که منجمله آن قوای تجزیه طلب خوزستان خزعل بود که وقایع آن در این تاریخ ضبط است.

**اوضاع مالی** این حکومتها با دریافت مالیات منطقه حکمرانی خود تأمین میگردد و بعلاوه از مال التجاره هائیکه از تهران و قزوین و گیلان حمل میشد هر یک از ۳ حکومت فوق در منطقه نفوذ خود عشریه اجباری میگرفتند! ... آتش تمام این ملوک الطوائفی های مختلف و فؤدالیته که در هر گوشه کشور خودسری فرمان مداری میکرد بهمت والای اعلی حضرت فقید فرو نشانیده شد و فتح و پیروزی از ابتدای تأسیس نصیب ارتش ظفر نمون شاهنشاهی ایران در همه جا گردید این است نقطه های حساس که روشن میشود و خدماتی که بملت ایران بوسیله ارتش آزادی بخش و بانی استقلال کشور بعمل میآید.





# فصل یازدهم

## پیروزمندی در خشیان ارتش

### در فرونشاندن غائله اکراد آذربایجان

بطوریکه در فصل کودتا شرح دادیم سرتیپ حبیب‌الله خان با سمت فرماندهی کل قوای آذربایجان با نیروی کافی بسمت تبریز برای قلع و قمع اکراد عازم گردید. کردها در اثر تحریکات بیگانگان در نظر داشتند آذربایجان را مستقل کرده و حکومت خود مختار کردی را در آن سامان تشکیل دهند تیمسار امان‌الله میرزا جهانبانی که در آن موقع ریاست ستاد ارتش را دارا بود نیز بسوی آذربایجان حرکت کرد.

اسمعیل آفای سمیتقو با بی‌رحمی و قساوت فوق‌العاده قلعه مستحکم چهریق را مرکز عملیات و مسکن خود قرارداد با سواران شقاوت پیشه خود تمام شهرهای آذربایجان را لگد کوب سم ستوران خود کرده بود در تمام نقاط آذربایجان ناامنی و اغتشاش و شورش حکمفرما و این قطعه زرخیز ایران که سر ایران را تشکیل میدهد بتدریج میرفت که بدامان اسمعیل سمیتقو جنایتکار معروف افتاده و با تحریک اجنبیان مجزی از حکومت ایران گردد.

امیر لشکر اسمعیل امیرفضلی که فرمانده لشکر شمال غرب بود از یکطرف و خالوقربان با چهار هزار نفر چریکهای خود و مختصری نظامی - از سوی دیگر سرهنگ روح‌الله میرزای جهانبانی (سرلشکر کیباوسی) رئیس ستاد این قوا - مدتها در صدد اشغال استحکامات چهریق برآمدند ولی بر اثر وقایعی که منجر بعقب‌نشینی قوای لندبرک و لاسن و نایب سرهنگ پولادین گردیده بود عملیات بارزی انجام نمیگردید.

ضمناً لاهوتی که از افسران سابق ژاندارمری بود که دو باره استخدام گردید موقع را غنیمت دانسته ژاندارمها را اغوا و نایب سرهنگ پولادین را زندانی میکند و خود بر علیه دولت قیام کرده علم طغیان برافراشته شهرستان تبریز را دچار اغتشاش گردانید.

سرتیپ حبیب‌الله شیبانی پس از بازدید قوای تبریز جهت سرکشی به چریک‌های خالوقربان بساوجبلاغ حرکت نمود و ورود او مصادف با ورود لاهوتی به تبریز و ترمرد فوج نمره ۱۴ لاهوتی بود سرتیپ شیبانی فوراً دوساعت از نصف شب گذشته با کلیه قوای قزاق و قوای چریک سرعاً بطرف (میاندواب) آمده و در آنجا قوای پیاده و توپخانه را بریاست ظفرالدوله فرمانده قوای چریک واگذار کرده و خود باعده سوار بایک حرکت نظامی خیلی سریعی بجانب تبریز رهسپار گردید و به سرتیپ ظفرالدوله دستور داده بود که قوای پیاده و توپخانه فوراً در عقب او حرکت نمایند.

لاهوتی باقوای ژاندارم و مجاهدین تبریز را متصرف و کلیه ادارات دولتی را اشغال نموده و والی ایالت نیز در ژاندارمری زندانی میشود.

سرتیپ حبیب‌الله خان بعمارت قزاقخانه وارد درضمن عمارت قزاقخانه را نیز متمرّدین محاصره مینمایند و چون نصیحت قبلی در لاهوتی مؤثر واقع نمیشود عملیات نظامی آغاز و از صبح ۱۹ بهمن ۱۳۰۰ جنگ شروع گردید متمرّدین تا ظهر حملات سختی مینمودند اما از بعد از ظهر عقب‌نشینی آغاز کردند در این هنگام قوای پیاده نیز بکمک قوای دولت رسیدند و تا ساعت ۸ عصر کلیه شهر تبریز بتصرف قوای دولت درآمد - لاهوتی باچند نفر از اشرار مسلح بسوی روسیه فرار کردند و بقراریکه تاریخ مختصر احزاب سیاسی مینویسد (او بخاک آذربایجان قفقاز رفت و مدتی باهمان حال بود ولی بالاخره اسلحه را تحویل داد و در شمار رفقای کمونیست داخل شد و اکنون در تاجیکستان خدمت میکند).

سرعت عمل و اداره عملیات سرتیپ شیبانی تبریز را از اغتشاش و بی‌گماری نجات داد و عملیات مزبور مورد توجه واقع گردید سرتیپ شیبانی رسماً بسمت فرماندهی نیروی آذربایجان مشغول ندارک و تهیه قوا بر علیه سمیتگو گردید و سر لشکر امیر فضلی بتهران فراخوانده شد.

در این اثنا سیدطه پسر شیخ‌عبدالله از همکاران سمیتگو شبانه با ۸۰ نفر سوار بقصد بیکار بطرف اردوی خالوقربان می‌آیند خالوقربان که از اکراد بی‌اندازه رشید و ازیاران مهم و عمده میرزا کوچک‌خان بود هنگام رفتن سردار سپه بگیلان تسلیم شد و بعداً باعده‌اش مأمور زنجان و تبریز گردید در این نبرد پیش پای سرهنگ روح‌الله میرزا کیکاوسی رئیس ستادش تیری بقلبش خورده و نقش زمین میگردد و چریکهایش متفرق میگرددند.

سرهنگ کیکاوسی و بهادر السلطنه برادرزن فرمانفرما و سرهنگ شهاب (سرتیپ شهاب فقید که در زمان فرماندهی دانشکده افسری مقتول گردید) بهیچوجه موفق به جمع‌آوری نیروی چریک نشدند و در نتیجه شکست نیروی خالوقربان اطمینان همه را از ختم‌غائله سمیتگو سلب نمود اعلیحضرت فقید که بانوجهات دقیقانه وضعیت را بررسی میفرمود رئیس ستاد خود سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی را باسمت فرماندهی کل نیروی آذربایجان مأمور ختم‌غائله سمیتگو نموده و سرتیپ شیبانی را بتهران احضار فرمودند.

از عهدی عتیق اشرار کرد مانند «شیخ‌عبدالله» و «حمزه آقای شکاک» و «شیخ‌طه» و سایر افراد قبینه مانند اسمعیل آقا سمیتگو سر طغان برداشته و خیالاتی خام در سر می‌بختند فتح ارتش شاهنشاهی در آذربایجان و ختم‌غائله سمیتگو یکی از کارهای بسیار درخشان اعلیحضرت فقید سعید بود که بهیچ روی امید انجام و پایان آن نمیرفت - سرتیپ جهانبانی

بامهارت و ممارست نظامی فوق‌العاده شروع بعمل نمود قلعه بسیار مستحکم چهریق که در مغرب سلماس (شاهپور) واقع است بامرز کشور ترکیه بیش از چند فرسنگ فاصله ندارد دارای وضع مهمی است که باسانی ممکن نیست اذ دشمن گرفته شود در اطراف قلعه چهریق شهری بوده است از بناهای ساسانی موسوم به شهرک که بعدها چهرک و کم کم چهریق شده است یکی از مورخین قدیم آنرا چهره و منسوب به یکی از شاهان ایران دانسته است.

در حوالی وجوار قلعه قدیم چهریق که جای مرفعی ساخته شده و مشرف بر کلیه تپه‌ها و قتل اطراف میباشد ورودخانه زولاچای نیز از دامنه آن میگردد سمیتگو قلاع و قصور مستحکم برای خود ساخته و بیخایل استقلال و سلطنت روزگاری خوش میگذرانید و نیز قصری زیبا از سنگ سماق و مرمر سیاه و سفید با باغی دلگشا که اطراف آنرا فرا گرفته بود برای خود ساخته بود و آرزوی روزگار سلطنت با اقتدار بر کردستان مستقرا دردل میپورانید.

سرتیپ جهانبانی پس از مطالعه اوضاع، نقشه عملیات جنگی خود را طرح میکرد.

### نخستین جنگ مهم نظامی آذربایجان.

**تعداد قوای اکراد** - بطور کلی از تعداد قوای اسمعیل آقا سمیتگو اطلاعات کافی در دست نیست ولی میتوان عظمت نیروی او را از همین جا قیاس نمود که تمام شهرستانهای بزرگ سلماس - رضائیه - تمام سواحل غربی دریاچه رضائیه و کلیه کوهستانهای مرتفع آن استان در اختیار قوای عظیم اسمعیل آقا سمیتگو بود.

جمع کثیری از سربازان فراری عثمانی که از سلاحهای مختلفه اطلاع داشته و با انواع سلاحهای خود ملحق باین قوا شده بودند همچنین اکراد که بایک تفنگ همیشه قوای دولتی را از پای درمیآوردند اکنون با چندین عراده توپ و چندین مسلسل سبک و سنگین و اسلحه هائی که از غارت قوای دولتی بدست آورده بودند مجهز بودند و آشنائی کامل هم بوضع محل داشته و خوب میچنگیدند قوای دشمن را تشکیل میدادند و دارای روحیه بسیار قوی بودند.

**تعداد قوای دولتی** - از هشت هزار پیاده و یک هزار سوار و پنجهزار چریک و هزار نفر جنگجویان غیر نظامی مجموعاً تقریباً ۱۵ هزار نفر بودند.

بدو آکشتی‌های دریاچه رضائیه بر حسب دستور تیمسار جهانبانی مجهز و تحت‌السلاح درآمدند و عملیات بر علیه سمیتگو شروع گردید از ۴ مرداد ۱۳۰۱ در نتیجه حملات شجاعانه ارتش کلیمانخانه و سپس سلماس و دلمقان یکی بعد از دیگری بطوری که خواهیم دید از دست اکراد خارج و بتصرف ارتش درآمد.

بتمام قوای مختلط دولتی بندرسنگ کاظم دستور داده شد از جاده‌های کوهستانی ناحیه ارسباران بسمت قلعه چهریق عزیمت نمایند سپس بکلیه قوائی که با اقدامات سریع دربندر شرفخانه متمرکز گردیده بودند دستور داده شد از شمال دریاچه ارومیه (رضائیه) بطرف قلعه چهریق حمله نمایند و آنجا را که قلب نیروی اکراد بود تسخیر نمایند.

بدین ترتیب قلعه چهریق بوسیله دوستون نیروی دولتی محاصره گشت و امید میرفت که در کمترین وقتی سقوط نماید.

### حکم عملیات جنگی.

الف - ستون گارد (هنگ پیاده پهلوی - هنگ پیاده رضاپور - یک اسواران اکتشاف -



یک آتشبار - چهار ارابه کوهستانی) تحت فرماندهی سر تیب فضل‌الله خان زاهدی (به‌میردیوان) بایستی از روی ارتفاعات قزل داغ و میشوداغ بسمت قلعه چهریق پیشروی نمایند.

ب - ستون شمال غرب (هنگ پیاده لشکر آذربایجان - یک اسواران - اکتشاف یک آتشبار چهار ارابه روسی کوهستانی) تحت فرماندهی سر تیب حسین مقدم (سرلشکر مقدم فعلی) بایستی از روی ارتفاعات شکر بازی بطرف قلعه چهریق یا چهرک عزیمت نماید.

ج - جنگجویان غیر نظامی که تحت سرپرستی افسران ارامنه تشکیل شده بود وظیفه داشتند در جدار مسطح شمالی بین دریاچه ارومیه پیشرفت نموده خود را به قلعه مستحکم چهریق برسانند.

د - عملیات ستون متمرکز در بندر سنگ کاظم تحت فرماندهی سر هنگ ابوالحسن پورزند (مرحوم سرلشکر پورزند) بایستی با عملیات نیرو در بندر شرفخانه کاملاً هم‌آهنگ بوده و هر دو در یک روز انجام پذیرد.

پس از شروع حکم عملیاتی مزبور از طرف تیمسار جهانبانی و ارسال آن برای کلیه فرماندهان قسمت‌ها در روز عاشورای سال ۱۳۴۱ عملیات کلی با نهایت سرعت و شدت بر ضد اکراد شروع گردید - در بحیوچه کارزار به تیمسار جهانبانی فرمانده کل خبر رسید که سنگینی جنگ متوجه ستون گارد که بایستی در روی ارتفاعات قزل‌داغ و بزداغ پیشرفت نمایند گردیده است و هنگامی پیاده‌ستون مزبور در ارتفاعات قزل‌داغ با اکراد تلافی و اکراد که با سرسختی و رشادت فوق‌العاده می‌جنگند موفق با ایجاد شکافهای تقریباً عمیقی بین قسمت‌های پیاده شده و در حال پیشرفت میباشند ضمناً اطلاع رسید که آتش شدید مسلسل‌های توپخانه خصم جناحین دوستون گارد و شمال غرب را تهدید نموده و بیم آنست که ارتباط ستون‌های مزبور قطع و جدا جدا در روی ارتفاعات قزل‌داغ - محاصره و نابود شوند.

تیمسار جهانبانی فوراً پس از کسب این اطلاعات بستون سوار که در احتیاط فرماندهی بود دستور داد فوراً بین دو قسمت پیاده با حرکت سریع پیشروی نموده و تا آنجا که ممکن است اکراد را که میان خطوط قوای دولتی نفوذ یافته‌اند بعقب برانند ضمناً باران گلوله‌های توپخانه نیرو و آتش مسلسل بسیاری را بروی اکراد متوجه و دستور داد مواضع آنان را با نهایت شدت درهم کوبند.

یک شبانه روز ۲۴ ساعت نبرد بسیار سختی در گرفت و اکراد با ازجان‌گذشتگی و رشادت زاید الوصفی میکوشیدند که مواضع خود را حفظ نموده و شکافها را که در بین خطوط قوای دولتی ایجاد نموده اند حتی المقدور در دست نگهدارند ولی سرانجام قدرت آتش و شدت حمله سواره نظام که در موقع بسیار مناسبی شروع گردیده بود آنان را پس از یک نبرد خونین و مدهش شکست داده و مجبور نمود که بطرف شهر سلماس و قلعه چهریق عقب نشینی کنند در روز بعد شهرستان سلماس نیز بعلت سرعت حرکت نیروی اعزامی پس از مختصر زدو خوردی سقوط نمود و اکراد ناچار بقلعه چهریق یعنی آخرین پناهگاه خود رو آوردند در این موقع بکلیه نیرو امر داده شد بمنظور استفاده از موقعت بدون کوچکترین سستی بقلعه چهریق حمله‌ور گردند.

نیروی ارتش پس از هشت فرسنگ راه پیمائی معجل در جاده‌های کوهستانی جنگ کنان

خود را با طرف قلعه چهریق رسانیده و آنجا را محاصره نمودند اگراد که از سرعت عملیات نیروی دولتی غافلگیر شده بودند در چهریق نیز مقاومتی نکرده و پس از نبرد کوتاهی منکوب و متواری گردیدند.

سمیتگو و نزدیکانش با عده کثیری سوار بترکیه فرار و بلافاصله از طرف تیمسار جهانبانی مرز داران کشور مزبور پیشنهاد گردید که یاغی معروف ایران را گرفته و تحویل ارتش شاهنشاهی دهند اما چون ترکها شنیده بودند که همراه قوای شکست خورده اسمعیل آقا سمیتگو تعدادی قاطرهای بار شده از لیره یافت میگردد برای تصرف لیره‌های مزبور شبانه باو تاخته و گروهی از همراهانش منجمله خانم و پسرش را مقتول و بنه سمیتگورا غارت کردند ولی خود سمیتگو موفق بفرار گردید و چون چاره‌ای نداشت و سخت دچار اضطراب خاطر گردیده بود بوسیله مکرّم السلطان ده هزار لیره ترك فرستاد و از سرتیب امان‌الله جهانبانی تقاضای تامین کرد سرتیب جهانبانی در جواب پیغام داد که جز تسلیم چاره نداشته و هیچگونه تامینی باو داده نخواهد شد.

با این فتوحات ارتش در آذربایجان و فتح قلعه مستحکم چهریق باغتشاش و گردنکشی اگراد یاغی و طاعی آن سامان خاتمه داده میشود و ناامنی بزرگی که در آن سامان وجود داشت بدست نیروی ارتش پایان یافته و آذربایجان مستعد اصلاحات میگردد = چند نفر از نزدیکان اسمعیل آقا منجمله عمر آقا و غیره بکلی اسمعیل سمیتگو متواری گردیده و پس از چندی باز مجدداً بخاک ایران بر میگردد و از نو یاغیگری را شروع مینماید ولی در این دفعه بکلی قلع ماده گردیده و در سال ۱۳۰۷ کشته میشود و ریشه فساد قطع میگردد ۱ ( توضیح اینکه یکدفعه دیگر نیز قبل از این وقایع اخیر با ۷۰۰ نفر سوار و پیاده ناگهان وارد ایران میشود ولی باز شکست خورده مجدداً بترکیه می‌رود )

در روز ۲۰ مرداد ۱۳۰۱ که قلعه چهریق گشوده شد و سمیتگو بخاک ترکیه فرار کرد تلگراف زیر از طرف سرتیب امان‌الله میرزا جهانبانی بوزیر جنگ مخبره گردید = از چهریق نمره ۶۴۱ مقام منبع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمة : تعقیب راپرت نمره ۱۷۱ بعرض حضور مبارک میرساند : قوای ما در تعاقب دشمن امروز بیستم برج اسد ساعت ۱۱ صبح قلعه چهریق را متصرف توپ و مسلسل‌هایی که در اینمدت از قوای دولتی بدست آورده بود مسترد دشمن منکوباً فراری و متواری گردید قوای ما در تعقیب دشمن سریعاً پیش میروند فرمانده قوای آذربایجان - سرتیب امان‌الله

این پیروزی درخشان بطوری در تمام نقاط ایران منعکس گردید که صیت شهرت آن همه جا رسید و از هر طرف سیل تلگرافات تبریک متعددی بنام قائد وبانی بزرگ استقلال و ارتش ایران مخبره میگردد تمام بزرگان شهرستانها این فتح عظیم را باعلیه حضرت فقید سعید باقلمها و جملات رسا و صمیمانه‌ای تبریک گفتند و در

تمام نقاط ایران چراغانی و جشن و سرور برپا گردید همه جا تمثال سردار سپه وزیر جنگ را به گل و ریاحین آراسته و با چراغهای الوان زیب خیابانها کردند امراء لشکر و سربازان ارتش شاهنشاهی نیز در تمام نقاط جشن و سرور و شادمانی نمودند و از طرف ریاست مجلس شورای ملی ایران مرحوم مؤمن الملک نامه تهنیت و تبریکی خطاب بسردار سپه ارسال میگردد که در تاریخ پارلمانی اهمیت شایان توجهی دارا میباشد .

در تهران نیز روز ۲۸ مرداد ۱۳۰۱ طبقات مختلف ملت جشن بسیار مجللی در میدان مشق ( باغ ملی ) بافتخار فتوحات نظامیان در آذربایجان برپا نموده و در آن جشن تمام افسران ارتش و رجال و بزرگان را دعوت نمودند و جمعی کثیر نیز بمنزل سردار فاتح و بزرگ ایران اعلیحضرت فقید سعید شتافته او را روی سر و دست بمیدان آوردند .

همینکه آن سردار رشید و فرزند برومند مام میهن پای بمیدان نهاد فی البدیهه زبان بر گشوده خطاب بملت و افسرانیکه مانند امواج خروشان سراسر میدان را مزین کرده بودند نموده با بیانی بس پرهیجان و فصیح که بلاغت آن مدتها در تهران زبان زد خاص و عام بود چنین فرمود .

### صاحب منصبان و فرزندان رشید من !

بی پیرایه از من بشنوید و در ضمیر خود بسایرید که ظهور این شب جشن و ترانه هائی که از اثر این محفل انس در آسمان ایران طنین انداز است يك فصل جدیدی است که در دیباچه افتخارات شما دارد شروع میشود :

من در مقابل لطف کردگار و قدرت خداوند توانا زانو زده و در همان حینی که ذرات وجودم عظمت تاریخ وطن و افتخارات ابدی شما را استقبال میکند در همان حال یکقدم فراتر گذاشته انعقاد این مجلس جشن را بفرد فرد شماها تبریک میگویم :

انعقاد این جشن مقدس باآحاد و افراد صاحب منصبان رشید و نفرات دلیر خود که در لشکرهای ایالات و ولایات مشغول جانبازی هستند مخصوصاً بآن سلحشوران با تعصبی که در زوایا و اطراف آذربایجان پرده دشمن را از هم دریده و بیرق مقدس وطن را بر زبر اجساد خائنین مملکت افراخته اند تهنیت میگویم :

فرزندان من . قبه بارگاه سیروس و کنگره های عظمت و کبریائی وطن نور و فروغ خود را در گنبرگاه شما تجدید نمود پای بکوبید و از دل و جان نعره نشاط و شادی بر آرید که جانبازیهای



شما در راه وطن افتخار آیندگان شما است بکوشید که گذشتگان وطن را بابر از لیاقت و اهلیت خود دلشاد و آیندگان وطن را بظهور تجلیات خود سربلند و مفتخر سازید :

من جمال مقدس وطن را باقامتگاه شهامت و شجاعت شماها مراجعه و تجلی داده از خلال همین انوار مقدس است که شما را بقربا نگاه افتخار و سعادت دعوت کرده و فتوحات دلبرانه شمارا بفرد فرد شما تبریک میگویم :

آری برای من جای بسی خوشوقتی است که با اطمینان خاطر و قلب مملو از امید بذکر تبریکات مفتخرانه خود مبادرت میورزم زیرا می بینم که تهیجات وطن پرستی پیشانی شما را روشن و باتمام معنی در سیمای شما عرض وجود کرده است :

من در پایان همین تبریک و در ضمن آنکه از خدمات شما قدر شناسی میکنم خود داری از این اظهار ندارم که لشکرهای ما در تمام ولایات صمیمی ترین درجات فداکاری و لیاقت خود را بمعرض افکار عمومی گذارده و در پیشگاه باعظمت و جلال وطن موجبات سرافرازی و افتخار خود را فراهم ساخته اند من رضایت خاطر خود را نسبت بخدمات تمام آنها اظهار و فداکاریهای آنها را در راه وطن در حراست و نگاهبانی مملکت تمجید میگویم من بآن صاحبمنصبان رشید و افراد فداکاری که چهره های ملالت خیز برادران آذربایجانی خود را به تبسم های امید و نشاط تبدیل کرده و باتمام علائم مردی و مردانگی صقوف سنگین دشمن را ازهم دریده و سلاسل اقتدار آنها را درهم شکسته اند تحسین میفرستم . من بآن دستجات شجاعی که از آتش توپ و اسلحه مکمل دشمن نهراسیده تارو بود آنها را ازهم گسسته و قلعه های مستحکم ولانه و آشیانه آنها را باخاک یکسان کرده اند تهنیت میگویم و بالاخره بآن دست و بازوهائی که میتوانند در وطن خود و بنام استقلال و عظمت مملکت خود انعقاد جلسات جشن و شادمانی را آئین سازند از صمیم قلب تبریک و تمجید میگویم :

صاحب منصبان و فرزندان رشید من !

اکنون با آنکه تمام رفتار و اقدام و اعمال شما در مرکز و ولایات حاکی از احساسات وطن پرستانه شما است و پیدایش این جشن کنونی نیز بر اثر جانبازیهای شما متکی است معهدا ساعی و جاهد بوده ازم من بشنوید و بعلم الیقین بدانید که افتخار شما فقط و فقط در وطن پرستی شما است زیرا آن ملتی که برخلاف جهات وطن پرستی طی طریق نمایند نه تنها از مراحل سعادت و افتخار ابدی محروم بلکه در دنیای حیات و زندگی حق زندگی و حیات را از او مسلوب خواهند نمود و در عالم استقلال و انسانیت هم او را بایستی و دون همتی و عدم رشد و لیاقت ذکر خواهند کرد .

بعزم خود جازم و بعقیده خود راسخ بدانید که حس وطنپرستی برطبق تشکیلات امروزه عالم طبیعی اولاد بشر است و محرومین از این احساس محرومین عالم حیات شمرده خواهند شد اینک در مراحل قطعی نشو و ارتقاء تازمانی افتخارات و سعادت و نیکنامی شما باقی است که از همین شاهراه مستقیم وارد شوید و اگر بفرسنگ تاریخ ملل و دول عالم مراجعه کنید قطعاً خواهید دید که بقاء هرملتی منوط به بقاء اخلاق آنها و اخلاق هیچ ملتی نیز ثبات و دوام نخواهد گرفت

تازمانیکه مشحون بمقامات وطن پرستی نباشد پس از این جا و از همین مرحله است که من بحکم تاریخ و فلسفه تاریخ باتمام قلب شما را دعوت بوطن پرستی مینمایم و بطور قطع و یقین گوشزد میکنم که زندگانی جاویدانه شما باتوسل بدامان وطن پرستی توأم و این لباس زیننده و باهر قیمتی که هست باید باندام رسای خود استوار و برقرار سازید .

من خدای متعال و قادر ذوالجلال را شاهد گرفته و بعضی از شما ها را نیز که اختصاراً بعقاید درونی من واقف بوده اند بشهادت می طلبم که من از روز اول و در پایان سالیان دراز بهمین عقاید وطن پرستانه معتقد و متکی بوده کمتر شب و روزی بر من میگذشت که زهر تلخ نفوذ خارجیان از یکطرف و بی لیاقتی زمامداران امور از طرف دیگر قلب من و قلب هر صاحب دلی را مجروح و مکدر نسازد و بالاخره از همین جراحت و یاد عظمت از دست رفته و جلو گیری از ایران کشی خارجیان بود که رازهای نهفته خود را آشکار و بتأییدات الهی و عزم راسخ خود تکیه داده مکتونات قلبی را علنی و اظهار کردم و برای تعقیب همین عقیده مقدس بود که اهتزازات لوای شیر و خورشید را نصب العین خود قرار داده قوای نظامی را در دست گرفتم و از هیچ اندیشه ای نهراسیدم :

من تمام مشکلات و سدهای سدیدگی که در جلو من بانواع و اقسام کشیده میشد درهم شکسته خدای ایران را در همه جا ناظر و بعقاید قلبیه خود تکیه دادم فقط باین نیت که اقتدارات از دست داده را بکف آرم و حق حیات ایران را در جامعه بشریت تثبیت نمایم :

اینک روح حقیقی کائنات را شاکر و سیاستگذارم که باصول عقاید مقدسه خود نائل گشته و بیشتر الطاف قلبیه را شاکرم که در نیت و احساسات چندین ساله خود بقدر خردلی رخنه های تغییر و تبدیل را راه نداده برعزم خود راسخ و هیچ رادع و مانعی نتوانست مرا از انجام مقاصد عاری از آلایش خود منحرف سازد :

جمال وطن در هر آن و هر دقیقه جلو چشم من مجسم و مرئوسم و افتخارات آن سر لوحه سعادت ماست آری من در عزم و نیت خود ثابت و هیچ عایقی قادر نتواند بود که مرا از حب وطن و استقلال مملکت مانع گردد زیرا ایران خانه ماست و بایران عزیز خود دعوی علاقه مندی مینمائیم ما وطن خود را دوست میداریم و به این عقیده مفتخریم ما در همان حین که با دنیا در دوستی و صدق و صفاراً کوییده و میل داریم خود را ملت صلح جو و صلح طلب معرفی کنیم در همان حال بهیچ دست نامحرمی هر که باشد اجازه نخواهیم داد که نوامیس ملی و مملکتی ما را به هیچ شمرده و تجاوزات بمصالح اجتماعی ما را وسیله استفاده های نامشروع خود قرار دهند ما همان اندازه که درهای مملکت خود را برای قبول آثار تمدن و مدنیت باز گذارده ایم بهمان اندازه سوء استعمالهایی که از این کلمه مقدس در نظر هر کسی متصور باشد منفور میشماریم و جلو گیری از آثار مشوم آنرا مقدس ترین وظیفه ملیت و ایرانیت خود میدانیم :

چون در خط مشی و طریق روش من از سنوات قبل باینطرف ابدأ تغییری حاصل نگشته و در هر حال و هر مقام مرام ما منحصراً بفرود و حفظ حیات و استقلال وطن یگانه قائم ماست اینک همانطور که در راه استقلال وطن شمشیر کشیده بر آن شدیم که افتخارات از دست رفته خود را بچنگ آوریم امروز هم باید به پای خود بایستیم و بشمشیر توانای خود تکیه کنیم .

**صاحب منصبان من** باید وطن خود را مقدس شمرده از نفوذ اجانب وطریق سوء استعمال آن باهر لباس هست جلو گیری نمائیم این وظیفه سربازی ماست این مرامی است که حقیقت سپاهی گری در جبین مامنقوش ساخته است ما باید حفظ اساس قانون و احترام قوانین اساسی وطن را سر سلسلهٔ مکنونات قلبی خود قرار داده اجرای تمام مواد آنرا از دل و جان تصدیق و تقدیس کنیم ما باید اساس مقدس مشروطیت و حریت و آزادی ملی را مقدس ترین دیباچه مرام و درخشنده ترین دفتر آرزو و آمال خود بدانیم در مقابل شورای حقیقی ملت پیوسته بانظر احترام نگریسته اجرائیات احکام حقیقی ملت را بچشم تقدیس و تکریم تلقی نمائیم و از حالا مستعد آن باشیم که خدمات مهمتری را از خود آشکار ساخته و مفاد آن را نیاز راه ملت و وطن مقدس و برادران اسلامی خود نمائیم :

بالاخره صاحب منصبان رشید من آن عواطف و احساس و آن ملکات فاضله ای که از چندین سال باینطرف در ضمیر مامنور بود و شما را بتعقیب دستور و مقررات من وادار کرد کماکان بحال خود باقی و ابدآ تغییر لون و صورتی بخود نداده و نخواهد داد ما از عواطف و احساسات وطن پرستانهٔ خود سوء استفاده نکرده و اقتدارات نظامی خود را وسیلهٔ منفعت طلبی و استفاده های شخصی قرار ندادیم ما با تمام قیافه و معنی خدمت سربازی را خدمت بمملکت و وطن تشخیص داده امیدواریم که ایران خود را در عرصهٔ پهناور مدنیت و استقلال یک ایران مصفا و مستغنی معرفی نمائیم اشعهٔ پرچم شیر و خورشید نورچشم ماست و لوی مقدس ملی ما پیش آهنگ نجات ماست این احساسات مقدس و این عقاید بی آلابش همان قسم که دیروز سرنوشت ما را معین و بدست ما سیرد و ما هم خوشبختانه همان راهی را که حقیقت وطن پرستی برای ما مقرر کرده بود تعقیب نمودیم امروز هم ما را مجبور میسازد که اساس مقدس مشروطیت و مواد قانون اساسی و جلو گیری از نفوذ خارجیان را نقش ضمیر خود ساخته از دل و جان بکشیم و حفظ این آثار را ثبت دفاتر ابدی خود نمائیم :

اینک بشنوید و بهوش باشید که آسمان ایران اقدامات یکساله شما را تا به ابد منعکس خواهد داشت اینک چشم دختران ارومیه و سلماس که نالهٔ حسرت خیز گیلان و گیلانیان غمهای جانفزای خراسان و مازندران ضجه های دلغراش خطهٔ غرب و کردستان و لرستان و عراق و همدان آه های سوزناک کشور جنوب و شمال و شرق و غرب پیش آهنگ افتخارات شما است :

دیروز اگر این ناله های حسرت خیز چشم شما را گریبان و قلوب باشهات شما را مجروح میساخت امروز بر اثر تبسم های جانبخش و نعمات دلفریب آنها آغاز جشن و شادکامی و اظهار انبساط و سرور نمائید و هوشیار باشید که خدای ایران ورب النوع عظمت و استقلال ایران باشماست پیش بروید و مطمئن باشید آن دستهای خائن که در اثر اقدامات خائنانه خود بر ضد شما بلند میشود منقطع و مقطوع خواهد شد آثار شهامت و رشادت شما در همه جا باقی است و دنیای افتخار و سعادت با استقبال شما قدم برداشته است پیش بروید :

آفتاب عظمت کشور باستان طلوع خود را بشما مژده و نوید میدهد جای تردید و تفکر نیست روح شهدای شما و نظامیان عزیزم که در میدانهای جنگ بخون غلظیده اند افتخارات



اعقاب شما را منتظرند من از بجزوئه همین مجلس جشن بارواح شهید و خونهای پاک و شجاعت فنا ناپذیر آنها سلام میفرستم آنها زنده جاویدند از شما نیز انتظار دارم که بامن همصدا شده به آن خونهای عزیزی که در راه عظمت و استقلال وطن جاری شده سلام کنید عواطف قلبی من پیوسته متوجه شما است خدمات هیچ یک از شماها در مرکز ولایات از نظر من مستور نیست جبران خدمات و فداکاری و رضایت هر یک از شماها را بقدر شناسی خود و روح شهدای وطن واگذار میکنم و اقتدارات نظام را از یزدان پاک آرزو دارم .



این بود بیانات گرانبها و طلائی اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی که جمله بجمله آن با کف زندهای ممتد حاضرین قطع میگردید جشن حالتی داشت که مدعوین از فرط مسرط سرازیا نمی شناختند .

پس از پایان غائله مهیب آذربایجان سرتیپ امان الله میرزا جهانبانی که رئیس ستاد ارتش بود بطرف مرکز رهسپار و در ۲۲ شهریور ۱۳۰۱ مرحوم سرلشکر عبدالله طهماسبی بامارت لشکر شمال غرب و توجه بعشایر و ایلات آنجا معین گردیده عزیمت نمود .

## فصل دوازدهم

### ارتش نیرومند پهلوی شورشهای بزرگ دیگر را نیز فرو می نشاند

**فرار چمنی و شورش مجدد** - یکی از اتباع میرزا کوچک خان سید جلال چمنی بود که در تهران تحت نظر بسر میبرد در اوایل اردیبهشت ۱۳۰۱ از تهران فراری و در جنگل با عدهای از قوای سابق خود شروع بطغیان و شرارت مینماید و ۵ ماه تمام آن نقطه را دستخوش آشوب کرده بود تا بالاخره بوسیله ارتش توانای ایران دستگیر و بمجازات رسید و گیلان از شر او ایمن و آسوده گردید .

**هرج و مرج و انقلاب در جنوب** - اکثر نقاط جنوب ایران مدتها بود که روی نظامیان سلجشور ایرانی را بخود ندیده بودند در آن نقاط قشون اجنبی تشکیل دستههایی داده و حکمفرمایی میکردند و از طرفی ایلات و عشایر و دزدان و راهزنان و قطاع الطریقهای مسلح با دستههای سوار برای مردم آسامان شب و روز خوشی باقی نگذاشته بودند .

در ۱۹ فروردین ۱۳۰۱ عدهای از افراد دلیر ارتش برای سرکوبی - بویراحمدی و باوی

و کهنم و امام قلیخان که علم شورش و طغیان برافراشته بودند بطرف ممسنی اعزام میگرددند .  
 برای سرکوبی اشرار **کازرون** نیز يك عده از نظامیان لشکر جنوب در ۱۷ خرداد ۱۳۰۱ اعزام گردید هنگام عزیمت قوا برای سرکوبی اشرار چهارراهی واقعه شلیل از طرف اشرار کوه مروارید رخ داد که منجر باعزام قوای کافی بخوزستان در ۲۷ تیر ۱۳۰۱ گردید .  
 سیصد نفر نظامی از راه کوهکیلویه عازم بهبهان و رامهرمز گردیدند در آنجا قربانگاهی از آنها بوجود آمد که در تاریخ موسوم به وقعه شلیل گردید يك نفر رئیس ایل بنی خمیس (خزعل) که سالهای متمادی برخوزستان مسلط بود و آزادی خواهان را در محبس خود که بنام قلیبه بود در غل و زنجیر میکرد با اشرار کوه مروارید شرکت جسته و نظامیان را قتل عام کردند .  
 این قضیه که خاطره حزن آوری در روح يك افراد وطن پرست ایران بوجود آورد برای ارتش ایران بسیار گران بود .

### خزعل

خزعل که رئیس طایفه کوچکی در خوزستان بود مدتها برعشایر آنجا تسلط یافته و علناً تلگرافی متجاسرانه مبنی بر طغیان و شرارت خود نثار کرده و عنوان اعمال خود را در لباس قانون جلوه داده و تقاضاهائی را پیشنهاد کرده بود ( مانند تمام تجزیه طلبان ) .  
 بالاخره از طرف اعلیحضرت فقید سعید فرمان داده شد ارتش پهلوی برای قلع و قمع او اقدام نمایند قوای جنوب از طرف بنادر بوشهر و دیلم و بهبهان بطرف خزعل حرکت کردند سر تیب فضل الله خان زاهدی ( تیمسار سر لشکر زاهدی رئیس کل بازرسی ارتش ) فرمانده جبهه گردید در نتیجه چند شبانه روز حملات در مهرماه ۱۳۰۳ متمردين منکوب گردیدند و سپس ارتش بطرف زیدون که اعراب در آنجا دارای استحکامات فوق العاده بودند و روز بروز بر عده آنان افزوده میشد حرکت نمود ( ۹ آبان ) و در جنگهای شدیدی که رخ داد متمردين بطرف هندیجان فرار نموده غنائم بسیاری نصیب نظامیان گردید .

در مرکز از طرف اعلیحضرت فقید يك حکم عمومی بشرح زیر منتشر گردید  
 بانصیحت هر قدر خواستم خزعل را متنبه نمایم غافل ماند لذا بکلیه قشون امر میدهم که تمام قوای مادی و معنوی خود را برای معدوم و نابود ساختن آخرین سدی که در مقابل نمو و ترقی قشون و بالنتیجه تعالی و عظمت مملکت عرض اندام نموده است حاضر و مهیا سازند .



خود نیز برای رفتن به جبهه جنگ عزیمت نموده و گفت میروم یا آخرین نغمه ملوک الطوائفی را از میان بردارم و یا در زیر خرابه های شوش مدفون شوم  
 ضمناً فرمان داد .

- ۱ - قوای اصفهان از فلارت - بهبهان بطرف رامهرمز پیش بروند .
  - ۲ - قوای شیراز از راه خشکی و دریا - بندر دیلم - زیدون - بطرف ده ملا حرکت کنند .
  - ۳ - قوای لشکر مرکز از خرم آباد - گردنه کیاتون بجانب دز فول وشوستر رهسپار شوند .
  - ۴ - قوای آذربایجان از کردستان - کرمانشاهان - بسمت منصورآباد برای سرکوبی والی پشت کوه حرکت نمایند .
- این لشکرکشی و سوق الجیشی مهم که نظیر آن در دوره اخیر ایران دیده نشده بود اشرار و متمردين و سرکشان را بوحشت انداخت و از هر طرف خود را در محاصره دیدند .

از طرف دیگر نیز ابلاغیه‌های شدید و بسیار جالب توجه بنام آزادی خوزستان و نجات ایران بزبانهای فارسی و عربی بوسیله هواپیماهای ارتش در تمام نقاط خوزستان بین عشایر و طوایف آنجا ریخته شد که دفعتهاً روحیه جنگجویان بدوی عرب های خزعل را تغییر داد و مشایخ بنی طرف وهویزه قصر اورا درحمیده آتش زدند بالنتیجه خزعل تلگراف عجز وندامتی درموقع ورود اعلیحضرت فقید بشیراز مخابره نمود که خطای خود را تحریک مغرضین و خائنین دانسته واستدعای عفو و تأمین نمود از طرف اعلیحضرت فقید دستور تسلیم او داده شد و چون تا اول آذر پاسخی نیامد شخصاً بطرف بوشهر و محمره حرکت نمود از آنجا باکشتی به بندر دیلم و سپس به زیدون وارد گردید و چون خزعل وحشت زده دوباره تلگرافی مخابره نمود باو امر شد که بهجبهه مقدم بیاید و حضوراً تأمین بخواهد .

اعلیحضرت فقید در این هنگام به مرکز ارتش اعزامی در لنکیر رسیدند خزعل یکی از پسران خود را بحضور فرستاد و تقاضای تأمین نمود در ۱۱ آذرماه ۱۳۰۳ اعلیحضرت فقید به ده ملا مرکز قوای خزعل وارد شد خزعل خود و پسرش باستقبال شتافتند و بااین بیت خیام طلب عفو و بخشش نمود .

من بد کنم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من وتو چیست بگو؟

ارتش بطرف رامهرمز و ناصری دوشهر مهم خوزستان پیش میرفتند .

قوای شمال غرب نیز قلعه منصورآباد محل والی پشت کوه را اشغال نموده خود او بطرف بین‌النهرین فرار کرد - در روز ۱۳ آذر ماه اعلیحضرت فقید سعید که در آنموقع نخست وزیر ایران بود در میان هلهله و احساسات مسرت آمیز مردم وارد شهر تاریخی ناصری گردید وقضایای خوزستان پایان پذیرفت - سرتمپ فضل الله خان زاهدی فرمانده جبهه را بحکومت و فرماندهی



قوای اعزامی خوزستان مفتخر فرموده از راه ناصری بمحمره و مسجد سلیمان و نفتون و آبادان مرکز طلای سیاه ایران ( نفت ) عزیمت فرمود .

در این شهرها ازدحام و اجتماع ملت برای دیدار اعلیحضرت فقید سعید بعدی زیاد بود که اطرافیان نمیتوانستند ممانعت از نزدیک شدن دسته‌های چند هزار نفری که برای بوسیدن دست و پای او بریکدیگر سبقت میگرفتند جلوگیری نمایند بعد از کابوس وحشتناک خزعل که مردم دفعتاً بزرگترین و شریفترین فرزندان میهن و ناجی خود را بچشم میدیدند از احساسات جلوگیری نمیتوانستند کرد خصوصاً کارگران شرکت نفت بیش از سایرین سبقت می‌جستند .

اعلیحضرت فقید با خاطره‌هایی که بر اثر دیدن زوال عظمت و آثار ایران باستان از آن حدود در مغیله بزرگ او خطوط یافت و بجای آن مجد و بلندی خرابه‌ها و ویرانه‌های جفدنشین را مشاهده نمود بینهایت متأثر گردید . پس از آن برای زیارت **عقبات از راه بصره به بغداد و کربلا و نجف اشرف مشرف گردید** احساسات ایرانیان ساکن عراق زاید الوصف میباشد تمام بازار بین‌الحریمین ( میان صحن حضرت امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) از طرف اهالی بافرشهای قیمتی مفروش و بر سر هر فرشی گوسفندی قربانی میکردند .

یکنفر از کسبه ایرانی دوفروند خود را بقدم سردار فاتح ایران انداخته و کاردی از کمر کشید و اظهار داشت : ( چون من استطاعت قربانی گوسفند ندارم اینک دوفروند خود را قربانی شما سردار نامی که وطن مرا پاینده کرده و مرا در انظار خارجیان آبرومند کرده اید میکنم ) در اینحال کارد را بطرف گلوی فرزندان خود برده بود که اعلیحضرت فقید دست او را گرفته و فرزندان او را می‌بوسد و قطرات اشکی از دیده‌اش جاری گردیده میگوید : ( من بایستی قربانی ملت ایران شوم ) در ورود بحرم مطهر حضرت عباس - سردار رشید کردستانی معروف که شرح طغیان او در این تاریخ مندرج گردیده و بسمت بین‌النهرین فرار کرده بود موقع را مغتنم شمرده در يك دست قرآن شریف و با يك دست دامان اعلیحضرت فقید را گرفت و استدعای عفو نمود و تاملین گرفت که بایران مراجعت نماید .

اعلیحضرت فقید در حالی که تمام ایران غرق در هسرت و جشن و سرور او بود و هنگامیکه طیارات غرنده بر فراز آسمان تهران اوراق تبریک بر بام و برزن منتشر میکردند در چراغان و شادمانی بی نظیر اهالی از زیر طاقهای نصرت فراوان بتهران وارد گردید .

در مقابل استقرار امنیت در قطعه زرخیز خوزستان مجلس شورای ملی ایران بنام تجلیل از خدمات يك سردار فاتح و بزرگ بانفاق اراء ( باسئمتشاء دو نفر ) ریاست عالی کل قوای ایران را که از زمان ساسانیان مرسوم و معمول بوده است به اعلیحضرت فقید سعید اختصاص دادند و ملت ایران تلگرافات تبریک متعددی نسبت

باین عمل مجلس بمرکز مخابره نمودند.

### جنگهای شدید ارتش در لرستان

۱ - از خاک فریدن ( گلیایگان و خونسار ) تا نزدیکی بروجرد بوسیله طوائف زلقی و خواجه مکوئی ازطوائف چهار لنگک . ۲ - از بروجرد تا قم تمام جلگه وسیع سیلاخور بدست پیران و ندها و سکوندها . ۳ - تمام ولایات سه گانه نهاوند - تویسرکان - ملایر بدست الوار شریر حسن وند . ۴ - کنکاور و صحنه و طرق و شوارع بدست طوائف کاکاوند و چواری . ۵ - از کرمانشاه تا سرحد ایران تحت شرارت ایل سنجایی و کورانها . ۶ - تمام کردستان بدست قوای سردار رشید که با سمیتگو ارتباط داشت و دارای اسلحه ممتاز با اتفاق اشار کلباغی تاشش فرسنگی سنندج . ۷ - تمام سقز وبانه و گروس در تحت تصرف ( سید طه ) و مریوانها . در آتش شرارت و تطاول و تعدی و ترمرد و قتل و غارت و نهب اشار و الوار که با دسته های ۵۰۰ نفری و هزار نفری و ۲۰۰۰ نفری مجهز و مسلح و مکمل بودند میسوخند الوار خطرناک ترین دشمنان داخلی بودند که از روی جهالت یرجم طغیان برافراشته بودند در فروردین ۱۳۰۱ با اینکه لشکر غرب در ابتدای تأسیسات نظامی خود بود و حتی عده ای از افراد لشکر بالوار ملحق شده بودند مشغول منکوب کردن طغیان و یاغیان و باغیان گردید .

الوار بهترین تفنگها و اسلحه ها را با معاوضه پشم و کشک بدست آورده بودند فرمانده کل نیروی غرب تیمسار سپهبد احمدی بود که آنموقع بنام امیرلشکر احمد آقاخان نامیده میشد . بنا بامر اعلیحضرت فقید سعید عده مکفی از نظامیان سلحشور مرکز برای سرکوبی قطعی الوار اعزام گردیده و با قوای غرب از ۲۳ تیرماه ۱۳۰۱ جنگهای بسیار سختی وقوع یافت که بواسطه حملات شجاعانه قوای دولت تحت فرمان تیمسار امیر احمدی قلعه کوره و جلگه سیلاخور بتصرف ارتش در آمد در این جنگها متمرذین بشکست فجبعی دچار گردیدند .

معهد الوار زلقی از تنگه خونسار گذشته بنواحی گلیایگان بایبرق و علائم انتظام کامل و ترتیب هجوم آور گردیده یکماه تمام به تاخت و تاز و قتل و غارت و بردن احشام تا حدود اراک مشغول شدند . تیپ پیاده لشکر غرب چندین بار با لرها زدو خورد خونینی نمود و آنها را منکوب و متواری ساخت و نزدیک بروجرد شکست سختی بر آنها وارد ساخته اموال را پس گرفت .

تجاوز و طغیان الوار مخصوصاً از فروردین سال ۱۳۰۱ تا شهریور ماه شدت فوق العاده داشت در ۱۸ خرداد یکعده ۸۰۰ نفری از الوار به لرهای کمره و گلیایگان و خوانسار کمک و امداد رسید و شرارت شروع شد در ۲۶ خرداد لشکر غرب دست آنها را از تجاوز کوتاه نمود .

در این اثناء مهر علی خان امیر منظم بطغیان و ترمرد برخاسته در شمال غرب ایران غوغای مهبیبی برپا ساخت ولی طولی نکشید که مجدداً قوای غرب به پیروزی نائل گردیده آنها را مغلوب و سرکوب ساخت ایستادگی و شجاعت قوای غرب و شهامت سلحشوران سر دار جنگی سپهبد امیر احمدی که از فرماندهان خوب ارتش ایران است در این جنگها باعث تسلط بر الوار گردید و مشوق آنها اوامر اکید و دستورهای اعلیحضرت فقید سعید بود .

### تأثیر عظیم فتوحات ارتش در کشورهای خارجه

آوازه نهضت اعلیحضرت فقید و فزونی سپاه و فتوحات پیاپی ارتش ایران که تا آن موقع نامی از آن نبود مورد بحث جراید کشورهای متمدن قرار گرفت و تاریخ و جغرافیای ایران را با تمثال اعلیحضرت فقید منتشر کردند.

همسایگان بخود آمدند دولت افغانستان تلگراف تبریک در باره پیروزی های ارتش بوزارت خارجه مخابره نمود و در آن تلگراف آوازه وصیت شهرت سپاه ایران را در افغانستان و هندوستان و بین النهرین گوشزد نمود.

از آسیای صغیره و هند نیز تلگرافات مفصلی با اظهار مسرت و شادمانی سر بلندی ایرانی را در انظار خارجه گوشزد کردند.

روز افزونی سپاه ایران و اهمیت آن در انظار دنیا بحدی بزرگ آمد که استقلال ایران را در تمام کشورها بادیده احترام نگریستند.

**طغیان در بلوچستان** - بلوچستان هم که يك جزء لاینجزای زرخیز ایران بشمار می رود نیز گرفتار غارت و آتش بود در اوائل امر دماه ۱۳۰۲ در قسمتهای نهرود - و ناصر آباد و بلوچ در حوالی کرمان اغتشاشات دامنه داری بوقوع پیوست که در نتیجه ارتش به آن نقاط اعزام و در ۱۴ آبان ماه ۱۳۰۲ با عده ای از اهالی بلوچستان که داخل نظام شده بودند از قبیل کچی خان بلوچ و فیض محمد خان بلوچ تا اواسط خاک بلوچستان اشرار را تعقیب و با فاصله ۵۰ روز در ۱۰ دی ماه ارتش پهلوی وارد دزداب (زاهدان) گردید اهالی از وجد و سرور نمیتوانستند خودداری نمایند و گریه میکردند تجار و مردم تلگرافاتی مینی بر تشکر و قدردانی بتهران مخابره نمودند و در همان اوقات قشون خارجی که مدتها بلوچستان را اشغال نموده بود خارج گردید.

### فرار سردار رشید از هرگز

در اول اردیبهشت ۱۳۰۲ قوای از کرمانشاه بر و انسر برای سر کوبی قطعی سردار رشید اعزام گردید او و خوانین سنجابی در این محاربات سر کوب گردیدند تا موقعیکه صفحات غرب آرامش و سکونت یافت ۲ ماه تمام جنگ در آن حدود بطول انجامید سردار رشید به شیخ محمود کرد پناهنده شد و تسلیم قوای لشکر غرب گردیده تحت الحفظ به تهران اعزام گردید ولی در موقع کناره گیری اعلیحضرت فقید فرار کرده مجدداً در کردستان علم طغیان و شورش برافراشت ولی بالاخره قوای غرب او را سر کوب کرده بخاک عراق فراری شد و بعداً در حرم مطهر حضرت عباس چنانکه دیدیم از اعلیحضرت پهلوی تأمین طلبید.

سفر و بانه نیز پس از یکرشته محاربات بتصرف نیروی ارتش در آمد.

امیر لشکر غرب احمد آقاخان پس از اینکه در نتیجه جنگهای سخت نتوانست بر و جرد و



خرم آباد را از دست شرارت الوار نجات دهد قلعه فلك الافلاك را در لرستان متصرف میگردد و آنجا از آن پس بنام قلعه سیه نامیده میشود. در ۱۷ دی ادارات دولتی رسماً در خرم-آباد مفتوح و سیم تلگراف آنجا بر کز و سایر نقاط متصل شده لرستان قرین امن و آرامش میگردد.

بالاخره مانند این بود که در تمام نقاط طایغان و یایغان و متمر دین و سرکشان برای شرارت و ایجاد هر چه و مرج و ملوک الطوائفی برخاسته بودند و همه یکباره بر علیه تمدن و نهضتی که بایستی بسوی ترقی و تعالی در ایران شروع شود قیام و جنبش نموده بودند ولی تمام این طغیان ها و شرارت ها و نغمه های ناهنجار بانروی عزم و لیاقت سردار بزرگ تاریخی ایران یعنی اعلیحضرت فقید سعید و بهمت ارتش توانا و نیرومند ایران که بدست او بوجود آمده و تأسیس یافته بود خاموش شد و استقلال حقیقی نصیب ایران گردید.

در این هنگامه هاسر کشان و اشرار و رؤسای دیگری از الوار و عشایر و کردها و بلوچها و اعراب و طوائف جنوب و عشایر فارس و آذربایجان مانند اقبال السلطنه ماکوئی و کاظم توپچی و شاهسون ها و همچنین در خراسان و بسیاری نقاط دیگر رایت شرارت برافراشته و طغیان ها و شرارت های وسیع آغاز کردند که بهمت سردار توانا و ارتش دلیر ما تمام آنها مغلوب و سرکوب و منکوب قوای رشید ایران گردیدند ما در این تاریخ شرح قسمتی از این عملیات را منتشر ساختیم چه برای تمام این وقایع کتابها باید نگاشته شود بالاخره بتدریج تمام صفحات شرق و غرب و شمال و جنوب قرین آرامش گردید و پرچم سهرنگ پرافتخار ایران در اقصی نقاط کشور باهتر از در آمد.

امنیت که مهمترین نعمت اجتماعی و سیاسی است بملت ایران اعطا گردید در پی آن چرخهای مادی و معنوی کشور بگردش درآمد و جامعه ما با شتاب زدگی ره اصلاحات و تمدن و ترقی و تعالی را پیمود و مستحادثات عظیمی با عزم و نیروی آهنین شخص اول بوجود آمد که مادر تاریخ جدا گانه و مفصلی بشرح آن خواهیم پرداخت.

## پیدایش سلطنت پهلوی و آغاز ایجاد ارتش شاهنشاهی - چون نیروهای

سپاهی و جنگی ایران بنام ارتش شاهنشاهی خوانده میشوند ارتش ایران نیز در پرتو نیروی ذاتی و عزم و اراده قهرمان سمرک ایران ایجاد گردیده است تا گزیریم برای ارتباط این تاریخ با اساس موضوع مختصراً وقایع بعد از کودتارا تا اعلام سلطنت شاهنشاه پهلوی که خود از لحاظ اهمیت بسیار شایان توجه است بنگاریم.

بعد از کودتا اعلیحضرت فقید سعید بیاس خدمات بزرگی که در راه تأسیس ارتش و آغاز امنیت و نظم در سراسر کشور متحمل شدند در ۵ اردیبهشت ۱۳۰۰ علاوه بر دارا بودن فرماندهی نیرو بمقام وزارت جنگ رسیده و در دومین کابینه طباطبائی بعد از کودتا شرکت نمودند تا روزیکه بر اریکه سلطنت جلوس نمودند یعنی مدت چهار سال و شش ماه و پنجروز این شغل را دارا بودند.

در ۳ آبانماه ۱۳۰۲ (برای ۲۷ اکتبر ۱۹۲۳) بیاس قلع و قمع دشمنان و سرکوبی طاغیان و یغیان و اشرار داخلی و سرحدی و غائله‌هایی که شرح آنها در این تاریخ بتفصیل آمده است و بیاس امنیت عدیم‌الظنیری که در سراسر کشور برقرار کرد بمقام ریاست وزرائی با حفظ شغل وزارت جنگ نایل گردیدند.

(وزرای این کابینه عبارت بودند از: ۱ - سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ ۲ - ذکاء الملك فروغی وزیر خارجه ۳ - سلیمان میرزا وزیر فرهنگ ۴ - جم (مدیر الملك) وزیر دارائی ۵ - معاضد السلطنه پیرنیا وزیر دادگستری ۶ - خدایار خان وزیر پست و تلگراف ۷ - عز الممالک اردلان وزیر فواید عامه).

در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی ایران تحت ریاست مرحوم مؤتمن الملك<sup>۱</sup> پیرنیا تشکیل و پس از ذکر مقدمه‌ای درباره خدمات آقای سردار

(۱) موقعیکه مؤلف بنگارش همین جنه رسیدم اتفاقاً رادیو تهران خبر داد که امروز بامداد و شب ۹ شهریور ۱۳۲۶ جناب آقای مؤتمن الملك فرزند پاک و برومند ایران پس از يك عمر جلال و بزرگی و خدمت بوطن دارقانی را بدرود گفتند و بنا بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تجلیل کاملاً بی سابقه‌ای برای تشریفات وفات ایشان بعمل خواهد آمد وزارتخانه و ادارات و بنگاههای دولتی سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۲۶ تعطیل خواهد بود - مقدر چنین بود که روز مرگ ایشان نیز نام جاویدش ضبط این تاریخ که از لحاظ عظمت و کثرت انتشار مقام بزرگ و شایسته‌ای تحصیل کرده است مخلد بماند.

سپه در سرپرستی و زمامداری قشون و جدیت ایشان در ترقی و انتظام قوای مسلح مملکتی بطور غیر مترقب و بوجود آمدن امنیت کامل در تمام مملکت و . . . . . تحت یک ماده واحده ریاست عالیہ کل قوای دفاعیہ و امنیہ مملکتی را با اختیارات تامہ بنام ایشان باتفاق آراء تصویب نمودند .

خدمات و فداکاریهای اعلیحضرت فقید سعید در مدت کوتاه سالهای نخستین زمامداری باعث آن شد که یکباره مردم حق شناس و وطن دوست کشور را متوجه فجایع اعمال و رفتار شاهان قاجاریہ کرده و یکباره بر علیہ این سلسلہ کہ در مدت یکصد و پنجاه سال زمامداری ایران را بہ ننگین ترین روزگاری دچار کرده بودند در تمام اطراف و اکناف کشور طغیان هائی بنمایند .

**تلگرافاتی کہ در بارہ خلع شاهان قاجاریہ و تنفر از آنان مرتباً از تمام نقاط کشور و مخصوصاً از کشورهای خارجی و ایرانیان مقیم ممالک دنیا بمجلس و مقامات عالیہ کشور میرسید و ضمناً تقاضا میشد کہ سپاسگزاری نسبت بخدمات سردار تاریخی میهن بعمل آید یکباره نمایندگان مجلس را کہ معمولاً گاهی گوش شنوائی برای شنیدن حقایق ندارند بخود آورده و متوجه بحران شگرف و قیام عمومی ملت و نفرت از قاجاریہ گردیدند .**

( متن اکثر این تلگرافها در جلسات مجلس مخصوصاً جلسہ ۷ آبان ۱۳۰۴ خوانده شد ) .

بر اثر همین نهضتها و جنبشهای فراوان کہ برای ابراز نارضایتی و شکوه از قجرها در همه جا بوجود آمده بود و جلسات پردامنه تشکیل میشد بطوریکہ نزدیک بود کشور را بمخاطره کشاند بالاخرہ مجلس شورایملی بنا بفشار افکار عمومی و تمایل خود نمایندگان در ۹ آبان ۱۳۰۴ ماده واحده زیرین را با کثرت قریب باتفاق ( عدہ حضار ۸۵ نفر رأی دهندگان ۸۰ نفر ) تصویب نمودند :

ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریہ را اعلام و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار مینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بمنظر



مجلس مؤسسان است که برای تغییر اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.

قدرت و قوه دست ملت بایک اراده زندگانی یک سلسله دور از عاطفه و عدالت را که مدت یک قرن و نیم در کاخها و نقطه های پر پیچ و خمی نشسته و در بروی ایرانیان بسته بودند درهم پیچید و این تو مار دراز را در نوردید و والا حضرت پهلوی را بنام مظهر قدرت و اراده باطنی خود معرفی نمود تا در آن طغیان عصبانیت ملی با عطوفت و قدرت هول و هراس ملتی عظیم را تسکین داده دست مام میهن را گرفته و از گرداب هائل و مدهش بساحل خوشبختی و سعادت آرام برساند.

آخرین شخص قاجار که منتظر بود روزی بر آریکه سلطنت شاهنشاهان کیانی جلوس نموده و تاج نبیل مارا ملعبه هوا و هوس خود قرار دهد از ایران رفت و در عالم سیاست بدریای نیستی غرق شد و امواج حوادث از سرش گذشت اثری از آنان نماند چونکه اثری نداشتند و بعدم رهسپار شدند.

از طرف کشورهای انگلستان - دولت اتحاد جماهیر شوروی - آلمان - ایتالیا بلژیک - مصر - لهستان - تا روز ۱۲ آبان ۱۳۰۴ مطابق دوم نوامبر ۱۹۲۵ و از بقیه دول تا روز ۱۶ آبان مطابق ۷ نوامبر الی روز های بعد حکومت والا حضرت پهلوی فرزند رشید و سزاوار ایران برسمیت شناخته شد.

در تاریخ یکشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان ایران در تهران با عضویت متجاوز از ۲۶۰ نفر نمایندگان و وکلای منتخبه از طرف ملت از تمام نقاط ایران برای تعیین مقدرات ایران افتتاح یافت و در پنج جلسه که از ۱۵ تا ۲۲ آذر ماه بطول انجامید بموجب تجدید اصلهای ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران را از طرف ملت بوسیله مجلس بزرگ مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض نموده و در اعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار نمودند.

مواد این قانون باتفاق آراء بتصویب ۲۵۷ نفر از نمایندگان مجلس مؤسسان ایران رسید و با کف زندهای تمتد و شادمانی بیدحد و وصف نمایندگان و

تماشا چیان مجلس پایان یافت نمایندگان در ضمن تصویب قانون بیاناتی میگفتند که حاکی از احساسات درونی ملت ایران بود چنانکه نماینده ای گفت من از طرف ایلات خسته فارس آمده ام و در اینجا رأی داده ام به سلطنت اعلیحضرت پهلوی این مسئله اسباب افتخار من و خانواده من است باید این شرف و افتخار در خانواده من باقی بماند رئیس مجلس مؤسسان اظهار داشت در این دوره ترقی و تکامل که دنیا سیر مینماید ملت ایران در تحت تأثیر و فشار مقتضیات وقت قدم بلندی بطرف سعادت خود برداشت (نمایندگان - صحیح است) و علت العلل بدبختی خود را از سر تشخیص داد و بحمدالله با سعادت و میمنت مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران باعلیحضرت شاهنشاه پهلوی بپاس خدمات بزرگی که با اراده توانا بمملکت نموده اند تفویض شد اینک باید هیئتی بقرعه برای تقدیم چهار اصل و تبریک انتخاب شده بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه شرفیاب شوند.

این نطقها بسیار مفصل است و چنانکه نگارنده وعده دادم مشغول نگارش تاریخ مفصل ایران میباشم لذا علل و جریان واقعی تغییر سلطنت ایران را در آن تاریخ خواهم نگاشت باری - اعلیحضرت پهلوی در ۲۵ آذرماه ۱۳۰۴ رسماً بر اریکه سلطنت جلوس فرمودند و او رنگ و دیپیم کوروش و انوشیروان بعد از سالیان دراز وارث والا گهر و بالاستحقاقی یافت در روز جلوس که در طالار تخت مرمر منعقد شد تمام واحد های اداری و جنگی و ایلات و طوایف بسلام رفتند و خطبه سلام بوسیله ادیب الدوله ایراد گردید.

در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ ملت ایران جشن باشکوه تاجگذاری نجات دهنده خود را در سراسر کشور برپا نمود و شاهنشاه پهلوی برای نخستین بار تاج پهلوی کیانی را بر سر نهاد و بر سریر خسروی جلوس کرد.

این بود جریان پیدایش سلطنت شاهنشاه پهلوی و ایجاد ارتش شاهنشاهی که در این تاریخ ضبط برای آیندگان و فرزندان برومند این فلات با عظمت باستانی و تاریخی گردید تا بدانند این شخص اگر واقعا خدمت ننموده و داهیه و بزرگ نبود پس چگونه تمام ۲۵۷ نفر از بزرگان کشور حاضر در مجلس مؤسسان باو رأی مخفی دادند؟ پدر ملت ایران - از خلق باید نیک و بد اعمال و رفتار و پندار و گفتار هر کسی را

پرسید بعد از وقایع شهر یور ۱۳۲۰ از هر کسیکه در ظرف این سالهای اخیر که ایران در آتش اوضاع داخلی و جنگ جهانسوز میسوخت ستمی دیده بود سؤال میکردید چرا این ظلم و ستم بر تو رفت میگفت برای اینکه ما ملت پدر و صاحب نداریم سر ما رفت و ما بی پدر شدیم این است که حالا باید بر سر ما بزنند.

این نکته قابل کتمان نیست - حالا هم هر کس برای اینکه عقیده حقیقی ملت ایران و توده واقعی این کشور را بداند از مردم طبقه سوم سؤال کند دوره پهلوی چطور و خود او چگونه پادشاهی بود مجموع پاسخهایی که باین پرسش داده خواهد شد قضاوت حقیقی درباره آن پادشاه بزرگ و ملت دوست است مؤلف مکرر سؤال کرده ام جواب شنیدم «پهلوی پادشاه بزرگی بود خدا رحمتش کند در عهد او ماطبقه سه راحت بودیم بایران خدمت کرد حالا اگر يك چند نفر را مجازات کرده است اینکه دلیل نمیشود حتماً آنها را برای راحت مردم بود لابد بد کرده بودند».

این جواب یکنفر ایرانی است.

و چنانکه گفته اند:

از رعیت پرس حال پادشاه      زانکه دین شاه دین مردم است

حقیقتاً آنچه او گفت نگارنده یادداشت کردم همین نمونه قضاوت تمام ملت ایران است قهرمان بزرگ عالم بشریت او بود که در این کشور پر آشوب و بی تمدن بظهور رسید و تا این حد پیش رفت. و گر نه نوابغی که در آمریکا یا آلمان یا ترکیه یا غیر بظهور رسیدند بهیچوجه مواجه با اینهمه مشکلات و بدبختیها نبودند.

اداره کردن این مملکت مشکل است.

اعلیحضرت فقید سعید رضاشاه پهلوی حقیقتاً پدر ملت ایران بود.



# فصل سیزدهم

توسعه سازمانهای ارتش در جمیع شعبه

وقایع و تشکیلات بعد از سال ۱۳۰۵

سیر تکاملی تأسیسات ارتش شاهنشاهی تا سال ۱۳۴۰

ستاد ارتش در سال ۱۳۰۵ - به چهار رکن و دفتر ستاد و امور اداری تقسیم شده بود که بترتیب زیر انجام وظیفه میکردند = رکن یکم = عهده دار امور کارگزینی - سازمان - ساز و برگ ارتش - تدوین قوانین مربوطه بقوای کشوری !

رکن دوم . کسب اطلاعات از سازمان و تاکتیک ارتش خارجه - مسائل مربوط به هیئت ها و افسران دانشجوی اعزامی - نمایندگان نظامی مأمور خارجه - تجسس و کسب اطلاعات مربوط از داخله و خارجه - نقشه برداری : رکن سوم - تدوین آئین نامه های مربوط بعملیات جنگی - تعیین اسلوب و طریقه آموزش درآموزشگاههای نظام - تربیت بدنی و تهیه آئین نامه های مربوط بان - آماده ساختن جوانان بوسیله تربیت جسمانی برای نظام : رکن چهارم - عهده دار اقدامات درمورد تهیه و تأمین احتیاجات مادی ارتش از هر قبیل - تهیه وسائل حمل و نقل و پیش بینی های لازمه و تأمین آنها درموقع بسیج عمومی - تشکیل منازل و خطوط عقب - رسیدگی بامور دریائی .

نظام و وظیفه - اعلیحضرت فقید سعید برای اثبات مبانی استحکام ایران بایجاد و توسعه تشکیلات دومی مسئله مهم اهمیت میداد یکی نظام وظیفه و دیگری تعلیم و تربیت عمومی = و از ابتدای کار برای افزایش قوای ارتش در نظر گرفت نظام وظیفه عمومی تأسیس کرده و قوانین آنرا از مجلس بگذراند منتها چنانکه در این تاریخ دیدیم چون اهم اوقات خود را مصروف فرو نشانیدن انقلابات وسیع و طغیان ها و شرارت های داخلی نموده بود در چهار سال اول زمامداری خود توفیق انجام این کار را نیافت بالاخره در دوره ریاست وزرائی خود در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ شمسی هنگامیکه کشور

از آشوبهای داخلی رهائی یافت لایحه نظام اجباری که با دقت و تعمق تهیه شده بود از تصویب مجلس شورایی گذشت و فرمان اجرای آن صادر گردید بموجب این قانون جوانان ذکور ایران در اول سن ۲۱ سالگی بانجام خدمت سربازی دعوت شدند و تهیه مقدمات اجرای عملی آن از ۱۳۰۵ شروع گردید و متولیدین سال ۱۲۸۵ بخدمت احضار و با مسرت بانجام اعمال مقدس سربازی در سربازخانهها اشتغال ورزیدند.

**تغییرات سازمانی در لشگرهای غرب و شمالغرب - لشگر غرب از دو تیپ مختلط مستقل در لرستان و کردستان تشکیل گردید تیپ اول لرستان مرکب از یک هنگ مختلط در خرم آباد بنام هنگ گارد سپه بعلاوه یک گردان سوار و یک گردان مختلط در بروجرد = تیپ دوم کردستان شامل یک هنگ مختلط در سنندج بنام هنگ مظفر با دو گردان مختلط بترتیب در سقز و دزفول و یک هنگ مختلط در کرمانشاه بنام هنگ منصور استقرار یافتند.**

**وسعت سازمانهای ارتش در سال ۱۳۰۶ لشکر مرکز - در سال ۱۳۰۶** فرماندهی لشکر مرکز منحل گردید و تیپهای تابعه آن تشکیل تیپهای مستقلی را دادند ۱- تیپ گارد سوار بضمیمه آموزشگاه گروهبانی و اسکورت درآمدند ۲- تیپ اول گارد پیاده بضمیمه واحد های مستقل مهندس و گروه زره پوش و دسته تانک - ۳- تیپ دوم گارد پیاده بضمیمه آموزشگاه گروهبانی پیاده . ۴- تیپ توپخانه بضمیمه آموزشگاه گروهبانی توپخانه .

لشکر شرق - از یک تیپ مختلط در مشهد و یک هنگ مختلط در سیستان تشکیل گردید تیپ مختلط مشهد عبارت از سه هنگ پیاده - سوار - توپخانه و هنگ مختلط سیستان مرکب از یک گردان پیاده و یک گردان جواز سوار و یک آتشبار توپخانه بود .

لشکر جنوب - از یک تیپ مختلط در فارس و دو هنگ مختلط در خوزستان و کرمان و پنج گردان مختلط بترتیب در اصفهان - یزد - بهبهان - بوشهر - عباسی تشکیل گردید :

قسمت شمال - بطوریکه قبلاً ذکر شد واحد هائی در گیلان و تنکابن و مازندران

استقرار داشتند که ضمیمه ترکیبات لشکر ۱ مرکز بودند بعداً در سال ۱۳۰۶ در تشکیلات آنها تغییراتی بشرح زیر داده شد :

۱- يك هنگ مختلط در گیلان .

۲- يك هنگ مختلط در پهلوی دژ .

۳- يك هنگ مختلط در استرآباد .

سه قسمت نامبرده بالا تیبی را بنام تیب مختلط مستقل شمال تشکیل دادند مجدداً در همین سال هنگهای مختلط کرمان و خوزستان بدو تیب مختلط مستقل تبدیل و دوگردان مختلط یزد و اصفهان هر دو ضمیمه یکدیگر شده يك هنگ مختلط مستقل اصفهان را تشکیل دادند واحدهای مزبور در امور خود بوسیله مرکز لشکر ارتباط داشتند :

در سال ۱۳۰۷ در سازمان لشکر جنوب بعلت عدم وسائل ارتباط کامل با مرکز لشکر و وسعت منطقه مستحفظی اداره نمودن امور واحدهای تابعه لشکر بسختی انجام می گردید بدین لحاظ در مرداد ماه ۱۳۰۷ لشکر مزبور منحل و قسمت های تابعه آن یعنی تیب های مختلط فارس - کرمان - خوزستان - هنگ مختلط اصفهان هر يك مستقل شناخته شدند و ارتباط خود را مستقیماً با مرکز حاصل نمودند بعلاوه در تیب های مستقل مرکز هم تغییراتی بشرح زیر بوجود آمد :

تیپ مستقل سوار - مرکب از سه هنگ ( فاتح - حمله - پهلوی ) .

تیپ مستقل توپخانه مرکب از سه هنگ ( سوار - کوهستانی - پیاده ) .

تیپ یکم کارد پیاده مرکب از سه هنگ ( پهلوی - آهنین - بهادر ) ضمناً يك

گردان مهندس نیز ضمیمه تیب نامبرده بوده که بعداً توسعه یافته و هنگی را بنام هنگ مهندس تشکیل داد :

تیپ دوم کارد پیاده - عبارت از چهار هنگ ( نادری - رضاپور - هنگ ۷ -

هنگ ۲۱ ) .

يك گردان مستقل درساری نیز ضمیمه ترکیبات تیب مزبور بوده است - ضمناً

دو هنگ مختلط مستقل استرآباد و پهلوی دژ هر دو ضمیمه یکدیگر گردیده و تیب



مختلط مستقل استرآباد را تشکیل و هنگ مختلط گیلان که قبلاً جزو ترکیبات تیپ مستقل شمال بود هنگ مختلط مستقل گیلان را تشکیل داد :

در سال ۱۳۰۸ چندان تغییرات مهمی در ارتش روی نداد .

در سال ۱۳۰۹ لشکر شمال غرب توسعه یافت بطوریکه لشکر مزبور از سه تیپ بنام تیپ یکم و دوم و سوم تشکیل گردید که ترکیبات هر کدام بشرح زیر میباشد :

تیپ مختلط یکم - مرکز آن تبریز شامل يك هنگ پیاده ( سپه بان ) يك - هنگ سوار ( نصرت ) .

تیپ مختلط دوم - مرکز آن رضائیه مرکب از يك هنگ پیاده ( اخگر ) يك هنگ پیاده ( باوند پور ) .

و يك هنگ سوار آذر بود و بعلاوه دو گردان مختلط مستقل آتشین و ماکو ضمیمه ترکیبات تیپ مزبور بوده است :

تیپ مختلط سوم - مرکز آن اردبیل شامل يك هنگ پیاده ( قهرمان ) باضافه دو گردان مختلط و يك هنگ سوار در اردبیل ( هنگ سوار تیپ سوم ) و یکدسته مستقل و توپخانه هم چنین يك هنگ مختلط سیستان که در سال ۱۳۰۶ جزو ترکیبات لشکر شرق بود در سال ۱۳۰۹ به تیپ مختلط سیستان تبدیل و بعداً باسم تیپ مختلط بلوچستان موسوم گردید بطوریکه تیپ مزبور امنیت ناحیه بلوچستان را عهده دار و امنیت ناحیه سیستان با لشکر شرق بوده بعداً تیپ سیستان هم از لشکر مجزی و تیپ مستقل گردید بهمین طریق تیپ های مختلط مستقل کردستان - لرستان - خوزستان و هنگ مختلط کرمانشاه ( منصور ) از لشکر غرب منتزع و هر يك مستقل گردیدند ضمناً در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ قسمت های زیر که ضمیمه ترکیبات قوای غرب و جنوب غربی بودند هر کدام از نیروی های نامبرده منتزع و مستقلاً اداره می گردیدند :

۱ - هنگ مختلط منصور .

۲ - تیپ مختلط کردستان ( هنگ مختلط مظفر - گردان مستقل سقز ) .

۳ - تیپ مختلط لرستان ( هنگ مختلط کارد سپه - گردان مستقل بروجرد -

گردان مستقل دزفول ) .

۴ - تیپ مختلط خوزستان ( هنگ مختلط ناصری - گردان مستقل بهبهان )  
 در واحد های پادگان مرکز هم تغییراتی بشرح زیر حاصل گردید .  
 تیپ توپخانه بدو تیپ سوار و کوهستانی تقسیم که هر کدام از تیپ های مزبور  
 از دو هنگ توپخانه تشکیل گردیدند :  
 قسمت سوار نظام پادگان مرکز از دو تیپ سوار تشکیل گردید بدین ترتیب  
 که هر يك از دو هنگ سوار ترکیب می گردید :

ولی بعداً نظر بعدم پیشرفت امور در تیپ های مزبور مجدداً تیپ های سوار پادگان  
 مرکز منحل و هر یک از هنگ های تابعه آن مستقلاً اداره شدند هم چنین لشکر شمالغرب  
 بدولشگر تقسیم گردید بطریقی که مرکز لشکر اول در رضائیه و منطقه مستحفظی  
 آن آذربایجان غربی و لشکر دوم در تبریز و منطقه مستحفظی آن آذربایجان شرقی  
 بوده است ضمناً يك منطقه سردشت که جزو لشکر شمال غرب بوده ضمیمه منطقه  
 تیپ مختلط مستقل کردستان گردید در سازمان سایر قسمت های ارتش نیز تغییرات  
 جزئی روی داد . در این سال بود که قسمت های ارتش مطابق شرح بالا سازمان وسیع  
 و قابل توجهی را بخود گرفت در جریان سالهای ۱۳۱۰-۱۳۱۱ تیپ مختلط استرآباد  
 منحل و بيك هنگ مختلط مستقل تبدیل گردید هم چنین هنگ مهندس تیپ اول  
 کار پیاده منحل و تبدیل به ۳ گردان استحكامات - پل ساز ارتباط شد و سازمان لشکر های  
 ۱ و ۲ شمالغرب توسعه یافته هر دو لشکر تشکیل چهار تیپ مختلط را در رضائیه - ماکو -  
 اردبیل - تبریز دادند بهمین ترتیب در سازمان سایر واحدها هم تغییراتی حاصل گردید :  
 بنا بر این قسمت های مختلفه ارتش شاهنشاهی در سال ۱۳۱۱ که در مناطق

مختلفه استقرار داشتند عبارت بودند از دو تیپ پیاده دو تیپ توپخانه ( صحرائی -  
 کوهستانی ) چهار هنگ سوار در مرکز - دولشگر در آذربایجان يك لشکر در خراسان  
 و هم چنین قسمت های دیگری هم نیز بشرح زیر تشکیل پادگانهای مستقلی را دادند :

- ۱ - تیپ مختلط لرستان ( در خرم آباد ) ۶ - تیپ مختلط خوزستان ( در اهواز )
- ۲ - تیپ مختلط کردستان ( در سنندج ) ۷ - هنگ مختلط مستقل استرآباد ( در گرگان )
- ۳ - تیپ مختلط فارس ( در شیراز ) ۸ - هنگ مختلط مستقل کیلان ( در رشت )
- ۴ - تیپ مختلط کرمان ( در کرمان ) ۹ - هنگ مختلط مستقل اصفهان ( در اصفهان )
- ۵ - تیپ مختلط بلوچستان ( در خاش ) ۱۰ - هنگ مختلط بنادر ( در بندرعباس )

بدین ترتیب ارتش شاهنشاهی ایران بتمام معنی با وسعت شایان توجهی در تمام اکناف کشور شهپر شکوه و جلال خود را گسترده

در سال ۱۳۱۲ تیپ های مستقل گارد پیاده یادگان مرکز تبدیل بدولشگریکم

ودوم پیاده گردید:

در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ فقط دو آتشبار ضد هوایی که قبلاً به ترکیبات هنگ ۱۰۵ صحرائی اضافه گردیده بود در سال اخیر هنگی را بنام هنگ ضد هوایی تشکیل داد. سازمان ارتش در سال مزبور بهمین منوال باقی بود تا سال ۱۳۱۸ که تیپ مختلط مستقل گیلان -- کرگان -- کرمانشاه -- اصفهان -- کرمان -- اردبیل تبدیل به لشکرها گردیده وبدینطریق ارتش شاهنشاهی ترکیب شد ازهیجده لشکر بشرح زیر:

لشکر یکم یادگان مرکز تهران	لشکر دهم	گرگان
لشکر دوم یادگان مرکز تهران	لشکر یازدهم	گیلان
لشکر سوم شمالغرب تبریز	لشکر دوازدهم	کرمانشاه
لشکر چهارم شمالغرب رضائیه	لشکر سیزدهم	اصفهان
لشکر پنجم غرب کردستان	لشکر چهاردهم	کرمان
لشکر ششم خوزستان	لشکر پانزدهم	اردبیل
لشکر هفتم فارس	لشکر شانزدهم	لرستان
لشکر هشتم مکران	لشکر هفدهم	خوی
لشکر نهم خراسان	لشکر هیجدهم	تربت جام

سازمان قسمت های مختلف ارتش شاهنشاهی با این وضع تا سال ۱۳۴۰

استقرار داشت.

این بود نتیجه يك عمر زحمت و پشت کار و میهن پرستی - و ملت دوستی و فداکاری شبانه روز يك فرد - يك نابغه - يك نجات دهنده و يك داهیه بزرگ مشرق زمین و تشکیلات دهنده یعنی اعلیحضرت فقید سعید رضاشاه پهلوی که تامادام دنیا درحالت صلح و عادی بسر میبرد يك ملت ازدست رفته را از حوض ذلت باوج ترقی و قدرت رسانید و در جهان سر بلند کرد. بطوریکه ملت و کشوری مستقل و آزاد شناخته شدیم و دنیا پاس احترام ما را بجای آورد.

تاریخ نویسان این عصر که اکثر آ در نوشته هایشان عمداً یا سهواً ره خطا و ناصواب پیموده اند باید هر وقت قلم بدست میگیرند قبل از هر چیز وجدان پاک و بی آلایشی را حکم خود قرار دهند و توجه کنند که آیا این رادمرد



ایرانی جز اینکه شب و روز برای سعادت ایران کار میکرد و ما يك رشته از آنرا در این کتاب مخصوصاً در فصل فعلی میخوانیم آیا غرض دیگری هم داشت ؟ اعمال بزرگ و مستحذات او که بچشم ناظر آن هستیم و اینک آثار آن در سراسر کشور و در تمام شئون حیاتی و اجتماعی ما هویدا و نمایان است و ما از آن سود و لذت میبریم و سرمایه های جاودانی کشور ما را تشکیل داده است پاسخ این نکته را میدهد تا ابد محو و نابود نمیشود همیشه پایدار و مخلد است .

### آمار جالب توجه

برای اینکه مجموع خدمات و فعالیتهاىیکه در راه پیشرفت شایان توجه ارتش شد در این تاریخ ضبط گردد يك مقایسه کلی بین سال ۱۳۰۰ تا شهر یور ۱۳۲۰ با در نظر گرفتن تحولات ارتش بین فاصله دو تاریخ مزبور ذیلاً درج میشود تا نکات مهمی روشن گردد .

در سال ۱۳۰۰ مجموع نفرات ارتش ایران که در ابتدای تأسیس بود و بهمت شاهنشاه فقید بزرگ رو با اصلاحات میرفت ۲۲۸۰۰ نفر بود و حال آنکه ارتش شاهنشاهی در مرداد ۱۳۲۰ طبق آخرین آمار دارای ۱۸۳۸۶۳ نفر و افسر بود بدین ترتیب در بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ارتش شاهنشاهی پس از ۲۰ سال هشت برابر شد و این رقم با توجه باوضاع و احوال این کشور يك رقم برجسته ایست و چون ترقی این ارتش از حیث تمام شئون بود و بخودی خود ترقیات تمام رشته های مختلف تمدن در آن مجتمع بود یعنی قسمت هندسی - فرهنگی - اختراعات - اکتشافات همه چیز تحت يك انتظام بسوی ترقی راه میسپرد همکن بود برای آتیه کشور که از سایر جهات بسیار عقب بود فواید و محسنات زیادی در برداشته باشد .

مجموع ارقام ۱۵ سال سربازان و افسران احتیاط و ذخیره متولدین از سال ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۸ بالغ بر ۴۰۸۲۱۹ گردید .

ارتش ایران اگر چه از لحاظ تعداد ترقی میکرد ولی بمناسبت تغییرات دائمی سازمانی هنوز يك ارتش کاملی نگردیده بود مثلاً بعضی هنگهای سه گردانی فقط دارای گردان ۱ بودند و از حیث اسلحه بعضی یادگانها مانند لشگرهای ۱ و ۲ مرکز دارای سلاح جدید از قبیل ( مسلسل - توپ - خمپاره ) توپخانه ۷۵ کوهستانی و ۱۰۵ ضد هوایی - زره پوش ( ارايه جنگی ) بودند ولی در بعضی لشگرهای دیگر هنوز توپخانه

صحرائی انگلیسی و یا روسی وجود داشت و بجای سلاح خود کار جدید نیز از پنجاه تیرهای سابق استفاده میشد.

هم چنین در طرز تعلیمات افراد بین افسران اختلاف وجود داشت زیرا بعضی از فرماندهان از تحصیل کردگان سابق و بعضی از افسران دانشگاه دیده دارد یا رفته بودند بنابراین هر يك از این دو طبقه در آموزش سربازان روش مخصوصی داشتند.

ولی رویهم رفته این نواقص با برنامه وسیعی که ارتش داشت ره کمال را طی میکرد و ارتش ایران با اینکه تا شهریور ۱۳۲۰ نواقص بسیار داشت رفته رفته در مدت قلیلی ممکن بود در ردیف ارتشهای درجه اول قرار گیرد مخصوصاً اینکه بسه موضوع زیر که در رفع نواقص اهمیت شایسته داشت توجه کامل میشد.

۱ - کادر افسری ۲ - سازمان کامل ۳ - اسلحه متناسب سازمان.

ضمناً موضوع مهمی که لازم است در این تاریخ تذکر داده شود سوء جریان نظام وظیفه و اعمال مفسده انگیز مأمورین احضار بود که موجبات نقصان افراد حائز شرایط را فراهم مینمود وضعیت نظام وظیفه با جریاناتیکه در ادوار مختلفه داشت چنین بنظر میرسید که بمنظور از بین بردن افراد کشور ایجاد گردیده است مخصوصاً از سال ۱۳۱۳ بعد که مسئولیت سربازگیری بدو قسمت تقسیم گردید با کمال وضوح روز بروز از قدرت نظامی کشور کاست چنانچه سربازان وظیفه سنوات بدوی افرادی سالم و مردمانی بارو و علاقه بودند و رفته رفته نه تنها علاقمندی خود را از دست دادند بلکه سلامتی آنها ساعت بساعت نقصان می یافت تا بحدی که ۹۵ در صد مشمولین بکلی غیر قابل خدمت تشخیص داده میشدند و اکثر آنها در حین خدمت تلف میشدند.

فقر عمومی کشور و عدم بهداشت و همچنین عدم تطبیق سازمان و قانون خدمت وظیفه با اوضاع کشور و جریان احضار و مزاحمت متمادی مشمولین از طرف مأمورین احضار مهمترین عوامل مسبب انحطاط نظام اجباری بود.

# فصل چهاردهم

## نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی ایران

دریا های خروشان ما و عظمت موقعیت آبهای ما با این وسعت و کرانه های طولانی وجود يك بحریه نیرومندی را با سازمانی عظیم لازم می شمارد .  
وصف موقعیت بحری ایران چنانکه باید و شاید در فصول اول و دوم سوم این تاریخ مذکور رفته است .

برای کشور ما بدون تردید بحریه قوی و توانائی لازم است تا بتواند علاوه بر جلوگیری تهاجم خارجی منافع بسیار عظیمی که در آبهای خلیج فارس و دریای عمان و هم چنین بحر خزر داریم تأمین نماید اهمیت کرانه های خلیج فارس و لزوم بحریه را در آبهای آن چهار نکته زیر روشن می سازد ۱ - منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی .  
۲ - ارتباط بازرگانی بین المللی و ترانزیتی ۳ - مسائل مربوط با ارتباط های کشورهای جنوبی آسیا مخصوصاً هندوستان ۴ - اهمیت منابع و فرستاده های نفتی - بالاخره آزادی ایران بستگی به بحریه توانای آن دارد زندگی اقتصادی و بالنتیجه سیاسی و نظامی ما مرهون خلیج فارس است و گر نه حرکت امور مین ما فلج خواهد شد - سیاست دست یافتن بمنطقه تنگه ها و راههای شرق نزدیک و دهنه خلیج که کشور ما را بکعبه آمال دول نفع جو تعبیر کرده است از لحاظ منافی که کشور های بزرگ در دست یافتن بمنابع کشور های آسیای جنوبی و بازارهای با رونق جمعیت ها و توده های انبوه بشری در چین و هند و سایر نقاط آسیا دارند بی پیرایه در سر لوحه سیاست و آمال ملل بزرگ دنیا قرار گرفته است و موضوع استخراج مواد نفتی که امروزه روز افزونی آن وضع اولویت کشور های نفت خیز را در حال بهم زدن است پیرایه زیباتری است که باین معشوق دلفریب یعنی خلیج فارس بسته شده است .  
هم میهنان - از خلیج فارس غافل نباشید امروز خلیج فارس عرصه پهناور حیات اقتصادی ملل شده است .



از اینهمه منافع بزرگ سودی که صاحب آن میبرد همان نام خلیج فارس است با اینکه فعلاً کشورهای بزرگ چه از لحاظ راههای مستعمراتی و تجارتی و چه از حیث موقعیت سیاسی و کانهای نفت خلیج فارس را مورد نظر قرار داده اند معیناً انگلیسها بر سر این مزایا تا حال بطور انحصار و پیروزمندانه مقاومت نموده اند و با تشکیل حکومت های بوشالی و بابدست آوردن امتیازات و عقد قراردادهای در نقاط مختلف آن کامیابی و بهره مندی کامل حاصل کرده اند و خود میگویند بهیچوجه نمیتوانند از منافع خلیج فارس و معادن نفت آن صرف نظر نمایند و در صورت لزوم سایر منافع خود را فدای منافع آسیائی خواهند کرد.

برکت بزرگ دیگر کرانه های خلیج فارس و بحر عمان که هنوز در کتابها ابدأ از آن بحث نشده و شاید در کمتر جا مورد توجه قرار گرفته است مسئله فوق العاده مهم و موقعیت بینهایت شایان دقتی است که ما برای نخستین بار هم میهنان عزیز خود را در این تاریخ متوجه آن میسازیم و آن موقعیت نقاط کرانه های آبهای جنوبی ما از لحاظ فرودگاه های هوایی بین المللی است از این حیث نقاط کرانه های جنوبی ما در معرض تمام شاهراه های هوایی جهان اعم از نظامی و اقتصادی قرار دارد.

تمام هواپیماهاییکه از جزایر اقیانوسیه و آسیا بخواهند بارو یا پرواز کنند - تمام هواپیماهاییکه بخواهند از اروپا با آسیا و اقیانوسیه پرواز کنند تمام هواپیماهاییکه بخواهند دور جهان را در نوردند مجبور و ناگزیرند برای بارگیری سوخت و آب و اغذیه و مرمت در یکی از فرودگاههای هوایی کرانه های آبهای جنوبی ما فرود آیند.

کشور بی نظیر ما شاهراه زمینی - هوایی - دریائی جهان است (۱)  
منظره عظمت و ابهت و شکوه يك ناو ایران را که پرچم سه رنگ  
شیر و خورشید و شمشیر و تاج بر بالای دگل آن در دریا های مواج نیلگون

(۱) هم میهنان عزیز با تألیف این کتاب از مؤلف آن راضی باشید که مانند موزه ای جواهرات گرانبهای شما را که شاید اکثراً تملك قسمتهائی از آنرا از یاد برده اید بشما خاطر نشان میسازد و این نخستین کتابی است که با این ابتکار با تفکر بسیار و زحمت بیشمار و بطور جامع و کامل در این باره نگارش یافته و خدمت بزرگی انجام پذیرفته است که جز از يك روح پاک و ضمیر تابناکی تراوش نمیکرد ولی باید بس از آن هزاران کتاب در باره جزئیات این گنج ها منتشر شود و کتابهایی که قبل از این نیز جداگانه در هر يك از این شئون نگارش یافته مطالعه شده مورد قدرشناسی قرار گیرد

دراختز از باشد و پرچم کشتی های دیگر در حال احترام باو سلام میدهند بنظر بیاورید خود را حاضر برای هر گونه فداکاری در راه ایجاد يك بحریه نیرومند شاهنشاهی بنمائید .

بامدادان که شیپور (صبح شد) بر عرشه کشتی نواخته میشود و ناویان از خواب ناز در دریای متلاطم برخاسته بسرعت منظره کوهه های نیلی دریا و آسمان تیرخونی و فلق را هینگرند و لباس سفید برتن میکنند تمام احساسات و عنقها را جز عشق بایران از یاد میبرد .

نیروی دریائی مانند سایر نیروهای ارتش مظهر قدرت و استقلال وطن است .

ای ایرانی که این صفحات را میخوانی ارتش شاهنشاهی ایران را که خودت هم در آن مقامی معین داری دوست بدار سپاهیان و ناویان افراد خانواده ثانوی ما هستند ما باید بایکدیگر معاوت کنیم باهم بجنگیم و شاید هم با هم بمیریم - با حس برادری مشقت با برادری شهمت و با برادری مرگ باهم متحد باشیم .

ای جوانی که این سطور را میخوانی خدمت نظامی را با کمال بشاشت قبول کن خود را مهیا داشته باش - هم چنانکه صفات مردانگی روح خود را توسعه میدهی قوت و چالاکی بدن خود را نیز نشی و نما ده .

سرباز قوی و مطیع و شجاعی باش که ایران تقاضا دارد صدای بزرگ ایران را هنگامیکه ترا میطلبد عزیز دار و مقدس شمار و با آغوش باز استقبال کن .

قدیم ترین عظمت و وسعت نیروی دریائی شاهنشاهی ایران که بحد اعتلای خود رسیده بود در زمان شاهنشاهان هخامنشی بود منجمله عظیم ترین نیروی دریائی ما در زمان خسپارش هنگام جنگ با یونان در جدالهای آرتیمیزوم بود که بحریه یونان را مغلوب کرد با وجود اینکه سرداری مانند تمیستوکل در آن جنگ ازطرف دشمن وجود داشت وفرماندهی مانند اوری بیاد اسپارتی ریاست بحریه آنانرا بعده داشت و با اینکه طوفانی مهیب به نیروی دریائی شاهنشاهی ایران خسارت وارد آورد معینا بحریه ایران سفاین یونانرا در آرتیمیزوم مغلوب کرد و آنها را بسالامین فراری داد و بعداً در آنجا نیز نبرد دریائی مدهشی بوقوع پیوست که در باره حقایق آن از نظر منابع ایرانی مدارك تاریخی در دست نیست .

هرودت مینویسد:

عده کشتیهای تری رم ایران (یعنی کشتیهای که سه صف پاروزن داشت) ۱۲۰۰ فروند بود نیروی عظیم بحریه ایران را این ملل که اتباع شاهنشاه بودند میراندند فنیقیها و سریانیهای فلسطین ۳۰۰ فروند - مصریها ۲۰۰ فروند - اهالی قبرس ۱۵۰ فروند - اهالی کی لیکیه ۱۰۰ فروند - پام فیلیان ۳۰ فروند - لیکیه ۵۰ فروند - دریانهای آسیائی ۳۰ فروند - کاریانها ۷۰ فروند - میانیها ۱۰۰ فروند اهالی جزایر ۱۷ فروند - آلیانها ۶۰ فروند - هلس پوتنی ها ۱۰۰ فروند و هم چنین بقیه از سایر ملل تابعه ایران بود.

عده کشتیهای که سی یا ۵۰ پاروزن داشت و کشتیهای دراز برای حمل اسبها و کشتیهای سرکور (کشتی دراز) تقریباً به ۳۰۰۰ فروند میرسید.

سپس هرودت تمجید از زنی بنام آرت میز ایرانی میکند که برای رفتن بجنگ یونان با شجاعت بی نظیری حاضر شد او ملکه یکی از حکمرانان ایران یعنی هالی-کارناس بود که شوهرش مرحوم شده بود این ملکه با ۵ کشتی که پس از کشتیهای صیدائی بهترین کشتیهای بحریه ایران بود بجنگ رفت.

نیروی دریائی شاهنشاهان ساسانی نیز عظیم و شگرف بود نیروهای دریائی شاپور اول و شاپور دوم بر اعراب مهاجم تاختند و آنها را منهزم و منکوب نمودند.

انوشیروان دادگر نیز بقصد تسخیر عربستان در امولیه نزدیک بصره نیروی دریائی تجهیز کرد و از رأس الحد در کرانه عمان گذشت و بیندر عدن رفت و ناحیه یمن را تسخیر کرده ضمیمه ایران نمود اقتدار شاهنشاهی خود را در سراسر شبه جزیره تاریخی عربستان بسط داد.

شاهعباس کبیر صفوی نیز بحریه بزرگی در خلیج فارس ایجاد کرد و جزیره بحرین را که در سال ۹۱۲ بدست فرنگیان پرتغالی افتاده و آنها در آنجا قلعه و استحکامات ساخته و اقتدار بهم رسانیده بودند بدست اللهویردیخان بیگلربیگی فارس تصرف و تسخیر نمود.

نادر شاه افشار نیز در صدد بر آمد نیروی دریائی در خلیج فارس ایجاد نماید چند کشتی از هلندیهها و انگلیسها خریداری نمود و بحکمران حیدرآباد دکن فرمان داد که ۲۰ کشتی بزرگ ساخته روانه خلیج فارس نماید هنگامیکه مشغول تسخیر داغستان بود کشتیهای مزبور از بندر سورت بخلیج فارس رسیدند بعلاوه آن پادشاه فاتح امر کرد که از جنگلهای مازندران تخته و الوار بکرانههای خلیج فارس آورده و کشتیها ساختند و بندر بوشهر را مرکز نیروی دریائی خود قرارداد «هانورد جانس بریدج» انگلیسی مینویسد در سال ۱۷۸۴ میلادی که وارد بوشهر شدم سه کشتی از کشتیهای نادرشاه بزرگ که هر یک ۵۰۰ تن ظرفیت آنها بود در لنگرگاه بوشهر در خور نادری باقیمانده بود تعداد کشتیهای نادرشاه در خلیج فارس ۳۰۰ فروند بود و تا چند سال پیش آثار و بقایای این



کشتیها و لوله های توپ در بندر و بعضی جزایر خلیج فارس وجود داشت نادرشاه با این نیروی دریائی توانست بسواحل عربستان لشکرکشی کند و کلب علیخان افشار را که سردار گرمسیرات بود مأمور تسخیر کرانه عربستان نمود و شاید با همین نیروی بحریه و توسعه آن قصد جهاننگشائی بسیاری داشت.

ای ایرانی بزرگ - نیاکان خود را بدیده تحسین و عبرت بنگر و از کرده آنان سر مشق برتری خود را طرح ریزی کن بحریه ای قادر و توانا برای فرمانرمانی در آبهای وسیع اقیانوسها ایجاد کن نادر پناه آنها کشتیهای عظیم بازرگانی ایرانی بوجود آمده کالا های صادراتی ما و فرزندان ما را بتمام کرانه های ۵ قطعه جهان برسانند و ایران کبیرا با سراسر دنیا مربوط سازند این است شاهراه ترقی و تعالی که ما تا حال بدان توجهی ننموده ایم.

بالاخره اعلیحضرت فقید سعید نیز بنا به همان رویه ای که پادشاهان بزرگ فوق الذکر ایران رفتار کرده بودند پی برد که برای بسط عظمت ایران باید بتدریج نیروی بحریه بزرگی ایجاد نماید قبل از هر چیز نگهبانی و حفظ بندر خلیج فارس و جلوگیری از کالای قاچاق و همچنین حفظ مرزها و کرانه های دریائی ضرورت ایجاد نیروی دریائی را اجاب مینمود با اینکه منافع بعضی از دول استکک با عملیات مأمورین خرید کشتیهای بحریه ایران در اروپا داشت معهدنا بنا بکوشش اولیای وزارت جنگ ایران و فعالیت مرحوم ارفع الدوله چند کشتی بکارخانه های کشتی سازی ایتالیا سفارش داده و خریداری شد اگرچه اولین فکر تهیه ناو جنگی در حدود سال ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ بخاطر اعلیحضرت فقید منظور کرد و یک ناوچه مین جمع کن آلمانی بظرفیت ۱۴۹ تن خریداری شد و بخرمشهر آورده بدو بنام پهلوی و بعداً بنام شاهین نامیده شد ولی چون بعلمت نداشتن وسائل تعمیر زیر آبی و نبودن حوضچه برای بالا کشیدن بدنه آن مدت ده سال توقف در خرمشهر و بندر بوشهر و بندر شاهپور پاك نشده بود در زیر آب بوسیده و قابل اطمینان نبود و فعلاً نیز قابل استفاده نمیباشد (۱)

در سال ۱۳۱۱ نیروی دریائی شاهنشاهی جنوب بفرماندهی افسر رشید و پاك ایران شادروان شهید دریا دار بایندر تشکیل گردید و ناو ها از ایتالیا وارد شد پس از دستگیری خزعل و پایان غائله او چند کشتی از او بتصرف ارتش در آمد که فقط یکی از آنها بنام هما با ۱۰۰۰ تن ظرفیت نگهداری شد و بقیه از قبیل کشتیهای خزعلیه و کارون و غیره بطور مزایده بمصرف فروش درآمد تا سال ۱۳۱۱ فقط دو کشتی هما و شاهین در خرمشهر جزو نیروی دریائی شاهنشاهی موجود بود و افسری بنام سر پرست بحریه جنوب مأمور سر پرستی دو ناو مزبور گردید و ناو هما نیز قسمت زیر آبی آن بوسیده و فقط استفاده اقامت در آن بعمل میآید.

در مهر ماه ۱۳۱۰ بنا بامر اعلیحضرت فقید سعید يك عده ۲۵۰ نفری از افراد وظیفه

(۱) ناصرالدینشاه نیز يك کشتی ۸۰۰ تنی آلمانی بنام برس پلیس که مجهز به ۴ توپ کروپ و ۲ توپ کوچک بود خریداری کرده بود که در سال ۱۳۰۴ هجری قمری بوسیله افسران دریائی آلمان در بوشهر تسلیم مأمورین دولتی ایران گردید و دیگر کشتی شوش در کارون بود این هردو کشتی خراب و از بین رفت مظفرالدینشاه نیز برای جلوگیری از قاچاق و سرکشی بگمرکات جنوب چند کشتی خرید که اکنون اثری از آنها باقی نیست.

خرمشهر و آبادان و بوشهر به‌مراهی ۷ افسر دریائی برای آوردن ناوهای جدید سفارشی و تشکیل نیروی دریائی جنوب بسمت ایتالیا رهسپار شدند.

بنابراین تاریخ تشکیل نیروی دریائی شاهنشاهی و سازمان آن در پایان سال ۱۳۱۱ بوده است و تشکیلات نیروی مزبور در ابتدا بدین قرار بود.

ارکان دفتر فرماندهی - بهداری - آموزشگاه مهناری ( جایگاه آن در ناوهای که، ججز بیک توپ ۴۷ میلیمتری بود ) به‌لاوه دو ناو ۹۵۰ تنی و چهار ناو ۳۶۰ تنی .

ارکان دفتر رسته سوم در بندر خرمشهر و واحد های آن عبارت بودند از :

سه ناوچه ۷۵ تنی مازندران - آذربایجان - گیلان که هر کدام مسلح بیک توپ ۳۷ میلیمتری بودند « که بعداً در سال ۱۳۱۶ جزو اسقاطی بمزایده فروخته شد » - و کرجی موتوری چلچله و ۷ کرجی موتوری .

در سالهای ۱۳۱۳ - ۱۴ و ۱۵ بتدریج تعمیر گاه ثابت - بنگاه فانوسهای دریائی - کشتی یدک بر بخاری - دو نفت دان - حوض شناور . تعمیر گاه متحرک و در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ بندر شاهپور بسازمان نیروی دریائی جنوب اضافه گردید .

هنگام ورود نیروی دریائی ایران از ایتالیا اعلیحضرت فقید شخصاً بر اثر علاقه برای باز دید آنها بیوشهر رفتند و همراه ناوهای جنگی بخرمشهر حرکت کردند و مرکز پادگان و فرماندهی نیروی دریائی در آنجا مستقر گردید انبارها - تعمیر گاهها - بیمارستان - آموزشگاه نیروی دریائی و اداره بندر خرمشهر یکی پس از دیگری بسرعت ره کمال را پیمود .

### سازمان نیروی دریائی شمال و جنوب در شهریور ۱۳۲۰

۱ - نیروی دریائی شمال تشکیل میشد از الف - ارکان نیرو - فرماندهی - امور اداری - مستحفظین و تعمیر گاه . ب - ناوچه‌ها و کرجی‌ها .

۱ - ناوچه نهننگ دارای ظرفیت ۷۰ تن بدون وسائل فقط بمنظور باربری استفاده میشد :  
 ۲ - ناوچه های بابلسر - سفید رود - گرگان هر یک از ناوچه های مذکور دارای ظرفیت ۶۰ تن و هر یک دارای یکدستگاه فرستنده و گیرنده و یک توپ ۴۷ میلیمتری اشکودا و یک مسلسل سنگین ماکزیم بوده اند :

۳ - کرجی رامسر و نوشهر ( مخصوص سواری اعلیحضرت همایونی بود ) .

۴ - ناو سلطنتی شهسوار دارای ظرفیت ( ۶۰۰ تن ) دارای دستگاه فرستنده و گیرنده ولی بدون اسلحه :

۵ - کرجی نمره ۱ و کرجی نمره ۲ موتوری و مخصوص سواری افسران و افراد بوده :

تبصره ۱ - ۷۶ تفنگ برنو در گروهان مستحفظین موجود بوده است :

۲ - در قسمت شمالی ایران ( در کرانه جنوبی بحر خزر ) سازمان سه آتشبار ساحل ثابت و دو آتشبار ساحلی متحرک ماشینی در محل های زیرین بتصویب رسیده بود :

الف از سه آتشبار ساحلی ثابت ( یک آتشبار در آشور آده خلیج گرگان - یک آتشبار در بندر پهلوی - یک آتشبار در نوشهر ) ولی بعداً مقرر شد که یک آتشبار جزو ترکیبات لشکر ۱ در نوشهر و دو آتشبار دیگر جزو لشکر ۱۱ گیلان در بندر پهلوی تشکیل شوند منتها آتشبارهای مذکور تا شهریور ۱۳۲۰ جزو ترکیبات لشکر های نامبرده منظور ولی به تیپ مستقل مکانیزه مأمور بودند :

ب - دوآبشار ساحلی متحرك ماشینی عملاً وجود نداشته و محل آنها در مرکز نیروی دریائی شمال در نظر گرفته شده بود :

### ۴ - نیروی دریائی جنوب تشکیل می‌شد از :

الف - ارکان نیرو ۱ - فرماندهی و ستاد نیرو ۲ - بهداری دریائی ۳ - آموزشگاه میناوی (کشتی های ) ۷۰۰ تن ۴ - تعمیرگاه ثابت ۵ - کشتی یدک بر ۶ - دو نفت دان - حوض شناور و تعمیرگاه متحرك حوض ۷ - بنگاه فانوسهای دریائی ۸ - مراکز چهارگانه تدارکات بنادر ۹ - پاسگاههای فانوس دریائی بوشهر و فانوس دریائی جزیره کیش ۱۰ - دفتر بندری خزرل آباد ۱۱ - اداره بندری بندر شاهپور .

### ب - دسته یکم

۱ - ناو بیر بظرفیت ۹۵۰ تن دارای دستگاہ دهنده و گیرنده ( موج بلند و متوسط و کوتاه )  
۲ توپ ۱۰۲ دریائی و ۲ توپ ۷۶ دریائی و ضد هوائی و ۲ مسلسل سنگین ماکزیم و ۴۰ قبضه تفنگ برنو .

۲ - دونوا ( شهباز و سیرغ ) هر يك بظرفیت ۳۳۰ تن و هر کدام دارای دستگاہ دهنده و گیرنده ( موج بلند و متوسط ) ۲ توپ ۷۶ دریائی و ۲ مسلسل سنگین ماکزیم و ۲۰ قبضه تفنگ .

### ج - دسته دوم

۱ - ناو بلنک بظرفیت ۹۵۰ تن دارای دستگاہ دهنده و گیرنده ( موج بلند و متوسط و کوتاه )  
۲ توپ ۱۰۲ دریائی و ۲ توپ ۷۶ دریائی و ضد هوائی و ۲ مسلسل سنگین ماکزیم و ۴۰ قبضه تفنگ برنو .

۲ - دو ناو ( کرکس و شاهرخ ) هر يك بظرفیت ۳۳۰ تن و هر کدام دارای دستگاہ دهنده و گیرنده ( موج متوسط و بلند ) ۲ توپ ۷۶ دریائی و ۲ مسلسل ماکزیم و ۲۰ قبضه تفنگ :

### د - دسته سوم

۱ - ارکان دسته ساحلی و بندر خرمشهر .  
۲ - دو گروهان پیاده مستحفظی جزایر مرکزی ( مرکز آن در خرمشهر و بوشهر ) .  
۳ - ناوچه شاهین بظرفیت ۱۵۰ تن ضمناً بمنظور باربری و حمل و نقل خواربار و آب و نفت و راهنما استفاده می‌شد .

۴ - کرجی موتوری چلچله - ۵ - کرجی باری کارون - ۶ - کرجی کھف - ۷ - کرجی چنگر - ۸ - کرجی های موتوری خلیج پیما شماره ۱ الی ۱۰ از ده کرجی های موتوری هفت فروند بدایره سابق بحریه گمرکات جنوب تعلق داشت که از دایره نامبرده بشیروی دریائی جنوب انتقال یافته بودند هر کرجی دارای یک قبضه مسلسل سبک سیستم **هوئیچکس** بوده است کرجی موتوری بندر **سبک** - کرجی سواری فرماندهی .

تبصره - ۱ - اغلب کرجیهای نامبرده که در بنادر تمرکز داشته و بمأموریتهای ساحلی میرفتند دارای اسلحه بودند .

۲ - کشتی یدک بر بظرفیت ۲۷۵ تن دارای دستگاہ دهنده و گیرنده ( امواج کوتاه متوسط و بلند ) ۲ مسلسل سنگین و ۲۰ تفنگ بمنظور یدک کشیدن ناو ها از آن استفاده می‌شد .

۳ - محل نیروی دریائی شمال بندر پهلوی و محل نیروی دریائی جنوب خرمشهر بود .



## افول خورشید جوان میازمان نیروی دریائی جنوب

**سوم شهریور ۱۳۲۰** - چون نگارنده تصمیم گرفته‌ام در این تاریخ وقایع شهر یور را شرح و توضیح ندهم باینکه مدارک این وقایع را کلیه جمع آوری نموده‌ام معیناً آنرا برای موقع مناسب‌تر و فرصت شایسته تری موکول می‌سازم که بتوانم حقائق را برخلاف آنچه که اشتهاً فعلاً شایع است بنگارم بهمین جهت در قسمت نیروی دریائی ناگزیرم فقط تذکار فاجعه عظیم نابودی نیروی دریائی ایران را تا آنجا که سیر تاریخ نویسی مرا مجبور میکند از تاریخ نظامی بدهم و شرح آنرا بی‌عده موکول مینمایم. **اینک داستانی که هر ایرانی باید آنرا بخواند.**

نوشتن و شنیدن شرح فاجعه قربانی شدن ناگهانی نیروی دریائی جنوب ایران که دچار بلیه شدیدترین غفلت گیربهای جنگی گردید در حالیکه افسران و افراد آن هنوز سر از بالش خواب دوشینه بر نداشته بودند از لحاظ تحسر و شدت اندوه و کثرت رنجی که بنویسنده و خواننده و شونده دست میدهد غیر ممکن است. کلیه عملیات جنگی که در آبادان و خرمشهر در روز سوم شهریور اتفاق افتاد تا ظهر همانروز پایان رسیده بود و قسمتی تا غروب با تمام رسید یعنی نیروی دریائی بغیر از قسمتی که از بین رفت بقیه بدست نیروی نظامی انگلستان افتاد و از نیروهای زمینی آبادان و بل نو عده که موفق بعقب نشینی بسمت اهواز نشده بودند کشته یا اسیر گردیدند.

باینکه ایران کشور بیطرفی بود و بیطرفی خود را از هر حیث حفظ کرده بود معیناً دول معظم همسایه این بیطرفی را هیچ شمرده بپهانه های بی ارزش از قبیل وجود ستون پنجم آلمان در ایران و غیره از قبل از مرداد ماه انگلیسها جداً مشغول سوق قوا چه از هندوستان و چه از کشورهای شرق نزدیک و تمرکز آنها در مرزهای ایران بودند و همواره فرودگاههای تازه در جوار مرزهای ایران میساختند و برفع نواقص خطوط مواصلاتی و تأسیس خطوط مخابراتی و مصادره و اجاره وسایل حمل و نقل زمینی و آبی و جمع آوری بنزین و روغن و خواربار و غیره می پرداختند رادیوهای لندن و مسکو نیز معاذیر ساختگی را اعلام میکردند باینکه جای تردیدی در قصد مهاجمه دول مزبور بایران باقی نمانده است و طبق گزارشهای مبرهن و مرتبی که از تمام پادگانهای مرزهای زمینی و دریائی میرسید قطعی بود که این دودولت بیطرفی ایران را بهیچ شمرده و ارزشی برای آن قائل نیستند و بزودی از هر سو بکشور عزیز ما حمله بسیار شدید و آتشنزائی خواهند کرد معیناً اقداماتی از طرف مرکز برای درک این قضایا بعمل نیامد و وزارت خارجه سرعت عملی بخرج نداد و دولت وسایل دفاعی در مقابل وقایع مدهشی که او را بنا بودی تهدید میکرد نیندیشید کاملاً به اعلان بیطرفی خود و روابط دوستانه همسایگان و تبلیغات سحر آسائی که در رفع القاء شبهه دوستی خود بما میکردند مستظهر بود.

ناگهان در ساعت ۴ بعد از نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ بدو با آبادان و تقریباً بفاصله ۲۰ دقیقه بعد از آن بخرمشهر غفلتاً از طرف ناوهای جنگی انگلستان بنیروی دریائی وزمینی ایران حمله میشود.

آمار نیروهای انگلستان عبارت بود از: ۲ الی ۳ لشکر موتوریزه که عده آنان در بصره و تنومه استقرار داشتند و بعلاوه تعداد کافی زره پوش و توپهای کالیبر بزرگ و ۱۵۰ هواپیمای اکتشافی و بمباران در فرودگاههای مارکیل و شعبیه و فاو با عده مزبور بوده است.

نیروی دریائی مهاجم عبارت بود از ۲ ناو توپدار ۱۲۰۰ تنی با يك دسته مسلسل ضد هوائی ۱ ناو توپدار ۱۰۶۰ تنی و يك دسته مسلسل ضد هوائی ۳ ناوچه با تجهیزات و ۲ ناو ۶۰۰ تنی با يك دسته مسلسل ضد هوائی ۷ کرجی موتوری مسلح مخصوص گشت شبانه در شط العرب .  
 ۲ رزم ناو ۷ هزار تنی بنام کنیملیویارا - يك کشتی فرماندهی و چند يدك شناور مین جمع کن .  
 نیرو های ایران عبارت بود از : تمام بحریه ایران که شرح آن در سازمان دریائی داده شد و فرماندهی آن با دریا دار با یندر بوده است .

و نیرو های زمینی منطقه ( آبادان و پل نو )

جریان حوادث جنگی وارده بر نیرو های هنگ آبادان - گردان پل نو - نیرو های مرزی معابر خرمشهر - گروهانهای قصبه و خسرو آباد گروهان ۷ بریم و گروهانها و نیرو های هائی بواره و جیرفت بقدری بر داستان واسف انگیز است که مخصوصاً از لحاظ شهامت سربازان ایرانی باید در اطراف آن کتابها نگاشته شود قبلاً فرماندهی نیرو های زمینی بعهد سرهنگ نخجوان بوده است ولی بعداً طبق پیشنهاد فرمانده لشکر ۶ بعهد فرمانده نیروی دریائی یعنی در یادار با یندر محول و سرهنگ نخجوان بمعاونت ایشان منصوب میگردد .

ابتدا از طرف کشتی لورنس و کشتیهای جنگی انگلیس در آبادان دو مو شك سبز رنگ که در حقیقت اعلان خطر بود بهوا رفت در همان لحظه چراغهای برق مؤسسات شرکت نفت خاموش شد و تلفونهای بادگان ایران در آبادان که از سیم های شرکت نفت استفاده مینمود از کار افتاد و ارتباط بادگان باتمام نقاط و با مرکز لشکر در اهواز قطع گردید و این عامل بسیار مهمی برای برهم خوردگی و مدمم انتظام گردید زیرا هیچگونه گزارش تلفنی یا تلگرافی یا بیسیمی از فرمانده نیروی دریائی جنوب و یا فرمانده نیروی پیاده نرسید .

از چندی پیش عده کثیری سرباز هندی بعنوان کارگر از طرف مهاجم با آ بادان و نقاط دیگر وارد گردید و در ( بار های ) بسته شرکت نفت که هیچوقت کنترل نمیشد مقدار بسیار زیادی اسلحه وارد گردید در میان کارمندان انگلیسی شرکت عده افسر وجود داشت که دز لباس معمولی کار میکردند - بعداً نیز معلوم شد در ساختمان ( جنرال افیس ) و کار خانه هندیها و گساراژ بریم مسلسل و در اغلب عمارات قبلاً تفنگچی وجود داشت که عده های مدافع ارتش و واحد هائیکه برای تقویت اعزام میشدند از عقب آنها را هدف گلوله قرار میدادند و قبل از رسیدن بمقصد از بین میبردند .

ساعت ۴ بعد از نصف شب بناگهان با شلیک توپخانه حمله نیروی مهاجم آغاز میگردد سر نوشت ناو پلنگ مأمور پاسداری پالشگاه شرکت نفت انگلیس - ناگهان صدای غریو توپ از يك ناو انگلیسی که در ۲۰۰ متری ناو پلنگ متوقف بود بلند شده و يك گلوله در بالای ناو پلنگ متلاشی و باره های آن افراد را که در روی پل فرماندهی مشغول ورزش روزانه بودند مجروح میسازد .

ناخدا ۳ میلانیان فرمانده ناو بلا درنگ بافسران و افراد دستور میدهد در محل های جنگی خود آماده باشند و بدین فرمان توپچیان مشغول برداشتن روپوش توپها که مدتی وقت آنها را تلف میکنند و همچنین بیرون آوردن فشنگ و حاضر ساختن مسلسلها میگردد .

بناگاه يك دفعه تمام صحنه ناو روشن شد و يك رگبار شدید مسلسل ناو پلنگ را با آتش

خود احاطه مینماید این آتشها بعدی سخت و جان گداز بود که در همان لحظه اول قدرت هر عملی را از افسران و افراد سلب و اغلب کشته یا زخمی میشوند.

در این بین هواپیماهای دشمن در اوج کمی با بمب و مسلسل بنا و پلنگ حمله ور میگرددند و قسمت فوقانی پل فرماندهی که محل مسلسلها بود مشتعل میشود و آتش بگلوله‌های توپ و فشنگهای مسلسل سرایت میکند در نتیجه انفجار مدهشی رخ میدهد از طرفی گلوله‌های رسام دشمن هدفها را نمایان ساخته بشدت و تأثیر آتش کمک میکند بطوریکه مجال هر گونه عملی از کف باقی مانده کارکنان ناو خارج شده دیگر قادر باستفاده از وسائل جنگی خود نمیگردند.

ناخدا ۳ میلانیا تا آخرین دقیقه با شهامت و مردانگی افراد خود را تشجیع مینمود و سر انجام در اثر اصابت چندین گلوله و پاره‌های خمپاره به پا و شکم و خارج شدن خون بتدریج ضعف بر او مستولی میگردد ولی هیچگاه بفرار خروج از ناو و رها ساختن پست فرماندهی خود نمی افتد اما چه سود که منظره فجیع اطراف رشته امید او را بکلی قطع میکند از طرفی مشاهده میکند ناویان یکم ریاضی مقتول گردیده و ناو پلنگ در اثر ضربت یک گلوله توپ سوراخ و بماشین خانه آب نفوذ مینماید ناچار فرمان میدهد هر کس برای نجات خود اقدام نماید چند لحظه بفرق شدن بیشتر باقی نبود که چند نفر از باقیمانده افراد ناو پلنگ جسد ریاضی و کهنموئی و سایر کشتگان و مجروحین را از ناو خارج و در روی اسکله قرار دادند کهنموئی افسر جوان پر حرارت و غیوری بود که بیش از همه از این غفلت گیری و حمله ناگهانی خشمگین بود و با شجاعت بینظیری تا آخرین دقیقه در پست خود میجنگید سر انجام یک گلوله توپ شکم و پرا متلاشی کرد ناو پلنگ مانند افسران و افراد باوفا و دلیر و فداکار خود در اعماق آبهای شطالعرب غرق شد. **و با عظمت و جلال بقر دریاها فرو رفت برای آخرین مرتبه در حالیکه کلمه مقدس ایران را مخابره می نمود چنین می گفت.**

ای فرزندانیکه در روی این فلات وسیع و رفیع که در قلب جهان گسترده شده است زندگانی میکنید ما بقر بانگاه جاودانی عشق رقتیم آب از سر حدیث آرزومندی ما در گذشت ولی وظایف بسیاری بر عهده شما محول ساختیم اگر میخواهید مانند ما در بهشت افتخار وارد شوید باید در راه ایران نقد جان را ببازید یا پیروز شوید یا بهترین مردن ها را که مرگ بر روی سپر و نوشیدن شربت گوارای شهادت است و هزار مرتبه بهتر از مردن بگمنامی و زبونی است استقبال کنید.

ما دین خود را با تحصیل بهترین درجات افتخار ادا کردیم ...

ای آب عظیم زمانی ما بر تو حکمفرمایی میکردیم اکنون تومارا در آغوش خود بگیر ...

ناخدا ۳ میلانیا در بهداری ارتش بر اثر جراحات وارده فوت نمود و بدین ترتیب تمام افسران پلنگ بجز ستوان ۳ وهاب زادگان که در مرخصی بود شهید شدند و از مهنویان و ملوانان نیز بیش از چند تن باقی نماندند.

پس از چند روز هنگامیکه فرمانده ناوانگلیس بدین بیمارستان آبادان میرود از مهنوی رفیعی سؤال میکند بچه علت گاهی بامسلسل و توپهای خود قرآور لروی میکردید و چرا در مقابل شلیک توپهای

ما ناو پلنگ جواب نداد مهناوی مزبور پاسخ میدهد از موقعیکه بنگاههای نفت بحرین بمباران شد مأمور شدیم باآبادان بیاتیم تا اگر احیاناً هواپیما های خارجی بمنابع نفت آبادان حمله نمایند بنفع شرکت شما دفاع کنیم و هیچوقت تصور ابراز دشمنی و خصومت از طرف شما نمی کردیم حمله شما بقدری ناگهانی و آتش هواپیماها و توپخانه و مسلسلها بجندی شدید بود که در همان وحله اول افسران و ملوانان ما کشته و یا بکلی از کار افتادند و مجالی برای ما باقی نماند .

### ناوهای کرکس و شهباز و حمله ناگهانی بندر شاهپور (۳ شهریور)

ناوهای مهاجم بسرعت بسوی آنها پیش آمده در تاریکی و وجود مه از فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ متری ناگهان دیده شدند و این فاصله را هم در مدتی کمتر از ۳۰ ثانیه پیموده با ضربه شدیدی ناو شهباز را که چسبیده به ناو کرکس بود پهلو گرفتند بلا فاصله بدون اینکه افسران و ناویان بتوانند عملی ابراز کنند تحت حمایت آتش مسلسلها ۱۵۰ نفر سرباز مسلح به ناوها وارد و بادسته های ۱۰ - ۱۲ نفر در ظرف چند ثانیه تمام نقاط مهم ناو و منجمله توپها و اسلحه و مهمات و مخزن نفت و غیره را مثل آنکه قبلاً از محل آنها اطلاع دارند اشغال نمودند عده ای هم از سربازان مهاجم بدستگیر ساختن افسران و افراد مشغول شدند - اشغال و تصرف دو ناو مزبور یکمرتبه و در اقل مدت متصوره انجام یافت .

سروان رسائی گزارش میدهد يك نفر افسر انگلیسی چنین اظهار نمود ( ما ممکن نبود این راه را بتوانیم بدون راهنما به بیاتیم ما با استفاده از يدك کشتیهای شرکت نفت آبادان و راهنمایی خود ایرانیان توانستیم خط سیر ناوهای خود را پیدا کرده خور موسی را طی نمائیم روشن بودن چراغهای خور نیز بما کمک کرد در نتیجه در ساعت پیش بینی شده توانستیم بدون کوچکترین خطر در چند متری ناوهای ایران برسیم )

تمام جدیت مهاجمین این بود که بندر شاهپور را با ناوهای ایرانی و کشتیهای پناهنده آلمانی و ایتالیائی باآبهای ایران را صحیح و سالم بدست آورند و برای پیشرفت کار خود قبلاً نقشه های مرتب و وسیعی را طرح کرده بودند که عیناً اجرا شده است - در همان لحظه اول دو کشتی آلمان را اشغال نمودند کشتی سوم آلمانی موفق شد قبل از آنکه بدست دشمن بیافتد با سرعت موتورهای خود را منهدم سازد کارکنان کشتی چهارم آلمانی که در عقب ناو شهباز و کرکس لنگر انداخته بود فوراً خود را آتش زده و غرق نمود .

کشتیهای ایتالیائی که دورتر از سایرین لنگر انداخته بودند اگرچه موفق بفرق خود نمیشوند ولی با تخریب موتورها تاملاتی آنها را از حیز انتفاع خارج میسازد يك کشتی آلمانی هم به گل زده میشود .

**غرق ناو ببر و حمله به خر مشهر .**

فرمانده نیروی دریائی خر مشهر ناو سروان آهین بمحض حمله ناگهانی نیروی مهاجم که تقریباً ۲۰ دقیقه بعد از حمله باآبادان شروع گردید برخاسته دستور میدهد افراد اسلحه بگیرند پس از چند دقیقه ۵۰ نفر از آنها را که مسلح شده بودند به سرپرستی ناوی سنگرگیر بمحل تلاقی کارون و شط العرب ( در محلی که مجسمه بود ) می فرستد که وضعیت شط را مراقبت نمایند ( از قرار معلوم این عده چون در آن موقع چیزی در آنجا مشاهده نمیکنند مراجعت مینمایند ) در این میان ناگاه ناو سروان زنده سرنگهبان نیروی دریائی با اتفاق ناخدا ۳۱ مشکین نفس باوحشت و عجله رسیده اظهار مینمایند تسریع نمائید زود زود به ناو دشمن تیر اندازی کنید . در این موقع ناو دشمن که در بالای ملتقای کارون



متوقف بود با نورا فکن خود محوطه سربازخانه و ناوها را که در کنار ساحل کارون مقابل سربازخانه لنگر انداخته بودند روشن نمود و بلافاصله ناو بپر را زیر آتش شدید توپخانه و مسلسل‌های خود قرار داد - ناو مزبور مشتعل گردید در این هنگام دریادار بایندر نیز بسربازخانه رسیده چون ناو بپر را بحال اشغال می‌بیند فوراً دستور میدهد در آتش‌نشانی آن اقدام و تامرجعت ایشان دست از مقاومت بر ندارند و به‌لاوه به‌ناویان یکم صفوی که در روی ناو شاهرخ بود دستور تیراندازی بطرف ناو دشمن میدهد دریادار بایندر پس از صدور دستورهای بالاسوار قایق شده با آنطرف کارون می‌رود در این بین به‌ناوسروان سراج و ستوان ۲ وظیفه دکتور رفیعی بر خورده بوسیله آنها بسرهنگک نخجوان فرمانده تیپ پیاده پیغام میدهد تا مراجعت ایشان باید قسمت‌های زمینی ایستادگی و مقاومت نمایند .

ناو مهاجم بنام یارا لایق‌قطع بطرف ناوها و سربازخانه مآتش‌فشانی کرده افراد واسلحه‌خانه در معرض آتش دشمن واقع می‌شود یارا وارد کارون گردیده بیش می‌آید ناخدا ۳ نقدی دستور میدهد نگذارند دشمن با بخشکی بگذارد .

افراد پیاده نیروی دریائی کم و بیش بطرف ناوهای دشمن تیر اندازی میکنند ولی تأثیری نمی‌بخشد ناخدا ۳ نقدی در ضمن انجام وظیفه و تشجیع افراد بمقاومت و یا فشاری متأسفانه غفلتاً هدف یکی از تیرهای مسلسل واقع شده می‌افتد او را به بیمارستان نیرو می‌برند با اینکه زخم این افسر مستلزم مراقبت عمل فوری بود تا از خطر مرگ رهایی یابد ولی چون رئیس بهداری و سایرین نبودند چندین روز بدون مراقبت و عمل باقی می‌ماند تا اینکه تب شدید که علامت مسمومیت خون بود عارض و درآبادان فوت مینماید .

در عقب ناو یارا ناو حامل افراد مهاجم وارد کارون می‌شود و شلیک شدید این ناو بسیاری از افراد نیروی دریائی را بظاک هلاک می‌اندازد دشمن با سرعت عجبیبی با کمک نارنجک و مسلسل هواپیما ها پیاده می‌شود و افراد نیروی دریائی را بکلی مستاصل می‌سازند در این ضمن از نخلستانهای عقب ابنیه نیروصدای تیر بلند می‌شود معلوم می‌گردد عده‌ای از عقب نیز به نیروی دریائی حمله نموده‌اند . طبق گزارش ناوسروان آهین در پست امنیه بهر جا که تلفن شد قطع بود جواب ندادند . هنگامیکه دریادار بایندر با اتومبیل بسمت بی‌سیم کشوری میرفت و سروان مگری نژاد فرمانده قسمت توپخانه نیز با او بوده است زره پوشهای دشمن را می‌بیند که آتشبار حفار بسمت آنها تیر اندازی می‌نمایند ناوسروان مزبور از کارون عبور نموده خود را بحفار میرساند .

منظور از رفتن دریادار بایندر بسمت میدان بی‌سیم برای سرکشی بواحدهای پل نو و گزارش شرح وقایع بمقامات عالیه بوده است ولی بناگاه در نزدیک ابنیه بی‌سیم خود را در مقابل زره پوشهای مهاجم که از پل نو و پشت نخلستانها ظاهر میشوند می‌بیند و در موقعیکه با سروان مگری نژاد از اتومبیل خارج میگردد اند ناگهان بطرف آنها شلیک شده هر دو شهید میشوند در هر حال روز بعد از این واقعه انگلیسها باتشریفات نظامی و باحضور افسران و افراد ایرانی که اسیر بودند جسد او را در نزدیکی مجسمه بظاک می‌سپارند .

عبور عده دشمن از روز چهارم شهریور در مقابل مارد کارون شروع و چندین روز ادامه داشت . افرادی که از نیروی زمینی و دریائی خرمشهر و آبادان بسمت اهواز عزیمت نمودند در حدود ۹۰۰ نفر بودند ولی بیش از ۲۷۰ نفر آنها باهواز نمیرسند عده بواسطه تشنگی در راه جان میسپارند

عده هم برای بدست آوردن آب و نان با طراف متواری میگردند و عده را هم اعراب وحشی بطعم ربودن تفنگ و فشنگ بقتل میرسانند.

قوای مهاجم پس از تصرف نیروی دریائی آنچه تفنگ و فشنگ و وسائل جنگی در سربازخانه و انبارها و ناوها بود میبرند.

ناو بیر نیز آتش گرفته و غرق شد - فرمانده این ناو در مرخصی تهران بود و افسران آن هم با عده از افراد برای تیراندازی قبل از ساعت حمله از ناو خارج شده بودند.

ناو بلنگ هم بطوریکه گفتیم غرق شد - **ناوشهباز** که مأمور حفاظت بندر شاهپور بود بواسطه لطمه که به پروانه و سایر قسمتهای آن وارد آمد بکلی از حیز انتفاع خارج گردید - **بقیه ناوها را نیروی مهاجم برد** - یعنی کرکس . های . سیمرغ . شاهرخ . و کشتی یدک بر و کشتی های پناهنده آلمانی و ایتالیائی و غیره افسران زیران نیروی دریائی جنوب شهید شده اند - دریادار بایندر - ناخدا ۳ نقدی - ناخدا ۳ میلانیان - ناوبان یک کهنه‌نومی - ناوبان یک ریاضی - ناوبان یک هریسچی ناو سروان بایندر (که مأمور نیروی دریائی شمال بود در موقع بمباران هوائی کشته میشود).

باین ترتیب قبل از ظهر سوم شهریور ۱۳۲۰ اثری از نیروی دریائی ایران باقی نماند آنچه تأسیسات و تشکیلات که باهزینه هنگفت و خون دل تهیه شده بود و بقای آن منتهای آمال و آرزوی ایرانیان بود از بین رفت.

نیروی دریائی خاصه ناوهای بیر و بلنگ بجزایر هنگام و قشم و سایر بنا در جنوبی ایران سرکشی میگردند اعراب سکنه ساحلها خاصه قاجاقچیان از آمد و رفت این کشتیها در خلیج فارس فوق العاده خائف و بیمناک بودند بمالوه از نظر پرورش فکر دریا نوردی و روحیه بحر پیمائی اثرات بسیار شگفتی در پرورش نبوغ و دهاء و برتری ایرانیان داشت.

ولی در این جایگه نکته راجع بنبروی مهاجم باید گفته شود آنها با این خبرگان نظامی که داشتند و میدانستند که میتوانند فوراً نیروهای خود را پیاده کرده و ناوها را تصرف کنند و شاید با مقاومت مهمی هم روبرو نخواهند شد و با اینکه قبلاً از طریق شرکت نفت تمام مواضع را اشغال و از همه طرف وسایل پیشرفت خود را فراهم کرده بودند و حتی بعداً رادیوها و وسایل تبلیغاتی آنها اقرار کرد که همه گونه تدابیر را در برابر مقاومت احتمالی ایران اندیشیده و از هندوستان نیز قوای معظمی در مرزهای خاوری ایران تمرکز داده بودند.

با این اعتماد که بوضع خارق العاده نیروی خود داشتند چرا بحریه ایران را با ملوانان و ناویان جوان و افسران رشید فداکارش با فجع ترین وضع غافلگیر ناگهانی تلف و نابود کرده و در زیر آتش مسلسلها و توپها و بمباران و خمپاره های خود محو و خاکستر نمودند.

آیا این عمل یک عمل خصمانه ای نبود؟ تاریخ بشریت در آینده این فاجعه و بی عدالتی دول دموکراسی را کاملاً قضاوت و بررسی خواهد نمود - صدماتی که در وقایع شهریور بر اثر توقف نیروهای بیگانه در شمال و جنوب باین ملت وارد آمد و در هیچگونه مزایای بعدی سودی بهره ما نشد بقدری زیاد و خارج از حد و فزون از شمار است که هیچ مورخی یارای شرح آنها ندارد.

جدول

نیروی دریائی ایران بلافاصله پس از شهریور ۱۳۲۰ یعنی در اوایل مهر منحل شد ولی از آنجائیکه هیچ آتشی که از سرچشمه ایمان و عشق بوطن پرستی افسران ایرانی مایه میگردد خاموش نمیکردد بهمت افسران با شهامت نیروی دریائی ایران مجدداً در آذر ۱۳۲۵ تشکیل و تأسیس یافت ۴ ناو ۳۶۰ تنی را که انگلیسیان برده بودند بنا بمتعقب ارتش ایران سه عدد آنها را در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ مسترد داشتند و ناو کرکس را ادعا کرده اند که بمصرف تعمیر و مرمت و لوازم یدکی ۳ ناو دیگر قطعه قطعه و خراب کردند در صورتیکه بعضی از مطلعین اظهار عقیده میکنند ممکن است در جنگم غرق شده باشد ناوهای شهباز و سیمرخ و شاهرخ فعلاً در تحت اختیار نیروی دریائی ایران است ولی این ناوها در ابتدا ۲ توپ ۷۶ دریائی ساخت کارخانه آنسالد و ایتالیا داشتند و الان با یک توپ ۷۵ کانادائی تحویل داده شده اند و بعلاوه بسیار فرسوده شده اند زیرا علاوه بر کثرت کاریکه در جنگ از آنها گرفته اند اساساً این ناوها دوره خدمت خود را تمام کرده در ۱۰ ساخته شده در سال ۱۸ دوره ضمانت آنها طبق تعهد کارخانه تمام شده است معیناً اکنون از آنها استفاده شایانی در خلیج میشود. تقریباً در حدود ۵۰۰ نفر از نیروی دریائی جنوب در وقایع شهریور تلف شده اند.

ناوچه های شمال را هم روسها بردند و اخیراً مسترد داشتند اکنون ۴ ناوچه در شمال بعلاوه ناوهای جنوب و یک یدک بر بندر شاهپور نیروی دریائی ما را تشکیل میدهد ناوهما بطور مایل غیر استفاده افتاده و شاهین را هم در نزدیکی حفار غرق کردند گاهی که آب کم میشود دودکش آن پیدا است فرمانده کل نیروی دریائی جنوب ناخدا یکم ظلی و فرمانده شمال ناخدا یکم دفتری و رئیس دایره امور دریائی ستاد ارتش ناخدا یکم بایندر میباشند.

ما ایرانیها دگر باره نیروی دریائی خود را شگرف تر و وسیع تر عظیم تر و صدها برا بر فزونتر و با ابهت تر از پیش ایجاد خواهیم نمود و بر اقیانوسهای جهان کشتی خواهیم راند کشتی های بازرگانی ما در پناه ناوهای جنگی و زره دارهای دریائی ما و ناوشکن ها وزیر دریائیهای ما صادرات ثمین و محصولات گهرین ما را بجهانیان عرضه خواهند نمود و ثروت های دنیا را برای ما خواهند آورد ما در راه عظمت ایران فاجعه های وارده گذشته خود را تحمل خواهیم نمود ما با نیروی پرشرری که در نهاد هر یک فرد فرد ایرانی نهفته و مانند آتش فشان خاموشی منتظر فوران است جبران گذشته را با فداکاریهای حماسه خواهیم نمود جاویدان مانی ای ایران کبیر و سراسر معدلت آسیا. پاینده باشید ای ملت قاهر و توانا

این است همان ایوان کز نقش رخ مردم  
 این است همان درگه کاو را ز شهبان بودی  
 پندار همان عهد است از دیده فکر ت بین  
 در او بودی دیوار نگارستان  
 دیلم ملک بابل هندو شه تر کستان  
 در سلسله در گه در کوکبه میدان

## جلد دوم

از وقایع شهر یور ماه ۱۳۲۰ تا شهریور ۱۳۲۶

و تاریخ یکساله خونین آذربایجان

# فصل پانزدهم

شب زنگی و تیره سوم شهر یور

شبی چون شبه روی شسته بقیر	نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر
دگرگونه آرایشی کرد ماه	بسپج گذر کرد بر پیشگاه
شده تیره اندر سرای دورنگ	میان کرده بار یکدل کرده تنگ
ز تاجش سه بهره شده لاجورد	سپرده هوا را به زنگار و گرد
سپاه شب تیره بر دشت و راغ	یکی فرش گسترده چون پر زاغ
چو پولاد زنگار خورده سپهر	تو گفתי بقیر اندر اندوده چهر
نمودم ز هر سو بچشم اهرمن	چو مار سه باز کرده دهن
هر آنکه که برزد یکی باد سرد	چو زنگی برانگیخت زانگشت گرد
چنان گشت باغ و لب جویبار	کجا موج خیزد ز دریای قار
فرو مانده گردون گردان بجای	شده سست خورشید رادست و پای

شب سوم حوت ۱۲۹۹ برای تاریخ درخشان ایران شبی بود شب سوم شهر یور ۱۳۲۰ نیز برای سپاه پوشان تاریخ ما شبی . . . . ما کشور بیطرفی بودیم مقررات بیطرفی ما را متفقین نقض کردند بدون اینکه ارتش ما حاضر بچنگ باشد و بدون هیچگونه علائم و مقرراتی بر علیه دوستی ناگهانی چهار ساعت بعد از نیمه شب این شب منحوس دو کشور قوی پنجه که با آلمان فاشیست می جنگیدند و همان دو کشوری که با کمک ما آلمان هیتلری نازیسم را از پای در آوردند با سپاه بی آمار و شمار غدار خود از دوسو بر ما کوفتند و شهرهای بی دفاع ما را آماج بمبهای آتش زای آخرین اختراع خود نمودند ملت ما را زیر آتش بیدریغ خود سوختند و کشور ما را که بر اثر سیاستهای شرقی ویران بود ویرانه تر کردند مانند مور و ملخ سپاهیان مجهز



آنان از تمام مرزهای شمالی و جنوبی بخاک ما ریختند و مردم ما را بخاک و خون کشیدند صدمات و لطمات بی حد و حصری و بی شمار و حسابی بر سر ما وارد ساختند قحط و غلاء و فقر و بلا بر ما روا داشتند کردند آنچه را که بادشمنان خود میکردند روزان و شبان متمادی نیروهای جرار و بی‌عداد و آمارشان از مرزهای دریائی از راههای خشکی با هوا پیمای و باراه آهن و با کشتیها با انواع وسایل از هر سو بنا گهان بکشور ما هجوم آوردند نیروی دریائی ما را در حمله اول بفاصله چند دقیقه با نفرات ناویان ما بقعر دریاها سرنگون ساختند و آتش شرببار سلاحهای مخوف بر رخ نفرات و افسران ما باریدند و شهداء زیادی از کسانی که آمال و آرزوهای بسیاری در راه عظمت ایران درس می‌پرووراندند بتاریخ مادادند. تاریخ این فاجعه عظمی و فاجعه‌های بعدی آنرا هیچگاه از یاد نخواهد برد و عالم بشریت و ابدیت این جهان در ستارگان خود نقش این وقایع خونین را ضبط ساخته است میتوان روزی تمام میدان این قتالهارا از اختران آسمان فیلمبرداری نمود و برای یادبود و یادگار تمدن دموکراسی غربی در روزگاری که بهبودی حیات جایگزین ناهنجاریهای امروزی خواهد شد برای عبرت بینندگان متمدن و اخلاقی آینده نو بمعرض نمایش گذاشت.

مردم باشهامت و سلحشور کشور ما مخصوصاً افراد و نفرات سربازان و افسران ارتش شاهنشاهی ما همه باید غیرت و همت و شجاعت بی نظیری نسبت باین مهاجمه بطوری عصبانی بودند که اگر اراده زمامداران بجمع آنها تعلق میگرفت و فرمان دفاع و جهاد صادر میگردد با وضع طبیعی که کشور ما از لحاظ مدافعه داشت و شرح آنرا در فصول مقدمه و جغرافیائی این تاریخ داده ایم ممکن بود نیروهای مهاجم را ماهها و مدتها با همین فقر و وسایل دفاعی که داشتیم در بیابانها و غار کوهستانها سرگردان و عاطل و باطل بگذارند و تلفات سنگین و مدهشی بدشمن وارد سازند.

برای اینکه احساسات ملت ایران تشریح شود این اعلامیه که حاوی مطالب مهمی است و از طرف ستاد ارتش صادر گردیده بود برای جمله‌ای که در آخر دارد ضبط در این تاریخ میگردد.

۱ - ساعت ۴ روز سوم شهریورماه ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار دادند.

۲ - شهرهای تبریز - اردبیل - رضایه - خوی - اهر - میاندوآب - ماکو - مهاباد - بناب - رشت - حسن کیاده - میانه - اهواز - و بندر پهلوی مورد بمباران هوایی واقع و تلفات وارده نسبت به مردم غیر نظامی زیاد و نسبت بنظامیان با وجودیکه سربازخانه‌ها را بمباران می نمودند معذک تلفات نسبتاً کم بوده است .

یک هوایمای مهاجم در ناحیه تبریز در نتیجه تیر اندازی توپخانه ضد هوایی سرنگون شده است .

۳ - نیروی موتوریزه و مکانیزه شوروی در محور جلفا - مرنند - پل دشت - ماکو - قره ضیاءالدین و نیروی موتوریزه و مکانیزه ارتش انگلیس در محور خانقین - قصر شیرین - نفت خانه گیلان - آبادان - بندر شاهیپور - قصر شیخ بتعرض پرداخته اند .

۴ - نیروی دریائی شوروی در کرانه های دریای خزر و نیروی دریائی انگلیس در بندر شاهیپور و خرمشهر تعرض نمودند .

۵ - واحدهای ارتش شاهنشاهی که غافلگیر شده اند در حدود امکان باستقبال آنها شتافتند و در نقاط مختلف با آنها تماس حاصل نموده و بدفاع پرداخته اند دو ارباب زره پوش مهاجم در منطقه باختر مورد اصابت و از کار افتاده و پیشروی مهاجمین را متوقف ساخته اند .

۶ - در کلبه مناطق شمالی و باختری روحیه اهالی بسیار خوب و عموماً تقاضای دخول در صفوف ارتش و حرکت بجهه‌ها برای دفاع از میهن مینمایند . آری روحیه اهالی تمام نقاط کشور ایران برای دفاع از میهن خوب بود .

در تهران از روز اول شهریور رایحه مخوف و مهنجوسی استشمام میشد ملت ایران پیر و برنا در صدد بودند اگر کوچکترین اتفاقی بر علیه استقلال میهن رخ دهد سر و جان خویش را نثار نموده در راه میهن جانبازی و فداکاری نمایند شبی که افسران جدید از دانشکده افسری بمنازل خود شتافته خویش را هه‌بای حرکت بسوی جبهه های جنگ مینمودند یکی از افسران وظیفه در (وقایع شهریور) نقل میکنند .

سوار درشکه شده بسمت منزل میرفتیم در بین راه با رفیق خویش که داخل درشکه بود صحبت نموده میگفتم صبح زود با آنکه خانه ام دور افتاده از شهر است از کجا درشکه پیدا کنم که اناثه‌ها مرا براه آهن برسانم .

سحر هنوز از خواب بیدار نشده بودم که صدای در از خواب بیدارم کرد برادر کوچکم رفت به بیدند کیست آمد گفت داداش درشکه چی آمده و چمدانها را میخواهد تعجب نموده شخصاً بیرون آمدم من درشکه نخواسته بودم این از کجا آمده است معلوم شد این همان درشکه چی دیشب است صحبت ما را شنیده اکنون

آمده است بمحض اینکه مرا دید گفت سرکار من از دیشب تا بحالا نخوابیده‌ام که مبادا خوابم ببرد و شما در زحمت بیفتید.

درشکه چی میهن پرست بسهم خود از این راه خدمت نموده با خوشروئی ائانه را داخل درشکه گذارد و باشش نفر اهل خانه مارا بایستگاه رساند. منم برای این محبت او صد ریال خواستم انعام دهم پائین آمده دستم را بوسید و گفت بگذارید تا منم از اینراه بوطن خود خدمتی کرده باشم.

هرچه اصرار کردم پول نگرفت درشکه خود را بدست یکی از باربران سپرده چمدان مرا تا پای قطار آورد هنگام حرکت میدیدم درشکه چی مانند اینکه یکی از فرزندان خود را روانه جبهه میسازد بغض گلویش را گرفته اشک از دید گانش سرازیر کرده بود - عبرت بگیرید عبرت بگیرید از آمادگی دفاع هم میهنان خود در مورد دیگر.

اتوبوسها بمحض اینکه افسری را با اسباب سفر مشاهده میکردند خارج از ایستگاه بدون آنکه اودست بلند کند توقف کرده شاگرد شوفرها دوان دوان اسباب و تختخواب سفری و لوازم افسررا با محبت بی نظیر و سرعت فوق العاده بالای اتوبوس جای داده و افسررا سوار میکردند همینکه بیاعشاه میرسیدند پول میدادند علاوه براینکه شوفرها قبول نمیکردند شاگرد شوفرها با خوشروئی و سرعت مفرشرا تا محوطه گروهان میرسائیدند.

اتومبیل‌های سواری همینکه سربازی را در دل شب یا در روز دوان دوان بطرف لشگرها مشاهده میکردند توقف کرده اورا سوار نموده بسرعت بمقصد میرسائیدند و انواع محبت را مرعی می داشتند.

مغازها و دکا کین در آنروزها حداقل تخفیف را نسبت بلوازم سفر افسران مراعات نموده و از خود گذشتگی بی نظیری نشان میدادند.

علاوه برلشگرهای ۱ و ۲ که فرماندهی اولی با سرلشگر بوذرجمهری و دومی با سرلشگر نقدی بود و مأمور یادگان تهران بودند ۱۱ لشگر در صحنه عملیات با نیروهای مهاجم خارجی تماس داشتند و فرماندهان آنان بدین قرار بودند.

۱ - لشگر ۳ تبریز بفرماندهی سرلشگر مطبوعی ۲ - لشگر ۴ رضائیه بفرماندهی سرلشگر معینی ۳ - لشگر ۵ کردستان بفرماندهی سرلشگر مقدم ۴ - لشگر ۶ خوزستان بفرماندهی سرلشگر شاه بختی ۵ - لشگر ۹ خراسان بفرماندهی سرلشگر محتشمی ۶ - لشگر ۱۰ گرگان بکفالت فرماندهی سرهنگ معتمدی ۷ - لشگر ۱۱ گیلان بفرماندهی سرتیب قدر ۸ - لشگر ۱۲ کرمانشاه بفرماندهی سرتیب یوریا ۹ - لشگر ۱۵ اردبیل بفرماندهی

سرتیپ قادری ۱۰ - لشکر ۱۷ خوی ( تحت نظر تیمسار سرلشکر معینی فرمانده لشکر رضائیه )  
 ۱۱ - لشکر ۱۸ تربت جام بفرماندهی سرهنگ سرتیپی .

**آرماد کارل میگوید** « هرملتی که خواه بواسطه عدم مساعدت بخت خواه بمناسبت کثرت عده دشمنان منلوب شده باشد اگر احساس درد شکست خود را حفظ کند و متأثر باشد همواره بزرگ و قوی پایدار میماند ولی اگر این احساس را فراموش کند یا بآن درد عادت کند و دیگر از آن متألم نگردد تا ابد تلف شده است . »

ما ایرانیان نباید این درد والمی که برای ما پیش آمده است هیچگاه فراموش کنیم اگر چه در آن بیگناه و بی تقصیر بوده غافلگیر شده ایم .

چند روز قبل از شهریور ۱۳۲۰ که هیچگونه وقوع حادثه ای احساس نمیشد دانشجویان دانشکده افسری در اقدسیه گاهگاهی دورهم جمع شده با نگرانی اوضاع آینده را تفسیر مینمودند و بهم میگفتند اگر لازم باشد برای دفاع میهن همه نوع فداکاری خواهیم کرد .

ناگهان در ۲۶ مرداد بخشنامه ای شد که دانشجویان شمشیر و اپلت افسری را بکاربرداری دانشکده تحویل دهند زیرا حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاه فقید مقرر گردید جشن آنسال بسادگی برگزار گردد در عصر سه شنبه ۲۹ مرداد نیز مقرر گردید مراسم اعطای سردوشی افسران جدید در اقدسیه برگزار شود .

معلوم بود که چون جشن موقوف و یکماه مرخصی دانشجویان از بین رفته و بلافاصله بمأموریت خواهند رفت حوادثی پیش بینی شده است .

دو یادداشت که یکی در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ و دیگری در ۲۵ مردادماه ۱۳۲۰ از طرف متفقین شمالی و جنوبی تسلیم دولت ایران شده بود مرحله بن بست را خاطر نشان میساخت .

**۱۰۷۳ افسر:** در روز سه شنبه ۲۹ مرداد از دانشکده افسری ۱۰۷۳ افسر بارتش ایران داده شد اعلیحضرت فقید سعید در آنروز بسیار گرفته بنظر میرسید ۹۶۴ نفر افسر از دانشکده افسری و ۱۰۹ افسر از سایر آموزشگاههای مختلف ارتش و ۴۲ نفر افسران فارغ التحصیل دانشگاه جنگ نیز بافتخار شمول مراسم شاهنشاه سرفراز گردیدند اعلیحضرت فقید دریابان مراسم فرمودند . در اینموقع بشما دانشجویان دانشکده افسری که تحصیلات خود را در دانشکده تمام کرده و امروز باخذ گواهی نامه و یا عبارت دیگر فرمان افسری نائل میشوید تبریک میگویم .

امیدوارم در آینده بواسطه حسن خدمت و انجام وظیفه بدرجات بالاتر و بمقام عالیتر نائل شوید - شاید بعضی ها پیش خودشان تصور کنند که امسال از یکماه مرخصی معمولی دانشکده محروم شده اند ولی البته بعد که علل و جهات آنرا فهمیدند تصور میکنند حس فداکاری آنان تحریک شود .

بیش از این لازم نیست توجه شما را بوظایف عمومی و موقعیت مخصوص امروز جلب کنم همینقدر میگویم لازم است ارتش و افسران ارتش با کمال توجه بجریان اوضاع علاقمند باشند و در موقع لزوم از هیچگونه فداکاری و جان بازی خودداری ننمایند پس از این نطق اسرار آمیز شاهنشاه فقید با اینکه بعد از ادای آن یکسر بسوی اتومبیل خود رفته و تقسیم جوایز بوالاحضرت ولیعهد



محول گردید همه فهمیدند وقایع وخیمی در شرف حدوث است يك نکته از این بیانات پیدا بود و آن این است که شاهنشاه نیز اعتماد به ارتش داشت زیرا فرمود بعد که علل وجهت آنرا فهمیدند تصور میکنم حس فداکاری آنان تحریک شود یعنی علاوه بر اینکه اگر از یکماه مرخصی مجرور مانده اند اهمیتی نخواهد داشت در راه وطن مجرور میتهای دیگری را نیز تحمل خواهند کرد. نتیجه چنین میشود اگر خیانت بعضی از سران ارتش که بعداً خود شاهنشاه هم آنها را مادام که در ایران بود بمجازات رسانید و هم چنین اگر خیانت بعضی از فرماندهان لشگرها مزید بر علت نمیگردید ارتش شاهنشاهی ایران چنانکه در وقایع آذربایجان بعداً امتحان دادسرافرازی خود را بعد کمال حفظ مینمود.

در مقابل آن فرماندهان خائن هنوز ارتش دارای فرماندهانی چون سپهبد یزدان پناه می باشد و بر امثال او که خوشبختانه زیاد هستند پشتیبانی داشته و می بالد.

بطوری که در این تاریخ قبلا تذکر داده شد مؤلف قصد ندارد مشروحاً وقایع شهر یور ۱۳۲۰ را در اینجا تذکر دهد زیرا این وقایع اگر چه قسمت اعظم آن بر نگارنده روشن شده و مدارک کامل آنرا بدست آورده ام ولی از لحاظ اینکه از منظور ما در این کتاب دور است آنرا در تألیف دیگری که در دست دارم انتشار خواهم داد ضمناً باید گفته شود شرح وقایع شهر یور بسیار مفصل و محتاج بشکاش چندین جلد کتاب است انشاءالله در آتیۀ نزدیکی بانتشار آن پس از يك کتاب دیگری که اکنون حاضر میباشد نائل خواهم شد.

خاصه اینکه پس از دوروز عملیات روز ۵ - ۶ - ۱۳۲۰ وضعیت عمومی ارتش در شهر یور بدین قرار بود و بلافاصله جریان متار که را پیش آورد.

در شمال غرب روسها وارد تبریز شدند و یکسر بطرف میانه حرکت کردند در نتیجه لشگر ۳ بطرف مراغه رفته لشگر ۱۵ هم پس از رسیدن روسها بمیانه در شمال ارتفاعات بز قوش باقیمانده و دور زده شده است و چون در تهران هم تصویب نشده عدهائی اعزام شود بنا بر این راه تهران بکلی از این طرف باز ماند.

در سمت خراسان روسها قوچان را گرفته لشگر مشهد بطرف تربت حیدریه رفت و راه مشهد - تهران نیز در دست شورویها افتاد و چون لشگر گرگان و گیلان هم بهیچوجه قادر بعملی نشدند مدافعی در وسط این راه نیز نبود.

لشگر ۴ شروع بعقب نشینی کرده لشگر ۱۲ هم که از موضع قلاحه که از بهترین مواضع بود عقب رفته در چهار زیر فقط عده احتیاط ماندند و این موضع هم در شرف درهم شکسته شدن قرار گرفت خوزستان نیز خود در وضعیت بدی دچار گردید زیرا از طرف مسجد سلیمان و هفت گل و همچنین از طرف شوش در فشار قرار گرفته و تقریباً در حال محاصره شدن بود.

پس از بررسی در اطراف این وضع کلی غافلگیری از طرف نیروهای مهاجم در ساعت ۱۲ روز ۵ - ۶ - ۱۳۲۰ باحضور کلیه وزراء در باشگاه افسران شورای دفاع ملی تشکیل گردید و تصمیم گرفته شد ترك مخاصمت شده فوری دستور صادر گردد ساعت ۲ بعد از ظهر این گزارش بعرض رسید اعلیحضرت فقید قبول نفرمودند دستور فرمودند لشگر ۳ متوجه قافلانکوه گردیده لااقل

دو هنگ پیاده فوراً حرکت دهند لشکر ۱۰ هم در خطی که پیشنهاد کرده بود برقرار شود ولی در ساعت ۱۸ ترک مخاصمت را تصویب فرمودند و اجازه صادر گردید فرماندهان ارتش با فرماندهان مقابل خود ارتباط حاصل کرده متار که بعمل آید :

زیرا آخرین گزارش سرلشکر مطبوعی که از خط مها باد و سنج رسیده بود تبریز اشغال و واحدهائی در آنجا باقی نمانده بود .

و سر تیپ قادری نیز گزارش داد موضع گردنه سقوط نموده ارتباط تلگرافی اردبیل و سراب هم قطع شده است در باختر واحدهای لشکر ۱۲ بطرف ارتفاعات قلاجه عقب نشینی و از گردنه یا طاق بطرف چهار زیر عقب نشینی نموده اند در خوزستان تعرض از بستان باعث احاطه اهواز و قوای آنجا شده در خراسان نیز فوجان تصرف و راه تهران باین ترتیب از دوسو باز و لشکرهای مرکز هم با این وضع نخواهند توانست جلو گیری نمایند و اگر بایستی اقدامی شود از لحاظ سیاسی اصلاح تراست .

بنا بر این شورای دفاع کشور در ساعت ۱۲ روزه شهریور ۱۳۲۰ در ستاد ارتش مرکب از هیئت دولت و ستاد جنگی و فرماندهان پادگان مرکز تشکیل و تصمیم گرفت چون مواضع دفاعی مهم بدست نیروهای بیگانه افتاده اوامر مقاومت ما فرض آنکه لشکرهای ۱ و ۲ مرکز برای آخرین وحله در حاشیه پایتخت دفاع نمایند هیچگونه فایده ای برای کشور شاهنشاهی نخواهد داشت بنا بر این ابلاغیه ترک مقاومت صادر و سفارتخانهها ابلاغ و احتمال داده شد از مذاکرات سیاسی که در جریان بود نتیجه بهتری بدست آید .

متأسفانه اگر چه پس از صدور این دستور کلیه فرماندهان برای اخذ ارتباط با مهاجمین مأمورین بجلو اعزام نمودند ستونهای انگلیسی با طرز بسیار خوب و منظمی نمایندگان را پذیرفته و داخل در مانا کرده شدند ولی روسها بعکس شروع به سختی و بدرفتاری نمودند . در ضمن ستونهای آنها هم از اطراف شروع به پیشرفت نموده مخصوصاً ستون زنجان بسرعت بطرف تهران حرکت نمود و این حرکت که بدون مانع بود تولید وحشت و اضطرابی در تهران کرد - کلیه اشخاصیکه دارای وسائل بودند از تهران خارج و بهرسو پراکنده گردیدند در این ضمن اشتباه جدیدی شد عده پیشنهاد کردند چون افراد ۳ لشکر پادگان مرکز که در خارج بودند بایستی مراعت کنند اگر وارد سر بازخانهها شوند ممکن است باعث اغتشاش گردند خوب است عده آنها را تقلیل داده و هر لشکر تا ۴ هزار نگهداری و بقیه مرخص شوند این دستور شورای ستاد جنگ فوراً به لشکرها ابلاغ شد فرماندهان لشکرها این حکم را بدون دقت و بدون توجه کور کورانه اجرا کردند و وضعیت عجیب و غریبی بوجود آمد افراد مرخص شده بالباسهای پاره منظره اسف آوری را در تهران فراهم آوردند در خارج شهر نفرت بسوی دههای خود با عجله رهسپار گردیدند . ستونهای طیلبلی از نفرت و سر بازان مرخص شده در راههای اطراف تهران دیده میشد در سر بازخانهها نیز اسلحههاییکه با خون دل ملت در ظرف ۲۰ سال تهیه شده بود در شهر و اطراف انبوه و ریخته شده بود لوازم بی صاحب و دو اب مدتی بی علیق ماندند .

روز ۸ شهریور بسیار اسف آور بود در قلعه مرغی هوانوردان که احساسات مبین یرستی داشتند مخالف ترک مخاصمت بودند در آنجا نیز اغتشاشات مهمی بوقوع پیوست که بر اثر تیراندازی و

بمباران و درضمن وجود چند طیاره روسی در آسمان تهران وضع درهم و پرتشویشی برای ساکنان پایتخت بوجود آورد. بعضی هوانوردان ایرانی شروع به بمباران نموده و چند هواپیمارا بیرواز درآوردند

هنگام غروب والا حضرت همایون ولایتعهد بیاشگاه افسران تشریف فرما گردیده دستورهائی صادر فرمودند و افسران ارشد از خارج شهر احضار شدند تا حدی رفیع نگرانی حاصل گردید ضمن اطلاع حاصل شده چند نفر از افسران دولشکر مرکز بانقرات خود که منجمله آنها سروان عباس فصیحی فرمانده گردان ۱ هنگ نادر و افسران گردان ستوان یکم اسکندر کریمی و ستوان یکم حسین کوشن و همچنین تیمسار سیهبدمیراحمدی درباشگاه افسران تا آخرین دقیق پستهای محوله خود را ترك نگفتند تا اوضاع بحال اول برگشت.

ارتش ایران در نخستین روزهای عملیات با يك روح پاك وارد كارزار شده بانجام وظیفه خود مبادرت ورزید با نداشتن وسایل کافی و فرماندهان جامع شرایط و اسلحه زرهی در مقابل دو حریف قویبنجه که بدون تردید دارای وسایل زرهی کافی بودند - بدون داشتن وسائل ضد آرایه با اینکه ایستادگی جنون محض بود معهذا احساسات بسیار درخشانی در اکثر قسمتها از ارتش ملاحظه و ابراز شد که در تاریخ شهادت و سلجشوری صفحات درخشانی را بدست آورده است. پس از صدور دستور متار که طبق مذاکرات مقرر گردید افراد در سر بازخانهها جمع و فرماندهان برای اخذ تماس با فرماندهان مجاور اقدام نمایند انگلیسها این عمل را با طرز بسیار خوب و مؤدبانه پذیرفتند و لسی روسها گذشته از آنکه جوابی ندادند بمبارانهای خود ادامه دادند در نتیجه سر بازخانههای مملو از افسران و سربازان آماج بمبها شد و تلفات بسیار وارد آمد بطوریکه در سر بازخانه رشت در نتیجه بمباران بیمورد ۳۰۰ نفر افراد در زیر خرابههای ابنهجان سپردند این وضع چنین نتیجه داد که افراد تصور کردند آنها را برای از بین بردن و نابودی جمع کردهاند و بملاوه فرماندهان روسی با خشونت با افسران رفتار کرده حتی بعضی را شلاق زدند و توهین نمودند و محبوس و دستگیر ساختند.

فرماندهان و افراد افسران در مقابل دوام و دو پیش آمد متضاد قرار گرفتند از یکطرف حکم مرکز مبنی بر ترك محاصمت و جمع شدن در سر بازخانهها و تسلیم شدن از طرف دیگر حرکات توهین آور - بمبارانهای دائمی این بود که يك مرتبه رشته نظم قسمتهای شمالی از هم گسیخته شد و کلیه اسلحه و مهمات را ریخته به کوهها و نواحی اطراف متواری و پراکنده شدند و این یگانه راه نجات و رویه منحصر بفرود هم بود.

با تمام این احوال در اکناف و اطراف و مرزهای کشور جوانان سلجشوری از ارتش شاهنشاهی ایران بعدی مردانه ایستادگی کرده کشتند و کشته شدند و در خاک و خون غلطیدند شطهای بچار را رنگین کرده بکام نهنکها و یا در دل خاک سیاه خفتند با دشمن جنگ کرده و خود را فدای مادر میهن کردند سینه پاك آنها مخزن اسرار و آرمانها و دلشان آکنده از احساسات ایران دوستی بود نمونه افراد دلیر فداکار ارتش ایران آنها هستند....

# فصل شانزدهم

بزرگی ارتشتاران فرمانده

اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی

نعت رحمت ایزدی را با شکر و سپاس ذوالجلالش بجای میآوریم که پرتو صفات ملکوتی خود را در وجود پیرسخت و جود شاهنشاه جوانبخت مادامیده مظهر بخشندگی و انعکاس تجلیات فروغ پر نور باری تعالی خود ساخته. و فروهر ملیت ما مقرر فرموده است جهان پناهی شاهی چون ماهی که براق همتش اوج کیوان را سپرده و شهاب صولتش دیو فتنه را سوزانده.

زهی شاه بلند اختر زهی خورشید روزافزون  
که از جان آفرین بادت هزاران آفرین بر جان  
زمین مأمور حکم تست ازو بیخ بدان بر کن  
جهان شش گوشه زان تست دروی شاخ نوبشان  
شهر یار کامکار رحیمی که از آتش غضب شکوفه رحمت و نر گس عفو میرویانند  
و از فرط همت مرتبت بر زوال آئین نیاکان اشک تحسر می فشاند.

ترا ایزد ز خاک و آب نرس شتست پنداری

که کرده است از تو هر عضوی ز فر و فضل دیگر سان

زبان از شکر و طبع از آب و روی از نور و لفظ از دُر

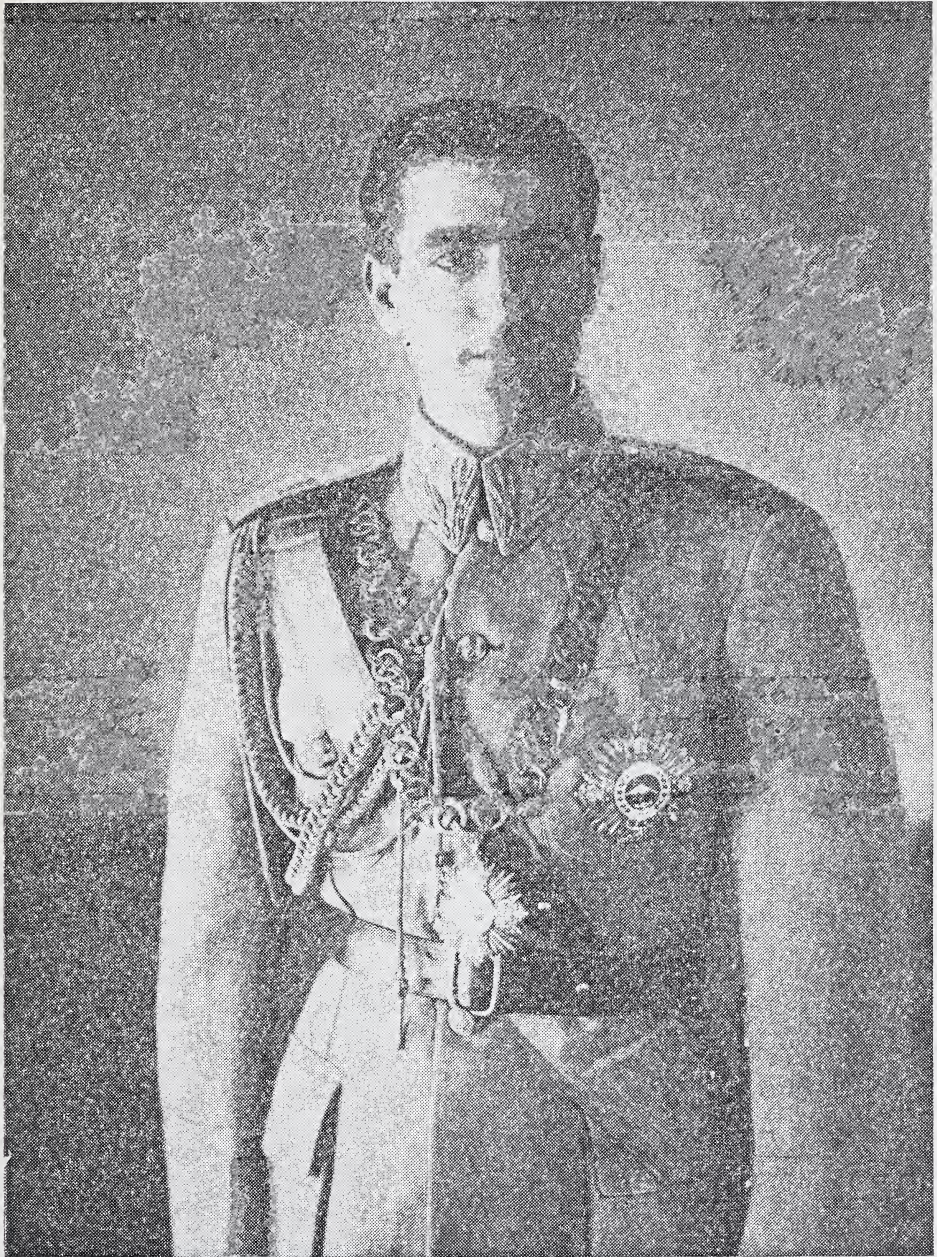
سراز رحمت دل از شفقت تن از عصمت کف از برهان

عنایت شاهانه اش بی غایت و شفقت خسروانه اش بلا نهایت در عفو فرمودن تأخیر نفرماید و در عقوبت کردن اندیشه فرماید تا در ثانی الحال پشیمان نشود. بر طریق داد کردن ملازمت فرماید چنانکه پیغمبر اکرم (ص) فرموده است **عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً** زیرا نفع عبادت با آنکس گردد اما نفع عدل پادشاه با کافه خلائق.

مخالطت و مجالست با اهل علم و فضل فرماید. چندان مهیب نبود که اصحاب تجارب جهت مصلحت در پیشگاه ذات مبارکش عرضه نتوانند کرد و چندان حلیم نبود که هر کس هر چه بایش در آستان مقدسش تقریر کند سخنی که بعرضش رسد بمجرد آنکه گویند گوینده صاحب غرض باشد رد نفرماید رد و قبول نفعی را بروفق مصلحت توده ناس فرماید.

خسروی کاینه روی ظفر خنجر اوست  
رونق سلطنت از تیغ ظفر پیکر اوست  
بام بی در که فلک کنیت و گردون لقبست  
عاشق شیفته خدمت بام و در اوست





چنین خسروی در بمالک کجاست



پس از این کژنهد فتنه کاه از چه سبب کان کله کش سرانصاف بود در سر اوست حزب شر و ضلالت سر بگریبان عزلت و بطالت فرو برده انجا و اکناف شهرستانها بلطف اعتنا و استعمار او معمور و مسکون شده اصقاع و ارباع کشور که از تعدی قطاع الطریقان و تغلب اوباش و وطن فروشان و دزدان از آبادی مهجور و مدروس مانده بود بقوت حراست و شوکت سیاست او ماهول و مسکون گشته ساکنان قرا و مزارع که بجلا مبتلا بودند از شمول معدلت و وفور مرحمت او روی بارطان مالوف و مسکن معهود نهادند متفرق و مختلف شدگان بلطف استمات او بر صوب جاده استقامت متفق و مؤلف گشتند و عموماً دست بدست هم داده وحدت ملی را استحکام بخشیدند.

تو از رمح اژدها سازی او کرد از عصا ثعبان که وقت رحمتی کشتی و گاه هیبتی طوفان بنوک نیزه بنشاندی ز عالم آفت عصیان ز بهر کین میان بستی و بریکران گشادی ران که شد زان آتش و صرصر مخالف بی سرو سامان میان شیرو اژدها شده خصم تو سرگردان شد از گرد سوارانت زمین با آسمان یکسان قضا بر تیغ تو قبضه قدر بر تیر تو پیکان پس از دریا برون راندی بسان موسی عمران نه حیدر کرد در صفین نه رستم کرد در توران که از وی یاسج و بغلغ همی بارید چون باران چوماه از ابرود راز آب و مشک از ناف و لعل از کان

تو داری معجز موسی که اندر آتش خمله کسی گرهست هم کشتی وهم طوفان توئی زیرا بزخم تیغ کم کردی بگیتی زحمت فتنه تعالی الله چه ساعت بود کاندرا ساحت آن صف بزیرت صرصر تازی بدست آتش هندی تو چون شیر و سر رمح تو همچون اژدها گشته شد از رمح غلامان هوا با نیستان همسر تو پنداری شد آن ساعت ز بهر کشتن خصمت نخست از خون فرعونان براندی بر زمین دریا به تیغ تیز آن کردی تو در هیجا کزان صدیک بدست بند گانت در کمان شد ابر نیسانی هزیمت کردی اعدارا و بیرون آمدی ناگه

### شرح زندگانی و تاریخ جوانداری ذات هپارک

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ چهارم آبان ماه ۱۲۹۸ (۲۶ اکتبر ۱۹۱۹) در چنین روزی که برای ملت ایران و جوانان این کشور روز مسعود و بزرگی است مهد وجود را بقدم خویش زینت بخشوده تولد یافته اند.

در دوره انجام و اتمام تحصیلات ابتدائی در تهران که با موفقیت تام و اخذ گواهینامه بیابان رسانیدند پیوسته در هوش و ذکاء سرآمد همسالان بودهاند.

در تاریخ ۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۰ برای اكمال تحصیلات دوره دبیرستان با تشریفات بسیار باشکوهی از طریق بندر پهلوی - بوسیله کشتی جنگی مخصوص پالیمان بصوب اروپا عزیمت فرمودند.



در مدت توقف در کشور سوئیس در شهر رول که در کنار دریاچه لمان ژنو واقع میباشد در آموزشگاه معروف (روزه) قریب به پنجسال همواره بایشرفتهای شایان و موفقیتهای نمایان بفر گرفتن علوم و فنون جدید و کمال تحصیلات عسیدیه اشتغال میورزیدند .

در این مدت پنجسال بایشکاری آقای مؤدب نفیسی در اکثر مسابقه های ورزشی که شرکت میفرمودند موفق بدریافت مدالها و جامهای پیروزی گردیده و از هر حیث سرآمد اقران و سرمشق همگان بوده اند . پس از سیری شدن اینمدت که قلوب توده جوانان کشور دائماً در انتظار مراجعت ایشان بابی تابی ضربان داشت عاقبت پس از اتمام تحصیلات عالی و موفقیتهای ورزشی و علمی در چهار شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ از رول بقصد میهن عزیمت فرمودند .

ملتر مین رکاب همایونی علاوه بریشکار ملو کانه عبارت بودند از آقای سپهبدی سفیر کبیر ایران در مسکو و تیمسار سر لشکر اسمعیل شفائی - آقای نصر الله انتظام و چند نفر از افسران خلیق و برگزیده ارتش - در تمام خط سیر عبور و کب مسعود همایونی که عبارت از کشورهای اتریش و مجارستان

اعلیحضرت همایون شاهنشاه محبوب در دوران کودکی با لباس نظام ولایتعهدی .

تیمسار سر لشکر محمد نخجوان که سمت ریاست کل مدارس نظام را داشته و رئیس کلاس مخصوص ذات مبارک بودند همچنین مرحوم چراغعلی خان امیر اکرم پیشکار والا حضرت ولایتعهد در اینجا دیده میشوند .

ورمانی و اتحاد جاهیر شوروی بود احترامات فوق العاده رسمی بعمل آمد و در اغلب کشورها برای عرض تبریک و تودیع وزرای خارجه تشرف حاصل مینمودند .

صبح روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه موکب مبارک مسعود همایونی به بندر پهلوی نزول - اجلال فرمودند و مستقیماً در کاخ دریائی میان پشته بندر بحضور اعلیحضرت فقید سعید شرفیاب گردیدند .

عصر روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه بین احساسات فوق العاده توده اهالی بتهران نزول اجلال نموده و چشم ملت را روشن فرمودند .

از آن پس در رکاب پدر ارجمند در تمام مستعدنات و اصلاحات کشور شرکت داشتند و تا تاریخ ۱۱ مهر از لحاظ نظامی و کشور شناسی باتفاق پدر تاجدار تقریباً تمام سرزمین میهن را بازدید نمودند و دانستند میدان عملشان سرزمین پهناور ایران است پایان این مسافرت استان

خرم آذربایجان بود که جراید پذیرائیهای شایان اهالی میهن دوست آنجا را منتشر میساختند .  
 از صبح ۱۱ مهر ماه ۱۳۱۵ مانند يك دانشجوی جدید سال ۱ افسری بانهایت سادگی و  
 باگامهای نظامی مانند سایر دانشجویان مدت دوسال دوره دانشکده افسری را طی نمودند روز  
 ۳۱ شهریور ماه ۱۳۱۷ موفق بدریافت دانشنامه افسری و نشان لیاقت درجه یکم گردیدند .  
 در روز چهارشنبه ۴ خرداد ۱۳۱۷ هنگام جشن افتتاح چهارمین نمایشگاه کالای ایران  
 مژده نامزدی ذات مبارک با شاهزاده خانم فوزیه دختر ملک فواد وخواهر اعلیحضرت ملک فاروق  
 اول پادشاه سعید کشور مصر انتشار یافت .

صبح پنجم اسفند ۱۳۱۷ بنا بدعوت اعلیحضرت پادشاه مصر در حالیکه عده ای از  
 برجسته ترین رجال ایران در التزام رکاب مبارک بودند از تهران بکشور مصر تشریف بردند .  
 اعلیحضرت ملک غازی پادشاه عراق نشان عالی هاشمی کشور عراق وحضرت رئیس جمهور  
 سوریه نشان وحمایل درجه اول کشور سوریه وحضرت رئیس جمهور لبنان نشان عالی کشور لبنان  
 و اعلیحضرت ملک فاروق نشان عالی درجه اول محمدعلی کبیر را با يك رشته گردن بند جواهر نشان  
 به ذات همایونی اهداء نمودند .

در روز ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ آئین عقد و ازدواج در کاخ عابدین قاهره در حالیکه تمام  
 کشور مصر و تمام کشور ایران غرق در گل وخوشی دراین مراسم شرکت داشتند انجام پذیرفت  
 در ۲۴ فروردین ۱۳۱۸ پس از پیمودن ۱۲ روز دریائی از آبهای احمر واقیانوس هند  
 وارد خاک ایران گردیدند مراسم عروسی با تجلیل بی نظیری در تهران برگزار گردید وجشنها تا  
 ۵ اردیبهشت ۱۳۱۸ در سراسر کشور ادامه داشت .

از آن تاریخ تا ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ اوقات مبارک مصروف اصلاحات داخلی کشور گردید  
 در ۲۵ شهریور بر اثر استعفای اعلیحضرت فقید سعید مقام سلطنت بذات همایونی تفویض گردید  
 و در روز ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ با تشریفات خاصی برای بجای آوردن آئین سوگند یاد کردن  
 بمجلس شورای ملی ورود فرموده سوگند ناهه را قرائت وامضاء فرمودند در معبر ملوکانه اهالی  
 پایتخت مخصوصاً جوانان ودانشجویان دانشگاه با ابراز احساسات بی نظیری دمام موجبات توقف  
 اتومبیل شاهنشاه جوان خود را فراهم می آوردند وفریادهای زنده باد بلند می ساختند .

روز ۳۰ شهریور فرمان عفو عمومی تمام مقصرین سیاسی را صادر فرمودند ودر ۵ آبان  
 عده زیادی از افسران ارشد ارتش را بازنشسته نمودند وده میلیون ریال برای تقسیم بین افسران  
 آسیب دیده اختصاص فرمودند .

در ۲۲ آبانماه سیزدهمین دوره قانون گذاری مجلس شورای ملی ایران را افتتاح فرمودند  
 وده میلیون ریال توسط تیمسار سرلشکر جهانبانی برای اصلاحات آذربایجان ارسال داشتند .

در روز شنبه اول فروردین ۱۳۲۱ نخستین متن قانون اساسی را که بامضای مرحوم  
 مظفرالدین شاه رسیده بود باقای اسفندیاری رئیس مجلس اعطاء نمودند وفرمودند « این نخستین  
 متن قانون اساسی را بوسیله شما برای ملت عزیز ایران باز میگردانیم »

در حقیقت اعلیحضرت همایونی با این اقدام بزرگ مشروطیت وحکومت دموکراسی ایران  
 را مجدداً بملت عطا فرمودند .

در ۲۱ اردیبهشت والاحضرت دوک گلوستر برادر اعلیحضرت پادشاه انگلستان بتهران



وارد و با اعلیحضرت همایونی ملاقات بعمل آوردند .

در ۱۴ تیر ماه ۱۳۲۱ بیمارستان شفا را افتتاح فرمودند .

در ۲۰ تیر ماه مستر چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر بتهران فرود آمده و میهمان اعلیحضرت همایونی گردیدند .

در ۲۵ شهریور ۱۳۲۱ آقای وندل ویلکی نماینده مخصوص مستر روزولت بتهران فرود آمده و میهمان اعلیحضرت همایونی گردیدند و با هواپیمای گولیور برای نخستین بار پروازی پرفراز تهران متفقاً نمودند .

( مستر وندل ویلکی که یک مرد بزرگ جهان بود در کتاب معروف خود بنام یک دنیا که در آمریکا منتشر ساخت تجدید مفصلی از مزایای اخلاقی و معنوی و معلومات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درج نموده است ) .

در ۱۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ برای ابراز نهایت همکاری با متفقین در جنگ بزرگ جهانسوز بر طبق اصل ۵۱ قانون اساسی حالت جنگ را بین کشور ایران و آلمان مقرر فرمودند .

در ۷ مهر ۱۳۲۲ بیمارستان کودکان بنگاه نیکوکاری را که از تاسیسات خواهر والا گهر شاهنشاه و الاحضرت شاهدخت شمس پهلوی میباشد افتتاح فرمودند .

در ۲۴ مهر ۱۳۱۲ آقای انتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان و آقای کردل هول وزیر امور خارجه آمریکا در کاخ مرمر به پیشگاه همایونی شرفیاب شدند .

از روز جمعه ۴ آذر الی پنجشنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۲۲ که انجمن سران دول متفق در تهران منعقد گردید ژنرال ایسیم استالین - مستر چرچیل - مستر روزولت و تمام وررای خارجه سه کشور بزرگ متفق و مارشالها و ژنرالهای کشورهای آمریکا - روسیه و انگلستان با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ملاقات نموده و میهمان ذات مبارک ملوکانه نیز گردیدند .

در ۶ دیماه ۱۳۲۲ حضرت دکتر بنش رئیس جمهور چک اسلواکی بتهران فرود آمده و میهمان اعلیحضرت همایونی گردید .

در ۲۶ بهمن ماه بنا بدعوت ژنرال کونولی فرمانده نیروهای آمریکا در ایران از مؤسسات نظامی امیرآباد بازدید فرمودند .

در روز سه شنبه ۶ اسفند ۱۳۲۲ چهاردهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی ایران را ضمن ایراد نطق مهیجی افتتاح فرمودند .

در ۲۴ فروردین ۱۳۲۳ برای مشاهده وضعیت و چگونگی آسیب دیدگان زلزله گرگان باتفاق علیا حضرت ملکه فوزیه بان شهرستان عزیمت فرمودند این استمالت تاثیر شایانی در روحیه مردم آن سامان بخشید .

در ۵ آذر ۱۳۲۳ ژنرال دوگل رئیس دولت موقتی جمهوری فرانسه وارد تهران گردیده بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بار یافتند .

در ۲۲ دیماه کاخ سلطنتی فرح آباد را برای ایجاد آسایشگاه به بنگاه حمایت مسلولین واگذار نمودند .

در ۲۴ اسفند ۱۳۲۳ مجدداً نیز آقای دکتر بنش بتهران وارد و میهمان ملوکانه گردیدند .

در ۲ اردیبهشت ۱۳۲۴ باشگاه باشکوه افسران لشکر ۲ را افتتاح فرمودند .

در ۲۳ اردیبهشت آقای ادوارد هریو سیاستمدار مشهور فرانسوی بتهران وارد و بملاقات

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نایل گردیدند .

در ۲۴ مرداد بمناسبت خبر تسلیم بلا شرط ژاپون و خاتمه جنگ جهانسوز تلگرافهای شادباش بمران دول مخابره فرمودند .

در ۴ مهر ۱۳۲۴ نمایشگاه زرگ کشاورزی را افتتاح فرمودند .

در ۴ آبان ۱۳۲۴ بجشن باشکوه رژه قهرمانان کشور طبق معمول همه ساله در ورزشگاه امجدیه تشریف فرما گردیدند و نسبت بساکنان تهران وجوانان پیروزمند توانا ابراز تفقد فرمودند در روز هفتم آبان قهرمانان کشور را که بملکت کثرت جمعیت در ورزشگاه امجدیه موفق باخذ جوایز نگردیده بودند در کاخ مرمر مشمول عنایت ملوکانه فرموده بیک مدال و گلدان اعطا فرمودند . در ۱۵ بهمن ۱۳۲۴ بجشن چهارمین سال استقلال دانشگاه تشریف فرما گردیدند و در این جشن میمون فرهنگی دانشجوی نابینائی را بنام آقای محمد خزائلی که دوره دبستان و دبیرستان را بیابان رسانیده و در رشته معقول دانشکده شاگرد اول شده بود باعطاء مدال سرفراز فرمودند . در ۲ خرداد ۱۳۲۵ بامدادان بیمارستان نجمیه و سپس بیمارستان رضانور را بقدم مبارک مزین فرموده بیماران را روان تاره بخشیدند و آنان را مورد عنایت خسروانه قرار دادند .

در ۱۰ تیر ۱۳۲۵ دوملیون ریال برای آبیاری شهر تبریز اعطا فرمودند .

در ۱ مرداد ۱۳۲۵ ششصد هزار ریال برای تکمیل وسایل ورزشی بباشگاه نیرو وراستی عنایت فرمودند .

در ۵ مرداد ۱۳۲۵ بنا بفرمان جهانمطاع جناب مستطاب آقای ظهیرالاسلام را که از رجال بزرگ اسلامی شرق میباشد بسمت تولیت مدرسه عالی سپهسالار منصوب فرمودند .

در ۷ شهریور ۱۳۲۵ نخستین کلنگ ساختمان چهارصد خانه را برای کارکنان بی بضاعت دولت و کارگران در اراضی جنب کارخانه مسلسل سازی بزمین زدند .

در ۱۲ شهریور ۱۳۲۵ دویست هزار ریال برای کمک بساختن پرورشگاه ودویست هزار ریال برای کمک بسیل زدگان خرمشهر وده ملیون ریال برای لوله کشی تهران اعطاء فرمودند .

در ۱۴ شهریور ۱۳۲۵ دارالتأدیب زندان شهرانی را بازدید نموده و همچنین آسایشگاه خصوصی

دکتر محمد یزدی را که جهت مسلولین تاسیس نموده بود افتتاح فرمودند و آقای دکتر محمد یزدی را قرین الطاف ملوکانه فرموده در دفتر آسایشگاه عنایات خسروانه خود را کتیبامرقوم فرمودند .

در ۲۵ مهر ۱۳۲۵ ذات مبارک شاهنشاهی از فرودگاه مهر آباد مستقلا و تنهایی بفرودگاه دوشان تپه پرواز فرمودند باحضور جمیع اسراء ارتش گواهی نامه خلبانان باعلیه حضرت همایون شاهنشاهی تقدیم شد در آن روز نشانهای متعددی بافسران نیروی هوائی ارتش شاهنشاهی اعطاء فرمودند .

در ۴ آبان ۱۳۲۵ رژه بسیار باشکوه تاریخی ارتش شاهنشاهی برای نخستین بار در میدان سیه در پیشگاه ذات مبارک باعلیه حضرت همایون شاهنشاهی برگزار گردید ( شرح این رژه جداگانه

در این تاریخ درج گردیده است . ) در این رژه اوراق مطبوع زیبایی که مزین بتمثال مبارک و شرح خدمات دوره زندگانی شاهانه بود منتشر گردید .

در ۵ آبان بجشن ورزشی قهرمانی کشور بوزشگاه امجدیه تشریف فرما گردیدند ازاینکه قهرمانان ورزشکار آذربایجان بمناسبت غائله آسامان حضور نداشتند خاطر مبارک مکدر و گرفته

بنظر میرسید .

در ۸ آبان ۱۳۲۵ قهرمانان تهران و شهرستانها در کاخ مرمر بار یافته و مورد عنایات خسروانه قرار گرفتند .

در ۱۵ آبان بمناسبت درگذشت حضرت آیه الله عظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی پیشوای بزرگ و مرجع تقلید و ملجأ شیعیان (دوشنبه ۱۳ آبان) ذات مبارک ملو کانه در مجلس ترحیم مسجد شاه تشریف فرما گردیدند.

در ۲۴ آبان (جمعه) ۱۳۲۵ با هواپیما بناگهان در کرمان فرود آمده و دیده اهالی شهر را بیدار و وجود ذیجود خود روشن فرمودند عصر همانروز به تهران معاودت نمودند.

در ۳۱ آبان (جمعه) با هواپیمای اختصاصی شاهی بکرمانشاه و در همان روز باصفهان تشریف فرما گردیدند مردم این دوشهر که غفلتاً شاهنشاه را میان خود مشاهده مینمودند از فرط اشتیاق و شادمانی در پوست نمی گنجیدند.

در ۲ آذر (صبح) بیمارستان فارابی را افتتاح فرمودند.

در ۲ آذر بفرمان جهانمطالع بزرگ ارتشتاران فرمانده نیروهای ارتش برای اشغال زنجان تحت فرماندهی سرهنگ هاشمی حرکت و آشنهستان را بشرحی که جداگانه در این تاریخ مندرج است اشغال نظامی کردند و از دست ماجراجویان بیوطن و بیگانه پرست نجات دادند.

در ۲ آذر (عصر) نمایشگاه بزرگ کشاورزی را افتتاح فرمودند.

در ۷ آذر شورای عالی بهداشت را در دانشکده حقوق افتتاح فرمودند.

در ۸ آذر ناگاه به بندر پهلوی پرواز فرموده پس از اینکه اهالی آنشهرستان را مورد توجه و عنایات و تفقدات شاهانه قرار دادند به تهران پرواز نمودند. این تشریف فرمائی های ناگهانی اثرات تاریخی در دل مردم شاهپرست شهرستانها باقی گذاشته است.

در ۱۶ آذر ماه ۱۳۲۲ ذات مبارک شاهنشاهی برای سرکشی بستون اعزامی زنجان به تبریز بفرودگاه زنجان با هواپیما غفلتاً وارد شده و سربازان و افسران اعزامی را در میان هیجان احساسات

میهنی بی نظیری مورد توجهات و الطاف شاهانه قرار دادند از فرماندهی نیروی اعزامی سئوال فرمودند چه مانع و نقص و حاجتی برای نجات و حمله به آذربایجان دارید عرض کرد فقط امر مبارک شاهانه.

در ۱۹ آذر ماه کاخ با عظمت دادگستری را افتتاح فرمودند و جناب آقای حسین نقوی معاون دانشمند وزارت دادگستری را که از قضات پاکدامن کشور میباشد و در اتمام ساختمان عظیم دادگستری مساعی فوق العاده ابراز نموده بودند مورد توجهات خسروانه قرار فرمودند.

در ۱۹ آذر بفرمان تاریخی و بزرگ بزرگ ارتشتاران فرمانده (ارتش شاهنشاهی ایران در سه ستون برای سرکوبی اهریمنان آذربایجان بحرکت در آمدند) شرح این جنگ تاریخی در همین تاریخ بتفصیل درج گردیده است.

در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ دانشجویان آذربایجانی را که برای ابراز احساسات نسبت بفرمان جهانمطالع در اعزام نیرو بآذربایجان در کاخ مرمر اجتماع نموده بودند بحضور پذیرفته مورد تفقدات شاهانه و توجهات خسروانه قرار دادند و نیز بمناسبت فتح آذربایجان تلگرافاً سرهنگ هاشمی و افسران نیروی اعزامی را مورد تقدیر و تحسین قرار فرمودند.

فتح آذربایجان و پیوستن آن استان بزرگ حیاتی ایران بایران فقط و فقط باهمت و مراقبت و توجهات و عنایات خستگی ناپذیر و کوششهای شبانه روزی شخص اعلی حضرت همایونی بافتخار این عصر درخشنده پایان یافت بعد از



## اهتمام ذات ملوکانه فداکاری ارتش شاهنشاهی این آرزوی میهن پرستان ایرانی را جامه عمل و پیروزی پوشانید .

در ۲۳ آذر ۱۳۲۵ تلگرافات تبریک فزون از حد و شمار از تمام نقاط ایران منجمله آذربایجان به پیشگاه شاهانه اش راجع به پیروزمندی آذربایجان مخابره و معروض گردید مقرر فرمودند بیکایک آنها مراتب رضامندی و عنایات شهریاری ابلاغ و پاسخ داده شود .  
در ۳۰ آذر ۱۳۲۵ بمجلس ترحیم افسران و سربازان شهید آذربایجان که از طرف وزارت جنگ در مسجد سیهسالار منعقد گردیده بود تشریف فرما گردیدند .

در اینجا پیش آمد حساسی رخ داد که برای معرفی خاطرات و احساسات شاهنشاه ایران برای آیندگان در این تاریخ شرح میدهم در سال ۱۹۳۵ هنگامیکه نگارنده این تاریخ در انگلستان بود روز یازدهم نوامبر مراسم یادبود کشته شدگان جنگ بین الملل ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ در لندن برقرار گردید اعلیحضرت ژرژ پنجم پادشاه انگلستان بر سر قبر سرباز شهید گمنام حضور یافتند و پس از اجرای مراسم مراجعت نمودند روز بعد در جرّاید انگلستان خواندم که پادشاه بستری و بیمار گردید علت این بود پادشاه وقتیکه برای اجرای مراسم بمیدان آمد کثرت تأثر و ضمناً بادهختصری که وزش داشت موجبات حالت بیماری ممتد پادشاه را فراهم آورد و برای مدتی او را بستری ساخت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وقتیکه بمجلس ترحیم تشریف فرما شدند بقدری دچار التهاب و احساسات شدید میهن پرستی گردیدند که تأثر خاطر و همدردی با خانواده افسران و سربازان شهید آشفستگی در وجود مبارک ایجاد نموده و خنکی هوا نیز مزید بر علت گردید و موجبات بیماری شدیدی فراهم آورده ذات شاهانه اش را برای چند روز بستری ساخت و بیک خاطره تاریخی را تکرار نمود .

شدت این هیجان و کسالت بقدری زیاد بود که **علیاحضرت ملکه پهلوی که فخر تاریخ زنان و سرآمد بانوان ایران و مربی بزرگ خاندان سلطنت میباشد** تا پاسی پس از نیمه شب در اطاق استراحت فرزند دلیند تاجدار بتوجهات مادرانه و سرپرستی پزشکان اشتغال داشتند .

در ۱ دیماه بمناسبت فتح آذربایجان رژه کلیه یادگان ارتش در مرکز برابر تمثال مبارک ( بمناسبت کسالت ذات ملوکانه نتوانستند حضور یابند ) در میدان سپه بعمل آمد و **الاحضرت اشرف پهلوی** در قرب تمثال ملوکانه ارتش شاهنشاهی را مورد تشویق و تحسین قرار فرمودند همچنین رژه پیروزی شاهنشاه در تمام شهرستانها در مرکز هر شهر بعمل آمد .  
در ۲۰ دیماه ۱۳۲۱ شخصاً با هواپیما بسوی آبادان پرواز نمودند و چون هوای خوزستان برای فرود آمدن مساعد بنظر نمرسید اهالی اراک را زیارت خود افتخار بخشیدند .  
در ۲۷ دیماه ۱۳۲۵ شخصاً با هواپیمای اختصاصی شاهانه بشیراز و اصفهان پرواز نموده و عصر بیابنتخت مراجعت فرمودند .

در ۱ بهمن ماه مانند یک ورزشکار عادی یا شاه دمو کراسی به تپه های سفید ( تلو ) لشگرک برای اسکی بازی تشریف فرما گردیدند .

در ۴ بهمن با هواپیما شخصاً برفراز البرز و مازندران پرواز نمودند .

در ۱۵ بهمن بچشم تأسیس استقلال دانشگاه ایران تشریف فرما گردیدند .

در ۲۱ بهمن بمسجدشاه تشریف فرما گردیده دستور برچیدن مجلس ختم و ترحیم آیه الله العظامی

آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی را فرمودند و بجامعه روحانیت و آقایان علماء اعلام تسلیمت گفتند .  
در ۱۹ اسفند که یکروز هیجان انگیز تاریخی بود در سالن باشگاه افسران بخانواده  
افسران شهید نشان جاوید عطا فرمودند .

در ۱ فروردین ۱۳۲۶ بمناسبت حلول سال جدید بوسیله رادیو پیامی خطاب بملت ایران  
ایراد فرمودند .

در ۱ فروردین ۱۳۲۶ بهنرستان دختران تشریف فرما و بچهارصد نفر دانش آموز بی بضاعت  
لباس عید عطا فرمودند .

در ۲۲ فروردین ۱۳۲۶ ریاست عالیہ بخش بانوان جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را  
مجدداً بوالحضرت شاهدخت شمس پهلوی واگذار فرمودند .

در ۳۱ فروردین در مجلس ترحیم افسران ارتش که در غائله کردستان شربت شهادت نوشیده  
بودند تشریف فرما شده شرکت نمودند .

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۶ زمین های ورزشی دانشگاه را افتتاح نموده جوایز و جامه های  
پیروزی بدانشجویان اعطا فرمودند .

در ۲ خرداد ۱۳۲۶ پس از اینکه ارتش شاهنشاهی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ موفق بنجات  
آذربایجان شد بنا بقاضاها واستدعاهای اهالی آذربایجان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ضمن يك  
مسافرت کوتاهی که تا ۲۱ خرداد بطول انجامید تهران را ترک فرموده بوسیله قطار سلطنتی تا یل  
دختر و از آنجا با اتومبیل به تبریز تشریف فرما گردیدند و تمام شهرهای آذربایجان مصیبت دیده  
از خائنین دموکرات نما و بیوطن را دیدن فرمودند شرح احساسات شورانگیز مردم آذربایجان  
هنگام زیارت شاهنشاه بتصدیق عموم نویسندگان خارج از قوه قلم و بیان و وسایل عادی است  
شاهنشاه محبوب برابر سیل احساسات و گریه های مردم چندین بار اشک از چشمان شاهانه جاری  
ساختند شاهنشاه پس از بازدید شهرهای ویران شده آذربایجان عطیه های ملوکانه متعددی برای  
اصلاحات و عمران فرهنگ و بهداشت و سایر مشاریع عام المنفعه آن استان اهداء فرموده از راه  
اردبیل و آستارا و رشت و قزوین بتهران مراجعت نمودند ملت شاهدوست ایران در طول تمام  
راهها طافهای نصرت با شکوه و فراوان برپا کرده بودند در تهران هنگام ورود چنان تجلیل  
بی سابقه و با عظمتی از طرف مردم در روز استقبال از موکب ملوکانه بعمل آمد که تاریخ نظیر  
آنرا کمتر بیاد دارد تنها در شهر تهران ۲۰ طاق نصرت ساخته شده بود شاهنشاه در اتومبیل  
روباو ساعتها طول کشید تا توانستند از بین صدها هزار نفر ساکنان پایتخت عبور فرمایند جریان  
مفصل این سفر تاریخی در فصل آذربایجان همین تاریخ مندرج است در ضمن این مسافرت  
بمحکومین دردادهای زمان جنگ که بدموکراتهای ننگین آذربایجان و وطن فروشان همکاری  
مینمودند يك درجه تخفیف کیفر اعطا فرمودند و مؤسسات خیریه و فرهنگی و درمانگاههای بهداشتی  
سیاری در این سفر در شهرستانهای آذربایجان تأسیس و ایجاد فرمودند . ( رجوع بفصل آذربایجان )  
از بیانات پرشور تاریخی اعلیحضرت همایونی در این مسافرت عبارات ذیل است که در آقا بابا  
۴ فرسنگی قزوین در پاسخ بیانات مستقلمین تهران ایراد فرمودند .

آنچه که لازم میدانم و مکرر در گفته های خود تکرار کرده ام لزوم  
وحدت معنوی بین عهوم افراد ملت است که موجب سعادت مردم خواهد  
شد در این مسافرت بر من محرز شد هرگونه تبلیغ و تحریکی بر علیه ملیت

و اصول قومی در مردم ایران بعمل آید با ایمان و عقیده جبلی که بکشور خود دارند تأثیر ناپذیر است این احساسات پر شور و محبت آمیزی که از مردم می بینم مرا بیش از پیش تشویق بخنده نگزاری میکند .

من هر قدر خود خواه باشم خوب تشخیص میدهم که قدرت سلطنت استوار بر قدرت ملی است و پایه های تخت و اورنگ شاهی بر قلوب مردم استوار است .

من معتقدم ملت ایران شایستگی کامل برای بر خورداری از تمام مواهب و اصول دموکراسی حقیقی دارد .

من بقدری حاضرم که با ملت خود در تماس باشم که حتی اگر يك فرد عادی روزی در اتاق مرا بکوبد و بخواهد نزد من بیاید او را نزد خود خواهم پذیرفت .

من خواهان آنم که عموم افراد ملت ایران از حقوق ملی و اجتماعی خود بطور تساوی برخوردار گردند و اصول مقدس مشروطیت و دموکراسی حقیقی در کشور من بطور کامل برقرار باشد .

من خواهان آنم که ملت من از سعادت و نیکبختی و رفاه و آسایش و امنیت و عدالت و تندرستی برخوردار باشد و برای اجرای تمام این مقاصد حداکثر مساعی خود را بکار خواهم برد .

حکومت و سلطنت بر يك مشت مردم فقیر و رنجور و محروم از عدالت مورد مسرت و خوشی خاطر من نبوده و نخواهد بود . من میخواهم ملت من قوی و برومند و سعادت مند و شاد کام باشد .

در ۲۲ خرداد جشن ورزشی ارتش را در اجدیه با تشریف فرمائی خود قرین مباحث نمودند در ۱۵ تیر ۱۳۲۶ از بیماران آسایشگاه مسلولین شاه آباد بازدید فرمودند . در ۲۵ تیر دوره پانزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی ایران را با شکوه و جلال فوق العاده افتتاح فرمودند .

در ۳۰ تیر اولین کلنگ ساختمان اوله کشی شهر تهران را در اراضی سنگلج بزمین زدند در ۳۱ تیر با هواپیما بلار تشریف فرما گردیدند .

در ۲۴ مرداد برای ملاحظه پایان مراسم مانور بزرگ دانشکده افسری بکرج تشریف فرما گردیدند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تاکنون با هواپیمای نظامی پروازهای متعدد نموده بیش از ۲۰ ساعت فقط به تنهایی با هواپیماهای هر یک پرواز نموده اند رویهم رفته شاهنشاه محبوب ما متجاوز از ۳۰۰ ساعت پرواز نموده اند که بیشتر آن با هواپیمای امریکائی بیسکرفت بوده است .

پرفسور لومتر استاد کرسی گوش و حلق و بینی دانشگاه پاریس بکمک آقای دکتر جمشید اعلم بینی و لوزتین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در هفته های اخیر با موفقیت عمل نمودند بطوریکه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در جشن مهرگان ارتش در اجدیه روز ۱۰ مهر و همچنین



در مانور هوایی روز ۱۴ مهر و جشن مهرگان فرهنگ روز ۱۶ مهر در دبیرستان نوربخش تشریف فرما گردیدند و گواهی نامه‌های شاگردان اول را بدست مبارک اعطاء فرمودند.

در ۱۴ مهر ۱۳۲۶ بموجب آخرین خبر رسیده از واشنگتن از طرف مستر ترومن رئیس جمهوری آمریکا عالیترین نشان ( لژیون دومریت ) پیاس مجاهدتهائی که شاهنشاه ایران در راه تجهیز قوا و کوششهای اهالی کشور خود بمنظور کمک به متفقین مبدول فرموده اند و هم چنین پیاس توجهات خستگی ناپذیر شاهنشاه ایران در راه احراز پیروزی متفقین برای تقدیم باعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوالاحضرت اشرف پهلوی خواهر والاتبارذات ملوکانه تسلیم نموده وسپردند. در ۱۴ مهر ۱۳۲۶ دانشگاه جنگ ایران را که از تاسیسات باعلیحضرت فقید سعید طباب نراه است پس از ۴ سال تعطیل برای هشتمین دوره افتتاح فرمودند. در ۲۳ مهر ماه به بیستین سال جشن راه آهن ایران تشریف فرما شدند و کارکنان آنرا مورد عنایت و توجه قرار فرمودند.

### صفات و سجایای باعلیحضرت همایون شاهنشاهی

صورت خوش و خلق خوب و سیرت نیک. و صدق و عد و وفای بعهده رجاحت عقل و سماحت طبع. روشنی ضمیر و پاکیزگی اندرون. علو همت و حلم با سیاست. تواضع بامهابت و عفو با قدرت از خصائص خوی و شمیم باعلیحضرت همایون شاهنشاهی است.

از پایداری تا سرهمه رفقت و همدمی و زلفرق تا قدم همه مردی و مردمی در عنفوان جوانی و در میان شباب دست رد بر روی منکرات و مناهای نهاده و بر ملاهی پشت پای زده چنانکه تخلق باخلاق ملکوتی را بر تاسی سیرت ملوک و پادشاهان دنیا ترجیح نهاده است. ذات خسروانه اش درهای خیرات و میرات و اعانه‌ها و کمکهای بی حساب بروی تمام مشاریع عام المنفعه اعم از خیریه - فرهنگی - صنعتی - کشاورزی - بهداشتی گشوده و آنچه ثروت و مایملک شخصی داشته‌اند در راه آبادی و عمران شهرها و بلدان ایران اعطا و مکرمت فرموده‌اند خصائل کمال او فراوان است و در این دیباچه‌ها ننگین از اینرو است که دلهای یک ملت از پیرو برنا بر مهر و محبت او منطبق و زبانها به ثنا و محمادت او منطبق کافه ناس در گلستان عدل او بلبل وار نوای دعاء خیر میسر آیند.

غم از گردش روزگارش مباد / وز اندیشه بردل غبارش مباد

درونش بتائید حق شاد باد / دل و دین و ایرانش آباد باد

اخلاق حمیده و خوی پسندیده ملوکانه که حاکی ملکات برجسته کم نظیری است نماینده یک نهاد پاک و ضمیر درخشنده و تابناکی است که سحر آسا جالب دلها و جاذب روانهای معاشین میباشد و ذات شاهانه اش را بتمام معنی یک مظهر ملیت ایرانی معرفی کرده و سرمشق نویسنندگان اخلاقی مینمایاند تمام بزرگان و سران دول متفق که بر اثر حوادث جنگ جهانی و استظهاری که به پشتیبانی متفق خود ایران داشتند در تمام طول مدت جنگ از ایران عبور نمودند ( قسمتی از آنها در فوق شرح داده شده است ) فریفته کردار و شیفته گفتار و پندار باعلیحضرت همایون شاهنشاه ما گردیده‌اند و مکرر در آثار خود تذکار این موضوع را داده‌اند.

باعلیحضرت همایونی رهبر بزرگ و والا مقام تمام ملت ایران هستند آزادی فردی و اجتماعی ملت ایران را بقدری اهمیت میدهند که باتمام جریانات آزادخواهانه کشور باعلاقه مفرطی نگر بسته و دوستی خو در نسبت تمام ملت وسیع و شیفته آزادی کشور ابراز داشته‌اند محبت مردم و

بوجه به فرد فرد مردم و آزاد گذاشتن آنان در هر مسلک و مرامی که برای سعادت خود انتخاب مینمایند مرام باطنی اعلیحضرت همایونی را تشکیل میدهد.

در تاریخچه مختصر فوق بهیچوجه مسافرتها مکرر اعلیحضرت همایونی به آذربایجان و شمال و خراسان و فارس و سایر نقاط کشور ذکر نرفته است اعلیحضرت همایونی تمام شهرهای ایران را مکرر دیدن فرموده و در هر شهر تمام مؤسسات خیریه - بیمارستانها - کارخانهها آموزشگاهها و سایر تأسیسات ملی و ورزشی را بازدید نموده اند و نواقص آنها را با کمکهای شخصی مرتفع فرموده اند. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی علاوه بر آنکه تمام ثروت پدر را صرف رفاه زندگانی روستایان و کارگران و اصلاحات و عمران و آبادان کشور نموده اند اکنون عایدات شخصی و حقوق ماهیانه و حتی اعتبارات مربوط به جشنهای میلاد خود را نیز بمصرف بر آوردن نیازمندیهای بیچارگان و ضعفا و بیماران و طبقات زحمتکش کشور میرسانند و خود بانهایت سادگی زندگی مینمایند. بدیهی است کشورهای دنیا دارای هر مسلک و مرامی که هستند يك فرد ممتاز رهبر و مظهر ملیت در رأس ملت و دولت خود دارند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بتمام معنی شایسته و مافوق تمام صفات پیشوائی و هدایت کشور و ملت ایران هستند. اساس استقلال ایران عزیز ما همیشه پیوستگی با فرورش کانون سلطنت ایران داشته است.

اعلیحضرت همایونی تمام فنون مختلف زندگانی را فرا گرفته در ورزشهای مختلف و راندن تمام وسایل موتوری ارتباطی و همچنین هدایت هواپیماهای جنگی و غیرجنگی سرآمد همگان میباشد. زبانهای انگلیسی و فرانسه را بخوبی میدانند و تاحدی آلمانی نیز فرا گرفته اند. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رفوزم شایان توجهی در ارتش ایران بوجود آورده و ورزش ایران را بعد کشورهای بزرگ جهان ترقی داده اند و اساساً موجد و مؤسس ترقیات ورزشی امروزی ایران شخص ایشان میباشد.

بطوریکه سالی یکبار در روز مسعود و فرخنده ۴ آبان بر گزیده ترین جوانان ورزشکار تمام شهرستانها و نقاط صیبن عزیز ما در طهران بدور یکدیگر اجتماع نموده اردوهای قهرمانی برپا میسازند و مسابقه‌های گوناگون خود را در پیشگاه مبارک ملوکانه بمعرض نمایش میگذارند. در این تاریخچه از نطقهای مفصل و مهیجی که در رادیو و در جشنها و گشایشها ایراد فرموده اند و همچنین از جریان مانورها و بازدیدهای ارتشی و سلامهای رسمی اعیاد و معرفی و پذیرفتن دولت‌ها و هیئت‌های وزیران و پذیرش اعتبارنامه‌های نمایندگان سیاسی و رسمی دولتهای دوست و متجا به و مخصوصاً جوه هنگفت کمکها و اعانه‌هایی که میلیون میلیون بهر يك از شهرهای داخلی کشور و مؤسسات خیریه و ورزشی و کارخانهها و شیروخورشید سرخ و بیمارستانها و مستعدمات فرهنگی - صنعتی - کشاورزی - بهداشتی عنایت فرموده اند و بیشتر اوقات عزیزشان را مصروف داشته بهیچوجه ذکر نرفته است چه این همه خدمت بکشور و ملت ایران را بطوری که خود مکرر فرموده اند از لحاظ وظیفه که هر فردی نسبت به برخورداری خود از این آب و خاک مقدس دارد انجام داده اند.

شرح این جریانات محتاج نگارش کتابها است و در این وجیزه‌ها گنجایش ندارد. بطور کلی اوقات شریف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از صبح زود تا ۲ ساعت بعد از ظهر مصروف رسیدگی بمهام امور کشور و جهانداری و صدور فرامین و پذیرفتن رجال و بزرگان و مردان سیاسی و رؤسای دربار و طبقات مختلف کشور که استدعای شرفیابی را دارند مصروف میشود

بعداً برای صرف نهار تشریف فرما گردیده اوقات بعد از ظهر را بمطالعه نامه‌ها و مطبوعات و پرونده‌ها و افتتاح و بازدید مستحقات جدید و مشارع عام المنفعه و ادارات و سازمانهای دولتی و ملی و با مسائل خصوصی مصروف مینمایند شاهنشاه جوان ایران شب و روز برای پیشرفت وسعادت ملت و کشور ایران کار میکنند و کوشش میندول میفرمایند ملت ایران نسبت بچنین شاهی تا حد جانبازی و فداکاری حق شناس و سیاستگذار و دوستدار است تاریخ ایران هیچگاه اینهمه رحم و محبت‌های او را فراموش نمیکند.

این همان راهی است که شاهنشاهان ایران مانند داریوش و انوشیروان و شاه عباس آنرا باموفقیت تاریخی بپیمودند و باصیت شهرت خود جهان روز را بلرزه درآنداختند.

## فصل هفدهم

تراوش يك طرح سعادتبار بزرگ از يك مغز و فكر بلند

### رژه چهارم آبان یا سر آغاز سعادت ایران

هر گز هر گز تاریخ هیچ ملتی نشان نداده است که اینهمه شور و هیجان از ته قلب از جانب مردمی آتشین درون که از دیدار فرزندان رشید پیکرو دلاور میهن بکلی از خود بیخود شده بودند یکباره آسمان تهران را بلرزاند هیچ قلمی را یارای آن نیست که صحنه دلارا و بی نظیر میدان سپهرا مهلو از احساسات شورانگیز يك ملت که مدت پنج سال و هشت ماه اثر مثبتی از ارتش خود ندیده بودند وصف کند اشعه زرین آفتاب آفروز - آفروز یزدانی که خداوند شهپر جلال و شکوه درخشان و پر هیمنه و وطن‌طنه بر ساحت نورانی آن بلطف باری خود گسترده بود و منظره غیر قابل توصیف است = میدان سپه در هنگام ورود شاهنشاه بکلی میلرزید عمارات سر باسماں کشیده اطراف از غریو بی مهابا و بی اختیار خلأئی مرتعش بود در فضای پاك و بی غش میدان سپاه دو عطیه ایران یعنی شاه و ملت تنها یکدیگر را در آغوش خود میفشردند بسا رمزها و رازهای درون را در این فرصتی که بدست آورده بودند از سوز دل برای یکدیگر بیان کردند ذایا کان لنگد مال و محو و نابود شدند و سر بگریبان پشیمانی و پریشانی فرو برده از روزنه‌ها مینگریستند اگر بخوایم میزانی از قربانی‌های تنومندگاو‌هائی که مردم در مسیر هر يك از واحدهای ارتش کشتند بدست خوانندگان بدهیم از عهدی خارج میدانیم نمیتوان فراموش کرد که از فرسنگهای دور مردم برای ارتش هدایا آوردند



باران دسته گل و نقل و شکلات و پول های نقره و سکه های کوچک طلا بسر روی ارتش و سر بازان و افسران ریخته میشد در خیابان فردوسی و سپه و برق چه احساسات پر جوش و خروشی هنگام دیدار سیمای گلگون و بشاش و منظم جوانان سر باز ابر از میشد ملت از حال طبیعی از فرط احساس شدید حب و دوستی بیخود شده بود همانگونه که قبل از آغاز توفان صدای درنده غریب و رعده دل شنونده را فرو میریزد هر ای و آوای بانگ جگرانه شادباش مردم آسمان تهران را می لرزاند ز نمره مشتاقانه ملت که از جذبات ذوق و انجذابات شوق جان و دل او بر میامد حاکی از آن بود که فعالیت خائنین نتوانسته است کوچکترین خللی بر ایمان شاه دوستی و میهن پرستی او وارد آورد ملت ایران تسلیم نشدنی و تسخیر نشدنی است دژ مستحکمی است از ایمان بایرانیت = ملت ما بتمام معنی یعنی مرکب از ۳ عشق خدا - شاه - ایران .



۶۸ ماه پیش از ۴ آبان ۱۳۲۵ مردم در سوم اسفند ۱۳۱۹ رژه باشکوه و منظم ارتش خود را در جلایه دیده بودند دست حوادث روزگار بوسیله آلمان عظیم نازی جنگی مخوف بر بشریت مانند بالای سوزانی وارد آورد که تو مار ارتش ما را نیز درهم پیچید پس از آن مدت پنجسال و هشت ماه بلاها و صدمات طاقت فرسا بر سر ملت نجیب و مطیع ایران وارد آمد خیابانها و میادین افتخار ما معرض تاخت و تاز و لگدکوب و عربده های بدمستان اجنبی پرست واقع گردید علمها و بیدق های عجیب و غریب بر پا شده الم شنکه ها براه افتاده گاری و کامیون و قاطر سوار بعنوان حزب و دسته و آزادی و در حقیقت برای وطن فروشی و غارتگری بوسط خیابانها عبور داده شد نیروی پرغلیان ملی همچنان صاعقه زده پریشان و خفته مینمود و انتهاز فرصت می جست .

شاهنشاه با فر و شکوه بزرگ ارتشتاران فرمانده با رأی گرانمایه و ابتکار بلند پایه خود بنا گهان گره بر پیشانی افکنده فرشته آسا رشته های دراز این کوتاه فکرانرا با محبت عظیمی که در دل ایرانیان داشت پنبه کرد حب حقیقی و ایمان واقعی را بآنان نشان داد حقیقتاً جای تأسف بود که از این ذخیره بزرگ ملی که بنام ارتش داشتیم هیچگونه استفاده تبلیغاتی نمیکردیم در صورتیکه رژه های

گوناگون مخصوصاً رژه‌های ارتشی بزرگترین وسیله ایست که سالی دو یا سه بار هر کشوری با عظمت و تنوع بی نظیر و بیمانندی آنرا وسیله تبلیغات وسیعی بمنفع کشور خود بکار می‌بندد.

این سکوت موجب شده بود که اثری و اسمی از ارتش ایران نبود و مخالفین و مطبوعات مبتذل که با سرمایه دشمنان ایران اداره میشد درصدد انحلال و سم‌پاشی پیردامنه‌ای بر علیه ارتش ملی و عزیز ما بودند.

ما هر چه درباره عظمت و بزرگی فکر رژه چهارم آبان بنگاریم کم نگاشته‌ایم زیرا شانس بزرگ ایران هم از همان جا شروع گردید و پس و پشت آن تاحال الحمدلله بعد از مدتی اسارت و زبونی خورشید نیکبختی ایران اوج تابش گرفته و پرتو حیات بخش استقلال و تمامیت ارضی و امنیت داخلی تنها و تنها بنا باهتمام شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر سر ملت و آسمان و ارض ایران تابیدن آغاز نهاده است مشروط بر اینکه شاهنشاه و ملت ایران بیدار باشند و دست کسانی که هر لحظه برای ابقای موقعیت خود حیات سیاسی ما را با ایجاد مشکلات گوناگون مصنوعی بمخاطره می‌اندازند از کارها و زمام امور کوتاه سازند و از موقعیت بی نظیر کنونی که مانند بیست سال دوره اعلیحضرت فقید سعید امکان اصلاحات را برای ما دارد حداکثر استفاده را بنمایند و این فرصت را از دست ندهند و بسیار قدر بدانند حتی در همین گیر و دار که همه دنیا بخود مشغولند چند قدمی بسرعت بجلو بروند و دست به کارهای اساسی و تبلیغاتی مهمی در این جهان متمدن بزنند این نکات را نویسنده مکرر گفته‌ام باز هم در این سطور یادآوری نمودم . . . .



برای ملت ایران که خون مردان جنگ آور در عروق او جاری است هیچ چیز باندازه دیدن یک رژه نظامی و ارتش لذت آور و جالب توجه نمیباشد تمام خیابانهای مسیر واحدهای نظامی از میهن پرستانی که ارتش را در آغوش خود گرفته بودند پر بود از خیابانهای دور مردم خود را بمرآکز دیدن رژه مخصوصاً میدان سپاه که محل تشریف فرمائی شاهنشاه بود رسانیده بودند مردم بیشتر برای عرض تبریک ولادت شاهنشاه از صبح زود زیر آفتاب اجتماع کرده بودند هر گز چنین منظره

و جلال و شکوه و جبروت و ابهتی دیده نشده است.

ناگهان مو جهای عظیمی که گوش فلک را کر میگرداند از هلهله و آهورای ملت از اواسط خیابان سپه برخاست و بغاصه کمی سراسر میدان سپه را نعره‌های زنده باد و آوای شادمانی فرا گرفت اتومبیل رولز رویس شاهنشاه تاجدار کامکار جوانیخت از وسط صفوف درهم فشرده ملت دوستاندیش آمد شادم تبسم بود و ملت شاه هورا و زنده باد میکشیدند قربانیهای تنومند مینمودند ملت اتومبیل شاه را از فرط عشق در آغوش کشید میدان سپه بلرزه در افتاد علاوه بر تمام سفراء نمایندگان سیاسی و نظامی خارجی تمام بزرگان کشور و جمعیت بی نظیری از مدعوین و ملت بالکن‌های پائین و بالای شهر داری و تمام ساختمانهای اطراف میدان را اشغال کردند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ایوان شهر داری نمایان شدند بناگاه فریادها و غریو و بانگ شادمانی مردم بشدت بلند شد و تا چند دقیقه ادامه داشت شاهنشاه لبخند زده باهالی سلام نظامی دادند **قامدتی میان ملت و شاه تبادل احترام و محبت و رمز یگانگی قلب بعمل آمد** دو ساعت و نیم رژه بطول انجامید و سه ساعت و یک ربع اعلیحضرت همایونی در شهر داری تشریف فرما بودند رژه در ساعت دو و ربع بعد از ظهر در پیشگاه ملوکانه در حالیکه منظره عجیب میدان سپه بروح پر فتوح اعلیحضرت فقید سعید تهنیت میفرستاد و مجسمه او را شاهد جاندار معرفی مینمود آغاز گردید.

**سپهبدیزدان پناه فرمانده پادگان مرکز پیشاپیش همه سوار اسب قوی و زیبایی جلو می آمد** بزیر جایگاه سلطنتی رسیده توقف نمود و با صدای رسای نظامی و مطبوع خود گزارش را بعرض رسانید سپس دانشکده افسری - دانشجویان - آموزشگاه عالی شهر بانی گارد مخصوص سلطنتی با کلاه خود از مقابل شاهنشاه رژه رفتند آنگاه لشکر یکم با ساز و برگ و مهمات و تانگها - مسلسلها - توپهای مختلف سبک و سنگین و بعد لشکر دوم عیناً بهمان ترتیب رژه رفتند سپس تیپ سوار مرکز - واحدهای زره پوش - افراد نگهبانی کل کشور با کامیونها و موتورسیکلتها تیپ مکانیزه ۱۰۵ بلند و مسلسلهای ضد هوایی باشکوه تمام رژه رفتند هنگام رژه واحدهای موتوریزه هواپیماهای نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی با غلغله و هلهله و شکوه و غریو مدش خود از فراز میدان سپه گذشته و اوراق بی شماری که روی آنها عکس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و شرح حال زمامداری ذات مبارکش درج بود می ریختند این اوراق زیبا بوسیله یکی از میهن پرست ترین جوانان حساس کشور تهیه شده بود که خود او گوشه‌ای از شهر داری را انتخاب کرده بمنظره آسمان رنگین روح بخش و بشاش میدان سپاه مینگریست - میدان سپه از آنروز حقیقتاً میدان سپاه شد و تا قبل از آن اسم بی مسمی بود.



وقتیکه رژه پایان یافت اعلیحضرت شاهنشاه برای تقدیم مدعوین بسالون شهرداری تشریف فرما شدند در این هنگام و الاحضرت اشرف پهلوی شاهزاده خانمی که ایرانیان او را از نهایت صمیم قلب دوست دارند در بالکن ظاهر شدند مدت سه ربع تمام مردم شادمانی و غریب و هلهله میکشیدند تا بالاخره مجدداً شاهنشاه ببالکن تشریف فرما شده بباراز احساسات و هوراهاى رعدآسای مردم بالبخند و اشارات دست پاسخ فرمودند .

آنگاه درحالیکه هیچ راه عبوری برای اتومبیل شاهانه بر اثر ازدهام بیحد مردم باز نبود بازحمت بسیار درحالیکه خواهر محبوب شاهنشاه از فرط عشق و علاقه از بالای بالکن گل بسر برادر تاجدار میریخت بکاخ سلطنتی مراجعت فرمودند .

( رژه چهارم آبان و رژه اول دیماه موجبات افول و نابودی هرگونه رژههای مشکوک دیگری را که تاحال بزبان وحدت ملی ما داده میشد فراهم ساخت ) .

**اما در این میان آذربایجانیان ماتمزده بادیدگان اشکباری بسربازان غیور و فرزندان مبارز و باشهامت و فداکار و جانباز میهن چشم دوخته بودند و بی تابی میکردند گوئی وضع اسفناک آذربایجان و سلطه یاقیان و غارتگران و فشار و شکنجه برادران و خواهران خود را بنظر سربازان ارتش میهن مجسم مینمودند واز آنان امداد و یاری می طلبیدند ولی همینکه بهم برخوردند بدون اینکه محتاج بگفتن باشد هر دو مقصود و خیالات یکدیگر را درك کردند و بازبان دل بابیکدیگر گفتگو کرده از همانجا شالوده نهضت و جنبش عظیمی را طرح کردند که بعدها منظور باطنی طرفین را تأمین کرد پراکندگیها راجمع و وحدت و سعادت ملی را بنیان و تجدید مجد و عظمت دیرین را آغاز نهاد و صحنه دل آرای کشور را از خائنین و بیگانه پرستان بد اندیش پاک و مصفا ساخت و مشت محکمی بردهان دشمنان ایران نواخت .**

بموجب تلگرافاتی که از تمام شهرستانها و نقاط ایران رسید این رژه در تمام مراکز حساس و خیابانهای هر شهر باشکوه و سرور بی نظیری برابر تمثال مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه محبوب برگزار گردید. مخصوصاً در رشت - اصفهان - شیراز - مشهد - کرمانشاه قزوین - خرم آباد - کرمان - بندرعباس - و غیره همه جا احساسات بی نظیر و بی شائبه و لبریز اهالی شبیه و همانند همان شرحی که در بالا دادیم ابراز شد درحقیقت روحیه ارتش شاهنشاهی ایران بوسیله این رژه در مرکز شهرها که تا آن تاریخ بهیچوجه سابقه نداشت تقویت گردید و روح پاک سربازان دلاور را برای فتوحات و نجات میهن بهیجان آورده آماده ساخت .

فقط آذربایجان محروم بود که آنهم در روز اول دیماه شاهد عشق را در آغوش کشید و رژه منظم ارتش در تبریز برپا گردید همه این فداکاریها نیز برای نجات آنجا بود .

# فصل هیجدهم

## اذربایجان

یکسال در فرقت جانگداز غرق در خون و طغیان و لگد کوب سم ستوران  
فرقه غدار و قومی نابکار بسوخت .

بکردار از آنسان که اندر جگر سم  
نه آفات گردون دریشان موثر  
یکایک گذارنده تیغ و نیزه  
چه خونخوار جیشی که پنداشتی خون  
چه ناپاک قومی که در طبع ایشان

بانبوه از آنسان که اندر هوا ذر  
نه پهنای گیتی بریشان مقدر  
سراسر گذارنده درع و مغفر  
بریشان حلال است چون شیر مادر  
تو گفتمی شد آجال از آمال خوشتر

ناگاه در روز شوم ۲۱ آذر ۱۳۲۴ خنجر خونین و جنایتکاری پرده عفاف استقلال  
و تمامیت خاک ایران را درید قومی که از سر چشمه بیگانه پرستی مایه میگرفتند بنام  
(دموکرات فرقه‌سی) بر یکایک شهرهای سبز و خرم آذربایجان غلبه و استیلا یافتند .  
آذربایجان جان ایران است. استان پهناوری است که بررسی اسم آن مارا  
بعظمت‌های تاریخی سر گذشت آن واقف میسازد آذربایجان مسکن مادیها بود که  
از حیث خون و نژاد و زبان و دین و عادات و آداب ایرانیان کاملی بودند دانشمندان  
بزرگ مانند گوتشمید - شپیگل - یوستی - مایر اندک تردیدی در ایرانی بودن  
کامل مادیها ندارند - هنگام حمله اسکندر شهر بان آذربایجان آذرپد یا آذرپاد  
(آذر بمعنی آتش و پت بمعنی رئیس و نگهبان مانند سپهبد و موبد) نام داشت نام  
آذربایجان از آذرپاد و آذر گشسب (آتشکده شیز) بروایات مورخین مشتق و  
باقی ماند مرکز این استان پر داستان در قدیم شهر کنزک (شیزقرون اسلامی در محل  
تخت سلیمان حالیه) بود در دوره عباسیان نخست اردبیل و سپس تبریز بعد از حمله  
مغول مراغه و اخیراً باز تبریز مرکزیت یافت مساحت آذربایجان ۱۰۴،۰۰۰ کیلومتر  
مربع (بیشتر از دو برابر و نیم کشور سوئیس) و دارای متجاوز از ۲،۵۰۰،۰۰۰ نفر  
نفوس میباشد زبان مردم آذربایجان فارسی بوده است و حتی در تمام دوران تاریخ

يك كتاب تركي هم در آنجا تأليف نيافته سخنوران درجه اول ايران مانند قطران خواجه همادالدين - خاقانی - نظامی - شيخ محمود شبستری و شيخ صفی الدين اردبیلی و سيد قاسم انوار از آذربایجان برخاسته و زبان دری و ادبیات پارسی را احیاء نموده اند شت زرتشت پیام آور بزرگ ایران باستان كتاب مقدس اوستارا که اکنون در دست ماست بزبان ایرانی نوشته است .

بابك خرم دینی رادمرد بزرگ تاریخ ایران از آذربایجان برخاست و برضد تسلط عرب سالیان دراز با عمال خلفای عباسی ستیز نمود همچنین سردار ملی و سالار ملی و خیابانی و دیگر رادمردان .

**چگونه آذربایجانی ترك زبان شد** - زبان آذربایجان لهجه پارسی باستانی یعنی آذری بود که تا اواخر قرن دهم هجری در آذربایجان عمومیت داشت .

در سال ۴۳۱ هجری قمری بعد از شکست سلطان مسعود پسر محمود غزنوی از ترکان سلجوقی راه نفوذ و استیلاء قبایل ترك نژاد بایران که ادوار گذشته بر اثر وجود دولت های قوی شوکت اشکانی و ساسانی و سامانی مسدود بود باز شد و کم کم بر اثر معاشرت مردم با سر بازان قبایل ترك آشنائی با زبان تركی آغاز گردید در سال ۶۵۶ هجری قمری پس از فتح بغداد بدست هلاکومراغه را برای پایتختی انتخاب و گروهی از ترکان باذربایجان آمدند ولی ایرانیان مراده خود را با آنان جدا میداشتند و متنفر بودند ولی بحکم غلبه سیاسی و نظامی و احتیاجات مادی طبعاً ایرانیان محتاج بآموختن زبان تركی شدند و از همین جا آلودگی زبان آذری بترکی آغاز شد چنانکه در اکثر نقاط ایران بنا بهمین علل با زبان عربی نیز پیش آمد . اگر معجم البلدان یاقوت را که در اوایل قرن هفتم هجری یعنی در حین استیلای مغول تألیف شده برداشته قسمت اعلام جغرافیائی آذربایجان و اران تاما و راه رود کورا و دربند یکی یکی را مطالعه کنید نادر است اگر بیک اسم تركی بر بخورید همینطور در كتاب بستان السباحه شروانی که در ۱۲۴۷ (سه سال قبل از مرگ فتحعلیشاه) انجام یافته است .

باری بر اثر تشکیل دولتهای بزرگ بیگانه مانند امرای چوپانی و ایلکانی و بر اثر غلبه تیمور لنگک و اخلاف او و ظهور حکومت های ترك قره قویونلو و آق قویونلو و تمرکز ایلات تركی که گورکانیان در آذربایجان مقیم کردند و مخصوصاً طول غلبه و تسلط ترکان باعث آن شد که رواج زبان تركی در آذربایجان توسعه یافت .

متأسفانه شاه اسمعیل مؤسس سلسله صفویه با اینکه از خاندان ایرانی بود گناه بزرگی در انتشار زبان تركی در آذربایجان مرتکب شد بدین معنی که دیوان شعری برای تحبیب طریقت شیعی خود بترکی غیرمأنوس جغتائی سروده و تمام کارهای لشگری و درباری صفویه را تا مدت ها بدست سواران ایلات قورچی و ترکمانان قزلباش سپرد بهمین جهت زبان تركی بتدریج در دربار سلاطین صفوی بر فارسی غلبه پیدا کرد مع هذا زبان آذری همچنان تا عهد شاه عباس بزرگ و حتی تا آخر قرن دهم صدسال پس از آغاز حکومت سلسله صفوی رواج داشت منتهی عوامل مذکور آنرا مستعد



شکست کرد و این شکست را لشکر کشیهای متعدد عثمانیان که اغلب بامدافعات مرزانه آذربایجانیان همراه بود، مبرحله عمل در آوردهم چنین نزدیکی آذربایجان با اراضی ترک نشین مزید بر این علت گردید. معهدنا هنوز در آذربایجان مخصوصاً در روستاهای اطراف جلفا و مرند و زنوز و خلخال شعبی از لهجه بزرگ آذری محفوظ مانده و بدان تکلم میکنند ولی بقایای این یادگار بسرعت در حال اضمحلال و نابودی است خوشبختانه بر اثر رخ دادن وقایعی که در صفحات آینده این تاریخ شرح آن مندرج است هیجان ملی و نهضت حقیقی ایران پرستی در آذربایجان باشکوه و جلال بیسابقه ای چنان آغاز گردیده است که جوانان دانشمند آن استان یکسر ره ایرانیان باستان را می پیمایند و ملیت آنان همساز با عالیترین تمدن جهانی بزودی پر تو حیات بخش بی نظیری بر تمام مبین عزیز ما ایران خواهد افکند و یکبار دیگر مهد زرتشت را پیشرو اصلاحات ایران خواهد ساخت .

باتوجه بدلائل بالا مسلم شد که زبان ترکی که شاه اسمعیل برای مصالح مذهبی و سیاسی وسیله تبلیغ قرار داده بود زبان یک مشت ترکمانان بدوی و بی تمدن و بیابانگرد و غارتگر بود که با ایرانیان تحمیل شده بود و شعر و ادبیاتی که دنیا به پسند ندارد و زبان شکسته بسته ای بود خارجی و باجداد و نژاد ایرانیان یا آذربایجانیان تعلق نداشت با ادعای جماعتی مغرض که بسازدیگران برقص آمده بودند و میگفتند زبان مادری مردم آذربایجان است هیچگاه درو گهر را با خرمهره و خرف مبادله و معامله نباید کرد و برابر نمیتوان ساخت .

هنوز کتیبه های فارسی که از یکطرف در جزیره قبرس و از طرفی در یکن وجود دارد و نفوذ معنوی ایران و دامنه وسعت زبان فارسی را ثابت و مدلل میدارد .

با تمام این دلایل و شواهد یک موضوع مهمی را بعنوان تنبیه باید برای آینده توجه اشخاصی را که خیال خام سرکشی در سر می پروراندند گفته و بدان جلب نمود و آن این است که بدانند .

ما بین زبان تکلم یک قوم و نژاد ایشان لازم نیست ارتباطی وجود داشته باشد زبان یا نژاد یا این عامل منحصر بفردملیت بشمار نمی آید بهترین مثال در این مورد کشور کوچک سوئیس است که در آنجا چهار زبان تکلم میکنند ولی وطن پرستی ایشان سر مشق دنیا است یا زبان انگلستان که اساسش از دو طایفه انگل و ساکسون از نژادهای آلمان غربی میباشد که با انگلستان تاخته و مدتی زمام حکومت آنجا در دست داشتند . ملیت یک امر مهم و مرکب اجتماعی است که در آن صدها عامل مانند تاریخ و عادات و اخلاق سرزمین - عقاید - ادبیات - نژاد ، روحیات ، دین و غیره بشدت مؤثر و مشترک و پای بند میباشد آذربایجانی بدون شك در کلیه این عوامل ایرانی بوده و هست و خواهد بود این مردم يك سرشت و ایرانی را با این اصرار چگونگی نمیتوان از نژاد اغوز و نوپیرگان تایانگ خان و اوغل غایمش خاتون مال پشت دیوار چین دانست اینها نژاد يك ایران و ملت حقیقی داریوش شاه و انوشیروان داد گردنده از شجره مغولان و اتراک .



### جریان تأسیس فرقه دموکرات و تسلط مسلحانه آنان بر آذربایجان

نیرنگ بازان بیگانه پرستی بنام (دموکرات فرقه سی) بدون داشتن سابقه جا و مکان و تبلیغات و تشکیلات حزبی و شناسائی محلی بزور و تشجیع بیگانگان از اوایل مهر ۱۳۲۴ در خافشابه مسلح گردیده بشهرهایی که قوای تأمینیه کافی نداشتند حمله و رمی گشتند مردم را مرعوب و عده ای را تیرباران و سپس بر خلاف اصول مبارزات تبلیغاتی حزبی شروع بتوسعه مقصود خود مینمودند در حقیقت این يك قیام مسلحانه و عمل ماجراجویانه بود که در ظاهر بنام آذربایجانی بر علیه دولت مرکزی آغاز گردید و دولت شوروی معنایه پشتیبانی آنان برخواست چنانکه (ازغوغای تخلیه ایران) روزنامه (ایزوستیا) ۵ روز پس از شروع غائله ایستور نوشت . « حوادث آذربایجان نتیجه افکار اصلاح طلبانه آذربایجان است این حزب نمیخواهد

آذربایجان از ایران جدا گردد بلکه میل دارد حقوق آذربایجانی هادر دایره دولت ایران محفوظ باشد...» علاوه بر این در تاریخ ۶ آذر ۱۳۲۴ روزنامه «ایزوستیا» بیانیه دموکرات فرقه‌سی را در صفحه اول در سه‌ستون و نیم چاپ نموده و مقاله مفصلی هم برله آن منتشر ساخت.

معلوم نیست بچه دلیل و بچه طریق دولت شوروی که یک‌دوات خارجی بود فهمید که دموکراتهای آذربایجان برای تأمین دموکراسی قیام کرده اند ولی خود دولت و ملت ایران و مردم آذربایجان نتوانستند این تشخیص را بدهند... بهمین جهات بود که این نوع پشتیبانی از متجاسرین اثرسوه عمیق و فراوانی در ملت ایران کرده و آنها را بدبین نمود.

**شرح وقایع** - در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۲۴ در قریه «اونیک» واقع در ۱۲ کیلومتری شهر میانه، عده‌ای بنام «دموکرات» جمع شده و هنگام غروب آفتاب با انتشار يك آگهی، متینگی داد و موضعاً ۵۰ نفر مسلح از این عده جلوی کامیونهای که به تبریز یا تهران در آمد و شد بودند گرفته و وجوهی از مسافرین دریافت میکنند علاوه مسافرین نظامی را سخت اذیت کرده و خلع سلاح می‌نمایند. تلگرافی که يك روز بعد از میانه رسید اشعار داشت در قریه «ترگو» و «ترکمن» عده‌ای مسلح که منتسب بفرقه دموکرات هستند مامورین دولتی را خلع سلاح و ادارات را تصرف نموده اند و نیز از هر آبادی بیست و پنج نفر که خدمت نظامی کرده بودند اسامی آنان را یاد داشت میکنند و کسانی که حاضر باشترك مساعی با آنان نباشند تهدید میکنند - ناگهان در تاریخ ۲۶ آبان عمال این دسته بمیانه حمله‌ور شده تمام مامورین دولتی را خلع سلاح و توقیف مینمایند ضمناً عده‌ای از اهالیرا برای تهدید سایرین تبرباران میکنند.

میانه شهری است واقع در سرراه زنجان بتبریز و خط آهنی که از زنجان به سوی تبریز کشیده شده است تا اینجا قبل از جنگ ساخته شده بود، با تصرف این شهر افراد مسلح تقریباً رابطه‌مرکز را با آذربایجان قطع مینمایند زیرا علاوه بر راه آهن راه شوسه تهران به تبریز هم از این شهر میگردد. علاوه بر تصرف ایستگاه راه آهن سیمهای تلگراف و تلفون را هم قطع می‌نمایند تا رابطه تهران و تبریز و بالتیجه شهرهای دیگر آذربایجان با مرکز قطع شده باشد.

در همان هنگام اخباری واصل شد که در مراغه، زنجان، اردبیل عده‌ئی که منتسب بحزب دمکرات هستند مشغول تهدید و تحریک اهالی و مأمورین دولتی میباشد.

در مشکین شهر محمدی وند نام که در نیروی دموکراتها بدرجه سرهنگی رسیدار باب زاده بخشدار و سروان ادیب امینی سرپرست ایل شاهسون را با عده‌ای دیگر از افسران و غیره بشدیدترین وضعی شهید مینماید همینطور در اکثر نقاط آذربایجان فجایع و کشتار و قتل و غارت بی نظیری راه می‌اندازند علت عده پیشرفت این عده و پشتیبانی بیگانگان آذربایجان و آزادی عمل آنان و عدم آزادی عمل نیروهای دولتی بوده است که عده آن هم بر اثر وجود نیروهای بیگانه و اشغال میهن عزیز ما بود. در نیمه شب ۲۵ آبان يك عده مسلح بایک عده کامیون و يك جیب متعلق بایران سوترانس بیاسگاه راه آهن میانه حمله می‌نمایند و مردم در آن دل شب صدای تیرمسلسل میشنوند، در نتیجه این بیش آمد رئیس بیاسگاه راه آهن میانه و رسدبان سوم انصاری با چند تن از زنداندارها کشته میشوند در همان شب عده‌ای از مأمورین دولتی و افراد محلی را بطرق مختلف هلاک میکنند فردای آن روز مردم مضطرب و هراسان شده دکانهای بیدندولی کماندان شوروی آنها را دعوت بیاز کردن دکانهای نمایند. ریاست افراد مسلح را غلام یحیی نامی، رئیس سابق حزب توده میانه عهده‌دار بود، این شخص مهاجری است که پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از روسیه بایران آمده بود.

این بود خلاصه جریان پیدایش فرقه دمکرات و نمونه تصرف یک شهر از استان آذربایجان بدست آنان در دنباله این وقایع تقریباً با همین روش بلکه شدیدتر زنجان و مراغه و اردبیل و غیره را تصرف نمودند و چون تبریز دارای پادگان قوی تری بود پس از محاصره بالاخره آنجا را نیز با دسایسی تصرف کرده بر آذربایجان ایران یکجمله بیگانه تحت رهنمائی ظاهری **پیشهوری** مسلط گردیدند . اسلحه ای که این عده در دست داشتند بیشتر آنها تفنگک برنو و سه تیر و پنج تیر بوده است که معلوم نبود بچه طریق آنها را اخذ نموده اند .

تنها پادگان دولتی که توانست شدیداً مقاومت نموده و مدتی در برابر آنها ایستادگی کند پادگان شهر رضایه **بفرماندهی سرهنگ زنگنه** بود که بعداً بنام **قهرمان رضایه** معروف گردید و در بازپس گرفتن آذربایجان نیز این افسر شجاع مجدداً لیاقت و فداکاریهای خود را آشکار ساخت . چون بازرسی مرزهای ایران پس از شهر یور ۱۳۲۰ از اختیار دولت مرکزی ایران خارج گردیده بود . اشخاصی با هویت های مختلف بدون کنترل وارد سرزمین ما گردیدند و بدست همین افراد . عده معدودی ایرانی فریب خورده و با کمک آنها آشوبهای شمال بر علیه میهن عزیز ما یکی پس از دیگری بوقوع پیوست . دولت ایران هر وقت که خواست اقدامی برای رفع این غائله ها بنماید با موانعی که تماماً ناشی از توقف نیروی بیگانه در خاک ما و دخالت آنها در امور مربوطه بما بوده است مصادف میگردد . دولت ایران یکروز پس از واقعه میانه فوراً تصمیم میگیرد که بمنظور خوابانیدن شورش و جلوگیری از توسعه آن و سرکوبی افراد مسلح دو گردان پیاده و یک گروهان ژاندارم از مرکز **بمقصد تبریز اعزام** دارد که در اختیار فرمانده لشکر آذربایجان قرار گیرند ، وزیر جنگ وقت ( سرلشکر ریاضی ) **قبلا به آقای سرهنگ ( رازین )** وابسته نظامی سفارت کبرای شوروی قصد دولت را درباره اعزام این نیروها اعلام میدارد .

این نیروها در ساعت ۹ عصر دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۲۴ بشریف آباد واقع در ۱۲ کیلو-متری قزوین میرسند گروهان جلودار ، همان موقع بحرکت خود ادامه داده و بجموعه باغات شهر قزوین وارد میشوند که ناگهان عده ای از نظامیان شوروی با چند زره پوش و چند تانک جلو عده اعزامی رسیده و با تحکم فوق العاده دستور توقف و مراجعت بتهران را میدهند . دولت ایران مجدداً با وابسته نظامی و کاردار سفارت شوروی وارد مذاکره شده و خواهش میکنند صدور اجازه برای حرکت نیروهای ایران متوقف در شریف آباد بفرمانده نیروی شوروی در قزوین داده شود کاردار اظهار میدارد باید از مسکو دستور برسد دولت ایران علاوه بر یادداشت های ۲۶ و ۲۹ آبان و اول آذر شفاهاً نیز بکاردار سفارت تذکر میدهد که بیم آن میرود آشوب تمام نقاط آذربایجان را فراگیرد . بالاخره در تاریخ ۵ آذر ۱۳۲۴ ( ۲۴ نوامبر ) پاسخ می رسد که ادعای دولت ایران را رد نموده و در قسمت آخر آن راجع با اعزام نیروهای ایران با آذربایجان بعنوان اینکه خونریزی خواهد شد و در این صورت دولت شوروی هم نیروی تکمیلی خود را بایران وارد خواهد نمود عدم موافقت خود را اعلام میدارد . ناگاه صبح چهارشنبه ۲۱ آذر ۲۴ شهر تبریز از هر سو بوسیله نیروهایی که از مراغه و سراب و میانه و نقاط اطراف بجانب تبریز حرکت کرده بودند محاصره میشود و سه ساعت بظهر مجلسی بنام جعلی مجلس ملی آذربایجان از طرف فرقه دموکرات افتتاح میشود قریب هشتاد نفر یکنوع نظامنامه داخلی تصویب و امضاء نموده و شبستری نامی را بریاست جلسه انتخاب میکنند و جعفر پیشه وری رهبر و نخست وزیر میشود عده دیگری هم خود را وزیر نام می نهند دکتر جاوید وزیر کشور - جعفر کاویان وزیر قشونهای ملی ! . دکتر مهتاش وزیر فلاحات - محمد بیریاو وزیر



فرهنگ - دکتر اورنگی وزیر صحنه - غلامرضا الهامی وزیر مالیه - یوسف عظیمی وزیر عدلیه کبیری وزیر پست و تلگراف و طرق - رضا رسولی وزیر تجارت و اقتصاد - زین العابدین قیامی ریاست کل دیوان تمیز - ابراهیمی دادستان آذربایجان - آتش بیات ماکو وزیر تبلیغات و از این قبیل ضمناً اعلام میدارند که وزارت خارجه همان وزارت خارجه ایران است چون درصدد تجزیه نیستیم! . . . ضمناً با سر تیپ درخشانی خیانت پیشه (که اکنون محکوم بحبس ابد و تقاضای اعدام برایش شده است) قرارداد ننگینی منعقد مینمایند که بدان وسیله فاتحه لشکر آذربایجان خوانده میشود روز ۲۳ آذر عده‌ئی که برای تقویت پادگان آذربایجان از طهران حرکت کرده و در شریف آباد قزوین متوقف شده بودند پس از وصول خبر تسلیم پادگان تبریز به تهران مراجعت میکنند در جلسه روز سه شنبه ششم فروردین شورای امنیت جناب آقای علاء نماینده ایران ضمن قرائت گزارش خود اظهار داشت علت مسافرت هیئت ایرانی بریاست نخست وزیر ایران بمسکو همانا مداخله مقامات شوروی در امور داخلی ایران و بقای نیروهای شوروی در ایران بوده است. سپس اضافه نمود که دولت شوروی تقاضاهای زیر را از ایران نموده است.

- ۱ - بقای سر بازان شوروی برای همیشه در بعضی از مناطق ایران.
  - ۲ - باید دولت ایران حکومت خود مختاری آذربایجان را به رسمیت بشناسد.
  - ۳ - دولت شوروی حاضر است که از تقاضای امتیاز نفت شمال صرف نظر کند بشرط اینکه یک شریکت نفت ایران و شوروی تشکیل گردد که ۵۱ درصد سهام آن متعلق بشوروی و ۴۹ درصد آن برای ایران باشد. ولی دولت ایران کلیه این پیشنهادات را رد کرد زیرا این پیشنهادها بامنشور اتلانتیک و بیمان ملل متفق و با قانون اساسی ایران کاملاً مخالف است بالاخره در تاریخ ۳ خرداد نامه‌ئی از سفارت کبرای شوروی بدین مضمون بدولت ایران رسید.
- آقای نخست وزیر محترم - در تعقیب اظهارات شفاهی که اینجانب موافق دستور دولت شوروی در ۲۲ ماه مه سال جاری کرده است بدینوسیله محترماً تأیید مینماید که تخلیه قشون شوروی از ایران مطابق نقشه که از طرف ستاد ناحیه نظامی قفقاز در اواخر ماه مارس سال جاری اعلام گشته است نهم ماه مه کاملاً انجام یافت خواهشمند است تصمیمی ترین احترامات این جانب را قبول فرمایند. امضاء سادجیکف. روز یکشنبه ۱۶ شهریور هیئتی مرکب از آقای سرهنگ باسحاقی و آقای سرهنگ بایندر و آقای سرهنگ گلپیرا از تهران بزنجان عزیمت نمودند.

در اینموقع یعنی در ۳۱ شهریور تلگرافی از طرف اخوان قشقائی بدولت مخابره شد که در آن بعضی تقاضاهای غیر قانونی نموده بودند و تغییر کابینه و تغییر رؤسای حساس ارتش و واگذاری ادارات و تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و اتصال راه آهن و بسیاری چیزهای دیگر را خواستار شده بودند. در بندر بوشهر نیز زمینه عملیات اغتشاش و مهاجمه فراهم شد و ۴۸ ساعت در تلگرافیکه مخابره نموده بودند برای انجام درخواستهای خویش وقت تعیین کرده بودند. خلاصه اوضاع درهم کشور و اختلافات داخلی و آشوبهای پر دامنه در تمام نقاط میرفت که یکباره کشور را بیرنگ عمیق و ورطه‌هایی سوق دهد اکنون که نگارنده این سطور را می نویسم وقتیکه باوضاع آن روزگار مدش می اندیشم لرزه بر اندامم می افتد و بی اختیار میگیرم و میگویم.

**ای روزگار سیاه زهر آلود برو که دیگر باز نگردي**

ولی در این بین بارقه فرح ناک و امید بخشی درخشیدن گرفت بعد از ظهر روز

شنبه چهارم آبانماه بایکوضع بسیار جالب توجه وباشکوهی ارتش شاهنشاهی ایران در تمام میدانهای بزرگ وخیابانهای مرکزی شهرهای پر جمعیت ایران بافتخار جشن میلادمسعودبندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رژه رفتند بدینوسیله روحیه ارتش شاهنشاهی که متأسفانه بر اثر حملات وتبلیغات بیگانه پرستان در سنین اخیر فوق العاده ضعیف شده بود تقویت یافت و بناگهان افراد فداکار ودلیر ارتش شاهنشاهی که جسته جسته وآرام آرام بنابتأثیر احساسات ایران دوستی ووطن پرستی خود منتظر چنین فرصتی بودند وسایل تحریکات میهنی سربازان وافراد پاک نژادرا فراهم آورده آنانرا بفتح آذربایجان تشویق وتحریض وتشجیع نمودند ازسوی دیگر میهن پرستان ایران وهمچنین مردم آذربایجان که در تمام نقاط ایران عظمت واحساسات وروحیه قوی ارتش را دیدند آنهارا ترغیب بفتح آذربایجان کردند **بی تابی شروع شد خونهای جوش آمد احساسات خفته بیدار شد**. شاهنشاه جوانبخت وقتیکه توجه مردم و حس فداکاری باطنی آنانرا تا سرحد جنون ملاحظه فرمود فرمان داد آذربایجان بانیروی ارتش شاهنشاهی فتح وگشوده شود ومهد زرتشت از شکنجه یوغ غاصبان اوباش وقطاع - الطریقان کلاش وقلاش نجات یابد \*

ناگهان مانند این بود که جهان ایران انتظار حرکت دو لب یاقوتی وگرانمایه شاه محبوب را داشت ارتش بجوش وخروش آمد ایلات وعشایر ازهرسو نغمه فداکاری بلند کردند بویر احمدی بختیاری - ایلات پشت کوه - ایلات فارس - ایلات خراسان - ایلات کردستان تلگرافات مشتاقانه مخبره نموده آمادگی و عزیزمت جنگجویان خود را اطلاع دادند ملت سلاح برگرفتند مادران بفرزندان خود گفتند بفرمان شاهنشاه جوانبخت ای فرزند ترا برای فتح سرزده بین مقدسی میفرستم که در ۳ هزار سال تاریخ درخشانش جزء لاینفک ایران وسر مادر میهن بوده است ای فرزند سپر بردار وبسوی پیروزی آذربایجان بشتاب... از هر طرف دسته های مسلح بهتران حرکت کردند تا

✽ جنایتکاران دموکرات نما در جریان تسلط بر آذربایجان این افسران رشید وشجاع را کشته ویا تیرباران کرده اند ستوان سوم رضاقلی جهانسوزی - ستوان یکم حسین ابرار اصل - سرهنگ دوم علی ظهیر نیا - سروان ادیب امینی - ستوان یکم غبضعلی شعفی - ستوان یکم ابوالقاسم صدوقی - ستوان یکم سیدعلی فاطمی نائینی - ستوان یکم نصرالله قاسمی اردبیلی - همردیف ستوان یکم جواد منجم زاده - ستوان یکم امامقلی ضیائی مهر - ستوان یکم حسن سرمدی ذکائی سرهنگ عباس معین آزاد - ستوان یکم محمد سلیمی - سروان عبدالله پورانی - ستوان یکم اصغر داوری - ستوان یکم محمد سلامی - بهمین نسبت جریان قتل وتیرباران افراد ونفرت وخصوصاً زاندارمهای میهن پرست ایران وهمچنین سایر فجاجیمی که این فرقه ننگین بر سر مردم بی سرپرست آذربایجان وارد آوردند بقدری از حساب و آمار خارج است که تاریخ ما گنجایش درج یک هزارم آنرا ندارد.

بجانب آذربایجان بشتابند این همچنان عظیم ملی بقدری روحیه جنگجویان ارتش را دلیر نمود که خصم بی سر و پا را بطوریکه خواهیم دید در ظرف مدتی کمتر از یکماه تار و مار نمودند و آنهمه افاده‌های گزاف و ترهات و لاف را بزیر خاک و یا به پشت دیوار قاف با کامیون‌هایشان فراری دادند، رفتند که دیگر برنگردند معدوم شدند زیرا که از عدم آمده بودند...

قوای ارتش دلاور و نیرومند ایران از قزوین بسوی زنجان در روز ۳ شنبه ۲۸ آبان حرکت نمود - ستاد لشکر ۳ در قزوین بود قبلاً مرحوم سرلشکر پور زنده فرمانده لشکر ۳ بود این افسر میهن پرست در نتیجه يك عملیات نظامی کوچک بر علیه فدائیان در قاقازان و شکایت پیشه‌وری بدولت تهران احضار شد پس از ایشان سرتیپ شعری و بعداً سرهنگک هاشمی در ۳۱ شهریور ۲۵ بفرماندهی لشکر ۳ تعیین و بقزوین حرکت نمود و تا آخر آبان ۲۵ بتعلیم و تربیت و انتظام واحدهای نظامی پرداخت این جریانات هنگامی بود که دولت از چندین طرف گرفتار اغتشاشات داخلی فارس و کلرگران شهرها و شدت فعالیت دموکراتها و حزب توده وغیره بود روش دولت اخیر همواره این بود که قضایای آذربایجان را بمسالمت خاتمه دهد بهمین جهت موافقت شده بود که در زنجان سیصد نفر دموکرات لباس ننگهبانی پوشیده باژاندارمهای ایران اشتراک مساعی نمایند - در روز ۲۷ آبان فدائیان و مهاجرین اهانت شدیدی بافسران و افراد ژاندارم نمودند آنها را محاصره کرده بسوی آنان تیراندازی کردند شب دوم آذر از طرف ستاد ارتش دستور محرمانه اشغال ناگهانی زنجان بیادگان قزوین داده شد با اینکه از لحاظ خرابی اوضاع و تأمین پشت جبهه نمی‌بایستی قزوین بکلی تخلیه شود وبعلاوه یادگان قزوین مأمور اشغال زنجان بیش از دوگردان ناقص پیاده و دو ارايه جنگی ویکدسته خمپاره انداز ویکدسته آتشبار کوهستانی نبود - غفلت‌آنهاشب يك گردان پیاده بادو ارايه جنگی ویکدسته خمپاره انداز ویکدسته آتشبار کوهستانی از مرکز بقزوین وارد شدند لذا یادگان بلافاصله يك گردان پیاده را در قزوین گذاشته شبانه در دوستون بوسیله کامیون‌ها وقطار بارعایت حفظ اسرار نظامی وقطع سیمهای مخابراتی تاآخرین نقطه زنجان صبح دوم آذرماه قبل از طلوع آفتاب باوجود عده زیادی مسلح از نیروی دموکراتها در بین راه و زنجان بدون اینکه یکنفر از دموکراتها و فدائیان و مهاجرین امکان وسیله فرار داشته باشند زنجان را اشغال واهالی که مبهوت شده بودندیکباره برعلیه مهاجرین ودموکراتهاشوریدند وشیخ محمدعلی خوینی را که مرتکب فجایع بسیار شده بود کشتند اهالی زنجان چنان احساسات شدیدی برله دولت وبرعلیه دموکراتها نشان میدادند که صحنه‌های تاریخی بسیاری از آن بازمانده است شب هنگام بسرهنک بواسطقی از طرف نخست وزیر دستور رسید که رؤسای دموکراتها و مهاجرین وافسران فراری را که موفق بفرار نشده بودند ودر حقیقت اسیر نیروی ارتش بودند سالما بطرف تبریز اعزام و بدرقه نماید! . . . افسر مزبور دستور را اجرا و آنها را باقطار تا تازه کند بدرقه نمود - در زنجان از طرف ارتش حکومت نظامی برقرار گردید .

روز سوم وچهارم آذر خاک خمسه تاسرچم بااعزام واحدهای ژاندارم اشغال شد در این بین ارتش برای اراءه وضع اسف آور زنجان که در مدت اشغال دموکراتها به بدترین روزگاری تبدیل بگورستانی شده بود بنا به پیشنهاد سرهنگک هاشمی عده از مدیران جراید را دعوت نمود که برای مشاهده زنجان باقطار عزیمت نمایند مدیران جراید و نویسندگان مشاهدات خود را در زنجان بمطبوعات تهران فرستادند ویکباره پرده از روی فجایع و جنایات دموکراتها برداشته شد و توفان وطنیان احساسات جهانیان برعلیه آنها در تمام نقاط منعکس گردید .



حمله و عملیات اردو کشی باذربایجان در سه جبهه آغاز گردید ۱ - جبهه اصلی در محور قزوین زنجان - تازه کند - سرچم - رجین (در خط راه آهن است) - نوروزآباد - جمالآباد - قافلانکوه میانه تا تبریز - ۲ - جبهه رشت - آستارا - آذربایجان - ۳ - جبهه کردستان به مه آباد. بدین طریق از اوایل آذرماه بیش از هشت ستون نیروی ارتش شاهنشاهی بسوی آذربایجان پیشروی نمودند. ستون و جبهه مهم همان جبهه زنجان - قافلانکوه میانه تبریز بود که اینجانب (مؤلف این کتاب) بقراریکه در زنجان مشاهده نمودم روحیه و وضعیت آنان بقرار زیر بود :

علاوه بر فوائی که در بالا بدان اشاره شد برای تقویت این نیرو مرتباً واحدهای نظامی دیگری هم از مرکز اعزام شد این جبهه باتشکیل دادن ۳ ستون بشرح ذیل عملیات خود را از ۱۲ آذرماه که آغاز نبرد قافلانکوه نامیده میشود شروع نمود .

### جنگ مهیب و شگرف قافلانکوه

**ستون مرکزی** - تحت فرماندهی مستقیم سرهنگ هاشمی (سرتیپ) مرکب از دو گروه جنگی تشکیل میشد آقایان سرهنگ دو فولادوند فرمانده گروه اول و سرهنگ دوسر دادور فرمانده گروه دوم بودند معاونت کل فرماندهی نیز با سرهنگ ستاد احمد زنگنه بود .

**ستون غربی** - فرماندهی سرهنگ بایندر (سرتیپ فعلی) و نفرات جنگجو و رشید سواران ذوالفقاریها و امیرافشاری و یمینی و اسلحه دار باشی و سرگرد بختیار با ارتش مرکب از یک هنگ سوار و یک آتشبار کوهستانی و یک گروهان خمپاره انداز که تا قریه بوته آخر خاک خمسه پیشرفته پهلوی چپ ستون مرکزی را حفظ مینمودند .

**ستون شرقی** - بدو مرکب از یک گردان ژاندارم پیاده و عده کمی سواران محلی تحت فرماندهی سرگرد ژاندارم فرحزاد از پهلوی راست ستون مرکزی اعزام گردید که تا آقکند را اشغال نماید : مهاجرین و فدائیان این قسمت در یک جبهه مستحکم بطول دو فرسخ و بمعمق یک فرسخ در ارتفاعات فوق العاده مهم استقرار یافته بودند و دارای سنگرهای عمیق و یکصد و بیست قبضه مسلسل سبک و سنگین و ۸۰۰ سوار بفرماندهی ماژور انصاری و ماژور غلامحسین اصائلو بودند ستاد آنها در سلیمان بلاغی قرار داشت و بوسیله لیوتانانت اژدر و لیوتانانت شمیمه و دونفر مهاجر اداره میشد

**ستون غربی** بفرمان تیمسار هاشمی و فرماندهی تیمسار بایندر مأمور حمله و تسخیر ارتفاعات رجین که در سمت چپ جاده شوسه و راه آهن قرار دارد و بر ارتفاعی در حدود ۳۷۰۰ متر قرار گرفته است گردید ستون مزبور در ساعت ۱۱ روز ۱۳ آذر با استفاده از شیارها و حمله در پناه آتش مسلسل سنگین و خمپاره انداز خود را بر رجین رسانید در رجین جنگ بسیار سختی بین سواران عشایری و افراد ستون غربی با دمو کراتها در گرفت که سر انجام با پیروزی ستون غربی پایان یافت در این جنگ سرهنگ ۲ قاضی اسداللهی افسر فراری ارتش و سروان گل محمدی و ستوان راهور از افسران دمو کراتها و ۲۳ نفر از فدائیان آنها بقتل رسیدند و قریب چهار مسلسل سنگین و سبک و تعدادی فشنگ و تفنگ بتصرف ارتش شاهنشاهی درآمد ساعت ۵ بعد از ظهر ۱۸ آذر حرکت ستون بطرف قافلانکوه شروع شد . **اینک داستانی که خواندن آن واجب است**

**آغاز پیشروی و نبرد ستون مرکزی** - صبح روز جمعه ۱۵ آذر جنب و جوش غربی در شهر زنجان دیده آمد فرمانده نیروهای اعزامی و افسران ستاد بسمت فرودگاه حرکت کردند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شخصاً بزنجان با هواپیما فرود آمده بطرف تازه کند برای بازدید خط مقدم جبهه تشریف فرما شدند و محل استقرار سربازان را طبق طرح عملیاتی که تحت نظر

ذات شاهانه در تهران تنظیم شده بود مشاهده فرمودند و هدفها را ترتیب داده دستور رفع نواقص صادر فرمودند جبهه را بازدید و با هواییمما مراجعت نمودند روز ۱۷ آذر ستاد فرماندهی از زنجان خارج و در تازه کشف مستقر گردید هواییمماهای ارتش بر فراز میانه و تبریز و سایر شهرهای آذربایجان پرواز کرده بیانیه‌ها و اوراق برانگیزاننده بخش مینمودند این هوا ییمماها تنها در یک رشته عملیات تبلیغاتی هوایی شصت هزار بیانیه با ۶ متن مختلف انتشار دادند بمردم آذربایجان دستور داده شده بود بر علیه دموکراتها قیام نمایند و همرا بردار مجازات یبایوزند - در این بیانیه‌ها نوشته شده بود روزیکه قوای تأمینیه به نزدیکی زنجان رسید یکمرتبه تمام زن و مرد ناحیه خمه‌سما باچوب و چماق و غیره بقصد قصاص مردمانی که خود را حامی طبقه سوم معرفی میگردند حرکت کردند پس از جلوگیری از خشم و غضب ملت دیده شد حق با ملت میباشد زیرا در تمام منطقه خمه‌سما کسی نیست که از بی ناموسی و بی عفتی و غارتگری و قتل شوهران و پسران جوان دور مانده باشد - قسمت عمده بیانیه‌های آذربایجان و نقشه و پرچم رنگارنگ ایران و اعلامیه‌های مختلف که تأثیر عمیق در پیشرفت کارها داشته و با طیاره منتشر میشد از ابتکارات و نوشته‌های همان جوان میهن دوست و مبتکری است که بیانیه‌های رژه چهارم آبان را نیز نگاشته و بخش نموده بود - در قسمتی از این بیانیه‌ها چنین درج شده بود همه را نیست و نابود سازید زمام امور را در دست گرفته پرچم‌های شیر و خورشید را برافزاید این امر وطن است . . . . . این اعلامیه‌ها در تبریز و سایر نقاط تأثیر فراوانی در افکار عمومی بخشید و دموکراتها را متزلزل ساخت آنها مردم را تهدید کردند هر کسی اوراق مزبور را برداشته و یابد بگردان بدهد اعدام خواهد شد ولی بهیچوجه این تهدیدها دیگر در مردم تأثیری نمیگرد اوراق را میگرفتند و برچشم گذاشته گریه کرده میبوسیدند و بقیمت‌های گزاف میخریدند - عصر روز ۱۸ سر بازا باقطار از زنجان حرکت کردند سر بازا باهیجان غریبی سرود « ای ایران » را میخواندند و به سوی پیروزی می‌شافتند شب و روز قطارهای پراز سر بازا میرفت .

در تازه کشف و سرچشم ساعت ۹ بعد از ظهر ارتباط تلگرافی نیرو با مرکز برقرار شد سر بازان آهسته آهسته در پناه تخته سنگها بایکدیگر صحبت میکردند ناگهان در نیمه شب در آن محیط تاریک و پر خروش شیپورها بصدا درآمد و سرهنگ ۲ فولادوند با سر بازان ورزیده و چابکش عازم حرکت گردیدند شبانگاه ستون شرقی نیز همچنان مشغول زد و خورد با فدائیهها گردید ولی ستون غربی در پناه تاریکی شب بواسطه تنبلی و بی انضباطی فدائیهها و سرما پیشروی قابل ملاحظه‌ای نمود یعنی در شب ۱۹ تا یک ساعت و نیم بعد از نیمه شب کلیه ارتفاعات مهم قافلانکوه منجمله ارتفاع ۶۰۲۱ و قیز قلعه سی را که مشرف بر قافلانکوه و پل دختر است بدست آورد .

ساعت ۶ صبح روز نوزدهم پیشروی عمومی سه ستون آغاز گردید - ستون اول تحت فرماندهی سرهنگ ۲ فولادوند بسمت نوروژ آباد حرکت نمود این افسر خونسرد جلو جلو بطرف دشمن میرفت هوا تاریک و روشن بود سر بازان ارتش ایران تازه از ارتفاعات اول سر ازیز شده بودند که غفلتاً واقعه‌ای رخ داد . بناگهان از روبرو تیراندازی بسیار شدیدی شد جلودارها متوقف شدند سرهنگ فولادوند پرسید کسی از بچه‌ها بیر نخورده است - گفتند خیر - گفت نمیترسید که ؟

گروه‌بانه‌ها و سر بازاهائی که در اطراف بودند گفتند : خیر جناب سرهنگ سر بازا که از این چیزها نمیترسد - سرهنگ فولادوند که از روحیه سر بازاها بیشتر خوشحال شده بود بحرکت خود ادامه داد ناگاه تیراندازی شدت یافت - گلوله مثل باران می‌بارید اما از طرز تیر اندازی معلوم بود که فدائیهها سرها را پائین پشت سنگرها مخفی کرده بدون اینکه جائی را به بینند تیراندازی

میکنند چهار اربابه جنگی که در پیشاپیش نیروی ارتش حرکت میکردند بر سرعت خود افزودند و بامسلحها و توپها مشغول تیراندازی شدند - این تیراندازی شدید نیمساعت ادامه یافت دفعتاً سربازان ایران هورا کشیده دست فنگ و بادو وارد نوروژ آباد شده آنجا با سرعت بنام نخستین هدف عملیاتی تصرف کردند - سپس بدون اینکه عملیات نظامی قطع شود یکساعت پس از استقرار توپخانه در نوروژ آباد جلودارها بسمت جمال آباد حرکت کردند .

دموکر آنها دارای استحکامات قوی و وسایل و عده کافی و مسلسلهای سنگین و سبک و تفنگهای خودکار و غیر خودکار بودند و بانرنجکهای دستی آتش شدید بطرف واحدهای ارتش شاهنشاهی باز نمودند - در کلوچاه و گردالان یک گردان از رده دوم برای عقب زدن و متفرق کردن عدهای از فدائیان که با دستههای مجتمع خود بکمک عدهای از فراریان نوروژ آباد جناح چپ ستون مرکزی را تهدید میکردند به پهلوی چپ اعزام شدند تا آنجا پاك نموده واز کنار راه آهن بطرف پلهای قافلانکوه پیش روی نمایند در حدود ساعت ۱۰ پس از یک جنگ شدید جمال آباد هم اشغال شد فدائیان هنگام فرار پل شوسه را درحاشیه شمالی جمال آباد توی دره که قبلاً خرج گزاری کرده بودند منفجر نمودند و در کنار پل چند قیف بزرگ احتراق احداث کردند گروهان مهندس سر بعملاً قیفهای احتراق و مسیل کنار راه شوسه را پر کرده برای عبور کامیونها و ادوات سنگین آماده کردند گروهانهای پیاده و چند اربابه جنگی در زیر آتش فوق العاده شدید فدائیان و قزل باشها از خارج پل منفجر شده شوسه باتانی عبور داده و پیشروی کردند در نوروژ آباد بیش از ده هزار تیر فشنگ و ۱۸ حلی بنزین و ۲۰ کیسه آرد و چند قبضه مسلسل سنگین و سبک و مقداری پتوبدست آمد .

**انعکاس مدهش غرشی آتش توپخانه ارتش شاهنشاهی در کوهسار - ارتفاعات**  
 طرفین مشرف به تنگه و شوسه جنوبی قافلانکوه با استحکامات و سنگرهای زیاد که با دست مهندسین خارجی قبلاً تهیه شده و در دست متجاسرین فدائی بود آنها معابر اجباری و تنگهها را با مهارت تشخیص داده و راه شوسه را خراب کرده بودند هم چنین نقاط حساس را بشدت زیر آتش موثر گرفته دفاع مینمودند با وجود مین گذاری و خرابی پلها و جادهها و احتمال احداث دامپا برای اربابهای جنگی و آتش شدید و مقاومت جدی بهر قیمتی بود تا صبح ۲۰ آذر تا نزدیکی پلهای اصلی پیشروی و اشغال گردید .  
 قرار بود هواپیماها سحر گاهان با بمباران شدید پیشروی پیادهها و سوارها را تسهیل نمایند ولی بواسطه مه زیاد تا ساعت ۱۱ قادر بعملیات مهم نشدند ساعت ۱۱ اولین دسته هواپیماها که ۹ فروند بودند با دقت سر کار سرگرد راستی و شهامت خلبانان - سنگرهای قافلانکوه را بمباران کردند . هواپیماهای اکتشافی نیز اخبار وضع نیروهای دشمن و موقعیت سربازان ارتش را بوسیله لولههای فلزی بروی پارچه های سفیدی که بعلامت مخصوص فرماندهی روی زمین گسترده میشد نزدیک شده میانداختند روحیه افسران در شبهای نوزدهم و بیستم آذر قابل ملاحظه میباشد - در شب مزبور که دستور پیشروی داده شد زمانیکه سربازان و افسران حمله را آغاز کردند افسران بسر نوشت این زد و خورد مجهول میان دشمنان روزنامه های دست چپ برای تهدید دولت بی دربی در سر مقاله های خود با تیتراهای درشت در باره اعزام نیرو به آذربایجان خطاب بدولت مینوشتند (دست بعملی که نتیجه ای جز نابودی ارتش ایران و هیئت حاکمه و ویرانی کشور ندارد ننزید)

بسیاری از افسران و افراد نیز در آن لحظات پر تشویش و اضطراب نمیدانستند . آیا گلوله ای که در قافلانکوه شلیک میشود آتشی است که دنیا را هم بجنگ خواهد کشانید یا فقط در کوهستان ایران خاکستر میشود همین افکار تا حدی سبب تفکر و تشویش عمومی شده بود ولی افسران و افراد نیروی اعزامی تمام این حسابها را کرده و با در نظر گرفتن کلیه موانع و



پیش آمدهای احتمالی اساساً خود را برای فداکاری آماده نموده بودند .

ساعت ۱۰ و نیم صبح ۱۹ آذر یک هواپیمای ناشناسی در ارتفاع زیاد بر فراز قرارگاه فرماندهی به پرواز درآمد سرعت آژیر داده شد - توپها و مسلسل‌های ضد هوایی که قرارگاه فرماندهی را محافظت مینمودند برای شلیک آماده گردیدند هواپیمای مزبور با تانی و ملاپمت کلیه ارتفاعات قافلانکوه را اکتشاف کرد و پس از مختصر پرواز بر فراز ستونهای شرقی و غربی بطرف زنجان مراجعت کرد ، لحظه‌ای بعد یک هواپیمای دیگر که در ارتفاع کم پرواز میکرد ولی بازهم نوع آن تشخیص داده نمیشد ظاهر گردید نیروها و ارتفاعات و ستونهای شرقی و غربی را مورد اکتشاف قرارداد و بار دیگر بر فراز قرارگاه پرواز درآمد ناگاه نفسها در سینه حس گردید - کسی نمیدانست چه خواهد شد و دچار چه سرنوشتی خواهد گردید چشمها بعملیات پرواز هواپیمای دوخته شده بود چند دقیقه بعد ، خبری که اثرش از انفجار بمب کمتر نبود در سر تاسر نیروانتشار یافت . این خبر که در مدت کمی دهان بدهان و گوش بگوش سراسر جبهه را پر نمود بلافاصله قیافه‌های گرفته و وحشت زده را مسرور و خندان ساخت افسران در حالی که میخندیدند میگفتند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با هواپیمای عملیات نظامی را مشاهده میفرمایند عملیات نظامی در تمام مدت روز ادامه یافت بطوریکه هنگام تاریک شدن هوا گزارش رسید که ستون غربی کلیه ارتفاعات سمت چپ رود قافلانکوه را اشغال نموده است .

فرماندهی کل نیروی اعزامی با تیمسار سرتیپ هاشمی بود و شورائی که در آن تصمیمات متخذه مورد بررسی قرار میگرفت از افسران زیر که عموماً لایق و تحصیل کرده و میهن پرست و دارای سوابق نظامی درخشانی بودند تشکیل میشد - سرهنگ ستاد احمد زنگنه معاون فرماندهی نیرو - سرهنگ ستاد وهرام - سرهنگ ستاد مغروری - سرهنگ ستاد وفا - سرگرد ستاد مغروری - فرماندهی نیروهای احتیاطی با تیمسار سرتیپ ضرابی بود که پشت سر نیروهای اعزامی را تأمین و تقویت مینمود و بعلاوه تیمسار سر لشکر رزم آرا ریاست باشاهمات ستاد ارتش با محابرات حضوری دائماً با دقت مراقب جزئیات عملیات بودند در روز ۲۰ توپخانه ستون یکم ارتفاعات قافلانکوه را زیر آتش شدید قرار داد و از طرفی طیارات نیز فدائیان را بسختی بمسلسل می بستند و مقاومتهاشان را بمباران میکردند انفجار بمبها و انعکاس صدای توپخانه در کوهستان و غرش آتش در این تنگه شگرف اثرات مدهشی در تزلزل روحیه دمو کراتها بخشید گلوله و آتش مثل باران در تمام کوهسار می بارید شب هنگام صداهای وحشتناک و عجیب و بسی مخوفی از طرف دشمن شنیده شد انفجارهای شدید از دره قزل اوزن با روشنائیهای خیره کننده و وسیعی شنیده و دیده شد بامدادان معلوم شد پل دختر آجری و پل سیمانی راه شوسه و پل دختر راه آهن را در همان نیمه شب منفجر کرده اند تا نیروهای ارتش نتوانند بطرف تبریز عبور کنند ضمناً غلام یحیی فرمانده کل نیروهای دمو کراتهای فدائی دستور حملات شدیدی میداد . نیمه شب حمله مزبور با تیر اندازی شدیدی آغاز گردید ولی چون روحیه افراد ارتش خوب بود و موفقیت‌های بزرگی در روز بدست آورده بودند حملات دشمن را دفع کردند بامداد بعد خبر رسید که در همان اوان حمله فدائیه ژنرال غلام یحیی دانشیان شهر میانه را چپاول کرده چند تن را بدست خود کشته و ۲ میلیون ریال پول نقدی که در بانک میانه بود با خود برده است . این خبر انعکاس غریبی در تقویت روحیه سر بازان بخشید همه خندان و شادمان بهت گیر این

وقایع بودند هواپیماهای ارتش مجدداً به پرواز در آمدند و مرکز ستاد غلام‌یحیی جانی و سایر مواضع را بمباران کردند و شعاع عمل خود را تا شصت کیلومتر بالاتر از میانه روی محور میانه - تبریز توسعه دادند و ضمناً در مراجعت بفرماندهی نیرو گزارش دادند که این طرف میانه اثری از دشمن مشهود نیست دفعتاً دستگاه تلگراف نیز خود بخود شروع بکار کرد پس از اینکه سرگرد غفوری تلگراف را گرفت معلوم شد تلگرافچی میانه است. خبر میداد = پس است. پس است. رحم کنید، بمباران پس است. فدائی‌ها همه رفتند. شهر خالی است: بیائید! . . . .



عبور نیروئی بدین عظمت از پل‌ها و رساندن تمام این عده با ساز و برگ کامل در همان روز بسرعت بمیانه - یکی از شاهکارهای عملیات نظامی بود - سیل قاطرهای مسلسل - يك آتشبار کوهستانی بادواب و نفرات مربوط و مسلسل‌های سنگین با دواب و دوگردان پیاده از رودخانه که آب آن تاگرده دواب میرسید با واحدهای خمپاره انداز و توپخانه ۷۵ پس از تجسس محل با گذار از آب عبور کردند پیشروی سریع بسوی میانه تحت نظر مستقیم سر تیپ هاشمی شروع شد ستون مستقیم میان بر فوراً گردنه اصلی قافلانکوه را اشغال کرد و از بالای ایستگاه راه آهن بسمت میانه سر ایزر گردید در نتیجه حملات و ضربات شدید متمادی و مخصوصاً سرعت پیشروی که از فنون جنگی سر تیپ هاشمی میباشد متجاسرین فدائی تاب مقاومت نیاورده با اینکه حمله آغاز کرده بودند متلاشی شدند و بوسیله کامیونهای زیاد که در میانه تمرکز داده بودند بسمت تبریز منتهزم گردیدند. باقیمانده آنان نیز باطراف متواری شدند عده کثیری از اهالی میانه با گاو و گوسفند قربانی با استقبال آمدند.

تیمسار هاشمی بوسیله اسب با يك کامیون سرباز و کامیون دیگری که حامل سرگرد غفوری وعده‌ای از افسران ارتش و سرهنگ فولادوند از ستون مرکزی بود با قسمت‌هایی از سوار ستون غربی ساعت ۱۵ وارد میانه شده تلگرافخانه و سایر نقاط را اشغال کردند ساختن پل دختر نیز تحت نظر سرکار سرهنگ زنگنه و سایر افسران ادامه داشت در ظرف ۱۴ ساعت یعنی ساعت ۲ روز ۲۱ آذر پل مزبور که چند دهانه بزرگش بطول ۲۰ متر ویران شده بود برای عبور سنگین‌ترین وسایل آماده گردید و تمام عوامل سنگین ستون مرکزی و توپخانه ۱۰۵ بلند شب هنگام از پل عبور کردند هنوز هم این پل مورد استفاده کلیه وسایل نقلیه است خیرتسلیم میانه در بین افراد ستون شرقی که در طول جبهه مشغول زد و خورد بودند و هنوز خبری از آن‌ها در میان نبود اثر فوق العاده بخشید و فدائیه را متوحش ساخت ۳۰۰ نفر فدائی با افسران خود منجمله ماژور انصاری تسلیم گردیدند و ستون مزبور نیز روزهای ۲۲ و ۲۳ وارد میانه شدند.

تیمسار هاشمی پس از ورود بمیانه برای گزارش عملیات خود بهتران بتلگرافخانه رفت و ضمناً دستور جمع آوری اسلحه صادر گردید سرهنگ زالتاش بسمت فرمانداری نظامی میانه و محال گمرود و کاغذکنان تعیین گردید عبور از خیابانهای شهر میانه بواسطه کثرت تعداد سربازان میسر نمیشد سواران و تفنگچیان آقایان ذوالفقاری و اسلحه دار باشی ویمنی و محمدحسن خان افشار نیز دسته دسته وارد شدند ولی البته در هنگام تفتیش منازل رفتار بی رویه نیز از افراد سر میزد که از طرف تیمسار هاشمی و آقای ذوالفقاری و سایرین جداً توجه و جلوگیری بعمل آمد - ضمن تحقیقات کشف شد یک دستگاه بی سیم از طرف یکی از دول بیگانه با سه نفر مأمور بی سیم بیگانه نزدیک تلگرافخانه وجود دارد که مشغول نخابره بودند فوراً بی سیم مزبور با حضور تی تی نوف و زایتسوف مهر و موم و توقیف شد و صورت مجلس آن تنظیم گردید موقع اشغال زنجان نیز بیگانه

یکدستگاه بی‌سیم آنجا داشت سرعت پیشروی و موفقیت و اشغال میانه در تهران انعکاس غریبی بخشید - ضمناً بنا بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دستخط مبارک ملوکانه بافتخار تیمسار هاشمی و افسران نیروی اعزامی بدین ترتیب شرفصدور یافت .

از خدمات کلیه افسران گروه‌بانان و افراد باشاهمتی که در نیروی اعزامی بآذربایجان شرکت کرده و هر گونه مقاومتی را منکوب نموده‌اند مراتب رضایت خاطر خود را بدینوسیله اعلام میداریم خدمات افسران همواره منظور نظر و مورد تحسین و تقدیر خواهد بود شما را که فرماندهی نیروی اعزامی را عهده‌دار هستید بدرجه سرتیپی قرین افتخار می‌نمائیم . محمد رضا پهلوی

بنا بقلت کامیون نبودن راه آهن از میانه به تبریز و تحویل ندادن کامیونهای که میبایستی باختیار نیرو گذاشته شود فرمانده نیروی اعزامی مجبور شد بایک گردان پیاده و یکدسته خیاره‌انداز سوار کامیونهای موجود شده سمت تبریز پیشروی نماید .

بر اثر فتوحات ارتش در تنگه قافلانکوه و انعکاس پیشروی نیروهای اعزامی از سه سمت بآذربایجان یکباره مجاهدین و میهن پرستان آذربایجان و مردم غیور آن سامان قیام کرده و برای گرفتن انتقام از جانیان دموکرات نما اسلحه برداشته همانطوریکه شهر یاریس قیام کرد و خود را از دست عمال نازی و سلطه هیتلر نجات داد زمام‌مهام اختیار امور شهر را از غاصبان و لگردد و او باشان مزدور و بیگانه پرست بی‌سرویا و متعددی بنام دموکرات فرقه‌سی گرفته مرکز آذربایجان را نجات دادند .

**تاریخ تکرار شد در ۲۱ آذر ۱۳۳۴ شهر با عظمت تبریز بدست غارتگران و آدم‌کشان رذل و کلاش و او باش دموکرات فرقه‌سی افتاد در ۲۱ آذر ۱۳۳۵ شهر تاریخی تبریز قیام مجاهدانه نموده از دست عمال بیگانه پرست و ماجراجویان خود را رهائی داد و تاج شرف و افتخار و پیروزی را بر سر نهاد و انتقام خود را از راهزنان مسلح دموکرات نما گرفت .**

چون قتل و غارت شهر تبریز را تهدید میکرد و بعلاوه بیگانه پرستان که دارای اسلحه و در حال فرار بودند از هیچ عمل زشت و مکروهی خودداری نمیکردند اوضاع شهر مغشوش و رو بوخامت عجیب و غریبی میرفت از تهران به نیروهای اعزامی دستور داده شد ، در روز جمعه ۲۲ آذر هر چه زودتر برای تصرف تبریز حرکت کنند و نظم و امنیت آنجا را بدست گیرند .

اخبار وحشتناک لحظه بلحظه بیشتر میرسد شبانه یک گردان پیاده با ۴ اراکه جنگی و گروهان زره‌پوش ژاندارمری و یکدسته خمپاره انداز بوسیله کامیون به بستان آباد ۵۶ کیلومتری تبریز که راه سراب اردبیل هم از آنجا منشعب میشود و اهمیت نظامی دارد سریعاً حرکت کردند از طرف میهن پرستان تبریز نماینده‌ای بنام محسنی به بستان آباد آمده فرمانده نیرو را ملاقات و تقاضای سرعت حرکت و اشغال تبریز را نمود زیرا فدائیان قصد آتش زدن شهر و قتل و غارت و کشتار اهالی را داشتند و نیز مرتباً از این پیام‌ها از تبریز میرسید و حتی خطر تقویت یافتن آنها و مقاومت در گردنه شبلی بنظر میرسید و چون غلام یحیی باتفاق پیشه‌وری و سایر افسران فراری با ۸۵ کامیون مملو از غارت و ۱۲ اتوبوس و ۳۵ اتومبیل سواری و جیب پرازفرش و اثاثیه بجلفا و خاک شوروی فرار کرده بودند از بعضی مقامات به بقیه مهاجرین و ماجراجویان تلقین گردید که آنها زمام امور را در دست گرفته جلونیروی اعزامی را که چندین برابر کمتر از آنها است بگیرند و در سایر نقاط آذربایجان مقاومت کنند تا کمک بآنها شده و با مداخلات و مذاکرات دیگر ترتیب بازگشت نیروی اعزامی داده شود مهاجرین و ماجراجویان بر اثر همین تلقینات تغییر روحیه



داده جنبش شدیدی را آغاز کردند و شهر تبریز را سنگربندی نمودند رادیو تبریز نیز که بدست میهن پرستان افتاده بود مورد تهاجم مهاجرین قرار گرفت رادیو دائماً استغاثه میکرد که زودتر نیرو وارد تبریز شده از کشتار مردم جلو گیری شود فرمانده نیروناچار باچند ارابه جنگی وزره پوش با دو کامیون سرباز سریعاً بسمت تبریز حرکت کرد وساعت ۱۶ بمدخل شهر رسید ولی تیراندازی در سنگربندیهای تبریز بن مهاجرین و میهن پرستان مجاهد بقدری شدید بود که بیم خطر قطعی اصابت گلوله بستریب هاشمی میرفت تمام باهای عمارات مرتفع سنگربندی شده بود مردم چنان استقبالی از نیروی اعزامی کردند که تاریخ نظیر آنرا کمتر بیاد دارد محترمین و بازرگانان و اهالی شهر گل و لای چرخهای ارابه های جنگی و زره پوشهارا توتیای چشم نموده چهره خود را بر خاک میکشیدند زن و مرد گریه میکردند کامیونها و ارابه های جنگی قدرت حرکت نداشت .

مردم میل داشتند قربانی شوند - پیره زنی پسر خود را برای قربانی آورده بود و فریاد میزد پسر دیگر مرا دمو کراتها بیگناه کشتند آن دیوسیرتان سر آن نوجوان تازه عروس را بریدند و مراداغدار کردند شماها اجازه بدهید پسر دیگر مرا بادست خود باطیب خاطر قربانی ارتش ایران کنم ..... به بیند این دسته فرومایه و خونخوار چه برسر مردم آورده بودند که اهالی این گونه احساسات از خود بروز میدادند دوساعت تمام طول کشید تا سرتیپ هاشمی توانست خیابان را طی کرده و بمیدان عمارت شهرداری که برای ستاد نیرو در نظر گرفته شده بود برسد رگبار مسلسل و گلوله مثل باران می بارید و از بنا گوشه امیگذشت اهالی از ترس اصابت گلوله به تیمسار هاشمی دورا تو میبیل او حلقه زده و ایشان را در میان گرفته بودند در مقابل شهرداری تیمسار سرتیپ هاشمی نطقی خطاب با اهالی شهر و میهن پرستان ایراد کردند و از احساسات و زحمات آنان تشکر نمودند و توصیه کردند فوراً بخانه های خود رفته معا بررا خلوت کنند و از آنساعت ببعده عملیات بر علیه مهاجرین و ماجراجویان را بعهده نیروی اعزامی بگذارند تا بی جهت تلفات زیاد با اهالی وارد نشود در این فیما بین شلیک شدیدی از طرف مهاجرین شروع شد و چندین نفر گلوله خورده نقش زمین شدند جنازه ها در خیابان ریخته بود کم کم در تاریکی هوا موشکها و فشنگهای رسام و رنگین در هوا با حرکت قوسی خود از نقطه بنقطه ای رفته آسمان شهر را روشن میکرد ماجرا جویان فدائی نقاط اشغالی را بهم دیگر اطلاع میدادند وزیر رگبار گلوله های خود میگرفتند بیش از ۶۰ نقطه محکم و مرتفع مانند ارك و کوی مسجد و سربازخانه و سایر ساختمان های مهم را مهاجرین سنگربندی کرده و تاشب ۲۳ آذر تیراندازی با نهایت شدت ادامه داشت و موشکهای رنگارنگ در هوا منتشر میشد در آن شب کنسولهای شوروی و آمریکا در تبریز بدیدن فرمانده نیرو آمدند و کنسول شوروی تقاضا کرد برای محافظت عمارات کنسولخانه سرباز گماشته شود با فرستادن یکدسته سرباز با نظر او موافقت گردید صبح ۲۴ سایر واحدهای تحت فرماندهی سرهنگ دوسر دادور وارد تبریز شدند و بدین ترتیب داستان حکومت و فرمانفرمائی ننگین دمو کرات آذربایجان خاتمه پذیرفت .

### ورود نیروهای لشکر کردستان به مهاباد و ستون اعزامی رشت با ستارا وارد بیل و اشغال سایر شهرها

دمو کراتها تا ۲۵ آذر دستگیر و خلع سلاح شدند و در حدود ۴۰ نفر از افسران فراری نیز دستگیر گردیدند .

واحدهای نیروی ارتش که بتدریج از میانه میرسیدند بدون معطلی بدین ترتیب بنقاط آذربایجان اعزام گردیدند - یک ستون بمرند - جلفا - خوی - ماکو - شاهپور .  
یک ستون از طریق شرفخانه و دریاچه برضاییه - یک گروهان بسراب یک گروهان بمرآغه

یک گروهان بارسباران - همین طور واحدهای ژاندارمری هم که بتدریج میرسید بشهرهای آذربایجان اعزام میگرددند .

فرماندهی کل نیروهای اعزامی از کردستان باتیمسار همایونی که افسری سلحشور و لایق ومیهن پرست میباشد بود و در سه ستون بفرماندهی سرهنگ اصلانی - سرهنگ بیگلری - سرهنگ آیرم از افسران تحصیل کرده و برگزیده حملات و تعرض خود را بسوی مهاباد از سه خط آغاز نمودند فرماندهی کل قوای اکراد کردستان باقاضی محمد که خود را رئیس جمهور میخواند بود وزیر جنگ او سیف قاضی ومعاون او سرهنگ فراری ارتش عظیمی بود که باو درجه ژنرالی داده بودند فرمانده جبهه سقز ژنرال ملامصطفی بارزانی وفرمانده جبهه تکاب آرام نام ارمنی بود که باو درجه سرهنگی داده بودند وجبهه سردشت بمعهد سرهنگ زیرورکی از چیاولگران وغارتگران معروف واگذار شده بود در طول تمام خطوط هنگام پیشروی ارتش نبردهای سختی با اکراد بمیان میآید که با شجاعت و حملات متقابله نیروی ارتش پیشرفت نصیب لشکر کردستان گردید . روز شانزدهم آذرماه اکراد مجلسی ترتیب داده و در آنجا تصمیم قطعی دولت را در اعزام نیرو باذربایجان مورد بررسی قرار میدهند صدرقاضی نماینده مهاباد در آن جلسه اکراد را تشویق به مقاومت در برابر نیروی دولتی نموده و میگوید دولت موفقیتی بدست نخواهد آورد .

نیروهای اعزامی از کردستان بسرعت حملات خود را بر علیه اکراد ادامه داده ستون تکاب پس از یکرشته جنگ های شدید نقاط سان خوت و قزلال را باهمهات متجاسرین تسخیر میکنند و سپس در ارتفاعات سورات و سبز با پشتیبانی و کمک هواپیماها و یک ستون هنگ سوار موضع حوله سو را در ساعت ۱۷ روز ۱۹ آذر تصرف مینمایند و با تعرضات ناگهانی خود سه ساعت جنگ شدید نموده ۴۰۰ نفر قزلباش و فدائی اسپر و تفنگ و مهمات و مسلسل های آنان بدست نیروی ارتش میافتد روز بیستم بوسیله تلگرافات تبریز قاضی محمد و سیف قاضی و صدر قاضی درمی یابند که سران فرقه ننگین دموکرات از تبریز فرار کرده به پشت کوه قاف رفته اند و از طرف دیگر چون قوای تیمسار همایونی بسرعت مشغول پیشرفت بسوی مهاباد بود وهمه جا مقاومت های اکراد درهم شکسته شد رئیس جمهور و وزرای قلابی چون هیچ راه فراری نداشتند تصمیم بتسلیم شدن میگیرند واحدهای ارتش با موفقیت سواره و پیاده وموتوریزه وارد مهاباد میشوند سیف قاضی و قاضی محمد دستگیر وزندانی میشوند صدر قاضی موفق میشود خود را بهتران برساند ولی این دسیسه ضمن تشخیص خیانت او در موقع محاکمه خائنین مکشوف واز بهتران بامأمورین انتظامی بمهاباد اعزام میگردد و پس از محاکمه بسزای خیانت بوطن هر سه محکوم باعدام میشوند . دو ستون دیگر نیز از تبریز یکی تحت فرماندهی سرهنگ فولادوند از شرفخانه بوسیله کشتی بسوی رضائیه حرکت میکنند و پس از عبور از کلماخانه ساعت ۹ بعد از ظهر ۲۶ آذر وارد رضائیه میشوند ( این ستون در شرفخانه سرهنگ ۴ فراری عظیمی را دستگیر میسازد ) و ستون دوم بفرماندهی سرهنگ ۲ مظاهری در صوفیان بسه ستون تقسیم وبطرف مرنند - جلفا و دیگری بخوی و ماکو و شاهپور حرکت می نمایند .

**آتش زدن شهر آستارا** - ستونی که بافرماندهی سرهنگ مقبلی از رشت مأمور اشغال آستارا بود در ۷ کیلومتری آستارا باقوای متجاسرین بفرماندهی لاهیجی نام برخورد نموده در نتیجه پیکار بسیار سختی که از آغاز شب تا ساعت ۱۱ روز بعد ادامه داشت افراد ستون و افسران بادلاوری بمانندی باوجود بندی هوا که کمک هواپیماهای ارتش را غیر مقدر ساخته بود حملات

پی در پی متجاسرین را دفع نمودند و تلفات سنگینی بخائنین وارد آوردند دمو کراتها پل آستارا را منفجر ساخته و ناگهان ۱۲۰۰ نفر دارای سنگرهای آراسته نظامی و اسلحه و مسلسل و بمب و موشک در برابر نیروهای ایرانی صف آرائی کردند. صبح حمله نیروها بکمک اراپه‌های جنگی شروع شد و بالاخره در ساعت ۱۲ روز ۲۵ آذر ۱۳۲۵ واحدهای ارتش شاهنشاهی در حال نبرد وارد آستارا گردیدند خائنین متجاسر هنگام فرار سراسر شهر را غارت نموده دکانها و خانه‌های مردم را آتش زده و سپس از مرز فرار و آزادانه بجاک شوروی وارد شدند.

ستون مزبور بفرماندهی تیمسار مقبلی بسمت اردبیل پیشروی خود را ادامه داد و قسمت‌های دیگر بسمت سراب حرکت کردند تیمسار سرتیپ ضرابی نیز باستون سوار در منطقه چهار اویماق پسوی مراغه پیشروی نمود و بسر کوبی ماجراجویان پرداخت.

هوایماها پرچم سه رنگ ایران و نقشه ایران و تمثال مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی را که باز از طرف همان فرد میهن پرست ایرانی در تهران با سرعت طبع میشد در تمام نقاط آذربایجان پخش و منتشر می نمودند مردم پرچم و تمثال شاه و نقشه ایران را می بوسیدند و گریه میکردند اهالی مراغه هنگامی که تیمسار ضرابی پرچم‌ها و نقشه‌ها و تمثال مبارک شاهانه را بادست خود ب مردم میداد آنقدر باو فشار آوردند که حد و وصف نداشت.

قریب ۱۰۰۰ فدائی و مهاجر و افسر فراری ارتش و نیروی هوائی بازن و بچه از مرز شوروی عبور کرده با آن طرف ارس رفتند و قتیکه پیشه‌وری عبور کرد مرز ایران و شوروی بسته شد مجدداً ساعت ۱۲ روز پنجشنبه ۲۱ آذر غلام یحیی جانی که با مراد آستارا هم آتش زده بودند بجلفا آمد نهار را خورد و با تلفنگرام بسرهنگ مر تضوی تبریز گفت «ازد کتر جاوید امانت را بگیرید و بیاورید» بعد بمرز رفته دستور داد بگوئید «غلام یحیی است» مرز باز شد و تمام اتومبیلها از روی پل ارس عبور کرده وارد شوروی شدند پس از آن فدائیان عبور کردند مرز تا دو ساعت بعد از نیمه شب باز بود. روز دوشنبه ۲۵ آذر سروان پور رحمان بفرماندهی یادگان و کلانتری مرز جلفا تعیین و وارد جلفا شد. روی هر دوپل نگهبانان ارتش شاهنشاهی گماشته شدند **تاروز ۲۶ آذر در سراسر مرزهای ایران و در تمام درازای رود خروشان ارس پرچم سه رنگ و پر افتخار ارتش ایران در اهتزاز در آمد و با فداکاری و جانبازی افسران و گروهبانان و افراد دلیر سپاهیان شاهنشاهی خصم دون فطرت از پای در آمد و آذربایجان عزیز نجات یافت.**

### زنده و پاینده و جاویدان باد ارتش دلیر شاهنشاهی ایران.

نهضت مقاومت گیلان - نهضت مقاومت رضائیه - دسته‌های چریک مسلح میهن پرستان تبریز دانشجویان دبیرستان فردوسی تبریز - نهضت مقاومت محصلین آذربایجان - مبارزه مخفیانه نهضت جوانان شب‌نامه نویس رضائیه - و بالاخره قیام مسلحانه افراد دلیر و سلحشور ایل شاهسون که بیدریغ خون نایک دموکراتها را بر صفحه پاك آذربایجان میریختند و بالاخره ذوالفقاریها - بمنیها افشارها - بیكدلی‌ها و مرتضی رنجبرها (فهرمان میانه) و تمام مردم آذربایجان که بما گفتند اگر صدسال هم در اسارت می ماندیم ایران خود را فراموش نمی کردیم.

اینها - اینها، با فداکاریها و نثار جان و نثار مال در پیروزی نهائی آذربایجان شریک هستند نام افراد این نهضت‌های مبارز تا چرخ گردنده میگردد پایدار و محمد است. اینها در تمام مدت یکسال اسارت آذربایجان شهبها دور چراغهای کم نور جمع میشدند و قسم



یاد میکردند که مبارزه را ادامه دهند صبح شروع بعمل میگردند یکسال تمام کار این مردم انواع و اقسام مبارزه با خائنین و غاصبین بود دسته‌های مسلح بسیار وسیعی در آذربایجان بر علیه دموکراتها کار میکرد که شرح آنها را ما نمیتوانیم در این کتاب بیاوریم محتاج کتابها و تواریخ مفصل و متعدد است .  
دموکراتهای فدائی مهاجر نقشه برای اسارت تمام ایران طرح کرده بودند آنها اسلحه‌ها و پمپ‌های دستی و مخازن بزرگ اسلحه و مهمات در سراسر آذربایجان پنهان کرده بودند انواعی از مسلسل‌های سنگین و طیآنچه‌های خودکار و غیر خودکار و نارنجک و مواد محترقه آنها اساساً در ارتش ایران نمونه نداشت اسناد و اوراق محرمانه مهمی از آنان بدست آمد و همچنین بر اثر سرعت عملیات ارتش موفق به همراه بردن دستبردهای نقدی از بانک‌ها نشدند . این پولها با کمک ارتش و بهمت مردانی مانند **ارسن بر خورداریان** رئیس بانک ملی آذربایجان دوباره بمکان خود بازگشت این جنایتکاران طرح سازمانی ریخته بودند که تهیه ۷۰ هزار سرباز را برای تسخیر تمام ایران میدید و حتی عده‌ای را برای اخذ تعلیمات بخارج فرستاده بودند ضمناً لیست سیاهی تهیه کرده بودند که در روز ۲۱ آذر (روز قیام و نهضت خودشان) عده زیادی از مخالفین و جاسوسان ایران (یعنی جوانان شجاع میهن پرست را) اعدام نمایند و اکثر این عده را هم از دوسه روز قبل زندانی و آماده کرده بودند ولی ارتش آنها را نجات داد همان ارتشی که متلاشی کردن آن آرزو و هدف مستقیم حملات پیشه‌وری و دموکراتها در تبریز و طرفداران آنها در تهران بود .

## فصل نوزدهم = سازمان گمنونی وزارت جنگ

### ۱ - ارتش شاهنشاهی ایران

بموجب قانون اساسی کشور فرماندهی کل نیروهای نظامی بعهده اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است (بزرگ ارتشتاران فرمانده) ریاست دفتر نظامی شاهنشاهی - فعلاً بلامتصدی میباشد .

### ۲ - شورای عالی جنگ

مرکب از نه نفر کارمندان ثابت و ۲۶ نفر کارمندان غیر ثابت .

کارمندان ثابت عبارتند از وزیر جنگ - رئیس ستاد ارتش و چند نفر از امراء بنابر پیشنهاد ستاد ارتش، کارمندان غیر ثابت که در موقع لزوم راجع بکارهای مربوطه خود در جلسات شورا شرکت مینمایند عبارتند از : فرمانده دانشکده افسری . فرماندهان لشکرها . رؤسای ارکان ستاد ارتش . رؤسای ادارات ارتش .

### ۳ - وزارت جنگ

وزیر جناب آقای محمود جم - معاون اول تیمسار سرلشکر عبدالله هدایت معاون دوم تیمسار سرتیپ مقتدر - رئیس دفتر وزارتی تیمسار سرتیپ اسدالله گلشائیان

### ۴ - ستاد ارتش

رئیس ستاد ارتش تیمسار سرلشگر حاجیعلی رزم آراء - معاون یکم ستاد ارتش تیمسار سرلشگر اسمعیل شفائی - معاون دوم ستاد ارتش تیمسار سرلشگر احمد

خسروانی - ستاد ارتش از نظر سازمانی دارای يك دفتر و چهار رکن و سه دایره میباشد. دفتر ستاد ارتش به ریاست سرکار سرهنگ ولی انصاری - رکن یکم بریاست سرکار سرهنگ عیدسی هدایت - رکن دوم بریاست سرکار سرهنگ بیژن گیلان‌شاه - رکن سوم سر تیپ شعری - رکن چهارم بریاست سرکار سرهنگ علی‌اصغر مزینبی - دایره تعاون و انتشارات بریاست سرکار سرهنگ ستاد صمدی دایره جغرافیائی بریاست سرکار سرهنگ حسن کریم قوانلو - دایره چاپخانه بریاست تیمسار سر تیپ دوست محمد معیری .

### ادارات ارتش بشرح پائین میباشد

اداره یکم	اداره بازرسی کل بریاست تیمسار سر لشگر فضل‌الله زاهدی
	اداره مستشاری بریاست سر تیپ رابرت . و . کرو
اداره دوم	اداره بودجه بریاست تیمسار سر لشگر عطاءالله علائی
اداره سوم	اداره حقوقی بریاست قراردادی آقای محسن همراز
اداره چهارم	اداره سر رشته داری بریاست تیمسار سر لشگر ایرج مطبوعی
اداره پنجم	اداره دارائی بریاست آقای محمد فاطمی
اداره ششم	اداره مهندسی بریاست تیمسار سر تیپ نصرالله بایندر
اداره هفتم	اداره توپخانه بریاست تیمسار سر تیپ محمد باقر هوشمند افشار
اداره هشتم	اداره تسلیحات بریاست تیمسار سر لشگر محمود میرجلالی
اداره نهم	اداره دادرسی بریاست تیمسار سر لشگر محمد صادق کوپال
اداره دهم	اداره بهداری بریاست تیمسار سر لشگر دکتر کریم هدایت
اداره یازدهم	اداره نظام و وظیفه بریاست تیمسار سر لشگر علی‌اصغر نقدی
اداره دوازدهم	اداره اموز دواب بریاست تیمسار سر لشگر اسدالله فتحی
اداره سیزدهم	اداره باربری بریاست تیمسار سر تیپ نادر باتمانقلیچ
اداره چهاردهم	اداره کارگزینی فعلا بلا متصدی است

### ۵- فرماندهان واحدهای ارتش شاهنشاهی

لشگر ۱ پادگان مرکز تهران بفرماندهی تیمسار سر تیپ عبدالله عمیدی - لشگر ۲ پادگان مرکز تهران بفرماندهی تیمسار سر تیپ منصور مزینبی - لشگر ۳ تبریز

بفرماندهی تیمسار سرتیپ عباس گرزن - لشکر ۴ رضائیه بفرماندهی تیمسار سرتیپ احمد زنگنه - لشکر ۵ لرستان بفرماندهی سرتیپ عبدالله بهرامی - لشکر ۶ فارس بفرماندهی تیمسار سرلشکر احمد معینی - لشکر ۷ کرمان و مکران بفرماندهی تیمسار سرتیپ عبدالحسین حجازی - لشکر ۸ خراسان بفرماندهی تیمسار سرتیپ حسین مهین - لشکر ۹ اصفهان بفرماندهی تیمسار سرتیپ نصرت الله معتمدی - لشکر ۱۰ خوزستان بفرماندهی سرکارسرهانگ غلامرضا ثقفی - تیپ مستقل کردستان بفرماندهی تیمسار سرتیپ فرامرزا اصلانی - تیپ مستقل رشت بفرماندهی تیمسار سرتیپ نصرالله مقبلی تیپ گرگان بفرماندهی تیمسار سرتیپ نصرالله افطسی - تیپ کرمانشاه بفرماندهی تیمسار سرتیپ محمدرضا شاهده - نیروی هوایی بفرماندهی سرهنگ هدایت گیلان‌شاه نیروی دریایی شمال بفرماندهی ناخدا محمددفتری - نیروی دریایی جنوب بفرماندهی ناخدا ۱ عبدالله ظلی .

### دانشگاه جنگ

دانشگاه جنگ بفرماندهی تیمسار سرلشکر محمد نخجوان .

### دانشکده افسری

دانشکده افسری بفرماندهی تیمسار سرلشکر محمود بهارمست .

### دیورستان نظام

مرکز جزو دانشکده افسری و بریاست سرکارسرهانگ علی اصغر مبشری می باشد.

## فصل بیستم - تاریخچه مختصر شهر بانی ایران

از تاریخچه شهر بانی ایران که سابقاً (نظمیه) نامیده میشده تادوران سلطنت ناصری، سوابقی در دست نیست و تنها بحدس و گمان میتوان در آن باره ابراز نظر نمود .

این ابراز نظر براساسی استوار است که تا حدی ما را بوجود سازمانی در طول زمان که عهده دار حفاظت نظم و امنیت کشور بود رهبری کند . یعنی چون میدانیم که در هر عصر و زمان وجود یک تشکیلات انتظامی مورد نیاز است میتوانیم معتقد باشیم در ادوار ماضیه هم بتناسب وضع حکومت زمان ؛ یک نوع نیروی حافظ نظم وجود داشته . در دوران سلطنت ناصری همینکه پای افراد ایرانی بارویا باز و شهرت حسن تشکیلات اروپایی رفته رفته زبانزد شد برای اولین بار یکنفر اروپایی برای اداره کردن امور انتظامی تهران استخدام و بکار مشغول گردید .

این مأمور خارجی (کنت دومنت فرت) نام داشت که بروایتی اطریشی و بروایتی ایتالیایی بود . مشارالیه پس از استقرار در مرکز کشور شالده نوینی ریخت و افراد جوانی را بخدمت پذیرفت که با لباس مخصوص بمنظور حفاظت شهر و صیانت انتظامات انجام وظیفه میکردند و اساس کار برای بسط امنیت بصورت سیر دسته دسته گشتیها در محلات و زوایای دور افتاده شهر بود . (کنت) بواسطه نفوذ روحانیت در کلیه امور و عدم رغبت عمومی به پیروی از تعالیم





### سر تیپ محمدعلی صفاری رئیس شهربانی

پس از مرگ وی که در یکی از جنگهای داخلی مقتول شد ریاست نظمیته تهران هر چند بعهدۀ رئیسی واگذار و رفته رفته اهمیت این اداره انتظامی بیشتر مشهود بود تا با استخدام مستشاران سوئدی اقدام شد. زمانیکه ریاست نظمیته بعهدۀ یکی از سرداران ایرانی بنام (صولت نظام) محوّل بود سه نفر از مستشاران سوئدی بتهران وارد و بنظمیه معرفی شدند.

این سه نفر بنام (وستداهل- ارفاس- برگدال) بودند و در تشکیلات نوینی که پی ریزی کردند اولی بنام رئیس تشکیلات - ارفاس بنام رئیس پلیس- دیگری بنام رئیس تأمینات مشغول کار شدند. این سه مقام را که میتوان ریشه و هسته تشکیلات وسیعۀ بعدی شهربانی دانست از لحاظ وظایف ممکن است چنین تعریف نمود:

حوزه ریاست و امور دفتری و مالی و نظارت کلی. قسمت پلیس انتظامی. قسمت پلیس قضائی. مستشاران سوئدی در تشکیلات نوین توجه خود را بیشتر بطبقه جوان معطوف داشته و رفته رفته دست کدخداها و مأمورین قدیمی را از کار کوتاه نمودند و برای پرورش خدمتگزاران بایجاد آموزشگاهها پرداخته و سروصورتی تازه و تاحدی مشابه تشکیلات پلیس اروپائی باموردادند تدریجاً دامنه تغییر بعضی مستشاران سوئدی و استخدام تازه وسعت یافت و رفته رفته تشکیلات شهربانی بعضی نقاط دیگر کشور هم از قبیل قزوین - رشت - خراسان - آذربایجان بعهدۀ مستشاران سوئدی واگذار شد و سازمان مرکزی بیش و کم بخارج از مرکز نیز راه یافت.

در آغاز طلوع کوکب پهلوی همانطور که رفته رفته بخدمات مستشاران نظامی خارجی خاتمه داده شد بطوریکه در این تاریخ نگاشتیم مستشاران سوئدی شهربانی نیز برکنار شدند و اداره امور بدست افسران ایرانی سپرده شد و بعد از سوئدیها تمام شهربانیهای استانها و شهرستانها که سابقاً تحت نظر استانداران و فرمانداران بود بسازمان مرکزی پیوست و هم آهنگی

مستشار بیگانه کاری از پیش نبرد و از ایران رفت. رشته امور بعهدۀ صاحبمنصبان ایرانی که عدّه های باوی کار کرده بودند و در رأس ایشان میرزا ابوتراب خان نظم الدوله قرار داشت و اگذار گردید و از آن پس جرج این تشکیلات انتظامی باتغییرات جزئی تحت تأثیر سلیقه رؤسا و باتقسیم مناطق مسئولیت کدخداها، گاهی بنام وزارت نظمیته و گاهی بنام اداره نظمیته باشرایط زمان گردش داشت. در آغاز مشروطیت و فتح تهران بدست نیروی ملی اداره امور نظمیته تهران از طرف ملیون بعهدۀ رئیس دستۀ مجاهدین ارمنی (مسیویرم) واگذار گردید و این مرد هم با قدرتی که مولود حوادث زمان بود بدست یاری یاران نزدیک خود سر و صورتی بکارها داد و در حفظ نظم و امنیت پیشروی هائی کرد.

در کارهای يك نیروی مهم انتظامی کشور پدید آمد.

از آن تاریخ با تغییر رؤسای کل شهربانی يك سلسله تغییرات و اصلاحات بنسبت احتیاجات و مقتضیات تدریجاً در امور این سازمان روی کرد تا در دوران ریاست تیمسار سر تیپ صفاری ریاست شهربانی کل کشور پایه اصلاحات سازمانی بر اساس استواری بشرح زیر برقرار شد

## سازمان فعلی شهربانی کل کشور :

سازمان حوزه ریاست شهربانی کل کشور. سازمان قسمت های شهربانی تهران. سازمان اداره دفتر کل. سازمان اداره کارگزینی. سازمان اداره بهداشتی. واحد سازمان پست امدادی کلانتری. سازمان اداره حسابداری. سازمان اداره کارپردازی. سازمان اداره فنی و ارتباط. سازمان اداره بازرسی. سازمان اداره تمرکز آمارها. سازمان اداره کار آگاهی. سازمان اداره اقامت اتباع خارجه و گذرنامه. سازمان اداره اماکن عمومی. سازمان اداره امور شهربانی های شهرستانها. سازمان اداره سر کلانتری. واحد سازمان يك کلانتری بخش در تهران. واحد سازمان يك شعبه قضائی کلانتری بخش در تهران. واحد سازمان پاسگاه انتظامی. سازمان اداره راهنمایی و رانندگی. سازمان اداره آگاهی. واحد سازمان يك دائره قضائی در تهران. سازمان اداره انگشت نگاری و تن پیمائی. سازمان اداره بازداشتگاه و زندان و دارالتأدیب. سازمان قسمت آموزش و پرورش. واحد سازمان شهربانیهای درجه يك. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۲. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۳. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۴. واحد سازمان کلانتری درجه يك. واحد سازمان کلانتری درجه ۲. واحد سازمان شعبه قضائی درجه يك. واحد سازمان شعبه قضائی درجه ۲. واحد سازمان کلانتری مستقل. واحد سازمان پاسگاه ساحلی. واحد سازمان پاسگاه انتظامی مرزی.

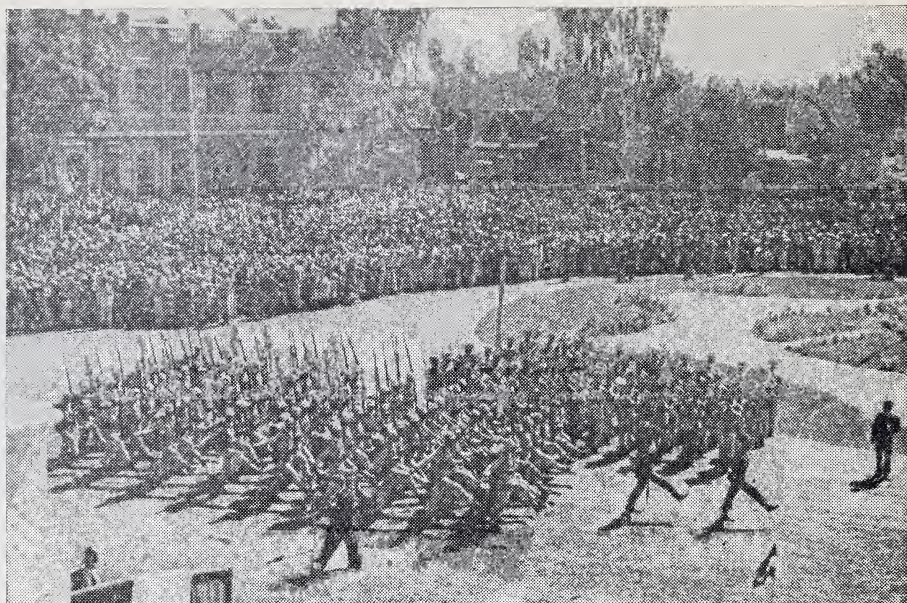


در تاریخ ۲۹/۵/۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شهربانی کل کشور و احکام صادره از وزارت کشور آقای غلامعلی عظیمی بمديريت کل و مأمورین ذیل بمشاغل سازمانی مشروح زیر منصوب شده اند. قسمت کارهای همگانی مرکب از (اداره کار آگاهی - اداره اماکن عمومی - اداره اقامت اتباع خارجه و گذرنامه - اداره امور شهربانیهای شهرستانها) ریاست آقای سر تیپ حسن سهیلی. قسمت پلیس انتظامی مرکب از (اداره سر کلانتری - اداره راهنمایی و رانندگی) ریاست آقای سر تیپ فتح الله بهنام.

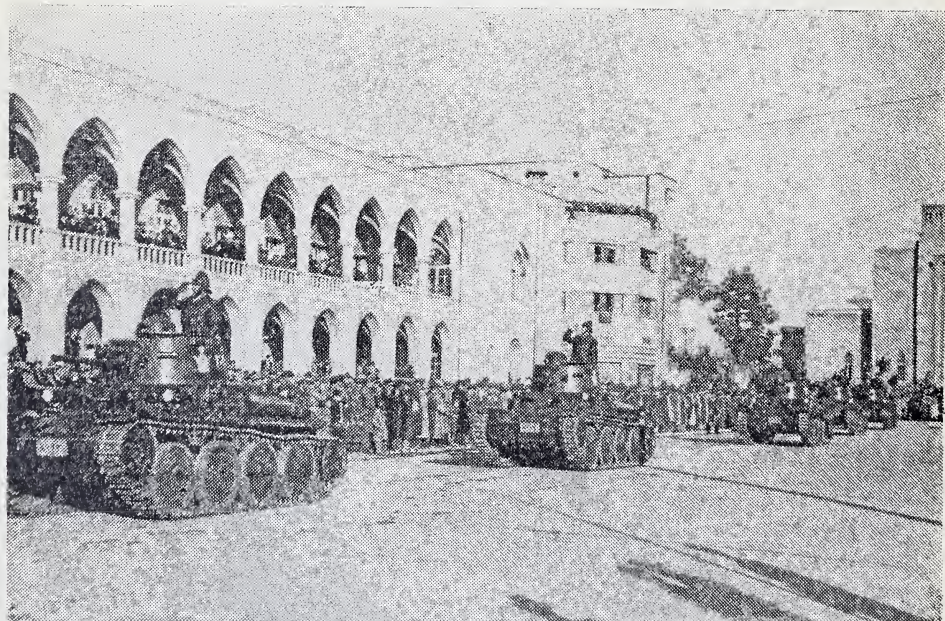
قسمت بازرسی مرکب از (اداره بازرسی - اداره تمرکز آمارها) ریاست آقای سر همت فضل الله آرتا.

قسمت امور مالی مرکب از (اداره حسابداری - اداره کارپردازی - اداره فنی و ارتباط) ریاست آقای سر همت شاپور مختاری. (بقیه شهربانی در صفحه ۱۹۳)



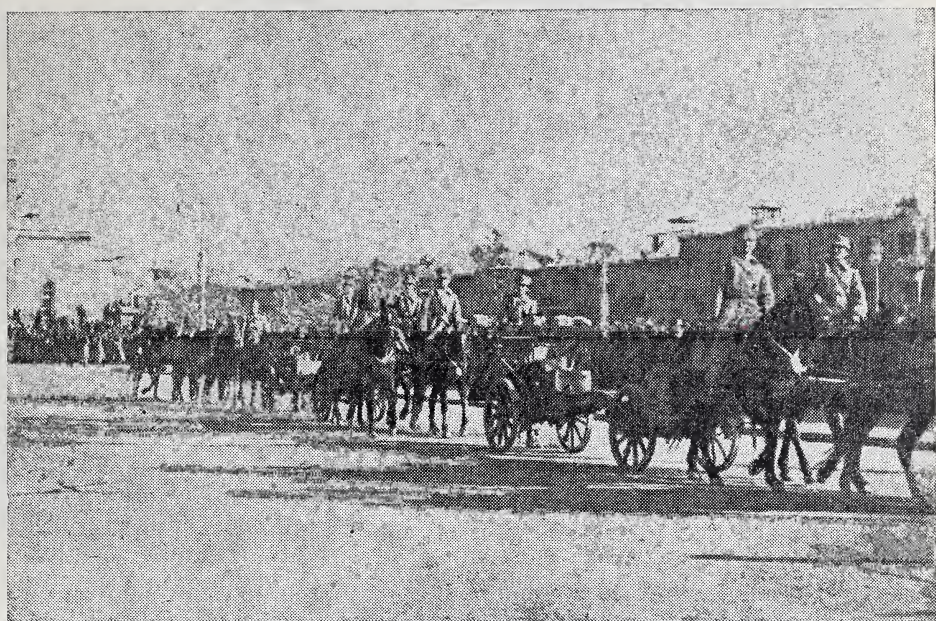


۱ - سکوت آمیخته با جلال و عظمت - صدها هزار نفر از ملت محبوب ایران لشکر رضائیه را هنگامیکه با گامهای پولادین خود از برابر بزرگ ارتشتاران فرمانده رژه میروند تماشا میکنند دلهای این مردم با آهنگ موزیک یکجا ضربان دارد و مملو از شادی و حس فداکاری است .

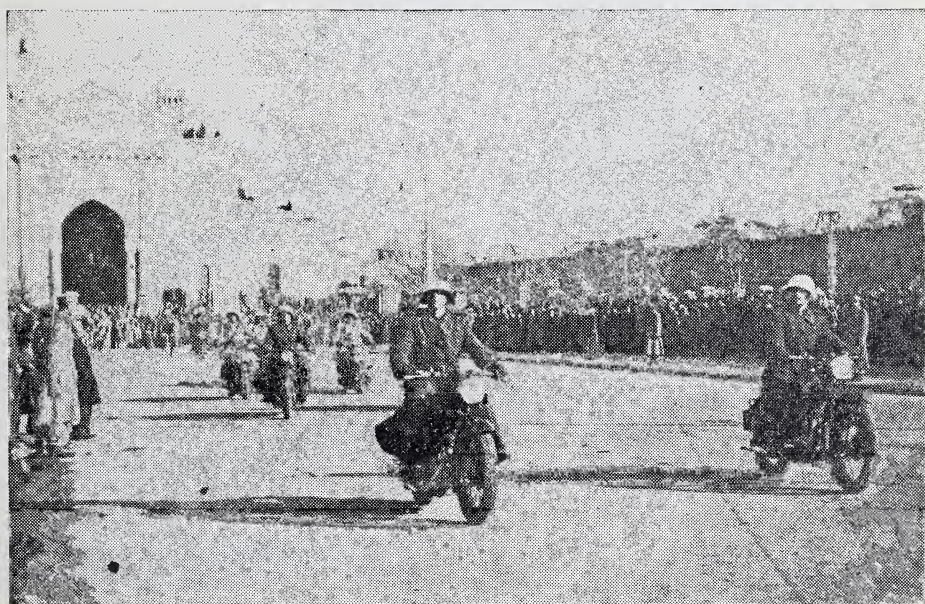


۲ - ارا بهای جنگی پهلوی (تازگها) در برابر ساکنان تهران زیبا با انتظام خاصی در میدان سپه رژه میروند .



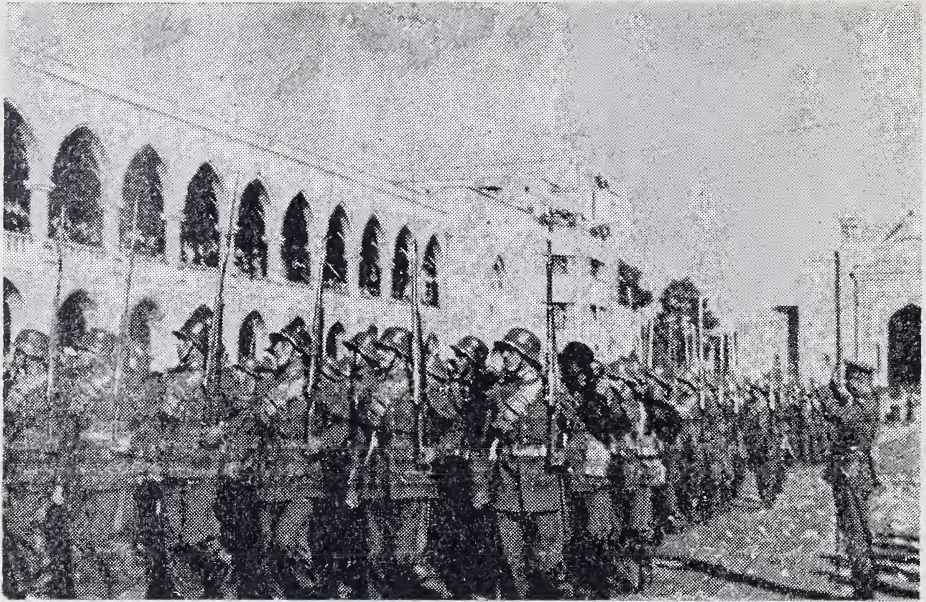


۳ - قسمت توپخانه ارتش شاهنشاهی برابر تمثال مبارك اعليحضرت همایونی  
روز اول دیماه رژه میروند -



۴ - نیروی موتورسیکلت و دوچرخه سواران دژبان در حال رژه در میدان سپه .



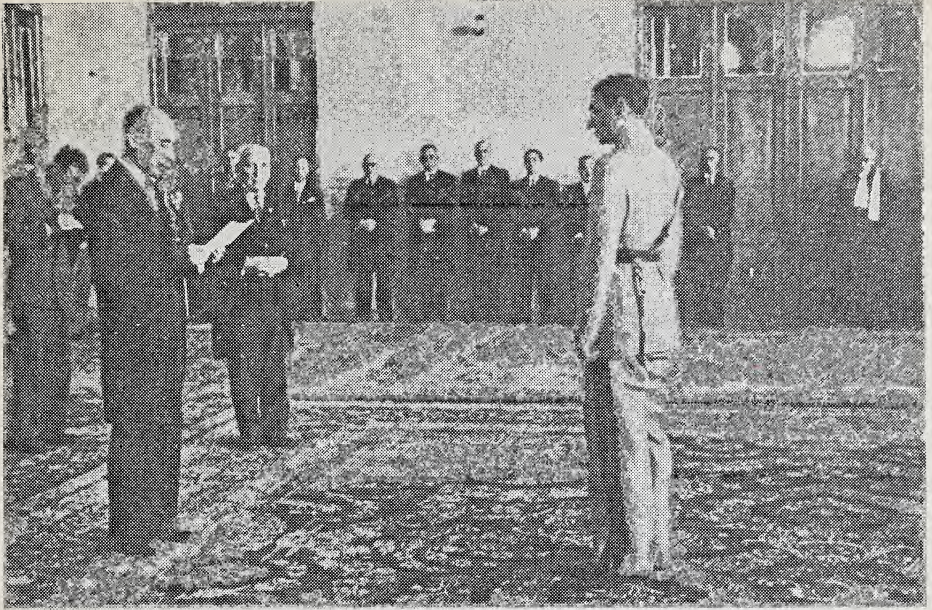


۵ - رژه گارد شاهنشاهی با کلاه‌خود و هیکل‌های رشید و سلحشور در روز تاریخی رژه چهارم آبانماه از پیشگاه بزرگ ارتشتاران فرمانده در میدان سپاه - اوراق شادباش ریخته شده بوسیله طیارات درمیدان پیدا است (گارد شاهنشاهی امروز برای جایگزین شدن سربازان جاویدان دوره شاهنشاهی بافروشکوه ایران باستان ره کمال را می‌بیماید).



۶ - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی لشکر یکم پادگان مرکزرا در روز جشن سان می‌بینند





۷ - جناب آقای منصور استاندار آذربایجان با طنین آهنگ مخصوص خود توجهات کامل شاهنشاه محبوب را جلب مینماید رؤسای ادارات و بزرگان و رجال آذربایجان درسالون بزرگ شهرداری شرفیاب و تبریک عرض مینمایند .

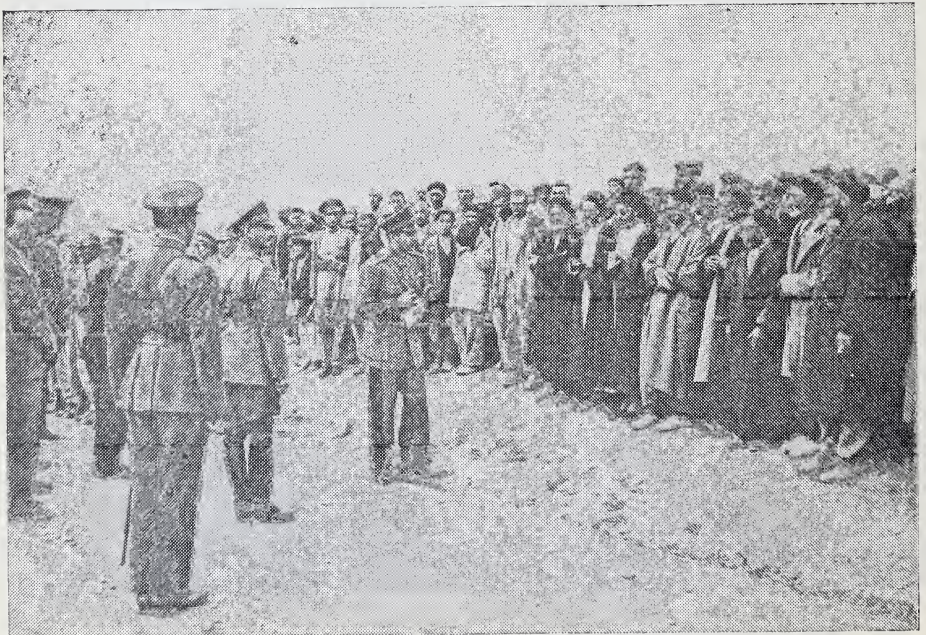


۸ - در اینجا جز شاه وملت پرهیجان هیچ طبقه دیگری وجود ندارد  
تابلو شاهکاری است (رودبار) .



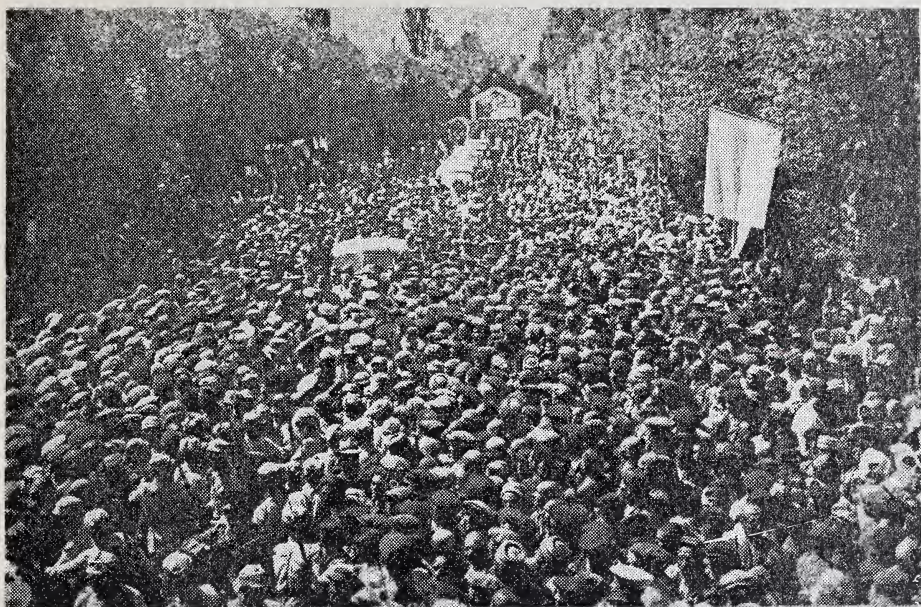


۹ - سواره نظام ایران باستان هخامنشی که پشت دشمنان ایران را بلرزه در می‌انداخت اکنون در ارتش شاهنشاهی مقام خود را تحصیل مینماید این است نمونه حساس از قیافه های گلگون و پرنخوت جوانان سرباز ورشید میهن.

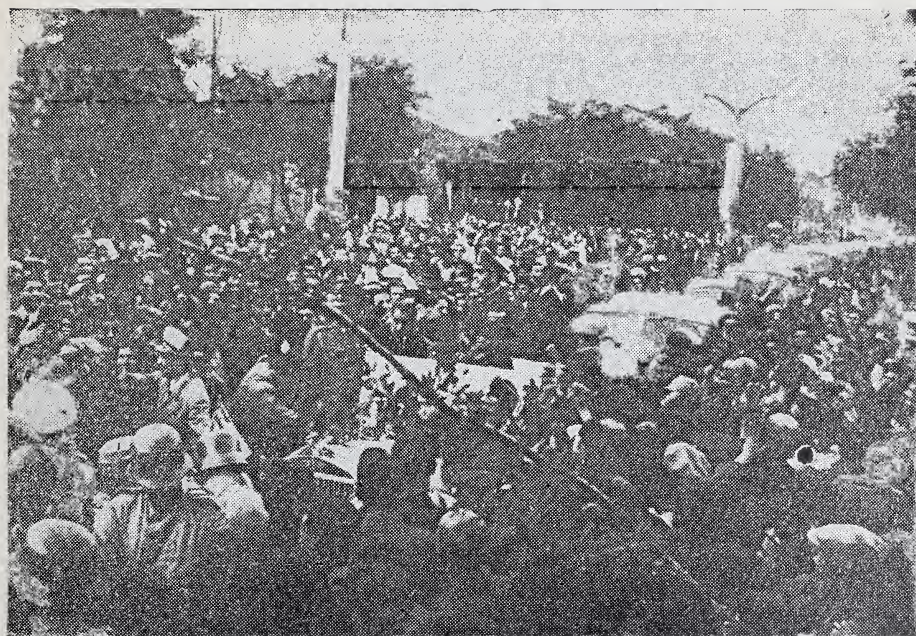


۱۰ - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شخصاً از یکایک مستقبّلین و طلاب و اهل علم زنجان و آذربایجان سؤالات فرموده و از آنان تفقد میفرماید .





۱۱ - ملت شاه یا ملت و شاه به بینید چه هنگامه ایست شاه کجا است آیا شاه را می بینید وصف و قیاس نمیتوان کرد اینها شاهپرستان مرند آذربایجان هستند .



۱۲ - شاهنشاه ساسان نژاد والا تبار در اتومبیل رو باز سرپا ایستاده احساسات مردم را که ازدرون قلب آهورا و آواهای زنده باش میکشند پاسخ میدهند اینجاست عزیزما شهرستان پر خصب و نعمت زاد گناه مؤلف این تاریخ است .



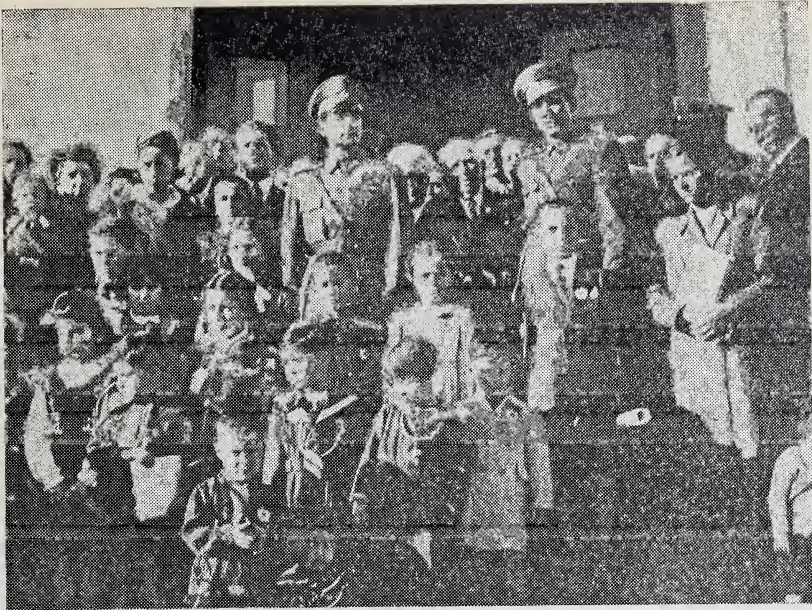


۱۳ - در روز ۵-۲-۲۶ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در جشن بیست و پنجمین سال تأسیس لشکر ۱ پرچم هنگ ۴ سوار از تیپ مستقل کردستان را بمناسبت فداکاریهای هنگ مزبور بیک قطعه نشان درجه ۳ سپه مفتخر فرمودند .

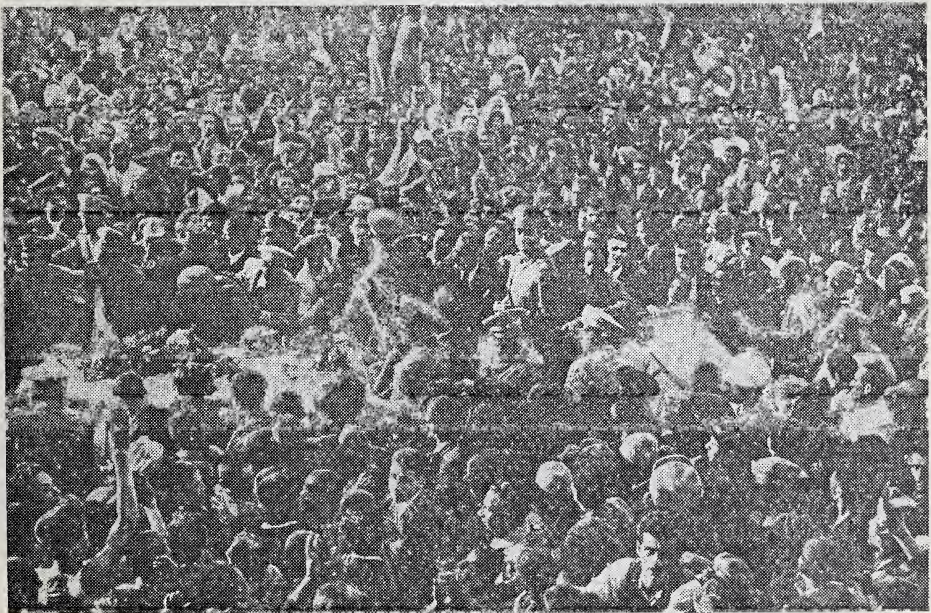


۱۴ - در جشن دانشگاه ردیف نشسته از چپ بر راست تیمسار سپهبد یزدان پناه تیمسار سرلشکر رزم آراه تیمسار سرلشکر جهانبانی تیمسار سرتیپ علوی مقدم و جناب آقای محمود بدر دیده می شوند .





۱۵ - روز تجلیل شهدای ایران روز ۲۰ اسفند ۱۳۲۵ چه روز پر خاطره  
 و مؤثری بود کودکان - دختران - پسران افسران شهید در راه میهن در میدان جنگ بادشمنان  
 در آنروز از دست شاهنشاه محبوب خود نشان جاوید گرفتند در قیافه این فرزندان  
 رشید دقت کنید عجب غرور شگرفی تراش میکنند از همین جا میتوان دریافت که پدرانشان  
 شایسته فداکاری و تحصیل این نام و مقام بزرگ بودند آنها برای اینکه ایران باقی  
 بماند جان خود را دادند .



۱۶ - زن و مرد اهالی محبوب شهرستان رشت - ایمنطور از شاهنشاه استقبال کردند .





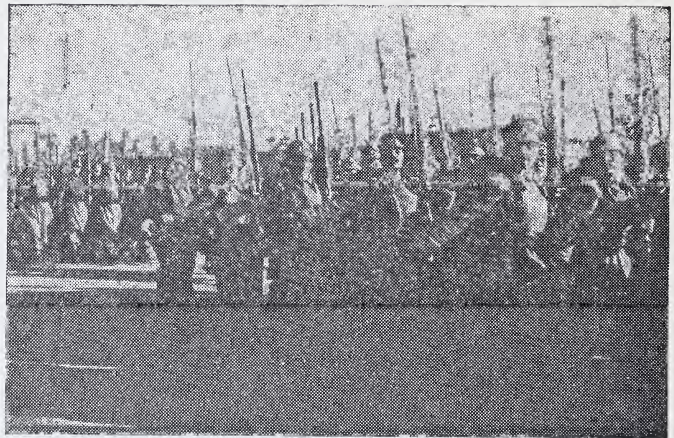
۱۷- دانشکده افسری  
ارتش شاهنشاهی ایران امروز یکی از بهترین و عالیترین دانشکده‌های نظامی جهان بشمار می‌آید در این دانشکده که دارای ساختمانهای بزرگ و متعدد می‌باشد با وضع و اسلوب بدیع و نوی که از آخرین روش آموزش جهان متمدن اقتباس گردیده جوانان سلحشور میهن پرست ایران فوج فوج به آنجا شتافته و تحصیلات سپاهیگری خود را تکمیل مینمایند

مخصوصاً فرزندان عشایر و ایلات ایران رغبت و تمایل فوق‌العاده‌ای نسبت باین مؤسسه بسیار بزرگ و وسیع

شبانه‌روزی نشان میدهند در گراور بالا عده‌ای از دانشجویان دانشکده افسری بالباس مخصوص اسکریم مشغول تمرین شمشیر بازی میباشند.

۱۸- در گراور

وسط دانشجویان دانشکده افسری با غرور میهن پرستانه خود در حال رژه مشاهده میشوند.



۱۹- نیروی دریائی ایران که شرح آن از صفحات ۱۱۵ ببعده در این تاریخ تفصیلاً درج گردیده است دو باره نهضت بایدارانه خود را آغاز نموده و افسران رشید بحریه بطوریکه در این گراور دیده میشوند از قیافه‌های گرفته‌آنان چنین آشکار است مطالبه روزی رادارند که ناوگان مسلح ایران برآبهای جهان فرمانروائی خود را تحصیل نماید



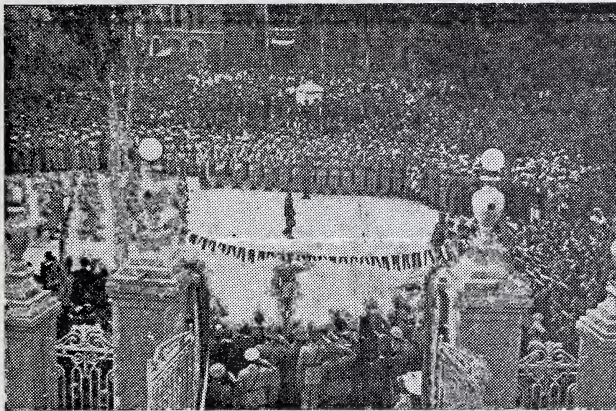


## ۲۰- هیجان عظیم در

ارتش ایران - امروزه  
سربازان و افراد سلحشور  
و جنگجوی سپاهی ایران  
بطوریکه از این قیانه های  
رشید هویسداست دارای  
روحیه بر التهاب و شتابی  
برای سرفرازی و نیل بپرتری  
هستند تمایل جنگجویان  
ایران برای حصول پیروزی  
هائی در آینده بقدری زیاد

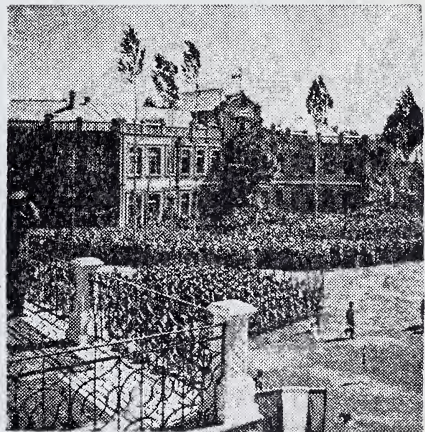


است که در دانشکده ها  
و اجتماعات سپاهی و نظامی  
دائماً دم از افتخارات گذشته  
و پیشرفت های آینده میزنند  
بطوریکه نگهداری و تولید  
صبر و آرامش در آنها بسیار  
مشکل است ارتش پولادین  
شاهنشاهی انتظار روزی را  
دارد که عظمت دیرین خود را  
تجدید نماید .



## ۲۱- گراور بالا در پیشگاه ملوکانه

با حضور متجاوز از صد هزار نفر از جمعیت تبریز  
لشکر سوم فاتح و تاریخی آذربایجان با سرفرازی  
فوق العاده رژه میروند .



## ۲۲- در گراور مقابل لشکر رضائیه

مانند اقبانوس مواجی از آهن و فولاد در حالیکه  
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روی بالکت  
تشریف فرما هستند با حضور جمعیت بی نظیری  
که هر لحظه احساسات شدید ابراز میداشتند  
رژه میروند .

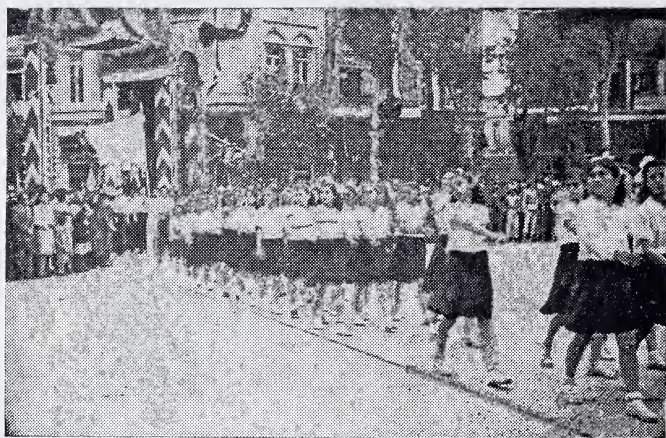




۲۳- نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی در بحر خزر - دریای خزر که شرح مفصل منابع طبیعی آن در صفحات ۲۱ تا ۲۵ این تاریخ داده شده است یکی از عطیه‌های بزرگ خداوندی برای ایران است . بهمین جهت توسعه بحریه آنجا ضروری است .

۲۴- نیروی شگرف و برغلیان دوشیزگان سلحشور که اینک باسرفرازی در تبریز از بیشگاه شاهنشاه محبوب خود برابر شهرداری رژه میروند .

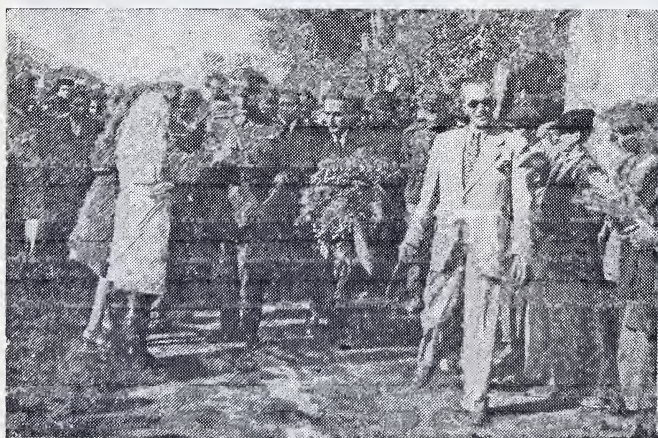
غرور ملی ایرانی از رخسار کلگون آنان پیدا است



۲۵- از خاطره‌های مسافرت تاریخی باذربایجان و گیلان

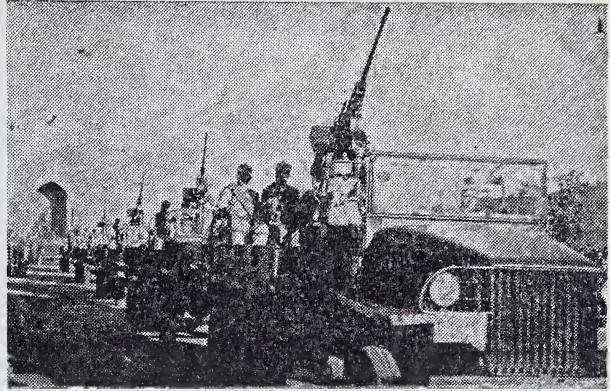
\*\*\*

بقدری زیارت شاهنشاه برای مردم آسان بود که زنان دهقانی و کشاورز بین راه بندر پهلوی برشت دسته‌های گل تقدیم میکردند و با آسانی عریضه‌های خود را مستقیماً بدست شاهنشاه میرسانیدند .

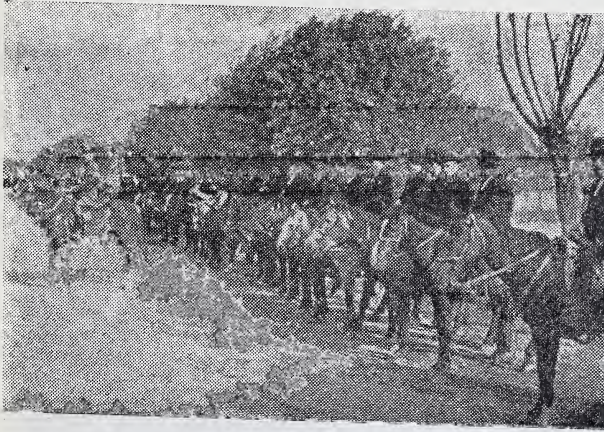




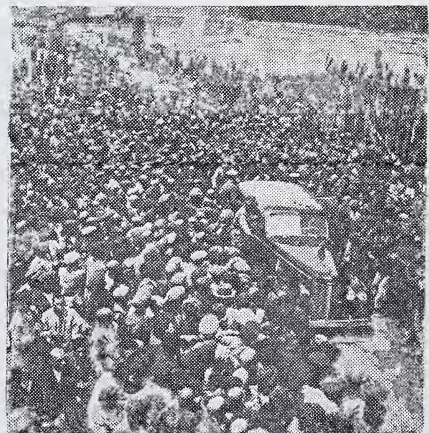
۲۶ - مسلسل های ضد هواپیما های جنگی در حال رژه از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در جشن میلاد مسعود ملوکانه چهارم آبان ماه ۱۳۲۵ بادیکن هریک از واحدهای نظامی ارتش شاهنشاهی غریو و آهورای ساکنان تهران در میدان سپه چنان با آسمان میرفت که کاخها را بلرزه در انداخته بود.



۲۷ - از فرسنگها مانده به تبریز تا تبریز سواران رشید و رؤسای طوایف و اقوام سلحشور پاک نژاد و اصیل ایرانی در طول تمام راه مسافرتی که شاهنشاه پس از فتح آذربایجان بآن استان فرمودند با استقبال آمده بودند اینها هستند جنگجویان حقیقی ایرانی و نجات دهندگان میهن



۲۸ - چه خبر هست . . . . ملاحظه نمائید ملت ایران اهالی سراب باجه هیجان شدیدی برای دیدن شاهنشاه هجوم می آورند. در طول تمام راه امواج جمعیت راه و مفری برای عبور باقی نمیگذاشت ملت آذربایجان بقدری تشنه دیدار شاهنشاه محبوب بودند که تاشاه را ننیدیدند اطراف اتومبیل سلطنتی را ترک نمیکردند .







۲۹- لئونارد دونچی نقاش ماهر ایتالیائی هرگز نمیتوانسته است چنین تابلویی از شکوفه‌های احساسات بوجود آورد حقیقتاً منظره غیر قابل توصیفی است طفلی که در وسط است با چه نگاهی بشاهنشاه خود نظر کرده و کودک خرد سان جلو چه قیافه معصومی بخود گرفته است دانشمند جوان ما آقای ارشد احساسات خود را هنگام عزیمت موکب ملوکانه از رشت عرض میکند



۳۱- در بین راه رضائیه ومهاباد افراد شاهدوست ایل شکاک درپیشگاه شاهنشاه رقص شیرین وجالب کردی میکنند .

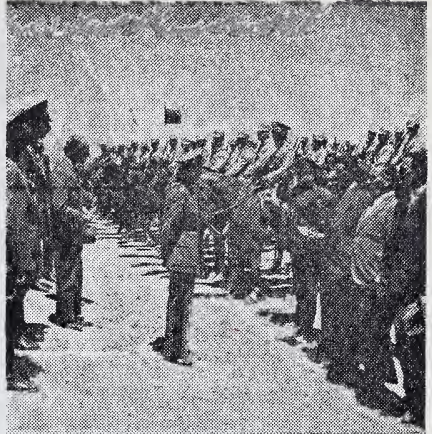


۳۰- رؤسای اقوام وطوایف وایلات میهن پرست شاهشونها که درروزهای تاریک دلاورانهمبارزه واستقامت کردند ( در فرمانداری اردبیل ) .





در این سه  
گسار و  
سواران  
چریک  
سلجشور  
آذربایجان  
و جنگجویان  
دلیر خوی  
و ماسکو  
اردبیل و  
رؤسای  
عشایر و

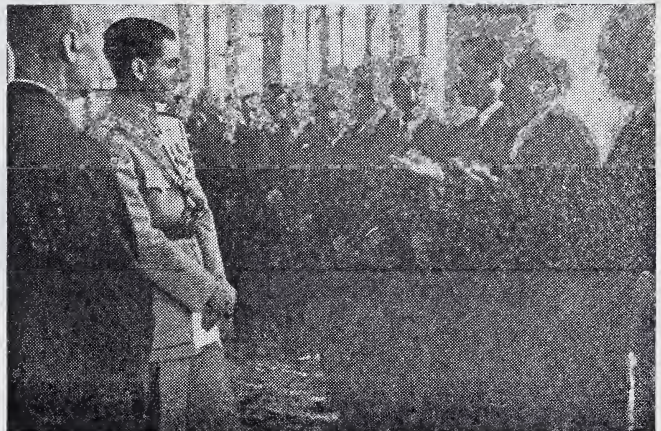


ایلات و طوایف بزرگ  
میمن پرست که در روزهای  
توفانی دلاورانه در راه  
نجات آذربایجان نبرد  
و پایداری کردند در اینجا در  
سه شهر مختلف آذربایجان  
شرح جریان فداکاریهای  
آنها مورد توجه شاهنشاه  
قرار میگیرد .



۳۵- هنگام شرفیابی

رجال و بزرگان آذربایجان  
برای سلامت ذات مبارک  
شاهنشاه یکی از آقایان عظام  
دعا مینماید .





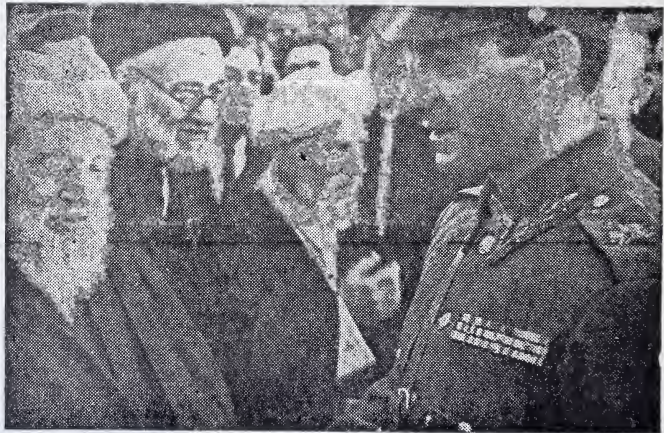


۳۶- در  
این صفحه  
توجهات  
مخصوص  
اعلیحضرت  
همایون  
شاهنشاه  
نسبت به علماء  
وحجج اسلام  
وراهنمایان  
دیانت -



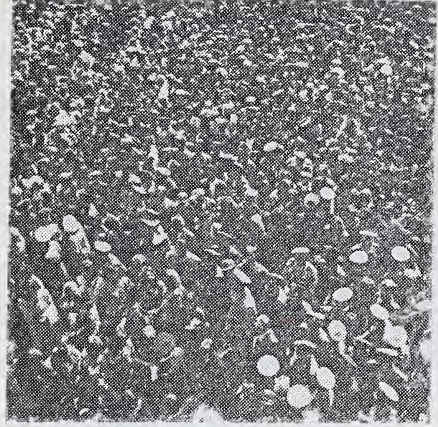
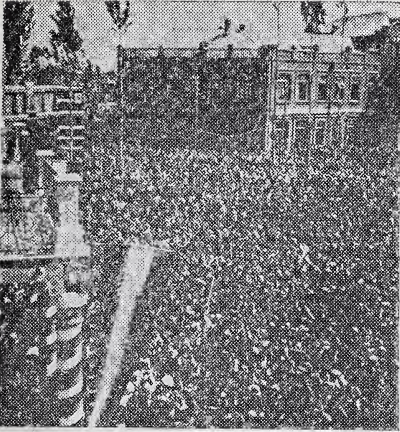
مبین اسلام واهل  
علم و آقا یان  
اعلام بخوبی بارز  
وهویدا است .

در این  
عکسها بترتیب  
جریان شرفیابی



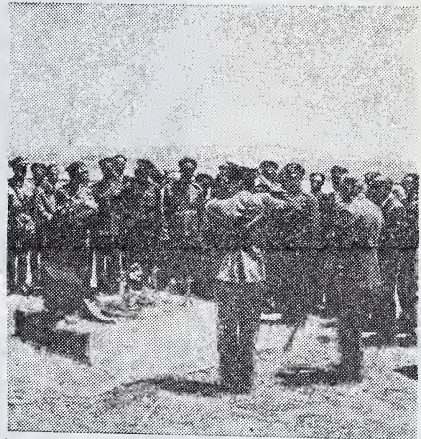
روحانیون و علماء  
بزرگ و مستقبلین  
رشت - مهاباد -  
تبریز و مسجد  
جامع تبریز مشاهده  
میشوند که ذات  
مبارک شاهان ایشان  
را مورد تقدسات  
فوق العاده ملوکانه  
خود قرار فرموده اند





۴۰- اینها هستند نژاد پاك ایرانی که پس از تسلط شوم دموکرات نماها و ستم‌گری‌ها و فجایع فزون از حد آنان اینک برای ورود شاهنشاه سر از پا نمی‌شناسند بیگانه پرستان اصرار داشتند چنین مردمی را از نژاد اغوز و نیرگان تایانک خان واوغل غایمش خاتون از پشت دیوار چین بدانند احساسات انبوه مردم رضائیه نسبت بشاهنشاه محبوب در این عکس‌ها بخوبی هویدا است.

۴۲- اینجا مراغه مزار مرحوم سرهنگ معین آزاد میباشد قلبی که بعشق میهن و مهر شاه می‌تپید و جسدی که هدف گلوله و شمشیر آدم‌کشان رذل شد در اینجا خفته است سرکار سروان ثبتي فاجعه دلگداز



قتل او را حکایت میکند ( پست فطرتان بیوطن سرهنگ معین آزاد را بخارج شهر بردند و سرش را با سنگ کوبیدند تا جان داد دل قاتلین او ازسنگ سخت‌تر بود ) .

اعلیحضرت شاهنشاه دسته‌گسلی برسر قبر این افسر فداکار گذاشتند و حضار باحترام روح پاك او یکدقیقه سکوت کردند .

گراور بالا بازدیدید و دلجوئی ذات مبارك ملو کانه از بیماران ناتوان بیمارستان اردبیل.



# فصل بیست و یکم

تاریخچه ۲۵ ساله نیزوی ژاندارمری کشور

## شاهنشاهی ایران

پس از کودتای ۱۲۹۹، بمنظور برقراری نظم و حفظ انتظامات کشوری و همچنین اجرائیات وزاتخانه‌ها بر حسب امر فرماندهی کل قوا و وزیر جنگ (سردار سپه) از تاریخ یکم حمل ۱۳۰۱ اداره بنام تشکیلات امنیه کل مملکتی در تحت امر وزارت جنگ تشکیل و ریاست آن بعهده تیمسار سرلشگر نقدی (سردار رفعت) محول گردید معظم له سازمانی بفرآخور روز تهیه و مشغول انجام امور گردید برای اینکه تشکیلات امنیه از ابتدای سازمان خود از حیث نفر داوطلب در مضیقه بود بنا بموقعیت محلی از اشخاص با نفوذ و بومی و عشایر خدمت گذار بنام امنیه محلی استخدام و برؤساء بعضی از طوایف افتخاراً درجات افسری اعطاء شد امنیت قسمتی از مناطق نیز بآنان محول و بدین طریق پاسگاههای مورد لزوم در مناطق مختلفه ایران برقرار گردید در فروردین ماه ۱۳۰۴ تیمسار سرلشگر احمد امیراحمدی بر حسب امر فرماندهی کل قوا بریاست اداره امنیه منصوب و مشغول کار گردیدند و بلافاصله تعدادی از افسران کار آزموده و مجرب را از ارتش به امنیه منتقل و سازمان جدیدی بر حسب احتیاجات روز پیشنهاد و بموقع اجرا گذاردند تیمسار سرلشگر احمد امیراحمدی پس از اجرای سازمان فوق بمنظور تحکیم انضباط و نفوذ قوای دولتی بکلیه نواحی دستور دادند که در اسرع وقت افراد لایق استخدام و بتدریج بخدمت افراد محلی امنیه خاتمه داده شود و بهمین ترتیب واحدها اقدام و تدریجاً افراد محلی از خدمت معاف شدند.

بنا به تجربه که فرماندهی اداره امنیه نسبت بتأمین مناطق کشور و احتیاجات قوای تأمینیه حاصل نموده بود مجدداً در اواخر سال ۱۳۰۶ سازمان نوینی که احتیاجات کشوری را از هر حیث مرتفع نماید تهیه و پس از تصویب اعلیحضرت فقید سعید از فروردین ماه ۱۳۰۷ بموقع اجرا گذارده شد در موقع فرماندهی تیمسار سرلشگر احمدی امنیه موفق گردید که در نابودی دسته‌های کوچک راهزنان مسلح مستقلاً بدون کمک ارتش اقدام نماید و همچنین ارجاعات دوایر دولتی مخصوصاً مقامات قضایی با سرعت بیشتر بموقع اجرا گذارده شد چون در موقع سازمان جدید ارتش همه سال تعدادی افسر برای طی دوره دانشکده های نظامی فرانسه بآن کشور اعزام میگردد در مهرماه سال ۱۳۰۷ بموجب پیشنهاد تیمسار سپهد امیراحمدی و تصویب اعلیحضرت

بقیه سازمان شهربانی از صفحه ۱۷۶

قسمت پلیس قضایی مرکب از ( اداره آگاهی - اداره انگشت نگاری و تن پیمائی - اداره بازداشتگاه و زندان بریاست آقای سرهنگ حسن نخعی .

قسمت آموزش و پرورش مرکب از ( اداره آموزشگاه عالی شهربانی - آموزشگاه تکمیلی افسری آموزشگاه تکمیلی اداری و مالی - آموزشگاه تکمیلی قضایی - آموزشگاه فنی راهنمایی و رانندگی آموزشگاه سرباسانی - آموزشگاه سرباسانی) بریاست آقای سرهنگ احمد درخشان .

قسمت امور اداری مرکب از ( اداره دفتر کل - اداره کارگزینی - اداره بهداشتی) بریاست

آقای سرهنگ فرج الله همایونفر .

شاهنشاه فقید یکنفر افسر و نه نفر دانشجو بمنظور طی دوره دانشکده ژاندامری به فرانسه اعزام شدند و از لحاظ اینکه تیمسار سرلشگر امیراحمدی ضمن عهده‌داری ریاست اداره امنیه فرماندهی لشکر غرب را نیز عهده‌دار بودند برحسب امر اعلیحضرت فقید سعید از اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ ریاست اداره امنیه به تیمسار سرتیپ فضل‌الله زاهدی محول و مدت یکماه و نیم ایشان ریاست امنیه را عهده‌دار بودند و برحسب امر شاهانه در اواخر خردادماه ۱۳۰۸ تیمسار سرتیپ مرتضی یزدان‌پناه رئیس اداره بازرسی ارتش بر ریاست اداره امنیه منصوب و معظم له نسبت به برقراری نظم در تمام کشور و پیشرفت تعلیمات افراد زحمات زیادی متحمل شدند و افسران و افراد را بوظایف خطیری که عهده‌دار بودند آشنا ساخته و همچنین نیروی تأمینیه بعضی نقاط که تکافوی انتظامات محل را نمینمود بواحدهای بزرگتری تبدیل و در بعضی نقاط کشور که اساساً فاقد قوای امنیه بود واحدهائی اضافه نمودند در اواخر فروردین ماه ۱۳۰۹ تیمسار سرتیپ عزیزالله ضرغامی بر ریاست اداره امنیه منصوب شدند و ایشان در بدو امر نسبت به سازمان قسمتهای امنیه و مرتب نمودن امور دفتری و ترتیب جریان اداری قسمتی اقدام و در پیشرفت امور واحدها و تعلیمات افراد اقدامات شایسته نمودند مخصوصاً چون در آن موقع امنیه به تعداد کافی از داشتن افسران جوان و متخصص در فن امنیه بی‌بهره بود برای اصلاح وضعیت امنیه و تکمیل کادر افسری افتتاح آموزشگاه فنی امنیه را مورد لزوم دانسته آنرا بوزارت جنگ پیشنهاد و مورد تصویب شاهانه واقع از یکم مهر ۱۳۰۹ آموزشگاه ستوانی امنیه تشکیل گردید و این موضوع یکی از قدمهای اساسی نسبت به پیشرفت و ترقی سازمان اداره امنیه بود برای تکمیل کادر افسری مالی امنیه نیز طبق پیشنهاد ریاست اداره امنیه و تصویب شاهانه از تاریخ یکم مهرماه ۱۳۱۱ یک آموزشگاه مالی افسری تشکیل گردید و بتدریج کسری کادر افسری مالی تکمیل و احتیاجات امنیه نیز از این حیث مرتفع شد چون سازمان قبلی امنیه با احتیاجات روز وفق نمیداد سازمان جدیدی پیشنهاد و بتصویب رسید . چون از اواسط مرداد ماه ۱۳۱۳ تیمسار سرلشگر ضرغامی بر حسب امر شاهانه بر ریاست ستاد منصوب شدند سرهنگ غلامعلی زند بکفالت اداره امنیه برقرار گردید .

در سال ۱۳۱۵ بر حسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اداره تشکیلات گمرکات سرحدی منحل و سوابق آن باداره امنیه تحویل گردید بعداً در سازمان امنیه تجدید نظر شده و سازمانی جدید تهیه و تصویب شد که در ضمن آن ژاندامری امور مرزی را نیز عهده‌دار گردید در دیماه ۱۳۱۵ تیمسار سرتیپ عبدالمجید فیروز بکفالت اداره منصوب و تا اواخر سال ۱۶ که ایشان بر ریاست دادرسی ارتش منصوب گردیدند هیچگونه تغییراتی در سازمان اداره امنیه داده نشد . پس از انتصاب تیمسار سرتیپ فیروز بر ریاست دادرسی ارتش سرکار سرهنگ محمود خسرو پناه معاون اداره امور اداره را عهده‌دار گردیدند .

در تاریخ یکم فروردین ماه ۱۳۱۸ بر حسب امر اعلیحضرت فقید سعید اداره مرکزی امنیه منحل و واحدهای آن جزو سازمان لشگرها و تیپ‌های ارتش گردید بعداً فرماندهان لشگرها و تیپ‌ها در سازمان واحدهای امنیه تجدید نظر نموده و سازمان نوینی تهیه و پس از تصویب بمورد عمل گذارده شد این وضعیت تا شهریورماه ۱۳۲۰ ادامه داشت در مهرماه ۱۳۲۰ طبق تصویب مجلس شورای ملی و بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مجدداً اداره مرکزی امنیه تشکیل و تحت نظر وزارت کشور قرار گرفت و تیمسار سرتیپ زاهدی بر ریاست آن منصوب شدند و سازمان جدیدی طبق احتیاجات کشور تنظیم و پس از پیشنهاد بوزارت کشور و تصویب بموقع اجراء گذارده شد .

در آخر آذر ماه ۱۳۲۰ تیمسار سر تیپ زاهدی بستاد ارتش منتقل و تیمسار سر تیپ فرج‌الله آق اولی بر ریاست اداره امنیه منصوب و طبق پیشنهاد ایشان نام امنیه بژاندارمری که لغت بین‌المللی است تغییر یافت در اوائل آذر ماه ۱۳۲۲ تیمسار سر لشکر آق اولی بر ریاست دادرسی ارتش منصوب و تیمسار سر تیپ حسینقلی سطوتی معاون ژاندارمری بفرماندهی ژاندارمری منصوب گردیدند در سال ۱۳۲۱ بمنظور تغییر کلی در سازمان ژاندارمری و تطبیق آن باوضع نوین دنیا دولت تصمیم گرفت با جلب موافقت مجلس شورای ملی از فکر و ابتکار افسران متخصص کشورهای متحده آمریکا شمالی استفاده نماید لذا با مقامات آمریکا داخل مذاکره شده در نتیجه موافقت آن دولت عده از افسران آمریکائی تحت سرپرستی سرکار سرهنگ شوارتسکیف که در آن موقع فرمانداری نظامی شهر نیویورک را عهده‌دار بودند در اواخر شهریور ۱۳۲۱ بایران وارد پس از بررسی لازم در اطراف سازمان واحدهای ژاندارمری و احتیاجات آن و تقدیم پیشنهادات خود بدولت ایشان بسمت ریاست سازمان ژاندارمری تعیین و مشغول کار شدند و سازمان جدیدی نسبت بوضع جغرافیائی ایران تنظیم و بوزارت کشور پیشنهاد و پس از تصویب بموقع عمل گذارده شد در سازمان جدید تعدادی وسائل نقلیه موتوری و مکانیکی و همچنین وسائل محابراتی سریع پیش بینی شده که تا کنون قسمتی از آن از آمریکا خریداری و وارد و در حال حاضر نیز روز بروز روبه تکمیل است . در اواخر فروردین ۱۳۲۳ تیمسار سر لشکر خسرو پناه بفرماندهی ژاندارمری منصوب شدند و همچنین سرکار سرهنگ شوارتسکیف در اواخر سال ۱۳۲۴ از طرف دولت آمریکا به درجه ژنرال مقرر گردیدند .



این است عکس رژه فدائیان مهاجر که یکسال تمام با اسلحه‌های آتشزا و خوف عجیب و غریب خود بر آذربایجان عزیز حکومت سراسر قتل و جبر و زجر بی‌مها با کردند هدف و آرزوی فعالیت این اوباشان قلدر و بربر متلاشی کردن ارتش ایران و در دست گرفتن حکومت مقدس چندین هزار ساله شاهنشاهی و محو کردن استقلال ایران بود این درندگان سبع در حال خواندن سرود رژه می‌روند ترجمه سرود آنها از زبان غیر مانوس چنین است = ما سال دیگر حکومت ایران را بدست خواهیم گرفت ! . . . ما شکست ناپذیر هستیم ! . . . این سرود را قبل از فرار غلام یحیی از مرز میخواندند ! . . .



امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده‌اند



تیمسار سر لشگر احمد معینی



تیمسار سر لشگر دکتر کریم هدایت



تیمسار سر تیپ میر حسین هاشمی

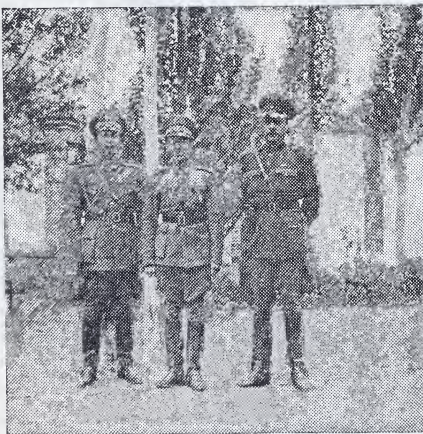


تیمسار سر لشگر فضل‌الله همایونی





نیروی عظیم دلهائی که بعشق عظمت ایران می تپد جوانان دلاور و ورزنده ایران میباشند که صندوق سینه هایشان کانونی، پیرحرارت از آرزوهای برتری و سر افزای و تفوق است اکنون در این منظره باشکوه و ابهت این سلحشوران ستبر اندام در پیشگاه شاهنشاه جوانبخت ایران رژه میروند

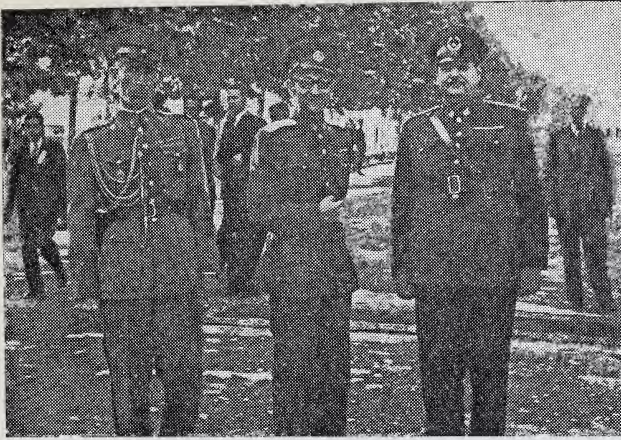


از چپ بر راست سرکار سرهنگ اسدالله صنیعی آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سرکار سروان حسین فردوست رئیس دایره آجودانی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - سرکار سرگرد شفقت فرمانده گارد شاهنشاهی ۳ افسر ممتاز ارتش ایران ( عکس در سراب آذربایجان برداشته شده است)



تیمسار سر لشگر هادی شقاقی





اداره کزیدگان امنیت و انتظامات از راست بچپ : تیمسار سرتیپ حسین مظفری فرماندار نظامی تهران - تیمسار سرتیپ محمدعلی صفاری رئیس شهربانی سرکار سرهنگ محمد دفتری فرمانده نیروی دژبانی ارتش شاهنشاهی .



سرتیپ عبدالله عهیدی  
فرمانده لشکر یکم پادگان مرکز



سرهنگ احمد بهارمست سرهنگ هوایی هدایت گیلانشاه  
رئیس ستاد بازرسی ناحیه ۱ کفیل فرماندهی نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی

سرهنگ ستاد بیژن گیلانشاه  
رئیس رکن دوم ستاد ارتش

روحیه سر بازان جنگجوی ایران در نبرد با دموکراتهای بیوطن - مؤلف از افسران رشید  
وارد در کارزار درباره روحیه سر بازان ایرانی در جنگ آذربایجان با فدائیان مهاجر شنیدم که میگفتند سر بازان  
ما چنان میجنگیده و بی مهابا بسوی شلیک آتش دشمن پیش میرفته اند که هیچ فرقی نمیتوان بین آنها با بهترین  
سر بازان جنگنده آمریکا یا کشور اتحاد جماهیر شوروی یا یونان و یا آلمان گذاشت بلکه از بسیاری جهات بر سر بازان  
کشورهای مختلف برتری داشته و دارای روحیه مین پرستی قوی تری بوده اند .



## خلاصه فلسفه گفتار من این چند کلام است



ما هفده ملیون نفر هستیم که با یکدیگر تاپای جان برای بدست آوردن تفوق عقد اتفاق و یگانگی بسته ایم ما حالیه فقیر هستیم و دردشوار ترین مراحل زندگانی بشریت قرار گرفته ایم آنچه که مارا نجات میدهد اتحاد ما و پشتکار ما است قبل از اینکه هر دلسوز دیگری بفکر سعادت ما باشد خود میخواستیم بر روی باهای خود بایستیم منابع ومعادن خود را بکار اندازیم ما هیچگونه امتیازی بهیچ دولت و کشوری نخواهیم داد و آنچه را که داریم برای تعادل حقوق بشریت که ما جزئی از آن هستیم و از مزایای آن محروم میباشیم میخواستیم بنفع خود و بسود خود بکار بندیم هر گونه امتیازی سرآید تجدید نخواهیم کرد و هیچگونه امتیاز بیمورد

### مؤلف کتاب

دیگری اعطا نخواهیم نمود دیگران همه چیز دارند و آنچه که آنها را وادار باستفاده از منابع ومیراث نیاسکن ما میکنند جز زیاده زوی و طمع نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد در حال آنکه ملت ماملت باستانی ومشعل دار تمدن اینک در شدید ترین دقایق زندگانی ره فقر وفنا می سپرد و مرض و گرسنگی اورا از پای در میآورد باینکه عجزی برای استفاده از ثروت های خود نداریم پس چرا بدیگران بدهیم بالاخره ما هم جزء توده های وسیع بشری در این دنیا زنده هستیم و زندگانی بامساوات میخواستیم

آنچه را دیگران قابل بهره برداری میدانند قبل از همه برای خود ما لازم و حیاتی است خداوند همیشه ملت ما را از ورطه های هائل و گرداب های مدهش بدبختی نجات داده و به ساحل مفرح نورانی رسانیده است اکنون بر ملت ایران است که همه آنان در این داستان بامن متفق القول و همداستان شوند و پشتیبان این نیت ترقی خواهانه باشند پشتیبان ملت ایران ارتش است که تا آخرین نفر و آخرین قطره خون خود حاضر بفداکاری در راه استقلال وعظمت و تمدن ملت کبیر خود میباشد . ارتش ایران نیز در صورتی قوی و شکست ناپذیر است که ۱۷ ملیون دل بایک ضربان آنرا تقویت و پشتیبانی نمایند ما باید مقتدر باشیم - متمدن باشیم - ایران را آباد کرده ثروتمند شویم - خود را از دیگران مستغنی سازیم .

ما در عین حال که نسبت بتمام ملل صلح جو مخصوصا همسایگان خود کمال محبت ووداد داریم **ملت های بزرگ متحد شده امریکای شمالی** را از جمله شریفترین دوستان خود می شماریم که باتکاء قدرت و قوه عظیم او استقرار عدالت را در جهان توفانی کنونی قابل حصول میدانیم و با محبت ودوستی فوق العاده ایکه نسبت باین کشور داریم امید واریم اثرات ونتایج افکار و اعمال پیشوایان حریت امریکای دادپرور ومتمدن را در وضع امروزی دنیای خود مشاهده نماییم .

جوانان سلحشور و سربازان وطن . . برای سعادت ملت بزرگ خود و تفوق میهن عزیز تاریخی ما ایران از مصیبت قلب وجان یکدل شوید . . کار کنید . . پیش بروید . . **ارتش محور اتکاء ومهبط آمال ومظهر حیثیت واستقلال شما در جمیع این مراحل است .** قدیمی



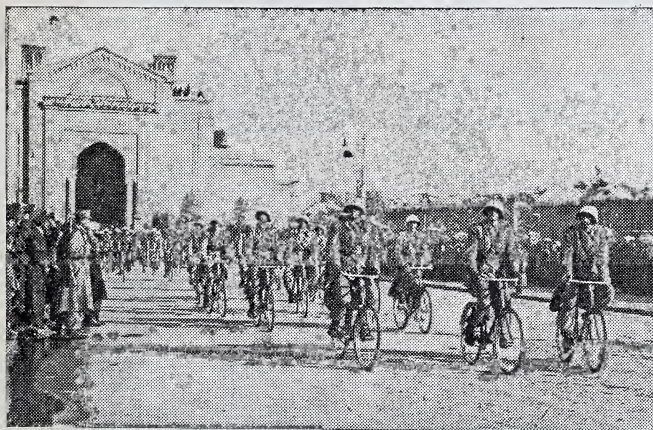


اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مانور دانشکده افسری که در کرج اجرا گردید سمت چپ جناب آقای محمود جم وزیر جنگ مشاهده میشود محصول دانشکده افسری تا سال قبل بالغ بر ۱۱۶۱۹ نفر افسر بود که در حدود ۱۳۷ نفر از آنان تا کنون در راه حفظ تاج و تخت ایران شربت شهادت نوشیدند.



دوشیزه مبارز پریش آقازاده شاگرد کلاس دهم دبیرستان شاهدخت رضایه که بادسته های مخفی و مبارز میهن پرستان بانوان آذربایجان راه داشت و اوراق تبلیغاتی ایران را با چادر نماز بخش میکرد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باو نشان عطا فرمودند و باو دست دادند.

تاریخ ایران مبارزه دلاورانه دوشیزگان میهن پرستی را چون او وزیننده امینی - آفاق یایوردی - روشنگر برزگر - دوشیزه مقدم و ویکتوریا اسکندر و هزاران امثال آنرا که در راه حصول پیروزی نهائی ارتش ایران بادشمنان جنگیده و از فدا کردن جان خود نترسیده اند هیچگاه فراموش نمیکند.



### اخطار مهم بمیهن پرستان و مجاهدین آذربایجان - بتمام نهضت های مقاومت و مبارزه کنندگان مسلح و غیر مسلح و محصلین و بانوانیکه در نبردهای بر علیه دموکراتهای خائن مخفیانه یا آشکارا شرکت داشته اند

اخطار میشود داستان مبارزات خود را بتفصیل بعنوان اداره سالنامه آریان بتهران ارسال فرمایند در کتاب معظمی که بنام جنگجویان چریک و نهضت

نیروی دژبان بی سیکلت سوار ارتش شاهنشاهی در حال رژه

های مبارز بزودی منتشر خواهیم نمود برای سرمشق مبارزه نسل آینده چاپ خواهد شد .

### سرود دانشکده افسری

همیشه دل از رنج آزاد دار	ایا شاه ایران تو دل شاد دار
بدین کار داریم شاها توان	پراز مهرشاه است ما را روان
خجسته براو گردش روزگار	که جاوید بادا سر تاجدار
بدین بوم و بر زنده یکتن مباد	چو ایران نباشد تن من مباد
خرد زیور تاجداران بود	خرد افسر شهریاران بود
خرد مایه زندگانی شناس	خرد زنده جاودانی شناس
خرد دست گیرد بهردو سرای	خرد رهنما و خرد دلگشا
بدین بوم و بر زنده یکتن مباد	چو ایران نباشد تن من مباد
به بندد زید دست اهریمنی	زدانش بود مرد را ایمنی
که خود رنج بردن بدانش سزاست	برنج اندر آید تن را رواست
سزاوار گردد بجنگ و نبرد	چو بنیاد دانش بیاموخت مرد
بدین بوم و بر زنده یکتن مباد	چو ایران نباشد تن من مباد

### سرود آذرآبادگان

میمهن از تو باشد بس سر بلند	ای در استواری چو کوه سهند
افتاده بگرداب غم شر نگون	بد خواهان تو تیره روز و زبون
چشم دوستان و دشمنان بسوی توست	نور دیده وطن فروغ روی توست
اخگر ز آذرت بجان دشمن است	بزم دوستان ز آذرت روشن است
ای خاک تو مهد آزادگان مهد آزادگان	ای کشور آذرآبادگان آذرآبادگان
خرم بمان همچو خرم بهشت	دور از تو اندیشه بد کنشت

در وقایع شهریور علاوه بر آنچه که مادر این تاریخ شرح دادیم افسران و وظیفه شناس بسیار دیگری هم مانند مرحوم سرلشگر امین تا آخرین دقیقه در سرپشتهای خود باقی ماندند که نامهایشان را در کتاب دیگری که بنام وقایع نظامی شهریور در دست تألیف داریم شرح خواهیم داد.

کتاب تاریخ مفصل ارتش شاهنشاهی ایران ۸ جلد خواهد بود که نخستین جلد آن مربوط به وقایع نظامی شهریور و دومین جلد آن بنام جنگجویان چریک و نهضت های مقاومت بزودی منتشر خواهد شد.

برای ۴ صفحه این تاریخ از لحاظ اهمیتی که دارد و هرایرانی باید آنرا بخواند قیمت و بهائی نمیتوان تعیین نمود این ۴ صفحه را بین فصلهای مهم اول و دوم و سوم و چهارم بخوبی و آشکارا میتوان پیدا کرد.

خواهشمند است نظریات خود را ضمن مطالعه این تاریخ حتماً برای مؤلف بنگارید و اگر مضامین بدیعی در آن مشاهده فرمودید در نامه ها و آثار خود با ذکر مأخذ بکار بندید - هر وقت که دست بسوی این کتاب میبرید از مؤلف یاد خیر کنید .



اعلیحضرت همایون  
شاهنشاهی در تبریز  
هنگام رژه لشکر  
سوم آذربایجان



# THE TWENTY - FIVE YEARS HISTORY OF THE IMPERIAL IRANIAN ARMY

Compiled By

**Zabihullah Rezvani Ghadimi**

The Famous Historian And Writer, Compiler of  
"Arian" Almanac (for 14 Years), Writer of 20  
Books on Political, Historical And Social Subjects and  
Editor of the weekly Illustrated "Aryan" Magazine.

**All. Rights Reserved**

"Aryan" Almanac Office :

Lalezar Street, Telephone : 8547

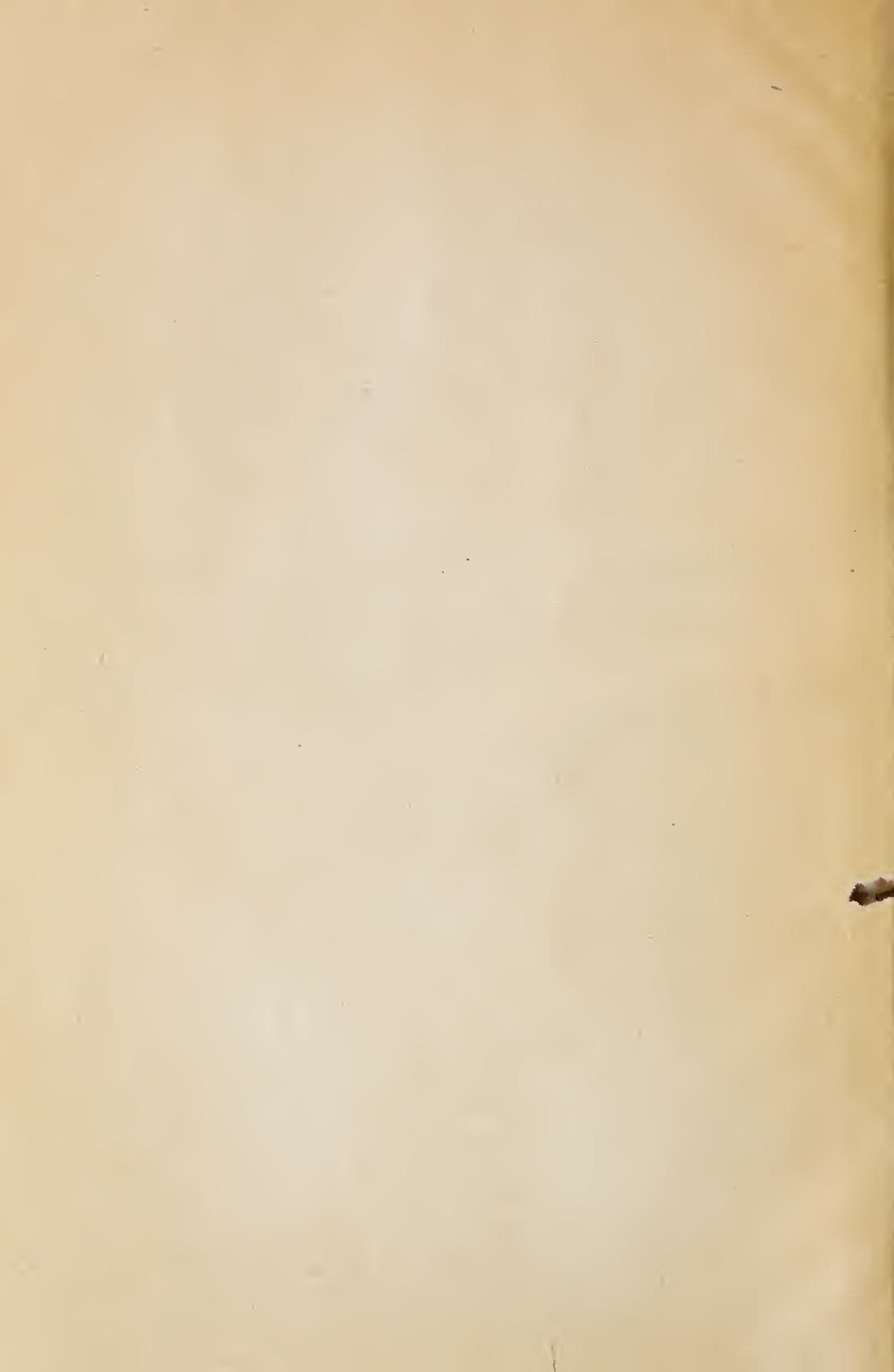
Telegrams : Aryan, Tehran.

PRINTED, IN UNPARAUELLED NUMBER, IN BOTH  
MAJLIS AND BANK MELLIE PRINTING PRESSES.  
TEHRAN, IRAN.

1326 - 1947

## سالنامه آریان

هر شخصی بسالنامه و تقویم بملی احتیاج دارد - پس بهتر است دوره سالنامه تاریخی و مهیج آریان  
را تهیه نمائید تا هم از تقویم بملی طلاکوب آن یکسال تمام استفاده کنید و هم از مطالعه مطالب  
سیاسی - اقتصادی - کشاورزی - فرهنگی - خانه داری - بهداری - ادبی - علمی آن لذت برید .









THE LIBRARY  
OF  
THE UNIVERSITY  
OF CALIFORNIA  
LOS ANGELES



DS  
318  
Q19t

